اطلاعات

رئیس‌جمهوری: پهلوانی را در زندگی سیاسی نباید از یاد ببریم

* اگر در انتخاباتی پیروز و به‌عبارتی قهرمان نشدیم باید پهلوان باشیم
* باید در قالب رقابت سالم سیاسی، از میزان اختلافات احتمالی بکاهیم و همه برای تقویت و توسعه کشور تلاش کنیم

صفحه ۲

واشنگتن: تجربه ناموفق جنگ عراق را هرگز در سوریه تکرار نمی‌کنیم

* سخنگوی کاخ سفید: مسأله سوریه از طریق نظامی قابل حل نیست
* دیدبان حقوق بشر: جنگ، ۱۳ میلیون سوری را آواره کرده است
* داعش یک دختر ۴ ساله سوری را در رقه سر برید

صفحه ۱۶

چهارشنبه ۲ تیر ۱۳۹۵ – ۱۶ رمضان ۱۴۳۷ – ۲۲ ژوئن ۲۰۱۶ – سال نودم – شماره ۲۶۴۷۰ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – استان های تهران و البرز ۵۰۰ تومان – سایر استان ها ۳۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب:

شعرا باید در قبال مسائل روز مسئولیت داشته باشند



* شاعران باید در مقاطع حساس به نیازهای کشور پاسخ دهند
* شاعران سرمایه‌ها و ذخایر ارزشمند کشور هستند
* شعر باید به عنوان ابزاری مؤثر به مسئولیت خود عمل کند
* قریحه سرشار و تسلط بر انواع شعر و دایره وسیع واژگان از امتیازات مرحوم حمید سبزواری بود
* باید با تولید سرودهای خوب و ترویج مناسب آنها، کمبود و خلأ موجود در این عرصه را برطرف کرد
* شاعران جزو عزیزترین و فاخرترین سرمایه‌های کشور هستند
* بیان خیانت‌های آمریکایی‌ها در قضیه برجام یکی دیگر از عرصه‌های ممکن برای سرودن شعر زنده است
* متاسفانه گاهی از فردی که ذره‌ای گرایش به مفاهیم اسلام و انقلاب اسلامی نشان نداده است، تجلیل می‌شود اما از هنرمندی که همه عمر و سرمایه هنری خود را در راه اسلام و انقلاب گذرانده است، تجلیل و توجه نمی‌شود
* یکی از ابزارهای اصلی و مؤثر در میدان جنگ نرم و جنگ سیاسی، فرهنگی، امنیتی و مقابله با نفوذ شعر است
* در این دیدار، ۲۳ نفر از شاعران، اشعار خود را در حضور رهبر انقلاب اسلامی قرائت کردند

صفحه ۲

واکنش گسترده جهان تشیع و غرب به سلب تابعیت رهبر معنوی انقلاب بحرین

* ۲۵۲ نفر از نمایندگان مجلس، در بیانیه‌ای اقدام رژیم آل‌خلیفه را محکوم کردند
* جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به سران رژیم بحرین هشدار داد
* سخنان سردار سلیمانی بازتاب منطقه‌ای و جهانی داشت
* آمریکا اقدام دولت بحرین را در سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم نگران‌کننده خواند
* دیدبان حقوق بشر: اقدامات دولت بحرین باید با عواقب و تبعاتی روبه‌رو شود و نباید صرفاً ابراز نگرانی کرد
* سازمان ملل: سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم غیرقابل توجیه است
* سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم موجب شعله‌ورشدن انقلاب بحرین و فروپاشی رژیم دست‌نشانده این کشور می‌شود

سرویس خارجی: صدور حکم ظالمانه لغو تابعیت« شیخ عیسی قاسم»، رهبر معنوی انقلاب بحرین توسط رژیم آل خلیفه، موجی از واکنش های جهان تشیع و برخی کشورهای غربی را به همراه داشته است.

در اولین واکنش، جمهوری اسلامی ایران، اقدام دولت بحرین در سلب تابعیت از آیت الله شیخ عیسی قاسم و تشدید رویکردهای امنیتی علیه رهبران دینی و ملی، ضدیت با اعتقادات و مبانی دینی و دستبرد به اموال و وجوهات شرعی مردم بحرین را محکوم کرد.

بقیه در صفحه ۱۶

جزئیات تازه از دستگیری تروریست‌های تکفیری وهابی در تهران

* وزیر اطلاعات: ۱۰ تروریست تکفیری وهابی در تهران و ۳ استان مرزی و مرکزی کشور دستگیر شده‌اند
* برنامه‌ریزی تروریست‌ها، بمب‌گذاری و انفجار از راه دور عملیات انتحاری، انفجار خودرو حامل مقادیر انبوه مواد انفجاری و با هدف انفجار در مراکز تجمع و پرتردد مردم بود
* تروریست‌ها ۵۰ هدف انفجاری را شناسایی و مواد منفجره برخی از اهداف را آماده کرده بودند

صفحه ۱۴

نرخ تورم خرداد تک رقمی شد

* مرکز آمار ایران نرخ تورم دوازده ماهه منتهی به خرداد امسال را ۹/۵ درصد اعلام کرد
* نرخ تورم نقطه به نقطه در خرداد ۶/۱ درصد شد
* با تداوم روند سیاست‌هایی که دولت پیگیری می‌کند کاهش نرخ تورم ادامه خواهد داشت

صفحه ۴

رهبر معظم انقلاب: شعرا باید در قبال مسائل روز مسئولیت داشته باشند

درشب میلاد کریم اهل‌بیت حضرت امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)، جمعی از اهالی فرهنگ، استادان شعروادب فارسی و شاعران جوان و پیشکسوت کشور و شماری ازشاعران ازکشورهای پاکستان، هندوستان وافغانستان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبرمعظم انقلاب اسلامی دیدارکردند.

ایشان دراین دیدار، شاعران را سرمایه‌ها و ذخایرارزشمند کشورخواندند و با تأکید برلزوم زنده، بهنگام و موضع‌دار بودن شعر درباره مسائل اصلی و نیازهای کشور، خاطرنشان کردند: امروزجنگ دیگری ازنوع جنگ نرم ومبارزه‌ای سیاسی و فرهنگی درجریان است و در این مصاف، شعرباید به‌عنوان ابزاری مؤثربه مسئولیت خود عمل کند.

رهبرانقلاب اسلامی باتکریم وگرامیداشت یاد مرحوم حمید سبزواری، قریحه سرشار و تسلط برانواع شعر و دایره وسیع واژگان را ازامتیازات آن شاعرارجمند برشمردند وافزودند: ویژگی بی‌نظیرمرحوم سبزواری، سرودهای تأثیرگذار، با کیفیت و به‌روزاو بود.

ایشان ازهمین زاویه سرود را مؤثرترین نوع شعرخواندند وگفتند: سرعت و فراگیری عمومی‌سرود ازهمه انواع شعری بیشتراست و سرود مانند هوای تازه و بهاری درجامعه نفوذ می‌کند؛ بنابراین باید با تولید سرودهای خوب و ترویج مناسب آنها، کمبود وخلأ موجود دراین عرصه را برطرف کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سپس درتبیین جایگاه و مسئولیت شعر، شاعران را جزو عزیزترین و فاخرترین سرمایه‌های کشوردانستند وافزودند: این سرمایه باید دربزنگاه‌ها و درمقاطعی که کشوردرمسائلی همچون مسائل سیاسی، فرهنگی، ارتباطات مردمی‌و پیوندهای اجتماعی و مواجهه با دشمنان خارجی نیاز به کمک دارد، به میدان بیاید و نیازهای کشور را پاسخ دهد.

رهبرانقلاب تأکید کردند: شعر باید زنده باشد و نسبت به مسائل جاری و نیازهای کشور موضع داشته باشد.

ایشان با تأکید برلزوم ترویج اشعاروسرودهای زنده و موضع‌داردرسطح وسیع،ومسئولیت صداوسیماوسایردستگاه‌های مسئول دراین زمینه، خاطرنشان کردند: امروز نسبت به گذشته اشعار زنده و برجسته‌ای همچون شعردرباره فلسطین، یمن، بحرین، دفاع مقدس، شهدای غواص، شهدای مدافع حرم یا مظلومیت مجاهدانی همچون شیخ زکزاکی شیخ مظلوم، شجاع و مصمم نیجریه گفته می‌شود اما متأسفانه این شعرهای مؤثر و روحیه‌بخش، به‌خوبی ترویج و منعکس نمی‌شوند و دراین خصوص کوتاهی و کم‌کاری وجود دارد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیان خیانت‌های آمریکایی‌ها درقضیه‌ی برجام را یکی دیگرازعرصه‌های ممکن برای سرودن شعرزنده خواندند وگفتند:علاوه بر سیاسیون، هنرمندان و به‌ویژه شاعران باید این واقعیت‌ها را به افکارعمومی‌منتقل کنند.

رهبرانقلاب با انتقاد ازبرخی اقدامات غلط درترویج و تجلیل هنرمندان بدون اعتقاد و ولنگار، افزودند: متأسفانه گاهی از فردی که ذره‌ای گرایش به مفاهیم اسلام و انقلاب اسلامی‌نشان نداده است، تجلیل می‌شود اما ازهنرمندی که همه عمرو سرمایه هنری خود را در راه اسلام وانقلاب گذرانده است، تجلیل و به او توجه نمی‌شود.

توصیه بعدی رهبرانقلاب اسلامی، استفاده از فرصت اقبال و توجه مردم و جوانان به اشعارپرکاربرد نظیر نوحه‌ها و اشعارمرثیه بود.

ایشان با اشاره به نمونه‌هایی از نوحه‌های پرمضمون و شورانگیزدردوران مبارزه علیه رژیم طاغوت وهمچنین دردوران دفاع مقدس، گفتند: البته میدان و نوع جنگ امروز با دوران مبارزه و سال‌های اول انقلاب، متفاوت است و ما اکنون در میدان جنگ نرم وجنگ سیاسی، فرهنگی، امنیتی و مقابله با نفوذ قرار داریم که دراین میدان، فکرها و اراده‌ها درحال مبارزه هستند و یکی از ابزارهای اصلی و مؤثر دراین مبارزه نیز، ابزارشعراست.

تأکید برتدوین، ترجمه وانتشارموضوعی اشعاربرجسته درمسائلی چون فلسطین، دفاع مقدس، منطقه، یمن، تبدیل کردن مضامین و الفاظ عالی ادعیه و متون دینی به شعر وسرودن اشعارآیینی مضمون‌دارو قوی با هدف انتقال معارف ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، توصیه‌های بعدی رهبر انقلاب اسلامی‌دراین دیدار صمیمی‌به شاعران بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین بر ضرورت ارتقا و تعالی بخشیدن به شعر و متوقف نشدن شاعران درمسیر پیشرفت تأکید کردند وافزودند: لازم است برای ارتقای شعرو تربیت شاعران، مجموعه‌های مردمی‌و فنی همچون شهرستان ادب، تقویت و حمایت شوند.

درابتدای این دیدار، ۲۳ نفراز شاعران،اشعار خود را درحضوررهبرانقلاب اسلامی‌قرائت کردند. همچنین شاعران نماز مغرب و عشا را به امامت رهبرانقلاب اقامه و روزه‌ی خود را همراه با ایشان افطار کردند.

رئیس جمهوری: پهلوانی را در زندگی سیاسی نباید از یاد ببریم

رئیس جمهوری، همه جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی کشور را برای رسیدن به اهداف ملی و انقلابی و رفع مسائل اساسی کشور، به اتحاد و وحدت فرا خواند و تصریح کرد: رقابت‌های سیاسی با پایان فصل انتخابات باید جای خود را به رفاقت و تلاش مشترک برای رفع مشکلات کشور بدهند.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی درضیافت افطار با فعالان سیاسی کشوراظهارداشت: درجامعه اسلامی، رعایت اخلاق سیاسی بسیارحائزاهمیت است. باید اگردرانتخاباتی پیروزوبه عبارتی قهرمان نشدیم، پهلوان باشیم.

رئیس جمهوری با بیان این که پهلوانی را درزندگی سیاسی هم نبایدازیاد ببریم، گفت: پهلوانی بالاترازقهرمانی است و چقدرنیک که افرادی هم قهرمان و هم پهلوان باشند و البته متاسفانه شمار پهلوانان سیاسی ما کمترازقهرمانان سیاسی است.

دکترروحانی، دشمنان را تنها برندگان اختلافات احتمالی درکشوردانست و افزود: باید در مسیر اجماع‌سازی گام برداریم و در قالب رقابت سالم سیاسی، از میزان اختلافات احتمالی بکاهیم و همه برای تقویت و توسعه کشورتلاش کنیم.

رئیس جمهوری خطاب به نمایندگان جناح‌های سیاسی کشور، با رد ایده سیاست به معنای دست یافتن به قدرت به هرقیمتی، گفت: سیاست به معنای دستیابی به خیرجمعی و تدبیر برای حل معضلات و گام برداشتن به سمت پیشرفت جامعه است و درتقویت این مسیر، باید با یکدیگرمهربان تر باشیم.

دکترروحانی، نقد وخیرخواهی را حق و وظیفه همگانی دانست و اظهارداشت: نقد با تضعیف کاملا متفاوت است. همه احزاب و جناح‌ها در کشورباید با وحدت و تلاش مشترک برای کاستن ازمشکلات کشور، ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی‌را به یک جشن بزرگ ملی در برابر جهانیان تبدیل کنیم.

رئیس جمهوری با تاکید براین که " دولت یازدهم یک دولت فراجناحی است"، اظهارداشت: ازابتدای فعالیت دولت تلاش داشتم تا نمایندگان جناح‌ها با افکار مختلف دورمیزدولت و برای آبادانی کشورتلاش کنند.

دکترروحانی دراین نشست همچنین به جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی پیشنهاد داد که نمایندگان آنان ماهیانه نشستی را برگزارکنندو درآن به بررسی و ارائه راهکار درباره مسایل و معضلات اصلی کشور بپردازند که همگان روی آن اشتراک نظردارند.

رئیس جمهوری همچنین به تلاش‌های دولت برای رونق و توسعه کشور و کاهش تورم اشاره کرد و گفت: امروز طبق آخرین آماری که اعلام شد تورم درکشور تک رقمی‌شد و این یکی از آرزوهای دولت یازدهم بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی‌هم برآن تاکید داشتند وامیدواریم درهمه زمینه‌ها و در کنارهم با دوستی، اتحاد و وحدت بتوانیم به اهداف ملی دست یابیم.

دکترروحانی درابتدای این مراسم هم با تبریک میلاد با سعادت امام حسن مجتبی (ع) گفت: امام حسن مجتبی، امام صلح و رحمت و امامی‌است که به ما یاد داد که باید برای اجرای وظیفه الهی و کمک به مردم تصمیمات شجاعانه ای گرفت هرچند که به خاطراین تصمیمات حتی از سوی برخی افراد هم ملامت شد.

درابتدای این مراسم، پنج نفراز نمایندگان جناح‌ها و فعالان سیاسی کشور به طرح دیدگاه‌ها و نظرات خود پرداختند.

حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی لاری دراین مراسم درسخنانی با تقدیراز رئیس جمهوری به خاطرمیزبانی از فعالان سیاسی با گرایشات و سلایق مختلف درکشور، اظهارداشت: همه فعالان سیاسی دراین موضوع اشتراک نظردارند که تمامی‌گرایش‌ها باید برای رفع مشکلات معیشتی و اقتصادی کشورهمکاری و کمک کنند.

موسوی لاری با بیان این که ملت ایران درانتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و مجلس شورای اسلامی‌درسال ۹۴ اعلام کردند که فضای پرخاش، توهین و افراطی‌گری را نمی‌پذیرند، افزود: باید به گونه ای فضای امید و آرامش در کشورارتقا پیدا کند که موجبات رشد و توسعه را بوجود آورد.

این فعال سیاسی با اشاره به این که دولت درحوزه سیاست خارجی قدرتمندانه حضوریافته وآثاروعلایم مثبت آن در مناسبات بین المللی نمایان است، خاطرنشان کرد: اکنون با توجه به آغازکارمجلس دهم باید به حل مسائل و مشکلات داخلی هم توجه ودراین راستا تلاش کنیم.

وی با اشاره به لزوم توجه بیشتربه احزاب، قومیت‌ها و مذاهب گوناگون در نگاه جدید به مسائل داخلی خواستار فعال شدن بازرسی ویژه درنهاد ریاست جمهوری و شفاف سازی و مواجهه مستقیم با افکارعمومی‌درموضوع حقوق‌های بالای برخی مدیران شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی‌فرد هم دراین مراسم با اشاره به ضرورت اقامه و برپا کردن دین درجامعه به عنوان وظیفه اصلی مسئولان درکشوراسلامی، خاطرنشان کرد: متاسفانه برداشتن قدم‌های‌غیر عالمانه درحوزه‌های مختلف تصمیم گیری واجرا و روابط میان جریانات سیاسی باعث عدم موفقیت درعرصه‌های مختلف شده و این درحالی است که دغدغه ما باید سپردن مسئولیت به اهل آن باشد.

ابوترابی فرد با اشاره به این که اختلافات میان جریانات و فعالان سیاسی، آنها را از پیمودن راه خدا و اقامه دین درجامعه باز می‌دارد، افزود: باید درحول دین و براساس اصول و ارکان دینی به هم نزدیک شویم تا به واسطه آن بتوانیم ملت و رهبری را برای رسیدن به افق‌های متعالی یاری کنیم.

دکتر نوبخت مسئول کمیسون بهداشت و درمان مجلس دهم هم دراین مراسم با اشاره به اقدامات دولت تدبیروامید درحوزه بهداشت و درمان و سلامت مردم، گفت: تلاش‌های دولتمردان برای حفظ سلامت مردم و تامین امنیت درکشور بسیارحائزاهمیت و قابل تقدیراست.

خانم زهرا ساعی نماینده مردم تبریز سخنران بعدی این دیدار بود که با قدردانی از زحمات و فعالیت‌های دولت تدبیروامید درحوزه‌های مختلف، بر لزوم تقویت گفتمان اعتدال، تدبیروعقلانیت تاکید کرد و گفت: انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ نقطه عطفی درتاریخ سیاسی کشوروپیروزی عقلانیت و تدبیربربی‌قانونی و تصمیمات خلق‌الساعه بود و این گفتمان درانتخابات سال گذشته هم با اقبال عمومی‌مواجه شد.

وی افزود : باید با همدلی و همگرایی برمشکلات فائق آمد والگوی عقلانیت و تدبیررا درانتخابات آینده کشور هم دنبال کرد.

هادی خانیکی استاد دانشگاه و فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم با تاکید برلزوم استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های نهفته درجامعه درراستای حل و فصل مشکلات کشور، اظهارداشت: یکی از فرصت‌ها این بود که ملت ایران توانست طعم شیرین تدبیررا در سیاست خارجی بچشد و ازاین الگو حداقل می‌توان در دو موضوع داخلی یعنی بهبود فضای کسب و کارومعیشت مردم و همچنین سامان دادن به مشارکت سیاسی و حل مشکل تحزب درکشورهم استفاده کرد.

این استاد حوزه ارتباطات و روابط اجتماعی گفت: امروز درلایه‌های زیرین جامعه با مشکلات اجتماعی بزرگی مواجه هستیم که چه بسا بزرگترازمسایل سیاسی و اقتصادی هستند و آن تهدید انسجام اجتماعی درسه سطح نخبگان سیاسی، جامعه و دولت و افزایش شکاف بین نسل‌های جامعه است.

وی تصریح کرد: مسأله امروز جامعه ضرورت درک مشترک و توافق برسر مسایل، تهدیدات و منافع ملی است و دراین راستا اصولگرایی، اصلاح گرایی و اعتدالگرایی مسئولیت مشترک دارند؛ چرا که دردهای مشترک به صورت جداگانه درمان‌پذیرنیست.

خانیکی گفت: نیازامروزو فردای ما، جامعه‌ای توانمند وبرخوردارازسرمایه اجتماعی بالا و حساس نسبت به سرمایه‌های فرهنگی است و امروزهمه باید دست به دست هم بدهیم تا بتوانیم ازظرفیت‌های نهفته خود برای غلبه بر مشکلات استفاده کنیم و دراین راستا می‌توان از شخصیت‌هایی که مورد وثوق جامعه هستند، استفاده بهتری به عمل آورد.

ظریف: محور «مقاومت» با افراد خاص گره نخورده است

وزیر امور خارجه کشورمان گفت: توهینی بالاتر از این نسبت به جمهوری اسلامی متصور نیست که ادعا شود تغییر مقاماتش به درخواست این و آن انجام می‌شود.

محمد جواد ظریف در پاسخ به سئوال ایسنا درباره گمانه زنی های منتشر شده در برخی رسانه‌ها درباره دلایل تغییرات اخیر در وزارت امور خارجه اعلام کرد: تصمیم در مورد تغییر برخی مدیران ارشد وزارت خارجه بر اساس برنامه ها و اولویت‌های کاری روابط خارجی کشور و مدت‌ها قبل از عید امسال گرفته شد ولی برای حفظ شئون همکاران با تاخیر انجام شدو همان زمان رسانه ها خبر تغییر را منتشر کردندو من هم در اظهاراتی تغییر و گردش مدیران وزارت امور خارجه را کاملا طبیعی خواندم.

وی افزود: توهینی بالاتر از این نسبت به جمهوری اسلامی متصور نیست که ادعا شود تغییر مقاماتش به درخواست این و آن انجام می‌شود. تاکنون هیچ‌کس در منطقه یا خارج از آن جرات چنین درخواستی از ایران اسلامی نداشته است و هیچگاه نخواهد داشت. امیدواریم برخی به خاطر ملاحظات داخلی، قبح عبور از این خطوط قرمز نظام مقتدر و سربلند جمهوری اسلامی را نشکنند.

وزیر امور خارجه همچنین گفت: محور مقاومت قویتر از آن است که با افراد خاص گره زده شود و آنها که چنین تحلیل هایی ارائه می‌کنند خواسته یا ناخواسته بیش از آن‌که مقاومت را تقویت کنند آن را تضعیف می‌کنند.

چگونه است که گروه‌ها و افرادی که تندترین شعارهای انقلابی را مطرح می‌کنند با عدم خودباوری، تصورات دروغینی درباره روش انتصاب در جمهوری اسلامی و نظام بر آمده از انقلاب اسلامی را در مخیله خود گنجانده و آن را منتشر می‌کنند؟

بعیدی‌نژاد: پس از برجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معکوس شده است

مدیرکل سیاسی و امنیت بین‌الملل وزارت امور خارجه با بیان این‌که با توافق هسته‌ای روند کند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران معکوس شده است گفت: در سه ماهه بعد از اجرای برجام، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به حدود ۵/۳ میلیارد دلار رسیده است.

حمید بعیدی‌نژاد مدیرکل سیاسی و امنیت بین‌الملل وزارت امور خارجه در کانال تلگرام خود با اشاره به گزارش آنکتاد درباره کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۵ در ایران نوشت:

گزارش آنکتاد یا همان "کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل" در باره کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۵ در رسانه‌ها انعکاس وسیعی داشت، اما بخشی از واقعیت در گزارش‌ها چندان که باید منعکس نشده است.

چنانچه به آمارهای آنکتاد در چند سال گذشته که همه به سال‌های قبل از دستیابی برجام است توجه شود، روند تحمیل تحریم‌های ظالمانه بر اقتصاد ایران روشن می‌شود. بر اساس آمارها میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران از سال ۲۰۱۲ روندی کاهشی داشته و به صورت زیر بوده است:

سال ۲۰۱۲.......... مبلغ ۴ میلیارد و ۶۶۲ میلیون دلار

سال ۲۰۱۳.......... مبلغ ۳ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار

سال ۲۰۱۴.......... مبلغ ۲ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار

سال ۲۰۱۵.......... مبلغ ۲ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار

با توجه به روند سرمایه‌گذاری از سال ۲۰۱۲ که در بالا اشاره شده است و تمامی‌به سال‌های اوج تشدید تحریم‌ها در دوره قبل از برجام برمی‌گردد، می‌توان نتیجه گرفت که در صورت تحقق نیافتن برجام، به طور طبیعی این روند کاهشی ادامه می‌یافت. این در شرایطی است که نرخ سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه در همین سال‌ها بیش از ۱۲ میلیارد دلار بوده است. بعیدی‌نژاد گفته است که "با حصول برجام این روند معکوس شده است و بنا به اظهارات رسمی‌مقامات اقتصادی کشور فقط در سه ماهه بعد از اجرای برجام، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران به میزان حدود ۳،۵ میلیارد دلار رسیده است. طبیعی است آخرین تغییرات سطح سرمایه‌گذاری در اولین دوره پسابرجام در گزارش سال ۲۰۱۶ آنکتاد خواهد آمد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: اقلیت مزاحم مردم را از حضور در انتخابات مأیوس نکنند

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دردیداراعضای هیأت علمی‌ومدیران گروه‌های علمی‌مرکزتحقیقات و آموزش عالی توسعه مدیریت ایرانبا تشریح فراز و فرود آخرین سال‌های مبارزه، پیروزی انقلاب، تثبیت، تجزیه طلبی‌ها و دفاع مقدس، گفت: پس از پایان جنگ وقتی تصمیم گرفتیم کشوررا بسازیم، اولین اقدام مؤثر، مدیریت درست سیاست خارجی براساس تنش زدایی بود که با همان مدیریت، مسابقه‌ای برای حضور شرکت‌های پیشرفته جهان درایران و سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌ها و طرح‌های بزرگ ایجاد شد که اکثراً فاینانس می‌کردند وهمچنین روابط با تعدادی از کشورهای عربی همسایه ترمیم شد.

وی به تحلیل شرایط فعلی کشورپرداخت و گفت: براساس کارهای زیربنایی سال‌های سازندگی، قشری از نیروی انسانی تحصیلکرده وکارآمد درکشور داریم که باید میدان را برای بروز و ظهوراستعدادهای آنان فراهم کنیم.

هاشمی‌رفسنجانی، توسعه دانش محور را اساس چشم‌انداز بیست ساله کشور دانست و گفت: جوانان تحصیلکرده، مدیران آینده کشورهستند که تجربه‌های علمی‌و عملی ارزشمندی دارند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تشریح ویژگی‌های مثبت برجام، گفت: از شرایطی که همه‌کشورها برای تهدید، تحریم و تصویب قطعنامه‌ها علیه ایران، ازهمدیگر سبقت می‌گرفتند، به وضعی رسیده ایم که از سرمایه‌گذاری درایران استقبال می‌کنند. هاشمی‌رفسنجانی، با تشریح اوضاع داخلی به شروط حل مسائل و مشکلات کشور پرداخت و گفت: می‌توانیم الگوی دیگر کشورها باشیم به شرطی که اقلیت مزاحم به جای رذیلت‌های اخلاقی، عمل به فضیلت‌ها را برنامه‌خویش کنند و مردم را از حضور یکپارچه درانتخابات نا امید و مأیوس نکنند. وی، ارتباط با قافله علم و دانش دنیا را برای پیشرفت ایران ضروری دانست و با تشریح موفقیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی‌در ورود به علوم پیشرفته مثل پلاسما، ایتر (جوش هسته‌ای)، آب شیرین کن و طرح‌های مطالعاتی آب در آینده، گفت: ۷۵۰۰ آزمایشگاه و ۳۵۰۰ کارگاه دانشگاه آزاد اسلامی‌دراختیارمحققان و مبتکران کشوراست تا برای آینده ایران تحقیق و پژوهش کنند.

هاشمی‌رفسنجانی، در بخش پایانی سخنان خود با اشاره به طرح‌ها و برنامه‌های مرکز تحقیقات و آموزش علمی‌توسعه مدیریت ایران، گفت: امیدوارم با پالایش مدیران ناموفق و تقدیرازمدیرانی که درشرایط بحرانی، کشور را برای حرکت درمسیر پیشرفت اداره کرده‌اند، راه را برای امیدواری جوانان در جهت ورود به مدیریت‌ها هموار کنیم.

نوبخت: توزیع ثروت باید عادلانه باشد

سرویس سیاسی – اجتماعی: سخنگوی دولت و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشوردر جریان ارائه گزارش وضع اقتصاد کشوربه مجلس اعلام کرد: نرخ تورم نقطه‌ای سالانه ایران برای نخستین بار تک رقمی‌شد.

به گزارش خانه ملت، محمد باقر نوبخت در جلسه روز گذشته مجلس گفت: براساس گزارش مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه ایران در خرداد سال ۹۵ نسبت به خرداد ۹۴، از ۶/۸ درصد که در اردیبهشت‌ماه بود به ۶/۱ درصد کاهش یافت و تورم ۱۲ ماهه سالانه که شاخص اصلی تورم محسوب می‌شود از ۱۰/۲ درصد اردیبهشت‌ماه به ۹/۵ درصد در خردادماه تقلیل یافته است.

وی با اشاره به این که رشد اقتصادی ایران در ۳ ماهه چهارم سال حاکی از ۲درصد مثبت نسبت به یک درصد سالانه قابل پذیرش است، افزود: برنامه فعال کردن ۷۵۰۰ واحد تولیدی با اعطای تسهیلات ۱۶ هزارمیلیارد تومانی در دستور کار است.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور درباره برداشت محصولات کشاورزی در فصل بهار خاطرنشان کرد: میزان تولید گندم در بهار بیش از ۴ میلیون تن بود که نشانگر ۲۰ درصد افزایش است. در مورد چای هم در ۳ ماه گذشته ۳۷ درصد رشد خرید داشته‌ایم. این رقم نسبت به سال گذشته که ۳۳ درصد رشد داشت نشاندهنده این است که می‌توانیم رشد اقتصادی را با سرمایه‌گذاری کمتر و اشتغال بیشتر دربخش کشاورزی محقق کنیم. وی در ادامه تصریح کرد: در برنامه ششم موضوعاتی برای ما حائز اهمیت است که اگر به آنها توجه نشود به بحران و مشکل تبدیل خواهد شد که نمونه آنها عبارتند از آب، محیط زیست و صندوق‌های بازنشستگی هستند. ما باید بین موضوعات متنوع مشخص کنیم که چه چیزی از اهمیت وافری برخوردار است.

این عضو کابینه یازدهم افزود: به تأسی از سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری اگر قرار است خطه ای از ایران در سال‌های ۹۵ تا ۹۹ ارتقاء موقعیت پیدا کند، سواحل مکران است.

وی در ادامه اظهار داشت: باید توزیع ثروت عادلانه باشد و ضریب جینی به عدد ۰/۳۴ درصد برسد.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با بیان اینکه باید به اشتغال فارغ التحصیلان بیکار که نگران کننده است در برنامه ششم توجه شود، افزود: وظیفه دولت و مجلس ایجاد فرصت شغلی مناسب است و نمایندگان باید این را از دولت مطالبه کنند تا سالانه ۹۰۰ هزار شغل ایجاد شود. همچنین پایین بودن رشد مشارکت زنان در اقتصاد هم باید لحاظ شود. نوبخت با تاکید بر این که برای تحقق رشد ۸ درصدی ۷۲۴ هزار میلیارد تومان برای سال ۹۵ تا ۹۹ باید کسب شود، افزود: منابع مذکور باید از طریق صندوق توسعه ملی و از راه مشارکت بخش خصوصی با دولت فراهم شود. همچنین از طریق بازار سرمایه تا میزان ۹۵ هزار میلیارد تومان باید فراهم شود و بخش خصوصی هم باید به میزان ۲۴ هزار میلیارد تومان با دولت مشارکت کند و نکته دیگر اختصاص ۱۸۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی است. وی افزود: با بهبود روابط با سرمایه گذاران خارجی می‌توان از منابع خارجی در سرمایه گذاری‌ها استفاده شود. رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تاکید کرد: در اقتصاد مقاومتی ۵ رویکرد وجود دارد و به همین دلیل سندهایی بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی لحاظ شده است و مجلس باید این انتظار را داشته باشد که این مهم اجرا شود.

و ی با اشاره به چالش‌های پیش روی دولت گفت: ضرورت اصلاح نظام بانکی کشور با نرخ سود بالا، کمبود تقاضا از سوی دولت و مردم برای کالا و کاهش سرمایه گذاری به عنوان مهمترین دغدغه‌های دولت مطرح است.

وزیر اطلاعات درجلسه غیرعلنی

سید محمود علوی وزیر اطلاعات هم در به صورت غیرعلنی گزارش خود را از وضع کشور به نمایندگان ارائه داد.

وزیر اطلاعات سپس درجمع خبرنگاران گفت: ریاست جمهوری دستور قاطعی به معاون اول خود داده است تا باموضوع پرداخت حقوق‌های کلان برخورد کند و در آینده گزارشی در این زمینه ارائه خواهد شد.

وی افزود: از کسانی که حقوق‌های کلان را افشا کرده‌اند تشکر می‌کنیم چون اکنون دست دولت باز شده است و می تواند به این موضوعات بپردازد. تا پیش از این اگر دولت به این موضوع می‌پرداخت عنوان می‌شد که دولت در حساب‌های شخصی سرک کشیده و وارد مسائل شخصی افراد شده است.

وی گفت: همانطور که در این دولت با اختلاس‌های ۳ هزار میلیارد تومانی، ۸ هزار میلیارد تومانی و امثال بابک زنجانی برخورد شده با این حقوق‌های بیش از ۲۰۰ میلیونی هم برخورد می‌کنیم. این را بدانید که بنده یک سوم این مبالغ را هم حقوق نمی‌گیرم. وزیر اطلاعات در ادامه اظهار داشت: از طریق معاون اول ریاست جمهوری گزارشی در مورد حقوق‌های کلان ارائه می‌شود.

علوی در باره عملیات اخیر وزارت اطلاعات اظهار داشت: در مورد این عملیات جلسه‌ای را برگزار می‌کنیم و گزارش کاملی را ارائه خواهیم داد ولی هنوز زمان آن نرسیده که قضیه را باز کنیم بلکه در وقت مناسب توضیحات کامل را به مردم ارائه می‌کنیم. وی درباره جلسه غیر علنی مجلس گفت: در جلسه غیرعلنی در مورد مسائل امنیتی مختلف مباحثی مطرح شد که امکان باز بودن جلسه وجود نداشت.

وزیر اطلاعات در باره تغییرات اخیر وزارت خارجه و این سئوال که آیا با وجود این تغییرات، تغییری در سیاست‌های وزارت خارجه ایجاد می‌شود، پاسخ داد: باتغییر افرادسیاست‌ها تغییر پیدا نمی‌کند و این سئوالات را باید از آقای ظریف بپرسید.

سخنان رئیس مجلس

دکتر علی لاریجانی در نشست علنی دیروز مجلس، با بیان این که سبک زندگی آسمانی ائمه اطهار در میدان جنگ و صلح درسی ماندگار برای بشریت و جهان پرآشوب امروز است، گفت: یکی ازحوادث تاسف آور که در میدان کارزار پرآشوب جریان تروریزم منطقه توجه همگان به خود جلب کرد، اقدام ناشیانه و ماجراجویانه رژیم بحرین در مورد عالم بزرگوار دینی آیت الله شیخ عیسی قاسم بود که تصور کردند با لغو تابعیت این مرد بزرگ می‌توانند بحران سیاسی داخلی خود را به سوی آرامش سوق دهند.

رئیس مجلس گفت: البته این اقدام را باید در زنجیره‌ای دررفتارهای سبکسرانه این رژیم ارزیابی دقیق کرد که از طرفی حاکمیت خود را در زیر سلطه پایگاه نظامی‌غربی و همچنین دخالت تانک‌های یک کشور عربی به ذلت کشاندند و تمامی‌نیروهای آزادیخواه را که به صورت مسالمت آمیز می‌خواستند اعتراضات دموکراتیک داشته باشندبه زندان افکندند. این امر حلقه جدیدی از اقدامات ضد انسانی و مخصوصا اقدام لغو تابعیت این عالم بزرگ دینی است؛ این اقدام رژیم بحرین یادآور یاوه گویی‌های شاه نگون‌بخت ایران است که می‌گفت هرکس داخل حزب رستاخیز نشود از تابعیت ایران باید خارج شود و همین درشت‌گویی‌ها سلطنت او را واژگون کرد.

وی با اشاره به اینکه سلطنت آل خلیفه باید به این سابقه تاریخی به دقت بنگرد، افزود: آنها یک هزارم شاه ایران عده و امکانات ندارند. این اقدامات نشانه‌های نفس‌های آخر یک رژیم است که بزرگان ملت خود را به لغو تابعیت تهدید کنند مگر وابستگی یک شهروند به آب و خاک کشورش با تصمیمات نابخردانه سلاطین تغییر می‌کند؟ وابستگی به میهن را شما به مردم خود ندادید که بستانید؟

دکتر لاریجانی در ادامه اظهار داشت : لازم می‌دانم پیروزی مردم عراق علیه تروریست‌ها را در فلوجه عراق به ملت عزیز این کشور و مسئولین دولت عراق تبریک عرض کنم، فلوجه یک حادثه مهم در این سال‌های اخیر بود بنابراین این دژی که تروریست‌ها در منطقه درست کرده بودند با اقدام سنجیده و طراحی دقیق مردم عراق و مخصوصا نیروهای مسلح عراق از دست تروریست‌ها درآمد.

رئیس مجلس گفت: لازم می‌دانم همچنین از تلاش‌های سربازان گمنام امام زمان در وزارت اطلاعات که توانستند توطئه‌های اخیر تروریست‌ها را خنثی کنند تشکر کنم.

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

ابوالقاسم قاسم‌زاده

قاچاق همزاد اقتصاد!

پدیده «قاچاق» در سطوح کشورها، مشکل ملی و در سطح بین‌المللی، بحران جهانی است. دولت‌ها راه و رسم اقتصادی را انتخاب و براساس آن برنامه‌ریزی می‌کنند. حال این انتخاب در تعریف اصطلاحی‌اش اقتصاد باز یا بازار باشد و یا اقتصاد بسته، به هر حال کنترلی است که از آن با نام اقتصاد دولتی، یا چپ و یا سوسیالیستی یاد می‌کنند. هر گرایش اقتصادی که انتخاب گردد در مسیر اجرا، پدیده قاچاق گام به گام با آن حرکت می‌کند به‌طوری که با هر مکتب اقتصادی، «قاچاق» همزاد آن است. قاچاق را خوره سلامت اقتصاد می‌نامند. از آن جهت که، سلامت بازار را بیمار می‌کند. چرخه عادی تولید و مصرف را به هم می‌ریزد. اختلال بزرگ در نظام مالیاتی ایجاد می‌کند. پول، ثروت و سرمایه هرز را رشد می‌دهد. درآمد ملی را غارت می‌کند. محاسبه‌های مالی دولت‌ها را مختل می‌سازد. رقیب سرسخت تولیدات داخلی و ملی می‌گردد. طبقه جدید سرمایه‌دار مافیایی می‌سازد و طبقات اجتماعی، به خصوص دهک‌های اقتصادی و مالی را به هم می‌ریزد و حفره‌های عمیق و بزرگ بر سر راه اجرای برنامه‌های کلان ملی ایجاد می‌کند. قاچاق، ارزش کار را در جامعه نابود می‌کند و برای نظام‌های ارزشی، مانند جمهوری اسلامی ایران منشاء عمده انواع و اقسام فساد می‌گردد. با این همه، قاچاق همزاد با هرگونه مدیریتی است و هیچ دولت و کشوری مصون از آفت‌های آن نیست. اما، ضعف و قوت مدیریت دولت‌ها نیز با چگونگی و ضرایب مبارزه آنها با پدیده قاچاق محاسبه می‌گردد. کشورهایی که دارای اقتصاد قوی و چرخه مالی و توان تکنولوژیکی و البته برنامه‌ریزی سترگ هستند، اگرچه همچنان اینجا و آنجا با پدیده قاچاق مواجه می‌شوند، اما سطح و موارد پدیدهٔ قاچاقشان در منحنی رشد اقتصادی و موفقیت‌های برنامه‌ریزی آنها بسیار ضعیف است تا آنجا که در قدرت برنامه‌ریزی و اقتصادی آنها مستحیل می‌گردد. ژاپن یک نمونه از این کشورها است و چین نمونه دیگر که پدیده قاچاق را در این کشورها می‌توان دید و شمارش کرد، اما نه به صورت بحران اقتصادی، مالی و اجتماعی، در حالی که مرحله به مرحله آفت قاچاق را رصد و شناسایی می‌کنند و با قدرت مدیریت بازدارنده از رشد آن ممانعت می‌کنند.

یک بخش از مدیریت پیش‌گیری دولت‌های موفق در مبارزه با قاچاق، قوانین مجازات در این کشورها است که ریسک‌پذیری انجام قاچاق را چنان خطیر و سنگین کرده‌اند که معادله قاچاق مساوی با مرگ را فرهنگ عمومی جامعه کرده‌اند و در چرخه نظام مدیریت کلان کشور اجرا می‌کنند.

بخش دیگر از چرایی موفقیت دولت‌هایی که آمار قاچاق در کشور آنها در سطح نازل است در قرار ندادن اقتصاد، ذیل سیاست است. به خصوص آنجا که سیاست‌ورزی کلان مجبور به پذیرش بخش‌هایی از پدیده انزوای اقتصادی گردد و به قول معروف در مبادلات اقتصاد بین‌المللی، جایگاه ضعیف پیدا کند و مسیر سیاست به بایکوت اقتصادی برسد. پنجره قاچاق در چنین شرایطی به دروازه گشادی مبدل می‌گردد که اولین دستاورد آن شکل‌گیری مافیای قدرت‌هایی است که با قاچاق، چاق و فربه می‌شوند. اگر پدیده قاچاق را امری وارداتی بدانید، ریشه اصلی آن یعنی فراخنای قدرت قاچاق، درونی است و در داخل کشورها نهادینه شده است!

گذر واقعی قاچاق را در گزارش نهادهای بین‌المللی، به خصوص «صندوق بین‌المللی پول» می‌توانید مطالعه کنید تا حدّی که برخی از دولت‌ها را، دولت‌های «قاچاقچی» اسم‌گذاری کرده‌اند. در نیمه قرن گذشته کارنامه این دولت‌ها چنان آشکار شده است که برخی از آنها، کشور خود را با محوریت قاچاق مدیریت و اداره می‌کنند.

ما در کشور خود، ایران، از گذشته دور تا امروز با پدیده‌ای شوم، بنام قاچاق مواجه بوده و هستیم. از آغاز انقلاب قاچاق چنان موضوعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیدا کرد که اگر روزنامه‌ها را از دهه ۶۰، ۷۰، ۸۰ و تا امروز ورق بزنید، می‌بینید که واقعاً یکی از آفت‌های بزرگ برای کشور و جامعه «قاچاق» است. حجم سخنرانی‌های روسای جمهوری و دولتمردان درباره قاچاق برابری می‌کند با مجموعه آثار چندین و چند جلدی از نوشته‌های نویسندگان صاحب نام و بزرگ! هیچ دولتی هم در این ۳۷ سال نگفته است که قاچاق مشکل بزرگ نیست و یا نمی‌خواهد با قاچاق مبارزه کند. اما منحنی صعودی و نزولی این مبارزه، همواره فصلی و موردی و البته با جنجال خبری همراه بوده است. همین دیروز ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به مدیران رسانه‌ها گزارش داد که حجم ۱۴/۵ میلیارد دلاری قاچاق کالا در ایران ادامه دارد. خلاصه‌ی این گزارش را بخوانید:

آقای عبادی در این نشست اعلام کرد: از مجموع حجم قاچاق کالا ۱۴/۵ میلیارد دلار آن مربوط به حجم قاچاق کالاهای ورودی و یک میلیارد دلار مربوط به حجم کالاهای خروجی از کشور است. ضمن آنکه خسارت وصول نشدن درآمدهای دولت ناشی از پرداخت نشدن عوارض گمرکی و مالیات برارزش افزوده در سال گذشته حدود ۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

معاون ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در این نشست روند قاچاق کالا به ایران را کاهشی توصیف کرد و افزود: طبق محاسبات دقیق صورت گرفته توسط این ستاد با همکاری تمامی دستگاه‌های دولتی و نهادهای مسئول در حوزه واردات و صادرات کالا، ظرف سال ۱۳۹۴ حجم قاچاق پوشاک به کشور معادل یک میلیارد و ۲۶۸ میلیون دلار، شمش طلا یک میلیارد و ۳۴۱ میلیون دلار، گوشی تلفن همراه یک میلیارد و ۲۷۱ میلیون دلار، انواع لوازم خانگی یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار، لوازم آرایشی و بهداشتی یک میلیارد و ۱۸۱ میلیون دلار، لوازم یدکی خودرو یک میلیارد و ۸۱ میلیون دلار، مواد غذایی و مکمل‌ها یک میلیارد و ۴۰۶ میلیون دلار، رایانه و قطعات وابسته ۹۲۷ میلیون دلار، مصنوعات طلا ۸۲۷ میلیون دلار، سیگار ۵۴۴ میلیون دلار، تجهیزات پزشکی ۳۷۵ میلیون دلار، چای خشک ۲۷۵ میلیون دلار، پارچه ۲۰۵ میلیون دلار، دارو ۱۸۷ میلیون دلار، اسباب بازی ۴۴ میلیون دلار و کفش ۴۰ میلیون دلار محاسبه شده است.

به گفته وی، این آمار از اختلاف میزان تقاضای کل و میزان عرضه کل هریک از اقلام مذکور به دست آمده که در آن تقاضای کل شامل میزان صادرات و مصرف کالاها و همچنین عرضه کل شامل میزان واردات و حجم تولید داخلی هریک از اقلام مذکور است.

نامبرده ادامه داد: بر اساس محاسبات این ستاد روزانه ۱۰۰ هزار بطری و در مجموع سالانه ۳۶ میلیون و ۵۰۰ هزار بطری انواع مشروبات الکلی به ایران قاچاق می شود که ارزش آن حدود یک میلیارد دلار درسال است. همچنین حجم قاچاق سالانه اقلام ضدفرهنگی و مستهجن که واردات رسمی آنها ممنوع است، حدود ۵۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود.

وی همچنین حجم قاچاق سایر کالاها نظیر نوشت‌افزار، ماشین آلات مکانیکی، گل مصنوعی، انواع فرش، دام زنده و برنج راهم ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار اعلام کرد.

به گفته عبادی، روزانه ۸ میلیون لیتر سوخت در ایران خارج از شبکه توزیع می شود که اگر تمامی آن را به مثابه قاچاق تلقی کنیم، سالانه ۸۷۶ میلیون دلار سوخت به صورت قاچاق از ایران خارج می شود.

آقای خورشیدی سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز هم در بررسی علت کاهش ۱۰ میلیارد دلاری قاچاق در دو سال اخیر، به تشدید اقدامات پیشگیرانه و رشد کشفیات اشاره کرد و گفت: پارسال بالغ بر ۵ هزار میلیارد تومان کالای قاچاق توسط ماموران نیروی انتظامی و گمرکات کشف شد. این در حالی است که حجم کالاهای قاچاق مکشوفه در سال ۱۳۹۲ فقط ۱۲۰۰ میلیارد تومان بود.

وی افزود: علاوه بر این سال گذشته حدود ۲/۴ میلیارد نخ سیگار قاچاق مکشوفه که در انبارها نگهداری می شد به همراه ۳۰۰ هزارتن میوه قاچاق معدوم و منهدم شد.

همچنین علیرضا گلستانی‌زاده معاون ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با تاکید بر ضرورت حرکت به سمت پرونده‌های کلان قاچاق از برخورد وزارت اطلاعات با ۲۱ پرونده کلان قاچاق به ارزش بیش از ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان در سال ۹۴ خبر داد.

باز در این باره گفتگو خواهیم کرد.

قانون اصلاح شیوه سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها ابلاغ شد

دکترحسن روحانی، رئیس جمهوری، قانون اصلاح شیوه سنجش و پذیرش دانشجو دردانشگاه‌ها و مراکزآموزش عالی کشور را برای اجرا به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، این قانون درجلسه علنی روز۲۶اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی‌تصویب و در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ به تایید شورای نگهبان رسیده است. متن این قانون به شرح زیراست: قانون اصلاح قانون سنجش و پذیرش دانشجو دردانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور

ماده واحده

۱ـ بند (الف) ماده (۱) قانون سنجش و پذیرش دانشجو دردانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۰ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف سابقه تحصیلی: نمرات تعدادی از دروس دوره متوسطه دوم و پیش‌دانشگاهی است که امتحانات آن مطابق اصول سنجش و اندازه‌گیری توسط وزارت آموزش و پرورش به صورت سراسری، نهایی و استاندارد مطابق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش برگزار می‌شود.

۲ بند (ت) ماده (۳) قانون (وظایف و اختیارات شورای سنجش و پذیرش)، به شرح زیر اصلاح می‌شود:

(ت) اتخاذ تصمیم درمورد میزان و نحوه تاثیرهریک ازعوامل سابقه تحصیلی (متناسب با تحت پوشش قرارگرفتن امتحانات سراسری، نهایی واستاندارد) آزمون عمومی‌و آزمون اختصاصی درسنجش.

تبصره ۱ـ تاثیرسوابق تحصیلی برای سال ۱۳۹۵ به صورت مثبت وسایر موارد با بررسی کارشناسی برای سال‌های بعد اعمال می‌شود. تبصره ۲ این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است.

دعای روز شانزدهم ماه مبارک رمضان

اَللّهُمَّ وَفِّقْنی فیهِ لِمُوافَقَهِ الْاَبْرارِ وَ جَنِّبْنی فیهِ مُرافَقَهَ الْاَشْرارِ وَ آوِنی فیهِ بِرَحْمَتِکَ اِلی دارِ الْقَرارِ بِاِلهِیَّتِکَ یا اِلهَ الْعالَمینَ.

خداوندا مرا در این روز در همراهی و همگامی‌نیکان توفیق‌ده و از همنشینی و همراهی بَدان، دورم ساز و به مهر و رحمتت به سرای آرامش در آورم، به حقّ خداوندیت ای معبود جهانیان.

رمضان و پرتویی از کلام مطهر

ارکان و شروط توبه (۲)

شرط دوم توبه از زبان امام علی(ع) این است که حقوق الهی را ادا کنی. حق الهی یعنی چه؟ مثلا روزه حق الله است. روزه‌هایی را که خورده‌ای باید قضا کنی. نمازهایی را که ترک کرده‌ای باید قضایش را بجا بیاوری. چطور می‌شود انسان مسلمان باشد و نماز نخواند؟! بعد علی(ع) دو موضوع را فرمود که شرط کمال توبه واقعی است.

فرمود: توبه آن وقت توبه است که این گوشتهایی را که در حرام رویانیده‌ای آب کنی و به جای اینها گوشتی که از حلال روییده باشد پیدا شود. این همان قصاص کردن و انتقام گرفتن از شهوات نفسانی است. انقلاب وقتی که مقدس شد، می‌خواهد آثار شوم گذشته را از میان ببرد و از میان هم می‌برد.

ابوی ما نقل می‌فرمودند که مرحوم حاج میرزا حبیب رضوی خراسانی که یکی از مجتهدین بزرگ خراسان و مردی عارف و فیلسوف و حکیم بوده است، هیکل خیلی بزرگی داشت.

این مرد در اواخر عمرش با شخصی که اهل دل و معنا و حقیقت بوده مصادف می‌شود و پیش او زانو می‌زند. ایشان گفتند: بعد از مدتی حاج میرزا حبیب را با آن هیکل را دیدم در حالی که کوچک شده بود؛ مصداق سخن علی(ع) شد که این گوشتهایی را (البته من به ایشان جسارت نمی‌کنم و نمی‌گویم از راه حرام) که در حال غفلت روییده است آب کن.

حضرت در تبیین شرط دوم کمال توبه فرمود: به این بدن که این همه لذت معصیت را چشیده است، رنج طاعت را بچشان. از نازک نارنجی بودن بیرون بیا. آدم نازک نارنجی انسان نیست. روزه می‌گیری، سخت است؛ مخصوصاً چون سخت است بگیر. شب می‌خواهی تا صبح احیا بگیری، برایت سخت است؛ مخصوصاً چون سخت است این کار را بکن. یک مدتی هم به خودت رنج و سختی بده، خودت را تأدیب کن.

حال یک نمونه از توبه‌های حقیقی را که واقعاً انقلاب مقدس درونی بود، برایتان بیان می‌کنم.

امام موسی بن جعفر(ع) از بازار بغداد می‌گذشت. از یک خانه‌ای صدای ساز و آواز و طرب و بزن و بکوب بلند بود. وقتی که امام از جلوی آن خانه می‌گذشت، کنیزی از خانه بیرون آمده بود تا ظرف خاکروبه‌ای را بگذارد کنار کوچه. امام از او پرسید: صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ کنیز که از این سؤال تعجب کرده بود گفت: معلوم است که آزاد است. امام فرمود: بله معلوم است که او بنده نیست و آزاد است؛ اگر بنده می‌بود که این عیاشیها و بزن و بکوب‌ها نبود.

کنیز وقتی به خانه برگشت، صاحب خانه یعنی «بُشر» که یکی از شخصیتهای معروف شهر بود، علت تأخیر کنیز را جویا شد و کنیز ماجرای گفت و گویش را با امام تعریف کرد.

بشر تا سخن امام را از زبان کنیز شنید، با پای برهنه دوید و خود را به امام رساند. خودش را به دست و پای امام انداخت و گفت: آقا، از این ساعت می‌خواهم واقعا بنده باشم. همان جا به دست امام توبه کرد و از آن پس هم دیگر کفش به پایش نکرد و در بازارها و خیابانهای بغداد با پای برهنه راه می‌رفت و به او می‌گفتند «بشر حافی» یعنی بشر پابرهنه. گفتند: چرا با پای برهنه می‌روی؟ گفت: می‌خواهم آن هیئتی را که در آن، توفیق توبه در خدمت امام موسی بن جعفر(ع) نصیب من شد برای همیشه حفظ کنم.

منبع: آزادی معنوی، ص ۱۴۱-۱۴۷.

یادداشت

گزارش یک دیدار صمیمانه رمضانی

غلامعلی رجایی

مراسم دیدار رئیس جمهوری با فعالان سیاسی در ساعت هفت‌ونیم بعد از ظهر دوشنبه آخرین روز خرداد ماه مانند سال قبل در یکی از سالن‌های اجلاس سران برگزار شد. در این جلسه بعضی از فعالان سیاسی از جمله حجت‌الاسلام موسوی لاری و ابوترابی و دکتر خانیکی و دکتر علی نوبخت نماینده تهران و خانم ساعی مسایلی را با رئیس جمهوری درمیان گذاشتند.

دکتر علی نوبخت نماینده جدید تهران که پزشک است با این‌که جلسه سیاسیون بود، به‌عنوان ناطق سوم به جایگاه دعوت شد. وی که می‌گفت رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شده است، از تلفن یکی از پزشکان ایرانی مقیم آمریکا به خود خبر داد که از او خواسته بود اگر با دکتر روحانی دیدار کرد به او بگوید: کاری که شما برای مسأله بهداشت مردم در کشور انجام دادید از عهده اوباما هم بر نیامد. بعد اشاره کرد که این استاد پزشک مقیم آمریکا در این است که مثلاً هزینه درمان قلب در ایران خیلی ارزانتر از آمریکاست.

وی به مسأله فیش‌های حقوقی بعضی مدیران هم پرداخت و گفت: باید شکر خدا را کنیم که دولت تصمیم گرفته است با این مسأله برخورد کند نه این‌که فقط منفی‌ها را ببینیم.

نوبخت با نگرانی می‌گفت مسأله فیش‌های حقوقی به پزشکان و قضات کشور هم رسیده است البته حقوق‌های بالا برای پزشکان توجیهاتی دارد که جای طرح آن در این جلسه نیست.

دکتر خانیکی از فعالان سیاسی هم اظهار داشت: ما فقط نباید مشکلات و تهدیدها را ببینیم، بلکه ظرفیت‌ها و فرصت‌ها را هم باید ببینیم.

وی افزود: دولت همانگونه که طعم میوه شیرین تعامل با خارج را چشیده باید در داخل هم اقداماتی بکند که دو مسأله از بقیه مهمتر است؛ اول بهبود فضای کسب و کار و دوم ساماندهی مشارکت سیاسی.

خانیکی افزود: تهدید انسجام اجتماعی یکی از مشکلات کنونی کشور است و متأسفانه توان ما صرف خنثی کردن همدیگر می‌شود.

در پایان دکتر روحانی برای صحبت پشت تریبون رفت و در بیانات مختصری اظهار داشت: امام حسن(ع) به ما نشان داد شجاعانه باید چنان تصمیمی بگیریم که حتی دوستان نزدیکمان هم تاب این تصمیم را نداشته باشند. کما این‌که افراد بسیار نزدیک به امام حسن(ع) به ایشان می‌گفتند کاش مرده بودیم و این روز را که با معاویه صلح کردید، نمی‌دیدیم. وی افزود: آیا ما فقط باید بر موضوعاتی همانند مردم‌سالاری و اعتدال تکیه کنیم و فراموش کنیم کشور مشکل آب و محیط زیست و... دارد؟

ما باید بر مبنای آیه: «واجعلنی علی خزاین الارض» در امکانات کشور یوسف‌وار «حفیظ علیم» باشیم و با تدبیر درست از موقعیت‌ها و نعمت‌هایی که خدا به ما داده است پاسداری کنیم، از جمله این نعمت‌ها هویت ایرانی ما، اسلام عزیز، فرهنگ ایرانی است که بخشی از هویت ماست.

ما نباید از وزن هم بکاهیم و دائماً در حال رقابت با هم باشیم. پس زمان رفاقت کی فرا می‌رسد؟ رئیس جمهوری تاکید کرد: با گذشت زمان به‌تدریج باید از دامنه اختلافات مان کم بشود.

انقلاب ما دارد به مرز چهل سالگی می‌رسد و ما باید به دنبال اجماع‌سازی باشیم و در چهل‌سالگی انقلاب جشن بزرگی بگیریم که در آن به مردم بگوییم چند مشکل بزرگ کشور را حل کرده‌ایم نه این‌که مشکلات بزرگ کشور حل نشده باقی بمانند.

دکتر روحانی در آخر صحبت خود پیشنهاد بسیار خوبی به فعالان سیاسی داد. «پیشنهاد می‌کنم جناح‌های مختلف هر کدام یک نماینده تعیین کنند و به جلسات ماهانه‌ای که با هم می‌توانند داشته باشند، بفرستند. محور این جلسات بررسی مشکلات مهم کشور باشد مشکلاتی که همه قبول دارند باید برطرف بشوند.

امید است این پیشنهاد رئیس جمهوری محترم از سوی فعالان سیاسی جدی گرفته شود و تمام هم و غم گروه‌های سیاسی با هر سلیقه این باشد که با بر طرف کردن مشکلات کنونی را از سر راه توسعه و رفاه و پیشرفت کشور بردارند.

به هنگام اذان مغرب، برنامه تمام شد و اتفاق جالبی افتاد که فقط مختص جامعه اسلامی و انقلابی ماست و آن این که همه فعالان سیاسی نماز اول وقت مغرب و عشا را به امامت رئیس جمهوری اقامه کردند و در فضایی صمیمی افطار صرف شد.

امید که به برکات این ماه شریف الفت و اتحاد و همبستگی و رأفت همه جناح‌ها و سلایق مختلف سیاسی کشور رو به فزونی باشد.

یادداشت

"یاد باد آن روزگاران یاد باد..."

افشین علاء

شب میلاد سرور جوانان اهل بهشت امام حسن مجتبی (ع) یادآور خاطره شیرین دیدار و هم صحبتی شاعران صاحبدل با رهبر فرزانه و ادیب انقلاب است. البته این دیدارها همچنان ادامه دارد و إن‌شاءالله مستدام باشد. ولی افسوس که جای بسیاری از بزرگان و عزیزان خالی است. جان‌های وارسته‌ای که بعضی از آنها چون حمید سبزواری، مشفق کاشانی، محمود شاهرخی، نصرالله مردانی و... به دیار باقی شتافته‌اند. و برخی دیگر به کنج خلوت حاصل از بی مهری مدعیانی که میزان التزام همگان را با زوایای تنگ نگاه خود اندازه می گیرند! بگذریم... این عکس که امیر قمیشی عزیز برایم فرستاده است، حلاوت یکی از آن شبهای به یادماندنی را در کامم ریخت.

عالم وارسته ای که در صف اول نماز می بینید، زنده یاد بهجتی امام جمعه فقید اردکان است. شاعر روشن ضمیری که هم مورد علاقه شدید رهبر معظم انقلاب بود، هم محبوب مردم شریف اردکان و خاندان بزرگ خاتمی. روحش شاد...سمت چپ ایشان امیر قمیشی نشسته است که آن سالها بسیار جوان بود و در کنارش هم من سراپا تقصیر...

یادداشت

گام پنجم در سازندگی (۲۶)

سیّد علی گرامیان

دانشگاه:

جوانان آنگاه که در میدان آزمون عمومی و رقابت سراسری از سد کنکور گذشتند پای به عرصه جدیدی می‌گذارند به نام دانشگاه، در این حال هویت جدیدی یافته و احساس می‌کنند بزرگتر شده‌اند، جامعه به دیده احترام و اعتبار بیشتری به آنان می‌نگرند، زیرا از مرحله دانش‌آموزی گذشته و اکنون دانشجو شده‌اند.

آنان در این مرحله برای ورود به عرصه جدید دانش و پذیرش برنامه‌های دانشگاه، اشتیاق و آمادگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. دانشگاه با اغتنام شرایط و فرصت، باید بتواند این روح‌های آماده و پر تاب و توان را تغذیه علمی کند و روحیه مسئولیت‌پذیری و خدمت به کشور و جامعه را در آنان تقویت کند. تحقق این امر به نظام اداری و برنامه‌های دانشگاه و مراتب علمی و اخلاقی استاد بستگی دارد.

استاد از نظر علمی باید پرتوان و خوش‌بیان و از نظر اخلاقی با دانشجو با حفظ وقار، خودمانی و چون پدری مهربان باشد. رسالت اصلی و عمده دانشگاه دو چیز است: یکی مجهز کردن دانشجو به دانش و تخصص‌های مود نیاز جامعه و دیگری بالا بردن درجه تعهد و مسئولیت‌پذیری دانشجو نسبت به ملت، ملتی که بار تحصیلش را به دوش کشید و او را از بی‌سوادی به دانش‌آموزی و از دانش‌آموزی به دانشجویی و فارغ التحصیلی رسانده است.

فارغ التحصیل دانشگاه اگر از توانایی‌های علمی و تخصصی لازم برخوردار نباشد نمی‌تواند خدمت شایسته‌ای به ملت ارائه کند و گرهی از کار جامعه بگشاید و اگر از تعهد لازم برخوردار نباشد خدمت صادقانه و مفیدی از او انتظار نمی‌رود، بلکه گاهی بلای جان جامعه خواهد شد اینکه فرموده‌اند: «اذا فَسَدَ الْعالِمُ فَسَدَ الْعالَمُ» شرح حال علمای بی تقوی و باسوادان بی‌تعهد است.

جامعه به عالم صالح نیازمند است و دانشمندان مومن، اعم از این که حوزوی باشند یا دانشگاهی. وظیفه دانشگاه پرورش متخصصان متعهد و دانشمندان صالح است.

اشخاصی که از دانشگاه فارغ التحصیل می‌شوند اگر از سه ویژگی برخوردار باشند می‌توانند به حال خود و جامعه مفید و مثمر ثمر باشند: یکی این که از دانش و مهارتهای علمی و کاربردی لازم برخوردار باشند والا مدعیان مدرک دار و فاقد مهارت های لازم، موجودی بی‌ثمر خواهد بود که وقت خود و بودجه مملکت را ضایع کرده است.

دوم این که به طور واقعی باایمان و دین‌دار باشد در این صورت از وجود او خیر و خوبی زایش می‌کند، برای کشور و ملت خود عنصر مفیدی خواهد بود و مورد اعتماد و علاقه مردم قرار خواهد گرفت. ما شاهد این واقعیت در بخش‌های مختلف استادان، پزشکان، مهندسان و غیره هستیم.

سزاوار است یاد کنم از شهید دکتر فیاض‌بخش او به طور ریشه‌ای و خانوادگی مسلمانی متدین بود. به یاد دارم سالها قبل از انقلاب در مکتب علم‌القرآن جعفری اولین منبرم را در منزل پدر شهید فیاض‌بخش رفتم در آن جلسه بعضی از مهندسان و پزشکان هم حضور داشتند، من ضمن سخن حدیثی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خواندم و برای این که بگویم آنچه بزرگان دین ما در هزار و چهار صد سال قبل فرموده‌اند علم امروز نیز مهر تائید بر آن نهاده است دو مورد از گفته دو دانشمند غربی را در تائید موضوع مطرح کردم بعد از منبر مرحوم شهید دکتر فیاض‌بخش که در جلسه حضور داشتند کنارم نشستند برخلاف انتظارم ایشان به سخنم اشکال کردند و گفتند وقتی امام ما مطلبی را گفتند برای ما تمام است چه ضرورتی دارد که برای سخن اماممان از دانشمندان غربی تائید بیاوریم. این سخن از عمق ایمان و باور ایشان به دین حکایت داشت، خدای رحمتش کند او محل مطبش را در جنوب شهر انتخاب کرده بود، وقتی هم که معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان بهزیستی کشور شد محل مطبش را عوض نکردو گاهی که بیمار نیازمندی را نزدش می‌فرستادم او علاوه بر اینکه پول ویزیت نمی‌گرفت پول دارویش را هم می‌پرداخت و در مواردی پول دستی هم به بیمار می‌داد. این مورد را به عنوان نمونه از مفید بودن متخصص متعهد آوردم.

بحمدالله در جامعه ما بین پزشکان و دیگر اقشار تحصیلکرده از این گونه افراد فراوانند. همچنان که زیرمیز بگیرها و دزدان بیت‌المال تحت عناوین مختلف نیز فراوانند.

ویژگی سوم فارغ التحصیل دانشگاه این است که مردمی و مردمدوست باشد و خدمت به خلق خدا را بالاترین عبادت ها بداند و از اینکه گرهی از کار مردم بازکند یا باری از دوش افراد جامعه بردارد، لذت ببرد.

اگر دانشگاه بتواند با مدیریت، اساتید و امکانات و برنامه‌های خود این سه محور را در دانشجو محقق کند وظیفه خود را به شایستگی انجام داده است والا بار سنگینی بر دوش جامعه خواهد بود ، آن هم بسیار سنگین.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دانشگاه به نحو چشمگیری توسعه پیدا کرد، جذب دانشجو از ۱۰ برابر قبل از انقلاب گذشت ، دانشگاه آزاد اسلامی از ظرفیتی برابر با دانشگاههای دولتی برخوردار است و دانشگاه پیام نور چتر خود را در همه جا گسترده است، به طوری که می‌توان گفت اکنون امکان تحصیل دانشگاهی برای همگان در سطح کشور فراهم است. در سطوح عالیه فوق‌لیسانس و دکترا با تراکم فارغ التحصیل مواجه هستیم واز نظر کیفی به ویژه در زمینه انرژی هسته‌ای و نانو و صنایع نظامی و رباتیک موفقیت‌های شایسته‌ای کسب کرده‌ایم. سطح علمی ما از نظر بین‌المللی ارتقاء یافته و در منطقه در رتبه اول قرار داریم. مقالات علمی زیادی از اساتید و دانشمندان ما در مجلات معتبر دنیا به چاپ رسیده است، تاکیدات مقام معظم رهبری بر تولید علم و الگوی ایرانی–اسلامی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی و تشکیل شرکتهای تولیدی دانش بنیان نویدهای بهتری از ارتقاء سطح علمی کشور را پیش روی ما قرار می‌دهد.

در عین حال مواردی وجود دارد که نشاط علمی و دانشگاهها را کند می‌کند از جمله وجود افراط و تفریط‌های سیاسی، جایگزین شدن سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری به جای سیاست‌دانی، وجود جریانهای متعدد دانشجویی با پسوند اسلامی که ماهیت سیاسی دارند، هم عرضند اما همراه نیستند. گاهی کارشان به تزاحم و بر تضاد با یکدیگر می‌رسد، تاثیرگذاری بعضی گروههای سیاسی در داخل دانشگاه‌ها که این خلاف شأن و جایگاه علمی دانشگاه است. کرسی‌های آزاد اندیشی و بحث‌های آزاد علمی و منطقی جای حقیقی خود را در دانشگاه پیدا نکرده است. گاهی مقالات علمی کپی‌برداری یا خریداری می‌شوند، مقالات علمی که اساتید ما بهISI می‌دهند و ثمری برای ایران ندارد و خارجیان از آنها بهره می‌برند. بسیاری از پایان نامه‌ها که رساله علمی فارغ‌التحصیلان را تشکیل می‌دهد مرتبط با نیازهای روز کشور نیست و در آرشیو دانشگاه بلا استفاده مانده و خاک می‌خورد. تعداد زیادی از نخبگان دانشگاهی ما که ملت زحمت تحصیل آنان را کشیده است به علت عدم قدرت جذب در داخل، راهی خارج می‌شوند و چون غذای آماده سر سفره بیگانگان قرار می‌گیرند. احترام و محبت که بر اساس فرهنگ اسلامی بین استاد و دانشجو معمول بوده است چنانکه باید رعایت نمی‌شود و مسائل دیگری که کم نیستند و لازم است برای هریک از آنها چاره‌اندیشی شود تا موتور حرکت علمی دانشگاه با سرعت و توان بیشتری به جلو حرکت کند.

نه من کارشناس همه مسائل دانشگاه هستم و نه ظرفیت مقاله اجازه این کار را می‌دهد. نظرم این است که برای سازندگی کشور که هدف این سلسله مقالات است در حوزه دانش مساله اساسی دیگری را مطرح کنم.

ادامه دارد...

دلنوشته

شبی با عطا...

محمد نهاوندیان

از راست: محمد نهاوندیان، محسن جلال پور، عطا احمدی، فرزند عطا احمدی

در که باز شد، ابرو در هم کشید و انگار خوش نیامد بر او، حضور ناگهانی میهمانان ناخوانده‌ای که سرزده به قلندر کرمان سر زدند... احساس کرد دوباره عده‌ای آمده‌اند تنهایی اش را بخراشند و گمنامی اش را بیازارند... اما درنگی که کرد، سر سخنش باز شد، صمیمانه و ناب. با آن گوهر بی‌همتای سادگی که اکسیر وجود قلندر کرمان است.

نشست و به مهر با ما سخن گفت... عطا احمدی بزرگی است که بزرگان به احترام و تواضع، به خانه‌اش می آیند و گوهری راز آلود را از سیما و صدا و جوهر و جانش بر می‌گیرند...

دلنوشته محمد نهاوندیان، متأثر از حضور در کنار مردی سحر انگیز است به نام پهلوان عطا احمدی. شبی از شب‌های اردیبهشت در هنگام سفر رئیس جمهوری به دیار کریمان، سرزده مهمانش شد و این جواهر روزگار را اینگونه به جوهر قلم آورد:

در سفر کرمان فرصت مغتنمی پیش آمد برای دیدار با پهلوان عطا احمدی، معلّم وارسته، استوار و سرافراز که نشان پرافتخار ساختن ۲۵۰ (دویست و پنجاه) مدرسه را در کارنامه زندگی پربار خود دارد.

روحانی فرهیخته و فروتن، آقای دعائی، اسباب خیر شد و سرزده و بی‌هماهنگی قبلی ما را به خانه او برد. خانه که نه، اتاقی کوچک که به‌صورت اجاره‌نشین در آن زندگی می‌کند. خانهٔ خودش را هم به یاد همسر مرحومه‌اش مدرسه کرده و به کودکان کرمانی هدیه کرده است. در تک پیراهن سپید و لباس ساده‌اش با ظرفی از خرمای بم از ما پذیرایی کرد. سن طولانی او در استواری قامت و استحکام کلامش هیچ اثری نگذاشته است. با تواضع و ادب ولی با اعتماد به نفس سخن می‌گفت: از معنویت، از ضرورت کنار گذاشتن اختلافات بیهوده، از رسیدگی به نیازهای جوانان و مبارزه با فسادهای مالی ادارات. بسیاری از مسئولان امروز استان، شاگردان قدیمی او بوده‌اند که چندی پیش نیز، باز به یاد دوران خوشه‌چینی از خرمن دانش و اخلاق او، دوباره کلاسی آراسته‌اند و ساعتی پای درس او نشسته‌اند.

صدها مدرسه‌ای که به همّت او ساخته شده است، برپایه اعتماد مردان و زنان خیّری بوده است که دهها میلیارد تومان در اختیار مردی گذاشته‌اند که روزگار خود را با حقوق بازنشستگی دوران معلّمی خود می‌گذراند و با زاهدانه‌ترین زندگی، سرزنده و بانشاط هنوز در کار ساختن معبد ایمان و علم و عمل است.

دیدار پهلوان عطا، خاطرات درس‌آموزی از محضر مردان میدان انسان‌سازی، استاد روزبه و علامه کرباسچیان را زنده کرد که با زندگی خود ـ و نه تنها با لفظ و اندرز ـ درس پارسایی و دانایی می‌دادند و دینداری را در خردورزی و خدمت به خلق خدا می‌جستند و می‌یافتند. حاصل آن تلاشهای صادقانه، پروردن روحهای بزرگی است که هر جا که هستند، ستونی در معماری جامعهٔ اسلامیمان شده‌اند و فروتنانه باری را به دوش کشیده‌اند.

در مسیر خانهٔ معلم پهلوان، دیدم که خیابانی را به نام او کرده‌اند و اگرچه بازنشستگی زودهنگام او، خود حاصل نامهربانی در یک دوره زمانی بوده است ولی دیگران قدر شناخته‌اند و تکریم کرده‌اند و مردم هم با سرمایه اعتماد خود نشان داده‌اند که خلوص و صداقت را می‌شناسند و همّت‌های بلند را با سخاوت پاس می‌دارند.

چه بوستان پر گلی خواهد شد ایران ما، زمانی که در جای جای آن، چنین باغبانان عاشقی، راست‌قامت و فروتن، به کار آموزش و پرورش نونهالان این سرزمین ایستاده باشند و چه غوغایی از ایمان و تلاش و سازندگی بر پا خواهد شد زمانی که ما همه قدر معلّمان را در این مدرسهٔ بزرگ ایران بدانیم و بتوانیم ذهنشان را از غم سامان زندگی آسوده کنیم تا غمی جز دغدغه تربیت گلهای ایران برایشان نماند.

برپایی غرفه قرآن‌های نفیس سید محمد صادق خرازی

قرآن‌های نفیس "محمد صادق خرازی" برای نخستین بار در غرفه‌ای ویژه به نام "مجموعه قرآن‌های خطی و نفیس سید محمد صادق خرازی" در بخش هنری بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم به نمایش درآمده است.

"اصغر امیر نیا"، مدیر کمیته هنری نمایشگاه قرآن در گفت‌وگو با ستاد خبری بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم، گفت: یکی از ویژگی‌های کمیته هنری در این دوره از نمایشگاه قرآن، نمایش آثار گنجینه‌ای نفیس و موزه‌ای از قرآن‌کریم است.

وی گفت: "محمد صادق خرازی" از مسئولان سابق وزارت امور خارجه کشور بودند و به دلیل منصبی که داشتند قرآن‌های نفیسی از سراسر جهان از کشورهای مختلف به ایشان هدیه داده شده است. در حال حاضر ایشان یکی از مجموعه‌داران قرآن‌های نفیس در کشور هستند. وی افزود: قرآن‌های خطی کتابت‌شده از قرن دوم هجری قمری به بعد به خط کوفی در این غرفه در معرض دید عموم قرار دارد.

دیدار معاون هنری وزیر ارشاد از نمایشگاه

معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید از بیست‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم گفت: "به سوی فهم قرآن" انسان را به عمق مفاهیم قرآنی سوق می‌دهد و اگر بتوانیم اندکی محتوای قرآن را دریافت کنیم، در این صورت کمک بزرگی به ارتقای فرهنگ عمومی کرده‌ایم. "علی مرادخانی"، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با ستاد خبری بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم با بیان این مطلب افزود: شعار «به سوی فهم قرآن» مناسب نمایشگاه قرآن است و اگر اندکی از محتوای قرآن را دریافت کنیم؛ جامعه را درون‌سازی خواهیم کرد. این شعار می‌تواند کمک بزرگی به ارتقای فرهنگ عمومی کند. وی در ادامه با بیان اینکه نمایشگاه قرآن می‌تواند با استفاده از پارامترهای زمان و مکان مناسب در شرایط مطلوبی برگزار شود تا در نهایت نمایشگاه مورد اقبال عموم مردم قرار بگیرد.

بزرگداشت استاد حمید سبزواری برگزار شد

سرویس فرهنگی، هنری: مراسم بزرگداشت زنده‌یاد حمیدسبزواری، شاعر معاصر، از سوی سازمان بسیج هنرمندان با همکاری حوزه هنری عصر روز گذشته با حضور هنرمندان، فرهیختگان و مقامات لشکری و کشوری برگزار شد.

به‌گزارش خبرنگار ما، مراسم عصر شعر و خاطره باعنوان «هم‌پای جلودار» با حضور خانواده مرحوم سبزواری و سردار نقدی، فرمانده بسیج، و برخی از شاعران انقلاب در سالن سوره مهر حوزه هنری برگزار شد.

در آغاز این آیین دکتر منتظری، رئیس بسیج هنرمندان به ایراد سخن پرداخت و درباره سجایای شعری و تأثیر اشعار سبزواری بر جریان انقلاب صحبت کرد و اعلام داشت که مجموعه اشعار حمید سبزواری را به‌زودی به زیور طبع آراسته خواهیم کرد.

در ادامه این مراسم حسین اسرافیلی حضور سبزواری را در جریان شعر انقلاب مهم دانست و گفت: او با قرآن، امام و انقلاب بیعت کردند که وجودشان برای ما مسیری بود که راه را گم نکنیم. وی در ادامه رباعی در وصف مرحوم سبزواری خواند.

سپس محمدحسین انصاری‌نژاد شعری در وصف استاد سبزواری خواند.

در ادامه این مراسم سردار نقدی، فرمانده سازمان بسیج، به‌ایراد سخن پرداخت و ضمن تجلیل و تکریم استاد حمیدسبزواری گفت: درگذشت استاد سبزواری ضایعه بزرگی برای شعر و ادبیات انقلاب بود و امیدواریم جوانانی به صحنه بیایند که همانند استاد سبزواری راه را ادامه دهند. وی افزود: عرصه هنر عرصه رقت قلب است. شاخصه بزرگ مرحوم سبزواری این بود که با داشتن رقت قلب کوچکترین لغزش در مسیر حقیقت پیدا نکرد و راه را تا آخر ادامه داد و این درس بزرگی برای کسانی است که می‌خواهند هنر و انقلاب را با هم داشته باشند.

در ادامه این مراسم از خانواده مرحوم استاد حمید سبزواری با حضور فرزند و همسر ایشان از این شاعر انقلاب تقدیر شد.

سپس گلریز خاطراتی را برای حضار درباره استاد سبزواری ارائه کرد و سرودی را نیز از استاد سبزواری خواند. مصطفی محدثی خراسانی و عبدالرحیم سعیدی‌راد از دیگر شاعران این آیین بودند که در وصف استاد سبزواری شعری خواندند.

همراه با رمضان

گفتار چهاردهم

هدف از آفرینش

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی

امام سجاد (علیه السلام) در این فراز از دعای شریف مکارم الاخلاق از حضرت ربوبی می خواهد که توان و نیروی مرا در طول ایام زندگانیم در راهی قرار ده که مرا برای آن آفریده ای: «و استفرغ ایامی فیما خلقتنی له».

پدیده ها و موجودات عالم، افزون بر علت فاعلی (پدیدآورنده)، علت مادی (عناصر تشکیل دهنده)، علت صوری (شکل و تصویر) و «علتی غایی» دارند. «علت غایی» هر شیء، علتی است که فاعل آن شیء، آن را برای آن به وجود آورده است؛ به عبارت دیگر علت غایی هر شیء هدف و غایتی است که شیء به دلیل آن، پدید آمده است.

اکنون این پرسش مطرح می شود که علت غایی آفرینش انسان چیست و انسان با چه هدفی آفریده شده است؟ مرحوم سید علی خان کبیر شارح صحیفه سجادیه می نویسد: منظور از «فیما خلقتنی له»، با توجه به آیه شریفه «و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون» (ذاریات/ ۵۶) عبادت خدای متعال است. (ریاض السالکین/ ج۳/ ص۲۹۳)

آیه شریفه یادشده هم هدف و غرض آفرینش انسان را عبادت پروردگار معرفی می کند و اگر انسان بتواند به مقام عبودیت و پرستش خدای رحمان دست یابد، به هدف و غایت مد نظر نائل شده است.

اهل معرفت بر این باورند که هدف آفرینش مخلوقات و علت هست شدن عالم، شناخت و معرفت حق سبحانه و تعالی است، چنان که در حدیث قدسی آمده است: «کنت کنزاً مخفیاً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف» (بحار الانوار/ ج۸۴/ ص۱۹۸) من گنجی پنهان بودم، پس دوست داشتم که شناخته شوم، پس مخلوقات را آفریدم تا شناخته شوم.

در گفتارهای پیشین به این نکته توجه داده شد که عبادتی کامل و پذیرفتنی است که به طمع ثواب یا ترس از عقاب صورت نیافته باشد که چنین عبادتی، عبادت تجار و بردگان است و البته بهایی ناچیز دارد، بلکه تنها عبادت احرار و آزادگان که به عشق پروردگار صورت می پذیرد، عبادت کامل و تام است. آنچه مؤمن را به پرستش خالص و عبادت مخلصانه وا می دارد، شدت علاقه و عشق به محبوب است و این عشق تنها از راه شناخت معبود حاصل می‌شود و تا معرفت و شناختی نسبت به حضرت باری تعالی نداشته و معبود را نیافته باشیم، عشق و پرستش توهمی بیش نیست.

افزون براین، آنچه انسان را از شرک و کفر باز می دارد و نیت را خالص و ایمان را کامل می کند، شناخت معبود است و چون شناخت و معرفت حقیقی پدید آمد، لاجرم مؤمن خود را در او فانی می یابد و به پرستش و عبادتش می پردازد.

از امام حسین (علیه السلام) روایت شده است که: «ایها الناس ان الله ـجلّ ذکره- ما خلق العباد الا لیعرفوه، فاذا عرفوه عبدوه، فاذا عبدوه استغنوا بعبادته عن عباده ما سواه» (بحار الانوار/ ج۵/ ص ۳۱۲)؛ ای مردم! خدای بزرگ بندگان را جز برای معرفت الله و شناخت حضرتش خلق نکرد. پس وقتی بندگان خدا را شناختند، به عبادتش می پردازند و هنگامی که خدا را عبادت و پرستش کردند، به واسطه پرستش خدا، از عبادت غیر او بی نیاز می شوند.

مومنی که خدای سبحان را عبادت و قرب حضرت حق را طلب می کند و خود و همه هستی را محتاج و ذیل وجودِ ذیجود خدای متعال می یابد، بی گمان عبادت کامل و نیایش تام را مختص پروردگار می داند و جز خدا غیری نمی بیند که لایق توجه و عبادت باشد.

توجه به این نکته لازم است که برای هر چیزی کمالی است و کمال آدمی در این است که عمر خود را در راهی مصروف دارد که برای آن آفریده شده و جسم و جان را برای رسیدن به مقصدی در خدمت بگیرد که حضرت رب العالمین برای وی مقدر ساخته و هدف و غایت آفرینش خود را که معرفت‌الله و حب‌الله و طاعت‌الله است، به سرانجام برساند. انسان وقتی به کمال می‌رسد که به این مراتب سه گانه دست یافته باشد و ثناگوی محبوبی باشد که می شناسد .

در پایان توجه به این نکته ضروری است که تجلی «جود» و فیض مدام حضرت سبحان که لازمه ذات الهی است، موجب آفرینش و حیات بخشی انسان‌هاست. لازمه جودِ باری تعالی، تکامل انسان به اختیار است و تکامل انسان تنها با شناخت و معرفتِ پروردگار حاصل می شود. چنان که گفتیم، آنکه خدا را شناخت، عاشقش می شود و چون عاشق شد، محبوب را پرستش و ستایش می‌کند و در این موقف است که تکامل نهایی انسان تحقق می یابد.

رئیس آموزش و پرورش منطقه ۲ تهران: سطح سواد دانش آموزان به‌رغم سرمایه گذاری خانواده‌ها رو به نزول است

مدیر آموزش و پرورش منطقه دو تهران، با تأکید بر آنکه توسعه فضای مجازی باعث افزایش خودآگاهی بین دانش‌آموزان شده است، گفت: شکاف بین واقعیت اجتماعی و فضای مجازی ریشه بسیاری از آسیب‌های دانش‌آموزی است.

دکتر حسین طالب‌زاده در گفتگو با اطلاعات با اشاره به ضرورت تغییرات نرم‌افزاری در نظام آموزش و پرورش تأکیدکرد: در برابر گسترش بی‌رویه فضای مجازی و ارتباط دانش‌آموزان با این فضا، ما مسئولان و مدیران آموزش و پرورش باید از خود بپرسیم آیا به‌راستی نسل جدید را با ویژگی‌های منحصر به خودشان می‌شناسیم؟ که البته پاسخ این پرسش از نظر من منفی است.

وی افزود: تجربه نشان می‌دهد نسل جدید دانش‌آموزی ممکن است در بسیاری مواقع برای پیشبرد امور، خود را آنگونه که هست بروز ندهد، بلکه در زمان و موقعیت پیش آمده تفاوت‌های بین واقعیات درونی و بیرونی را به شکل آسیب‌های اجتماعی مانند خودکشی منعکس کند.

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان ادامه داد: دولت و خانواده‌ها پول زیادی را برای نسلی‌که به‌درستی آنها را نمی‌شناسیم هزینه می‌کنند در حالی‌که همواره مطابق انتظار خروجی درستی هم نداریم.

وی در توضیح این موضوع گفت: برای مثال خانواده‌ها مبالغ زیادی را برای قبولی فرزندان‌شان در کنکور هزینه می‌کنند. در حالی‌که دانش‌آموزان به‌اندازه ده‌درصد این مبالغ هم بهره‌وری ندارند.

طالب‌زاده با اشاره به این‌که منحنی سطح سواد دانش‌آموزان رو به نزول و منحنی پول خرج‌شده خانواده‌ها برای دانش‌آموزان رو به صعود است، گفت: چرایی این مسأله سؤال جدی است که آموزش و پرورش و نظام فرهنگی باید به آن پاسخ دهد. متأسفانه به‌دلیل فقدان درون‌نگری فرهنگی ما به‌درستی قادر نیستیم از هوش نسل جدید بهره‌برداری کنیم.

وی در ادامه با اشاره به‌تحصیل ۱۷درصدی دانش‌آموزان در شاخه‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش مدارس منطقه دو تهران اظهار داشت: بنابه دلایل اجتماعی، برون‌سیستمی و درون‌سیستمی ما شاهد افت تعداد دانش‌آموزان متقاضی تحصیل در شاخه‌های فنی حرفه‌ای در منطقه دو آموزش و پرورش هستیم .

مدیر آموزش و پرورش منطقه دو تهران افزود: والدین دانش‌آموزان به دلیل توجه بیش از حد به کنکور و عدم شناخت نسبت به آینده شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و همچنین مسأله پرستیژمداری مانع ورود فرزندان‌شان به این شاخه‌ها می‌شوند.

وی با تأکید بر خالی‌بودن ظرفیت مدارس فنی حرفه‌ای در منطقه دو آموزش و پرورش گفت: رسانه‌ها و آموزش و پرورش هم به‌درستی نتوانسته‌اند اهمیت این مدارس را تبیین کنند. البته کمبود نیروی انسانی و فرسوده‌بودن تجهیزات هم در مدارس فنی حرفه‌ای و کاردانش باید مورد توجه قرار گیرد.

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان در ادامه با تأکید بر عملیاتی‌شدن کارکردهای اجتماعی مدارس و تاثیر آن بر جذب هر چه بیشتر مشارکت‌های مردمی، خاطرنشان کرد: علیرغم آنکه میزان مشارکت مردمی در مدارس منطقه دو بالاست، اما باید گفت که ظرفیت منطقه برای جذب مشارکت معقولانه توأم با رضایت بسیار بیشتر از حد کنونی است.

وی افزود: اداره مدارس فقط توسط دولت در چنین شرایطی قطعاً غیرممکن است کما اینکه دولت به‌تنهایی قادر به پرداخت تمامی هزینه‌های آموزش و پرورش نیست. کمک‌ها و مشارکت‌های مردمی است که امکان اداره مدارس را فراهم می‌کند.

طالب‌زاده با اشاره به سهم ۲۷ هزار میلیاردتومانی آموزش و پرورش از بودجه جاری دولت گفت: برای افزایش کیفیت اداره آموزش و پرورش این رقم باید به ۴۵هزار میلیاردتومان برسد. از اینرو باید به استفاده از ظرفیت‌های درونی آموزش و پرورش روی آوریم که من نام آن را درون‌نگری می‌گذارم. رئیس آموزش و پرورش منطقه دو، افزود: در حال حاضر آموزش و پرورش با برون‌نگری و تکیه به کمک دولت اداره می‌شود، در حالی‌که باید از ظرفیت‌های درونی مانند ظرفیت‌های اقتصادی بهره گرفت.

وی در توضیح ظرفیت‌های اقتصادی آموزش و پرورش اظهار داشت: در حال حاضر ما مدارسی در برخی از مناطق آموزش و پرورش داریم که قابلیت تغییر کاربری دارند که با استفاده از مابه‌التفاوت تغییر کاربری آنها ضمن جانمایی ساخت مدارس بزرگتر و با امکانات بیشتر می‌توان از آن برای تجهیز سایر مدارس استفاده کرد.

شهریه مدارس غیردولتی و تعداد دانش‌آموزان این مدارس موضوع دیگری بود که طالب‌زاده پیرامون آن گفت: منطقه دو آموزش و پرورش دارای ۸۰ هزار نفر دانش‌آموز است که ۳۲هزار نفر از آنان در مدارس دولتی و مابقی در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند.

وی افزود: متغیرهای متعددی مانند میزان اجاره‌مدارس، حقوق معلمان و هزینه خدمات ارائه شده به دانش‌آموزان در میزان شهریه مدارس غیردولتی موثر است، اما تمامی مدیران مدارس غیردولتی موظفند شهریه مصوب ارائه دروس را طبق ضوابط از اولیاء اخذ کنند. ضمن آنکه دانش‌آموزان موظف به شرکت در دوره‌های فوق برنامه نیستند و شرکت در آنها اختیاری است. رئیس آموزش و پرورش منطقه دو با اشاره به اینکه بازرسان عملکرد مدارس غیردولتی را زیرنظر دارند، گفت: پس از تأیید تخلف و تذکر کتبی در صورت عدم توجه به تذکر مربوط، پرونده مدرسه متخلف برای رسیدگی به نهادهای ذی‌ربط ارسال می‌شود.

طالب‌زاده با اشاره به مشکل فضای آموزشی در منطقه دو آموزش و پرورش تهران، ادامه داد: با اجرای نظام آموزشی ۳ـ۳ـ۶، باید نیمی از مدارس به دوره ابتدایی اختصاص می‌یافت. با این الزام در ابتدای اجرای این طرح با مشکلات زیادی مواجه شدیم.

وی افزود: هر چند با ساماندهی فضاهای آموزشی تعدادی از مدارس متوسطه را به ابتدایی تبدیل کردیم، اما همچنان به وضعیت نرمال دست نیافته‌ایم.

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان ادامه داد: منطقه دو آموزش و پرورش علیرغم آنکه در مناطق متوسط رو به بالا قرار دارد، اما از لحاظ فضای آموزش مدارس دولتی با تعداد زیادی از مدارس استیجاری که معارضان حقیقی و حقوقی دارد، مواجه است.

وی با تأکید بر اینکه تعداد مدارس نوساز این منطقه به عدد ۱۰ هم نمی‌رسد، گفت: متأسفانه سازمان نوسازی مدارس و خیرین مدرسه‌ساز با این تصور که منطقه دو آموزش و پرورش جزء مناطق مرفه است، توجه لازم را به این منطقه نداشته‌اند.

دکتر میرزاده: سهم دانشگاه آزاد در تولید جهانی علم قابل انکار نیست

نشست دکتر حمید میرزاده رئیس دانشگاه آزاد با اعضای هیأت علمی، دانشجویان و کارکنان واحد تهران مرکزی دیروز در مجتمع ولیعصر این واحد دانشگاهی برگزار شد.

به گزارش روابط‌عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر میرزاده در این نشست گفت: گزارش یکی از پایگاه‌های علمی معتبر بین‌المللی (ESI) نشان می‌دهد براساس آخرین داده‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی رتبه صد و شصت و پنجم تولید علم جهانی را دارد که این یک افتخار بزرگ برای ایران است.

وی ادامه داد: امروز از یک میلیون و ۶۲۰ هزار دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی، ۳۰ درصد آنان یعنی ۵۰۰ هزار نفر در مقاطع تحصیلات تکمیلی مشغولند.

میرزاده با اشاره به سهم بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی در تولید جهانی علم در کشور گفت: این سهم بسیار مهم بوده چرا که اگر سهم دانشگاه آزاد اسلامی از تولید جهانی علم کشور را کم کنیم، دیگر ایران در پوسته‌های اول و دوم علم جهانی قرار نخواهد گرفت. وی با اشاره به افتتاح مجموعه ورزشی شهید صدرزاده واحد تهران مرکزی، گفت: خوشبختانه امکانات خوبی در این مجموعه با بهینه‌سازی فضای موجود، کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی در متراژ ۲هزار مترمربع برای هزار و ۲۰۰ دانشجوی تربیت بدنی ایجاد شده است که جا دارد از معاون عمرانی این واحد تشکر کنیم.

وی با بیان اینکه واحد تهران مرکزی محور توسعه شبکه بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی است، تصریح کرد: این شبکه بیش از ۱۵ واحد در سراسر کشور، آسیا و اروپای مرکزی را دربرمی‌گیرد و یکی از محورهای اصلی توسعه شبکه بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است که با کمک واحدهای الکترونیکی و تهران مرکزی شکل می‌گیرد. دکتر میرزاده با تأکید بر اینکه دانشگاه آزاد اسلامی برای توسعه زبان و ادبیات فارسی برنامه‌های ویژه دارد، تأکید کرد: به زودی دفاتر دانشگاه آزاد اسلامی در کشورهای آلمان و ایتالیا افتتاح خواهند شد تا به توسعه فرهنگ و زبان فارسی بپردازند.

۳۳ محقق پزشک ایرانی در جمع دانشمندان برتر دنیا

جدیدترین فهرست دانشمندان برتر علوم پزشکی کشور در جمع یک‌درصد دانشمندان پُراستناد دنیا منتشر شد و تعداد محققان ایرانی در این فهرست به ۳۳نفر افزایش یافت.

دکتر پیام کبیری، رئیس مرکز توسعه‌وهماهنگی اطلاعات‌وانتشارات علمی در گفتگو با مهر افزود: فهرست دانشمندان علوم پزشکی کشور در جمع یک درصد دانشمندان پُراستناد دنیا براساس نظام رتبه‌بندی ESI – Essential Science Indicators در ماه مه سال ۲۰۱۶میلادی منتشر شده است.

وی افزود: بر اساس نتایج اخیر این نظام رتبه‌بندی معتبر بین‌المللی، تعداد دانشمندان برتر علوم پزشکی کشور که در گروه یک درصد دانشمندان پُراستناد دنیا قرار گرفته‌اند به ۳۳نفر افزایش یافته است.

رئیس مرکز توسعه و هماهنگی اطلاعات و انتشارات علمی وزارت‌بهداشت با اشاره به سهم دانشگاه‌های علوم‌پزشکی کشور از این دانشمندان گفت: ۱۹نفر از دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۴نفر از دانشگاه علوم‌پزشکی اصفهان، ۳ نفر از دانشگاه علوم پزشکی تبریز هستند.

اهدای کتابخانه شخصی فریدون مشیری به مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

در خرداد ماه ۱۳۹۵ شمسی از جانب فرزندان شاعر پرآوازه فریدون مشیری، کتابخانهٔ شخصی آن روانشاد به مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی) اهدا شد.

این مجموعهٔ ارزشمند شامل کتابها و مجله های چاپی است. کاظم موسوی‌بجنوردی، رییس دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ضمن تشکر و قدردانی از فرزندان آن مرحوم گفته است: کتابخانهٔ مرکز از فرزندان آن روانشاد سپاسگزار است که به یاد پدر بزرگوار خود چنین بخشش بزرگی را برای اعتلای فرهنگ ایران پیشنهاد همت خود قرار دادند و از درگاه خداوند متعال برای آن استاد لطف و مرحمت مسألت دارد.

استخراج ۳۰۰ رشته بین رشته‌ای در علوم پزشکی

معاون آموزشی وزارت بهداشت گفت: مطالعاتی در زمینه توسعه رشته‌ها و مقاطع علوم پزشکی در معاونت آموزشی انجام شده و در مجموع حدود ۳۰۰ رشته – مقطع در حوزه‌های مختلف خصوصا علوم بین رشته‌ای، از این دو مطالعه استخراج شده است.

به گزارش ایسنا، دکتر باقر لاریجانی در نشستی با حضور مسئولین کلان مناطق آمایشی و معاونین آموزشی دانشگاه‌ها ضمن بیان این مطلب و با اشاره به آغاز گفتمان جدید در حوزه آموزش پزشکی افزود: این گفتمان از سال گذشته در حوزه آموزش علوم پزشکی شروع شده و خوشبختانه امروز با همت تمامی همکاران در ستاد وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی شاهد حرکت‌های مثبتی در راستای تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی کشور هستیم.

وی گفت: چند ماه از واسپاری ماموریت‌های آموزشی به مناطق آمایشی کشور می‌گذرد و علی رقم این زمان کم، شاهد حرکت‌های چشمگیری در مناطق و همچنین دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در راستای اجرای این ماموریت‌ها هستیم. معاون آموزشی وزارت بهداشت با تاکید بر لزوم پایش وضعیت تحقق مأموریت‌های ویژه واسپاری شده به مناطق و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور گفت: با وجود تلاش‌هایی که در سطح ستاد برای پایش روند اجرای این ماموریت‌ها صورت می‌گیرد لازم است تا مسئولین مناطق آمایشی کشور از وضعیت پیشرفت تمامی ماموریت‌های واسپاری شده در سایر مناطق اطلاع یابند.

بررسی تفاسیر صوفیانه قرآن در شهر کتاب

در طی سده‌های چهارم تا نهم هجری که در نوشته‌های غربی به دوره اسلام کلاسیک معروف است، مهم‌ترین و تاثیرگذارترین تفسیرها بر قرآن تالیف شدند. کتاب «تفاسیر صوفیانه قرآن از سده چهارم تا نهم» نوشته کریستین سندز نگاهی به میراث تفسیری صوفیه در این چند سده دارد و به اقوال و آثار صوفیان بزرگی چون سلمی، قشیری، غزالی، رشیدالدین میبدی، روزبهان بقلی و عبدالرزاق کاشانی می‌پردازد. این کتاب نخستین پژوهش جامع درباره سهم صوفیان در تفسیر قرآن است و به تازگی با ترجمه زهرا پوستین‌دوز و به همت انتشارات حکمت منتشر شده است. نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه هشتم تیر ساعت ۱۶:۳۰به نقد و بررسی کتاب «تفاسیر صوفیانه قرآن» اختصاص دارد که با حضور دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر محسن معینی و دکتر مهرداد عباسی در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. در این نشست مجموعه مطالعات قرآن و حدیث انتشارات حکمت معرفی می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در این نشست به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

نمایش انیمیشن‌های علی اکبر صادقی فردا در موزه هنرهای معاصر تهران

انیمیشن‌های زال و سیمرغ، ملک خورشید و چهار انیمیشن دیگر از علی اکبر صادقی در هفته فیلم‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ، امروز ساعت ۱۷ در سالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید.

بنا به گزارش روابط‌عمومی موزه هنرهای معاصر تهران؛ درسومین روز از نمایش منتخبی از فیلم‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، امروز ساعت ۱۷، انیمیشن‌های "زال و سیمرغ" (۱۳۵۶)، "رخ"(۱۳۵۳)، "گلباران"(۱۳۵۱)، "ملک خورشید"(۱۳۵۴)، "من آنم که" (۱۳۵۲) و"هفت شهر"(۱۳۵۰) از علی اکبر صادقی درسالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید. علی اکبر صادقی در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شده است.وی در سال ۱۳۳۷ به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و به تدریج، صاحب سبک ویژه ای در تصویرسازی و نقاشی با حال و هوای ایرانی شد و این سبک در فیلم‌های انیمیشن او نیز دنبال می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای استفاده از برنامه‌های نمایش فیلم‌های کانون به صورت رایگان و آزاد، تا ۱۰ تیر ساعت ۱۷ به غیر از جمعه ۴ و دوشنبه ۷ تیر به موزه هنرهای معاصر تهران، واقع در خیابان کارگر شمالی مراجعه کنند.

کوتاه آموزشی

آغاز ثبت‌نام نقل و انتقال و میهمانی دانشجویان پزشکی

قائم مقام آموزشی وزارت بهداشت گفت: دانشجویان متقاضی میهمانی یا انتقال می‌توانند اطلاعات خود را در سامانه "میهمانی و انتقال دانشجویان" وزارت بهداشت ثبت کنند.

دکتر حمید اکبری در گفت‌وگو با ایسنا، با اعلام این مطلب افزود: تا کنون دانشجویان برای میهمانی و نقل و انتقال بین دانشگاه‌های داخل مجبور می‌شدند درخواست خود را به صورت کتبی و شفاهی به دانشگاه موردنظر ارسال کنند، اما با راه‌اندازی سامانه میهمانی و نقل و انتقال دانشجویان در وزارت بهداشت این امرتسهیل می‌شود. وی در ادامه تصریح کرد: دانشجویان متقاضی جابجایی و میهمانی می‌توانند از یکم تیر ماه اطلاعات خود را وارد سامانه کنند. این اطلاعات در مرداد ماه بررسی و نتایج آن تا دهم شهریور ماه قبل از شروع ترم جدید اعلام خواهد شد. وی در پایان خاطر نشان کرد: ثبت درخواست میهمانی وانتقال و همچنین رسیدگی و پاسخگویی به تقاضاهای مذکور به صورت کتبی قابل قبول نیست و صرفاً از طریق ثبت درخواست‌های میهمانی به آدرس http://Guest.behdasht.gov.ir و سامانه ثبت درخواست‌های انتقال به آدرس http://Transmission.behdasht.gov.ir صورت می‌گیرد.

دفترچه اصلاحیه انتخاب رشته کارشناسی ارشد امروز منتشر می‌شود

مشاور عالی رئیس سازمان سنجش آموزش کشور با بیان اینکه امروز آخرین مهلت انتخاب رشته افراد مجاز کارشناسی‌ارشد ناپیوسته است، گفت: امروز اطلاعیه‌ای در رابطه با اصلاحیه انتخاب رشته منتشر می‌شود.

حسین توکلی مشاور عالی رئیس سازمان سنجش آموزش کشور در گفت‌وگو با فارس، گفت: دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی این آزمون شامل شرایط، ضوابط و ظرفیت پذیرش رشته‌ها در روی سایت سازمان سنجش است و اطلاعیه مربوط به اصلاحیه دفترچه‌ها نیز امروز بر روی این سایت قرار می‌گیرد.

به گفته توکلی، ظرفیت پذیرش این دوره از آزمون کارشناسی‌ارشد ۱۷۱ هزار و ۳۱۰ نفر است. مشاور عالی رئیس سازمان سنجش آموزش کشور اظهار داشت: به داوطلبان مجاز توصیه می‌شود سریع‌تر برای انتخاب رشته اقدام کنند زیرا امروز آخرین مهلت انتخاب رشته است.

۳۸۶ کتابفروشی عضو فعال طرح «تابستانه کتاب» شدند

مدیرعامل خانه کتاب از ثبت‌نام ۳۸۶ کتابفروشی در سراسر کشور به عنوان کتابفروشی‌های فعال در طرح تابستانه کتاب خبر داد. این طرح با هدف حمایت از کتابفروشی‌ها از ۱۶تیر در کشور به اجرا درمی‌آید.

به گزارش مهر، نشست خبری رونمایی از طرح پوستر «تابستانه کتاب» صبح سه‌شنبه اول تیرماه ۹۵ با حضور مجید غلامی جلیسه مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب در محل سرای اهل قلم در تهران برگزار شد.

وی در ابتدای این کنفرانس مطبوعاتی با ارائه گزارشی از دو طرح قبلی اجرا شده از سوی این مؤسسه با هدف حمایت از کتابفروشی‌ها، گفت: حمایت از کتابفروشی‌ها با طرح «کتابفروشی به وسعت ایران» در پاییز سال گذشته و برای اولین بار بعد از انقلاب، در چرخه برنامه‌های معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت که در آستانه نوروز با اجرای طرح «عیدانه کتاب» تداوم یافت.

وی افزود: ما اگرچه در بخش تولید کتاب در سال‌های گذشته روند رو به رشدی را در کشور شاهد هستیم، اما از نظر توزیع و پخش کتاب، متأسفانه روندی نزولی و کاهشی را طی کرده‌ایم. یکی از دلایل کاهش رشد شمارگان کتاب هم، کاهش ویترین کتاب و کتابفروشی‌هاست.

جلیسه اضافه کرد: یکی از اهدافی که ما در اجرای طرح «کتابفروشی به وسعت ایران» دنبال می‌کردیم، توزیع عادلانه یارانه حمایتی بود که با عنوان «یارانه حمایت از مصرف‌کنندگان» در معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد وجود دارد. ما از ابتدای اجرای این طرح، رصد دقیقی را پیرامون عرضه کتاب در کشور آغاز کرده‌ایم و با توجه به زیرساخت مناسبی که به همین منظور طراحی شد، در حال حاضر وضعیت‌سنجی خوبی را در این زمینه به دست آورده‌ایم.

مدیرعامل خانه کتاب در ادامه با ارائه آماری مقایسه‌ای از خروجی طرح‌های «کتابفروشی به وسعت ایران» و «عیدانه کتاب» گفت: در طرح «کتابفروشی به وسعت ایران» ۲۳۹ کتابفروشی عضو شدند که از این تعداد ۱۳۴ کتابفروشی به حالت فعال درآمدند، اما در طرح «عیدانه کتاب» ۳۷۶ کتابفروشی به عضویت آن درآمدند که از این تعداد ۳۲۷ کتابفروشی به حالت فعال درآمدند. همچنین تعداد خریداران کتاب در طرح اول بالغ بر ۱۴هزار نفر بود که این تعداد در طرح دوم به بیش از ۱۰۰هزار نفر افزایش یافت. به گفته جلیسه، یارانه ارائه شده از سوی معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد برای اجرای طرح «کتابفروشی به وسعت ایران» بالغ بر ۱۰۰میلیون تومان بود که این یارانه حمایتی برای طرح «عیدانه کتاب» به بیش از ۸۰۰میلیون تومان افزایش یافت.

وی بااشاره به‌نظرسنجی که‌از کتابفروشی‌ها در رابطه با اجرای طرح «عیدانه کتاب» صورت گرفته است، گفت: تقریباً همه کتابفروشی‌ها به اتفاق بر این نظر بودند که فروش آنها در ایام اجرای طرح یاد شده نسبت به زمان‌های قبل، ۲۵ تا حتی ۱۰۰درصد افزایش یافته است.

مدیرعامل خانه کتاب با اشاره به مشارکت تمامی استان‌های کشور به جز هرمزگان در طرح «عیدانه کتاب»، بیشترین میزان مشارکت را در کشور مربوط به استان تهران اعلام کرد و گفت: بیشترین حجم فروش هم با ۲۲.۱۸درصد نسبت به کل میزان فروش، مربوط به کتاب‌های داستانی بوده است. همچنین کتابفروشی‌های مهرگان در اصفهان، خانه کتاب در کرمانشاه و فرازمند در رشت، سه کتابفروشی بوده‌اند که بیشترین فروش کتاب را در این طرح داشته‌اند.

اعلام برنامه های دولت در حوزه حمل و نقل و مسکن

وزیر راه و شهرسازی اظهار امیدواری کرد با رفع مشکلات پرداخت های مالی، نخستین هواپیماهای جدید خریداری شده تا پیش از نوروز سال ۱۳۹۶ وارد ناوگان هوایی کشور شود.

به گزارش ایرنا، عباس آخوندی که در برنامه تیتر امشب شبکه خبر سیما سخن می گفت، اعلام کرد: برای خرید ۱۱۸ فروند هواپیما از شرکت ایرباس بیش از ۱۰ ماه است با طرف های خارجی در حال مذاکره برای پرداخت مبالغ آن هستیم. زیرا مشکل در تحویل هواپیما نبود، بلکه به علت تحریم‌های بانکی امکان پرداخت مبلغ این هواپیماها وجود نداشت.

وی گفت: با این حال قرارداد نهایی خرید این هواپیماها تاکنون امضا نشده است و درصددیم این هواپیماها در خطوط هوایی داخلی و خارجی به کار گرفته شوند.

وزیر راه و شهرسازی در ادامه تصریح کرد: تا امروز بیش از ۱۰ هیات در رده های ارشد برای مباحث مهمی همچون تنظیم قرارداد دریافت قطعات داخلی، موتوری، خدمات پس از فروش و امکانات رفاهی داخل هواپیماهای مورد معامله از ایرباس در حال مذاکره بوده و هستند که احتمال می رود ۳ یا ۴ هفته آینده نتایج این مذاکرات قطعی شود.

وی با اشاره به اینکه تا چهار هفته آینده سرمایه گذار یا سرمایه گذاران اصلی قرارداد قطعی و معرفی خواهند شد، تصریح کرد: ایرباس هم باید مجوزهای خودش را از آمریکا اخذ کند که البته مذاکرات اولیه آنها هم با موفقیت به پایان رسیده است.

این عضو کابینه دولت با بیان اینکه فقط ۱۶۲ هواپیما در ناوگان هوایی کشور فعال و قابل بهره‌برداری هستند، افزود: ناوگان هوایی هر کشور بعد از ۲۴ سال فرسوده می شوند و خرید و نوسازی هواپیماهای ایرباس و احتمالاً بوئینگ یک الزام است.

وی در مورد خرید هواپیما از کمپانی بوئینگ گفت: مذاکرات اولیه انجام شده و می توانم بگویم مذاکرات بوئینگ با طرف های آمریکایی اش هم صورت گرفته و احتمالاً میزان خرید ما از بوئینگ با ایرباس برابر است.

آخوندی در مورد نوع معامله با کمپانی ایرباس گفت که دولت ایران نه بازپرداختی را تضمین می‌کند و نه زیر بار فاینانس می رود بلکه یک شرکت واسطه می آید و پول هواپیماها را به فرانسه پرداخت می کند و ایران از آن شرکت واسط، به صورت اجاره به شرط تملیک هواپیماها را دریافت می کند.

وی تصریح کرد: اگر ظرف پنج هفته آینده مذاکرات با بوئینگ و ایرباس به قطعیت برسد، مهر باید اولین هواپیما وارد کشور شود.

وزیر راه و شهرسازی همچنین ابراز امیدواری کرد تا پایان سال ۹۵ ترمینال "سلام" هم در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) راه اندازی شود و تصریح کرد: این ترمینال تنها به زائران اختصاص ندارد و تمامی پروازهای خارجی از آن صورت خواهد گرفت.

وی در ادامه از گشایش ال سی برای قطارهای پرسرعت تهران– قم خبر داد و گفت: با زمان بندی انجام شده، حدود ۴۰ ماه دیگر این پروژه به بهره برداری خواهد رسید.

نامبرده در مورد قطارهایی با



سرعت ۲۰۰ کیلومتر در ساعت در مسیر تهران– مشهد هم گفت: احتمالاً تأمین مالی این پروژه از سوی چینی‌ها انجام خواهد شد. زیرا مذاکرات انجام شده اخیر با آنها نتایج مثبتی را در پی داشته است.

وی درباره رکود بخش مسکن گفت: نباید اقدام هایی انجام دهیم که بخش مسکن دوباره دچار حباب تورم شود، زیرا این بخش به صورت مستقیم با برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) رابطه ندارد، بلکه با افزایش قدرت خرید مردم رونق می گیرد.

آخوندی گفت: مداخله بیش از حد دولت در بخش مسکن اقدام نادرستی است، به طوری که قیمت یک واحد آپارتمان در هشت سال دولت گذشته بیش از ۹ برابر افزایش یافت.

وی با بیان این که در دو سال و نیم گذشته قیمت مسکن روند کاهشی داشته است، گفت: این بخش در حال خروج از رکود است و تنها راهکار رونق بخش مسکن با افزایش پس اندازهای مردم و تعهد بانک ها به پرداخت تسهیلات خرید مسکن عملی است.

وزیر راه و شهرسازی افزود: در دهه ۱۳۷۰ بیش از۳ میلیون نفر برای تسهیلات مسکن پس انداز کردند تا بتوانند با استفاده از تسهیلات بانکی مسکن مورد نیاز خود را خریداری کنند.

وی بر استفاده از الگوی پس‌انداز برای خانه دار شدن مردم تاکید کرد و گفت: از یک سال گذشته که پس انداز مسکن در بانک ها آغاز شده است تاکنون ۳۰ هزار نفر در مجموع مبلغ پنج هزار و ۶۰۰ میلیارد ریال(۵۶۰ میلیارد تومان) پس انداز کرده‌اند .

آخوندی افزود: بانک مسکن در ازای هر شش ماه سپرده گذاری یک برابر مبلغ پس انداز تسهیلات می‌دهد و به عنوان نمونه اگر فردی ۴۰۰ میلیون ریال(۴۰ میلیون تومان) در بانک پس انداز کند، پس از یکسال ۸۰۰ میلیون ریال(۸۰ میلیون تومان) تسهیلات دریافت می کند.

وی در ادامه درباره افزایش جمعیت در شهر تهران یادآور شد: در حالی که ظرفیت شهر تهران برای ۵میلیون نفر بود، هم اکنون جمعیت آن به بیش از ۸میلیون و ۶۰۰ هزار نفر افزایش یافته است.

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به میزان تراکم جمعیت در سواحل مکران افزود: تراکم جمعیت در سواحل جنوب کشور ۴/۸نفر در کیلومتر مربع است. در بیشتر نقاط جهان تراکم جمعیت در سواحل دریاها قرار دارد اما در ایران برعکس شده است.

وی با اشاره به سیاست دولت تدبیر و امید اظهارداشت: سیاست دولت یازدهم تقسیم جمعیت به طور میانگین در کل کشور است .

آخوندی درباره مسکن مهر افزود: از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد مسکونی تاکنون بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار واحد به مردم تحویل داده شده است و ۶۰۰ هزار واحد باقیمانده هم بیش از ۸۷ درصد پیشرفت کار دارد.

وی با بیان این که بیشتر واحدهای مسکن مهر تا پایان امسال به متقاضیان واگذار می شود، گفت: هرچند متراژ واحدهای مسکن مهر بیش از ۷۰ متر مربع است، اما در حقیقت مسکن مهر بیشتر وضع بساز و بفروش دولتی داشته است و تا سال آینده ۳۰ هزار واحد مسکن مهر شهر جدید پردیس به مردم واگذار می شود.

وزیر راه و شهرسازی با اعلام پیشرفت ۹۳ درصدی مسکن مهر افزود: تا جایی که به ما مربوط می شده برای اتمام پروژه تا سال ۹۵ تلاش کرده ایم و فراهم آوردن امکانات زیرساختی به دیگر ارگان‌های مسئول مربوط است که باید از آنها مطالبه شود.

وی افزود: سازمان برنامه و بودجه برای باقی مانده این پروژه برآورد مالی حدود ۵۶۰۰ میلیارد تومان به عمل آورده که البته شایان ذکر است در سال ۹۴ حدود ۸۰۰ میلیارد تومان از دارایی وزارت راه و شهرسازی برای امکانات زیربنایی هزینه شده است.

آخوندی همچنین با بیان این که وزارت راه و شهرسازی با بلند مرتبه سازی در تهران با روند کنونی مخالف است، گفت: بلند مرتبه سازی بادهای سطحی را متوقف و آلودگی را در کلانشهرها افزایش می دهد و وزارت راه وشهرسازی درصدد است مقررات شهرسازی را تصویب و به شهرداری تهران ابلاغ کند.

عرضه نخستین اپلیکیشن رایگان دولت همراه

"فاواکده" به عنوان نخستین اپلیکیشن بر بستر اندروید که امکان دسترسی رایگان و مستقیم به خدمات الکترونیک و اینترنتی دولت را فراهم می‌کند، توسط یک گروه مهندسی داخلی تولید و عرضه شد.

این نرم افزار به منظور استفاده سریع و آسان از خدمات الکترونیک عرضه شده از سوی دستگاه‌ها، نهادها و بخش‌های مختلف و همچنین تحقق دولت همراه و دسترسی به اطلاعات مفید و کاربردی مورد نیاز کاربران ارایه شده است.

رهگیری مرسولات پستی، گواهینامه، کارت پایان خدمت و همچنین برآورد هزینه پستی به صورت مستقیم و از داخل این نرم‌افزار از جمله خدماتی است که با همکاری شرکت پست در دسترس کاربران قرار گرفته است.

گرفتن استعلام‌های کاربردی و پیامکی نظیر تخلفات رانندگی، اصالت دارو و همچنین استعلام‌های اینترنتی نظیر استعلام قرارداد املاک، میزان تخلفات رانندگی، نمره منفی گواهی نامه، سوابق بیمه تامین اجتماعی و ... که مورد نیاز در فعالیت‌های روزمره کاربران است، از جمله امکانات در نظر گرفته شده در نرم‌افزار فاواکده محسوب می شود.

این گزارش حاکی است، پرداخت مستقیم انواع قبوض بدون نیاز به وارد کردن اعداد و به کمک بارکدخوان موجود در برنامه و خرید شارژ برای همه سیمکارت‌های اعتباری اپراتورهای تلفن همراه و همچنین خرید بلیط هواپیما، اتوبوس، قطار، کنسرت و رزرو هتل از دیگر امکانات پیش بینی شده در اپلیکیشن فاواکده است.

در این اپ همچنین آدرس‌های مورد نیاز در ۹ حوزه مختلف نظیر دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و ... جمع آوری شده که کاربران علاوه بر دسترسی به سایت نهاد مربوطه امکان دسترسی به آدرس از طریق نقشه را خواهند داشت و در صورت فعال بودن GPS، امکان مسیریابی و اعلام ترافیک مسیر برای رسیدن به محل مورد نظر هم فراهم شده و همچنین امکان تماس با تلفن‌های ضروری برای مخاطبان، مستقیم از طریق نرم افزار و بدون نیاز به شماره گیری هم ایجاد شده است.

از دیگر خدمات الکترونیک که از سوی دستگاه‌ها ارایه و از طریق این نرم افزار قابل دسترسی است، می توان به دسترسی به خدمات ضروری و کاربردی ارایه شده از سوی شهرداری، پلیس +۱۰، مخابرات استان تهران و اپراتورهای تلفن همراه ، دریافت قبض المثنی، خرید اینترنت پرسرعت، قیمت منطقه ای املاک، پرداخت عوارض خودرو، خدمات کارت هوشمند سوخت، نظام وظیفه و گواهی نامه اشاره کرد.

کاربران می توانند برای دریافت این نرم‌افزار از طریق سایت WWW.ICTUSER.IR و همچنین مارکت‌های "پلی استور"، "بازار"، "مایکت"، "کندو" و "پلازا" اقدام کنند.

بخشودگی بدهی مالیاتی تا سقف ۱۰میلیون ریال

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور اعلام کرد: بدهی مالیاتی تا سقف ۱۰میلیون ریال بخشوده می‌شود.

به گزارش فارس به نقل از سازمان امور مالیاتی، سید کامل تقوی نژاد طی بخشنامه‌ای بخشودگی بدهی‌های مالیاتی موضوع تبصره ماده ۱۳۰ قانون مالیات‌های مستقیم آخرین اصلاحیه مصوب ۹۴/۴/۳۱ را ابلاغ کرد.

در این بخشنامه آمده است: به‌منظور کاهش هزینه وصول بدهی مالیات‌هایی که سال تحصیل درآمد مربوط یا تعلق آن‌ها حسب مورد قبل از سال ۱۳۸۱ است و با توجه به موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی بنا به اختیار حاصل از مفاد تبصره اصلاحی ماده (۱۳۰) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ مجلس شورای اسلامی بدین‌وسیله مقرر می‌دارد تا سقف ۱۰ میلیون ریال برای هر مؤدی به شرح ذیل بخشوده شود:

۱– مودیان مالیاتی که مجموع بدهی‌های مالیاتی قبل از سال ۱۳۸۱ آنان تا سقف ۱۰ میلیون ریال است.

۲– مودیان مالیاتی که مجموع بدهی‌های مالیاتی قبل از سال ۱۳۸۱ آنان بیش از مبلغ ۱۰ میلیون ریال بوده و تا پایان سال ۱۳۹۵ نسبت به پرداخت بدهی مالیاتی مازاد بر ۱۰ میلیون ریال خود اقدام کنند.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۴۸/۴۳ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۴۹/۵۷ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۴۶/۲۴ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۷۳/۲۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۲۹۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۳۰۵۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۵۱۷۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۷۰۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۸۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۴۶۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۳۰۵۵ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۴۶۳ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۴۶۳ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۹۳۴ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۴۸۲/۶ تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۵۰۹۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۸۳۱/۸ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۴۵ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

توان فنی و مهندسی ایران در ترکمنستان معرفی می شود

توانمندی ایران در اجرای طرح های فنی و مهندسی در سومین نمایشگاه "ایران پروژه" که از ۲۸ تا ۳۰ مرداد در عشق آباد ترکمنستان برگزار می شود، به نمایش گذاشته خواهد شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه تجارت، این نمایشگاه در بخش‌های صنعت ساختمان شامل تجهیزات صنعت نفت و گاز، سازه‌های مهندسی، توسعه شهری و ساخت و سازها، خدمات فنی و مهندسی در زمینه‌های راه‌سازی، پل‌سازی، آسفالت، انتقال لوله‌های نفت و گاز، محصولات صنعتی، پتروشیمی، مصالح ساختمانی، سیمان، آجر، گچ، رنگ و رزین، سنگ، شیشه، درب و پنجره، انواع لوله، بالابرها و سیستم‌های آبیاری و کشاورزی، ماشین‌آلات ساختمانی و برق برگزار می‌شود.

جمع آوری روزانه ۶۸۴ هزار مترمکعب فاضلاب در تهران

مدیرعامل شرکت فاضلاب تهران از جمع آوری روزانه ۶۸۴ هزار مترمکعب فاضلاب در تهران خبر داد.

اصغر ریاضتی گفت: در حال حاضر با توجه به تاسیسات اجرا شده و بهره‌برداری از شبکه فاضلاب برخی نقاط شهر تهران، سالانه ۲۵۰ میلیون متر مکعب فاضلاب در تهران جمع‌آوری می‌شود که برای حمل این حجم از فاضلاب ۳۸ هزار تانکر ۱۸ هزار لیتری نیاز است که این حجم از طریق دو تونل فاضلاب‌رو شرق و غرب تهران به تصفیه‌خانه فاضلاب تهران منتقل می‌شود.

طرح فاضلاب تهران برای پوشش ۱۱ میلیون نفر از جمعیت این شهر در افق ۱۴۱۰ طراحی شده است.

لغو پروانه کاربرد علامت استاندارد ۱۷ محصول تجاری

پروانه کاربرد علامت استاندارد ۱۷ فراورده و محصول تجاری به دلیل نداشتن شرایط و ضوابط این سازمان لغو شد.

به گزارش خبرنگار ما، این محصولات عبارتند از کمک فنر گازی یک جداره با نام تجارتی پارسیا (به‌علت بی اعتباری پروانه) ، فیلتر روغن با نام تجارتی کاج (به‌علت احراز بی کیفیتی کالا و انقضای تاریخ پروانه)،سبزی خردکن برقی با نام تجارتی نیک سبز، کابل قدرت – سیم و کابل قابل انعطاف با نام تجارتی آذر سیم سامان ، دستگاه بخور با نام تجارتی ثامن، شیرآلات مخلوط اهرمی با نام تجارتی ایرانی یک نما (به‌علت بی اعتباری پروانه) ،اتصالات جوشی گازرسانی با نام تجارتی شاپور عبدی(به‌علت بی اعتباری پروانه) ،شیرکلاسیک پیسوار با نام تجارتی فیاض (به‌علت بی اعتباری پروانه) ، رادیاتور گرمایشی با نام تجارتی آلفام، دیگ بخار با نام تجارتی شوفاژکار (به‌علت بی اعتباری پروانه) ، مایع ظرفشویی با نام تجارتی مژو، جلای آلکیدی براق برای مصارف داخلی با نام تجارتی کرومات (به‌علت احراز بی کیفیتی) ، پوشرنگ روغنی مات – پوشرنگ روغنی براق آلکیدی – پوشرنگ امولسیونی بر پایه رزین پلی وینیل استات (پلاستیک و نیمه پلاستیک) با نام تجارتی توسن (به‌علت بی اعتباری پروانه و عدم تامین شرایط استاندارد).

اجرای کامل قانون جدید بیمه شخص ثالث از سال آینده

از جمله مزایای قانون جدید بیمه شخص ثالث، حمایت بیشتر از زیان دیدگان و عادلانه شدن نرخ بیمه ها است.

مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران پوشش حمایتی بیشتر از زیان دیدگان را از مزایای قانون جدید بیمه شخص ثالث برشمرد و گفت: اثر دادن عواملی چون سوابق رانندگی در تعیین حق بیمه به عادلانه شدن نرخ‌گذاری آن می انجامد.

مهدی نمن الحسینی درگفتگو با ایرنا مهمترین مزایا و محاسن قانون جدید را برای بیمه گذاران و بیمه گران تشریح کرد و اظهار داشت: تخفیف مربوط به بیمه گذارانی که خسارت نداشته اند، همچنان به قوت خود باقی است و در قانون جدید لغو نشده است.

وی تاکید کرد: با این حال تخفیف های غیرفنی شرکت‌های بیمه که به بیمه گذاران بزرگ می دادند، محدود شده است و بیمه گران حداکثر می توانند ۲/۵ درصد از حق بیمه ابلاغی را به بیمه گذاران تخفیف دهند و بالاتر از این میزان نیازمند مجوز از بیمه مرکزی است.

مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه بیمه مرکزی خاطر نشان کرد: پیشتر شرکت های بیمه اغلب برای جذب مشتریان بزرگ اقدام به ارایه تخفیفات قابل توجه به این دست از بیمه گذاران می کردند که این تخفیفات غیرفنی سبب رقابت ناسالم در بازار شده بود و قانونگذار به منظور جلوگیری از این دست موارد، الزام مذکور را وضع کرد.

وی هدف دیگر از اعمال این محدودیت را جلوگیری از زیان دهی شرکت های بیمه عنوان کرد و گفت: رشته بیمه شخص ثالث در ذات خود رشته پر سودی برای شرکت های بیمه نیست و این گونه تخفیفات گروهی و غیرفنی می تواند شرکت های بیمه را در پرداخت خسارت به زیان دیدگان دچار مشکل کند.

نامبرده امکان انتقال تخفیفات از یک خودرو به خودرو دیگر را از دیگر ویژگی های این قانون عنوان کرد و گفت: افراد می‌توانند در زمان فروش خودرو، تخفیفات مربوط به بیمه را برای خود حفظ کنند یا حتی آن را به وابستگان خود از جمله همسر و فرزند منتقل کنند.

وی اظهار داشت: در شیوه قبل، با فروش خودرو، تخفیفات بیمه ای فرد هم به مالک جدید خودرو منتقل می شد و از این منظر فرد دیگر هیچ سابقه تخفیفاتی نداشت و با قانون جدید، فرد می تواند از مزایای تخفیفات نبود خسارت استفاده کند.

نمن الحسینی گفت: منتفی شدن دریافت الحاقیه بیمه شخص ثالث در آغاز هر سال آن هم به دلیل افزایش نرخ دیه از دیگر ویژگی های این قانون است و دغدغه بیمه گذاران با شیوه جدید رفع می شود.

وی ادامه داد: در روال قبلی در آغاز هر سال در صورت افزایش نرخ دیه اعلامی از سوی قوه قضاییه، شرکت های بیمه از بیمه‌گذاران می خواستند برای افزایش پوشش و سقف تعهدات بیمه‌گر، الحاقیه بیمه دریافت کنند. اما در شیوه جدید در صورت افزایش نرخ دیه، سقف پوشش بیمه هم به صورت خودکار افزایش می یابد و خسارات به زیان دیدگان بر مبنای دیه سال جدید پرداخت می شود به نحوی که نیازی به دریافت الحاقیه نیست.

مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه بیمه مرکزی عادلانه شدن نرخ گذاری بیمه شخص ثالث را مزیت دیگر این قانون برای مردم عنوان کرد و اظهار داشت: از این پس نرخ بیمه برای اشخاص به صورت یکسان محاسبه نمی شود، بلکه عواملی چون سابقه رانندگی پر خطر، نمرات منفی ثبت شده در سیستم راهنمایی و رانندگی و حوادثی که راننده مسبب آن بوده ، در تعیین نرخ بیمه اثرگذار است.

وی اظهار داشت: با این تعریف، نرخ بیمه برای راننده پر خطر و کم خطر یکسان نخواهد بود و اگر فرد نمره منفی در رانندگی نداشت، حق بیمه کمتری نسبت به رانندگان پر خطر می پردازد.

این مقام مسئول درباره چگونگی دسترسی شرکت های بیمه به سوابق رانندگی افراد و نمرات منفی آنان گفت: در قانون پیش بینی شده است که نیروی انتظامی سوابق نمرات منفی رانندگان را بر مبنای شماره پلاک خودرو دارنده آن در اختیار بیمه گران قرار دهد تا متناسب با آن میزان حق بیمه تعیین شود.

وی تاکید کرد: مردم بدانند که همچنان در تصادفات زیر ۶۳ میلیون ریال بدون اخذ کروکی و گزارش پلیس خسارت ها به زیان دیدگان پرداخت می شود و در قانون جدید این شیوه به قوت خود باقی است.

نمن الحسینی یادآور شد: چند سال پیش در قانون برنامه پنجم توسعه مقرر شده بود تا راننده هم همانند سرنشین خودرو از بیمه خسارت دریافت کند و از این رو بیمه حادثه برای رانندگان وسائط نقلیه هم پیش بینی شده است.ضمن اینکه در قانون جدید مسبب حادثه هم می تواند برای تعیین درصد جرح به پزشکی قانونی مراجعه کند.

وی ممنوع کردن شرکت های بیمه از اخذ رضایت از زیان دیدگان و پرداخت خسارت کمتر به آنان را از دیگر ویژگی های قانون جدید برشمرد و افزود: از دیگر مزایای این قانون مشارکت مسبب حادثه در پرداخت خسارت به زیان دیدگان است، به این ترتیب که اگر فردی به خاطر تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی مسبب حادثه ای بود که خسارت آن توسط شرکت بیمه پرداخت شد، بخشی از خسارت را باید بپردازد.

مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه بیمه مرکزی اظهار داشت: در این شیوه بیمه گر خسارت های وارده به زیان دیدگان را پرداخت می کند، اما می تواند به تناسب، درصدی از خسارات را از مسبب حادثه اخذ کند.

وی اضافه کرد: این ماده از قانون با هدف کاهش تخلفات حادثه ساز رانندگی تصویب شده است تا اگر فرد بخاطر تخلف رانندگی مسبب حادثه شد، در برابر تخلف صورت گرفته پاسخگو باشد. نمن الحسینی در مورد برابری دیه زن و مرد در تصادفات رانندگی یادآور شد: این موضوع در قانون قبل هم وجود داشت و اعمال می شد که در قانون جدید به قوت خود باقی است.

وی اظهار داشت: در قانون جدید، قوه قضاییه مکلف شده است تا نرخ جدید دیه سال آینده را تا ۱۵ اسفند سال جاری اعلام کند تا شرکت های بیمه از اول هر سال جدید بتوانند بیمه نامه را با تعهدات جدید به بیمه گذاران ارایه کنند.

مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه بیمه مرکزی تسهیل پرداخت خسارت و جلوگیری از طولانی شدن فرآیند پرداخت خسارت به زیان دیدگان از سوی شرکت های بیمه را ویژگی دیگر این قانون برشمرد و گفت: اگر مدارک پرونده کامل و میزان خسارت بدنی به موجب حکم دادگاه قطعی شده باشد، بیمه گر در صورت تاخیر در پرداخت خسارت به ازای هر روز نیم در هزار بابت تاخیر جریمه پرداخت خواهد کرد.

وی درباره اینکه گفته شده است در قانون جدید، بیمه شخص ثالث در بیمه ایران متمرکز می شود، توضیح داد: اینگونه نیست که نوعی انحصار در بازار بیمه شخص ثالث ایجاد شود، بلکه بیمه ایران به عنوان یک شرکت دولتی موظف است به هرکس که متقاضی این بیمه بود، بیمه نامه ارایه کند، در حالی که دیگر شرکت های بیمه که خصوصی هستند می توانند در صورت تمایل با اخذ مجوز از بیمه مرکزی به این حوزه ورود کنند.

نمن الحسینی درباره علت این الزام قانونی گفت: بسیاری از بیمه گران، بیمه شخص ثالث را رشته ای زیان ده می دانند و بر این باورند که این نوع بیمه سوددهی ندارد، لذا در قانون اجباری برای فعالیت بیمه گران غیردولتی در نظر گرفته نشده است.

وی یادآور شد: در قانون قبلی همه شرکت های بیمه موظف به ارایه بیمه شخص ثالث به متقاضیان بودند اما اکنون این اختیار به بیمه گران داده شده است که در صورت تمایل ورود کنند و از بیمه مرکزی مجوز بگیرند.

مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه بیمه مرکزی ایران اظهار داشت: بیمه های خصوصی به دنبال سوددهی هستند. اما بیمه ایران به عنوان یک شرکت دولتی بازوی حمایتی دولت در صنعت بیمه است؛ به این معنی که در رشته هایی که دیگر بیمه ها بخاطر زیان دهی حاضر به فعالیت در آن رشته نیستند، این شرکت باید ورود کند تا چتر پوشش های بیمه برای آحاد مردم فراگیر باشد.

وی همچنین گفت: در قانون جدید برای رفع اختلاف بین بیمه گر و بیمه گذار در خسارت های مالی، ارزیاب خسارت بیمه پیش بینی شده است که این افراد مستقل هستند و مجوز فعالیت خود را از بیمه مرکزی دریافت می کنند.

نمن الحسینی گفت: پیش از این گاهی بیمه گذاران پس از قطعی شدن میزان خسارت بدنی تکمیل مدارک را به تاخیر می‌انداختند تا پرداخت خسارت به سال جدید موکول شود و از این طریق با افزایش دیه، خسارت بیشتری دریافت کنند که در قانون جدید جلوی این کار گرفته شده است.

وی محدود شدن سقف تعهدات بیمه گران درقبال زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه را از جمله مزایای دیگر این قانون برای شرکت های بیمه دانست و گفت: پیش از این بیمه گران موظف به پرداخت خسارت به همه افراد زیان دیده خارج از وسیله نقلیه بودند. اما اکنون تعهد بیمه گر ۱۰ برابر سقف تعهدات در بیمه نامه است. مدیر کل دفتر برنامه ریزی و توسعه بیمه مرکزی ایران حضور چهار نفر از سندیکای بیمه گران ایران (با داشتن حق رای) در جلسات شورای عالی بیمه که برای محاسبه نرخ نامه حق بیمه شخص ثالث تشکیل می شود را مزیت دیگر این قانون برای شرکت های بیمه بیان کرد و افزود: تشدید حق بیمه برای رانندگان پرخطر هم از دیگر مزایای این قانون برای شرکت های بیمه است؛به این ترتیب که هرچه تعداد خسارت های پرداخت شده بیشتر باشد، مسبب حادثه باید حق بیمه بیشتری به شرکت های بیمه پرداخت کند.

وی خاطر نشان کرد: اگر خسارت وارده ناشی از نقص راه یا نبودن علایم رانندگی یا نقص وسیله نقلیه باشد، شرکت بیمه می تواند پس از پرداخت خسارت به زیان دیده، نسبت به بازیافت خسارت به نسبت درجه تقصیر که در همه آن در حکم دادگاه مشخص می شود، به مسببان ذی ربط مراجعه کند.

نمن الحسینی با اشاره به اینکه بر اساس ابلاغ صورت گرفته شرکت های بیمه از ۲۹ خرداد ماه ملزم به رعایت قانون جدید هستند، افزود: از آنجا که قانون جدید نیاز به آیین نامه ها و دستورالعمل های جدید دارد، براساس ماده ۶۴ همین قانون، آیین نامه های مربوطه حداکثر ظرف یکسال تهیه و به شرکت های بیمه ابلاغ خواهد شد و از این رو می توان گفت که قانون جدید از اوایل سال آینده به طور کامل اجرایی خواهد شد.

وی ادامه داد: با این حال مادامی که آیین نامه های جدید در مراجع ذی ربط از جمله شورای عالی بیمه و هیات وزیران تایید و به تصویب نرسیده باشد، آئین نامه های قبلی در حدودی که مغایر با قانون جدید نباشد، معتبر است و از این رو هیچ وقفه ای در صدور و ارایه خدمات بیمه شخص ثالث بوجود نمی آید.

نرخ تورم خرداد تک رقمی شد

مرکز آمار ایران نرخ تورم در دوازده ماهه منتهی به خرداد امسال را ۹/۵ درصد اعلام کرد.

به گزارش روابط عمومی مرکز آمار ایران، شاخص قیمت‌ها و کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور در خرداد نشان می دهد شاخص کل (بر مبنای۱۰۰=۱۳۹۰) در خرداد سال ۱۳۹۵ عدد ۲۲۴/۲ را نشان می‌دهد که نسبت به ماه قبل ۰/۵ درصد افزایش داشته است.

همچنین افزایش شاخص کل نسبت به ماه مشابه پارسال (تورم نقطه به نقطه) ۶/۱ درصد است که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل (۶/۸ درصد) کاهش یافته است.

درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به خرداد سال ۹۵ نسبت به دوره مشابه پارسال ۹/۵ درصد است که نسبت به همین اطلاع در اردیبهشت (۱۰/۲درصد) کاهش یافته است.

در همین حال، شاخص گروه عمده خوراکی‌ها، آشامیدنی ها و دخانیات در این ماه به رقم ۲۶۰/۱ رسید که نسبت به ماه قبل یک درصد افزایش داشته است.

شاخص گروه اصلی خوراکی‌ها در ماه مورد بررسی به عدد ۲۵۷/۴ رسید که نسبت به ماه قبل یک درصد افزایش داشته است. شاخص گروه اصلی خوراکی‌ها در خرداد امسال نسبت به ماه مشابه پارسال ۳/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه ۷/۵ درصد است.

شاخص گروه عمده خوراکی ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات نسبت به ماه مشابه پارسال ۴/۲ درصد افزایش نشان می‌دهد و درصد تغییرات این گروه در دوازده ماه منتهی به خرداد سال ۱۳۹۵ نسبت به دوره مشابه پارسال ۷/۵ درصد است که نسبت به همین اطلاع در اردیبهشت پارسال(۸/۴ درصد) کاهش داشته است.

شاخص گروه عمده کالاهای غیرخوراکی و خدمات در خرداد ۱۳۹۵ به رقم ۲۱۱/۸ رسید که نسبت به ماه قبل ۰/۳ درصد افزایش داشته است.میزان افزایش شاخص گروه عمده کالاهای غیرخوراکی و خدمات هم نسبت به ماه مشابه پارسال ۶/۹ درصد بوده و نرخ تورم دوازده ماه منتهی به خرداد سال ۱۳۹۵ نسبت به دوره مشابه سال ۹۴ این گروه ۱۰/۴ درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ۱۳۹۴ که۱۱درصد بوده کاهش یافته است.

در همین زمینه رئیس مرکز آمار ایران گفت: نرخ تورم بعد از ۲۵ سال در کشور تک رقمی شده و به ۹/۵درصد رسیده است.

دکتر عادل آذر در گفتگو با خبرگزاری صدا و سیما افزود: در ابتدای هر ماه نرخ تورم اعم از نرخ تورم شهری و روستایی محاسبه و از طرف مرکز آمار اعلام می شود که نرخ تورم رسمی و ملی همان نرخ تورم شهری است که در ابتدای ماه جاری بعد از ۲۵ سال تک رقمی شده است.

وی ادامه داد: با سیاست های دولت نرخ تورم بعد از سالها و در حالی که زمانی به ۴۰ درصد هم رسیده بود، تک رقمی شده است.

رئیس مرکز آمار ایران درباره روند ادامه کاهش نرخ تورم گفت: اگر سیاست هایی که دولت پیگیری می کند و رئیس جمهوری نظارت مستقیم بر آنها دارد، ادامه داشته باشد، سیر کاهش تورم هم ادامه خواهد داشت.

وی با اشاره به اینکه نرخ تورم رسمی را تورم ۱۲ ماهه می دانیم، افزود: تورم نقطه به نقطه را هم محاسبه می کنیم اما به صورت تورم رسمی در کشور اعلام نمی شود.

نامبرده گفت : نرخ تورم در سال ۹۲ و در خرداد به ۳۲ تا ۳۳ درصد رسیده بود و دولت توانست در این سه سال تورم را کاهش دهد. وی با بیان اینکه نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری سه مولفه اصلی در اقتصاد کشور است که مردم بسیار به آن حساسند، اظهار داشت: این سه شاخص نبض اقتصادی کشور را نشان می دهد و درحال حاضر در شرایط مطلوبی است.

عادل آذر افزود: نرخ بیکاری در سال جاری مشابه سال ۹۴ و ۱۱ درصد، نرخ رشد اقتصادی مشابه سال ۹۴ و یک‌درصد و نرخ تورم ۹/۵ درصد اعلام شده است.

وی در باره سرشماری آتی گفت: سرشماری نفوس و مسکن از اول مهر و به صورت الکترونیک آغاز می شود و در اول آبان به صورت مراجعه رو در رو ادامه پیدا می کند. آذر افزود: مراجعه مستقیم با نظارت نوین و سیستم‌های الکترونیک انجام می شود و از اول آبان شروع می شود. رئیس مرکز آمار با بیان اینکه از مردم تقاضا می کنم تا در این سرشماری مانند سنوات گذشته با مأموران آمار همکاری کنند، گفت: معمولاً مأموران سرشماری را از همان منطقه و محله مورد نظر انتخاب می کنیم تا هم محله مورد نظر را بشناسند و هم مردم به آنها اعتماد کرده و با آنها همراهی کنند.

وی با اشاره به اینکه اطلاعاتی که از سرشماری حاصل می شود مبنای برنامه ریزی های آینده است، افزود: معمولاً اطلاعاتی که از سرشماری بدست می آید، بسیار مهم است و به دست دولت و وزراء رسیده و مبنای برنامه ریزی ها و قانون گذاری های کشور در آینده خواهد بود.

عادل آذر ادامه داد: هر چه این سرشماری دقیق تر انجام شود، بدون تردید پیامدهای مثبت بیشتری در مورد برنامه ریزی ها و تخصیص منابع و جهت گیری فعالیت‌های کشور برای مردم خواهد داشت.

آغاز کاهش نرخ سود سپرده‌ها در سیستم بانکی

نرخ سود سپرده های بلندمدت یکساله ۱۵ درصد و نرخ سود سپرده‌های کوتاه مدت از ۳ تا ۹ ماه بین ۱۰ تا ۱۴ درصد تعیین و این نرخ از روز یکم تیر اجرایی شد.

به گزارش روابط عمومی بانک ملی ایران، محمدرضا حسین زاده رئیس شورای هماهنگی بانک‌ها گفت: در جلسه شورای هماهنگی بانک‌ها که با حضور مدیران بانک‌های خصوصی و دولتی ترتیب یافت، تأکید شد که نرخ ۱۵ درصد فقط برای سپرده های بلندمدت یک ساله باشد و همه مدیران بانک ها متعهد شده‌اند و صورت جلسه را امضا کرده اند که این مصوبه را از یکم تیر اجرایی کنند. وی در پاسخ به سئوالی مبنی بر اینکه چه سازوکاری برای نظارت دقیق بر برخی ترفندهای یکسری از بانک ها که همچنان می‌خواهند نرخ سود را بالا نگه دارند، اندیشیده اید؟ گفت: اگر شعبه ای در این رابطه تخلفی کرد، گزارش آن به دبیرخانه شورای هماهنگی بانک ها می‌رسد و از طریق مدیریت بانک، این رویه اصلاح می شود. وی گفت: ما باید هم به منافع سپرده گذاران و هم به منافع تولیدکنندگان توجه داشته باشیم و از این نظر اقتصاد مقاومتی هم مد نظر بانک‌هاست که نرخ‌ها قدری پایین بیایند تا تولید کنندگان دستشان باز باشد. به گزارش مهر طی روزهای اخیر چند بانک خصوصی آغاز این طرح را کلید زده و نرخ های سود سپرده خود را کاهش دادند و بر این اساس رئیس شورای عالی کانون بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی در نامه‌ای به رئیس کل بانک مرکزی و رئیس شورای هماهنگی بانک های دولتی این موضوع را اعلام کرد. وی با بیان اینکه در آینده نه چندان دور نرخ سود تسهیلات هم کاهش می‌یابد، گفت: این تصمیم در پی اقدام داوطلبانه بانک ها و با توجه به کاهش نرخ تورم و حمایت بانک مرکزی از بازار بین بانکی گرفته شده است.

همچنین کوروش پرویزیان رئیس کانون بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری گفت: در آینده نه چندان دور نرخ سود تسهیلات متناسب با کاهش نرخ سود سپرده کاهش می یابد .البته قراردادهای یکساله همچنان پابرجاست. اما اگر بعد از تیر قراردادهای جدیدی منعقد شود با نرخ سود جدید خواهد بود. از سوی دیگر، مدیر عامل بانک مسکن هم اعلام کرد: همزمان با کاهش نرخ سود سپرده ها در سیستم بانکی کشور، بانک مسکن هم داوطلبانه نرخ سود تسهیلات حساب صندوق های پس انداز مسکن خود را دو درصد کاهش داد.

محمدهاشم بت شکن گفت: بانک مسکن به منظور اجرای سیاست‌های دولت در زمینه خروج بخش مسکن از رکود اقدام به کاهش نرخ سود تسهیلات حساب صندوق‌های پس انداز مسکن سه گانه خود یعنی صندوق پس انداز مسکن یکم،حساب صندوق پس‌انداز مسکن جوانان و حساب صندوق پس انداز عادی از ۱۳درصد به ۱۱درصد کرد. وی در مورد تاثیر کاهش نرخ سود تسهیلات بر میزان بازپرداخت اقساط گفت:با این اقدام مبلغ اقساط پرداختی مشتریان به میزان حدود ۱۰درصد کاهش می یابد.

امضای تفاهمنامه خرید هواپیما بین هما و بوئینگ

هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از امضای تفاهمنامه خرید هواپیما بین این شرکت و هواپیما سازی بوئینگ آمریکا خبر داد و اعلام کرد: براساس این تفاهمنامه، هواپیماهای بوئینگ از خانواده ۷۳۷ نسل جدید و مدل‌های ER۳۰۰ و ۹۰۰ از سری بوئینگ ۷۷۷ خواهد بود.

روابط عمومی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: در پی صدور مجوزهای لازم از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت آمریکا ،تفاهمنامه خرید هواپیما بین ایران ایر و کمپانی بوئینگ امضا شد.

پس از اعلام رسمی تاریخ اجرای توافق ۱+۵اقدامات گسترده‌ای از طرف کمپانی‌های بزرگ سازنده هواپیما برای حضور فعال در بازار ایران و همزمان اراده جدی از طرف مدیریت ارشد وزارت راه و شهرسازی در جهت بازسازی ناوگان هوایی کشور صورت پذیرفت.

در این بین پس از سفر نمایندگان کمپانی بوئینگ به ایران و چند دور مذاکره سر انجام در خرداد تفاهمنامه‌ای بین هما و کمپانی بوئینگ به امضا رسید. در این تفاهمنامه مقرر شده در صورت اخذ مجوزهای لازم توسط دو طرف تعدادی هواپیمای بوئینگ عموماً از خانواده ۷۳۷ نسل جدید و مدل‌های ER۳۰۰ و ۹۰۰ از سری بوئینگ ۷۷۷ توسط هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران به صورت اجاره به شرط تملیک خریداری شود. نهایی شدن این قرارداد و اجرایی بودن آن منوط به اخذ مجوزهای نهایی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت آمریکا خواهد بود.

از سوی دیگر، شرکت آمریکایی بوئینگ تایید کرد که قرارداد فروش هواپیما با شرکت هواپیمایی ایران (ایران ایر) را امضا کرده است.

به گزارش ایرنا به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، بوئینگ در بیانیه ای که در اختیار این خبرگزاری قرار داد، اعلام کرد که این قرارداد را با مجوز واشنگتن و پس از آنکه دولت آمریکا تائید کرد ایران به تعهدات خود در توافق هسته ای عمل کرده، امضا کرده است. بوئینگ جزییات بیشتری را از این قرارداد فاش نکرد.

واشنگتن پست به نقل از ایمیل یکی از مدیران شرکت بویینگ گزارش داد که قرارداد فروش ۱۰۰ هواپیمای مسافربری به ایران بزودی نهایی شده و اطلاعیه رسمی آن منتشر می شود.

یک سخنگوی شرکت بوئینگ به نیویورک تایمز اعلام کرد: ما مشغول مذاکره با شرکت های ایران با تایید دولت آمریکا در خرید و خدمات بالقوه هواپیمای تجاری بویینگ بودیم.

وی افزود: ما در مورد جزئیات گفتگوهای جاری با مشتریان صحبت نخواهیم کرد و شیوه استاندارد ما این است که خود مشتریان هرگونه توافق به دست آمده را اعلام کنند.

ایران رتبه سوم سرمایه گذاری های خارجی را در خاورمیانه کسب کرد

روزنامه فایننشال تایمز نوشت، ایران از زمان لغو بسیاری از تحریم‌های اقتصادی و مالی به رتبه سوم سرمایه گذاری های خارجی در خاورمیانه ارتقا یافته است.

این روزنامه آمریکایی در گزارشی بر اساس اطلاعات مرکز پژوهشی خود در مورد بازار سرمایه‌گذاری خارجی، با اشاره به اینکه لغو تحریم ها درهای این کشور را به روی موج جدیدی از سرمایه گذاری خارجی گشوده است، نوشت: ایران قبل از لغو تحریم‌ها در میان ۱۴ کشور خاورمیانه از نظر میزان جلب سرمایه گذاری خارجی در رتبه دوازدهم قرار داشت و در فاصله ژانویه ۲۰۰۳ تا دسامبر ۲۰۱۵ سهم آن کشور از سرمایه گذاری های خارجی فقط ۱/۶۲درصد بود.

به نوشته فایننشال تایمز، از زمان لغو تحریم‌ها در ژانویه امسال (دی ۹۴) مقام ایران به رتبه سوم ارتقا پیدا کرده و با جلب ۱۱/۱۱ درصد از سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه خاورمیانه پس از امارات متحده عربی و عربستان قرار گرفته است. بطوریکه در سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ پیامدهای لغو تحریم‌های خارجی به وضوح نمایان شد و طی این سه ماه ایران ۲۲ مورد سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرد که بالاترین رقم جذب سرمایه گذاری خارجی از سال ۲۰۰۳ تاکنون است. ایران ۳۶ درصد از سرمایه گذاری های خارجی را در سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ جذب کرده که حجم آن معادل ۴۰ درصد از کل سرمایه گذاری خارجی در آن کشور از سال ۲۰۱۳ تاکنون است.

ارتقاءاستانداردهای صنعت‌غذایی با مشارکت شرکت‌های بین‌المللی

ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در کشور سبب شده تا پس از توافق هسته‌ای، شرکت‌های بزرگ غذایی جهان ایران را بازار مناسبی برای حضور در منطقه ارزیابی کنند.

یک کارشناس ارشد صنایع غذایی از حرکت صنایع غذایی ایران به دنبال توافق برجام خبر داد و دستاوردهای نمایشگاه سپری شده «ایران آگروفود» را با اهمیت توصیف کرد.

به گزارش ایسنا، محمد عمرانی درباره توسعه ظرفیت‌های صنعت غذایی کشور گفت: توسعه این بخش بدون در نظر گرفتن استانداردهای مصرف خارج از کشور نتیجه بخش نخواهد بود. در واقع در دیگر کشورها برای موادغذایی استانداردهای بالایی پیش‌بینی شده که در حال حاضر صنعت غذایی کشور از این استانداردها فاصله دارد و به رغم توسعه و گسترش صنایع‌غذایی کشور پس از سال ۱۳۶۸، هنوز این صنعت قادر به پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی نیست. وی با اشاره به اهمیت نقش صنعت غذایی کشور در اشتغال‌زایی، عمران و توسعه مناطق به ویژه مناطق روستایی اضافه کرد: توسعه این بخش باعث توزیع بهتر درآمد و رفاه و در نتیجه برقراری عدالت اجتماعی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از این بخش به عنوان یکی از محورهای اولویت‌دار زنجیره تولید محصولات کشاورزی نام برد.

این کارشناس صنایع غذایی دستیابی به استانداردهای بالای صنعت‌غذایی را نیازمند مشارکت با شرکت‌های مطرح بین‌المللی در این عرصه بیان کرد و از فرصت پیش آمده برای کشور به عنوان عاملی نام برد که امکان تبدیل ایران به هاب صادراتی منطقه را فراهم می‌سازد و افزود: ایران تنها یک بازار ۷۰ میلیون نفری برای محصولات غذایی نیست، بلکه می‌توان با اخذ نمایندگی شرکت‌های مطرح و بنام بین‌المللی در صنعت غذایی در کشور و پس از آن تولید مشترک با آنها، بازار مصرف ایران در این صنعت را به بازاری ۴۰۰ میلیون نفری برای تمام منطقه تبدیل کرد.

رشد ۵ درصدی تولید شمش فولاد کشور

میزان تولید شمش فولاد کشور ظرف ۲ ماهه نخست امسال ۵/۶ درصد رشد یافت.

به گزارش روابط عمومی ایمیدرو، شرکت های فولاد ساز کشور در ماه های فروردین و اردیبهشت ۳ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۸۴۰ تن فولاد خام تولید کردند. اما این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۲ میلیون و ۹۹۳ هزار و ۱۲۲ تن بود.

بر اساس اعلام نشریه The Banker

بار دیگر بانک پاسارگاد، به عنوان بانک برتر اسلامی ایران انتخاب شد

بر اساس آخرین اعلام نشریه معتبر بنکر، بانک پاسارگاد به‌عنوان بانک برتر اسلامی ایران در سال ۲۰۱۶ معرفی شد.

به گزارش روابط عمومی بانک پاسارگاد، این بانک در افتخاری دیگر و به سبب کارنامه درخشان و عملکرد بسیار خوب خود، موفق شد عنوان بانک برتر اسلامی ایران در سال ۲۰۱۶ را براساس اعلام نشریه The Banker، از آن خود کند.

گفتنی است پیش از این نیز، بر اساس اعلام نشریه بنکر، بانک پاسارگاد موفق شد جایگاه بانک سال جمهوری‌اسلامی ایران در سال ۲۰۱۵ را برای پنجمین سال از آن خود کند. همچنین این بانک توانست در رتبه‌بندی برندهای برتر بانکی که توسط نشریه معتبر بنکر انجام شد، به عنوان تنها بانک ایرانی، در بین ۵۰۰ برند بانکی برتر جهان قرار گیرد. این بانک در افتخاری دیگر، توانست برای دومین سال متوالی، جایزه برترین بانک ایرانی را بر اساس ارزیابی مؤسسه معتبر یورومانی کسب کند.

برگزاری مجمع عمومی عادی سالانهٔ شرکت بیمه پارسیان

مجمع عمومی عادی سالانه شرکت بیمهٔ پارسیان با حضور حدود ۸۰ درصد سهامداران برگزار شد

به گزارش روابط عمومی شرکت بیمهٔ پارسیان، این شرکت بعنوان یک شرکت بزرگ بیمه بورسی امسال نیز مجمع عمومی عادی سالانه خود را برگزار و مفاد دستورجلسه ذکرشده در آگهی دعوت به مجمع را که در جراید به چاپ رسیده بود به تصویب سهامداران رساند.

در این مراسم ابتدا نسبت به انتخاب رئیس مجمع ، نظّار و منشی جلسه اقدام شد و پس از استقرار هیأت رئیسه مجمع و نمایندگان بیمهٔ مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار در قسمت هیأت‌رئیسه ، گزارش فعالیتهای شرکت در سال ۹۴ توسط آقای اویارحسین عضو هیات مدیره ومدیرعامل ارائه شد .

از نکات قابل توجه در این گزارش کسب پرتفوی بیش از ۱۴هزار میلیارد ریال در سال ۹۴ وهمچنین ترکیب مناسب پرتفو و ضریب خسارت کمتر نسبت به متوسط صنعت بیمه بود. ترکیب دارایی‌ها و سرمایه گذاری‌های سودآور نیز از جمله فعالیت های درخور توجه سال ۹۴ بیمه پارسیان بود که به تفصیل شرح داده شد.

لازم به ذکراست کسب پرتفوی ۱۴هزار میلیارد ریال در سال موردگزارش توسط بیمه پارسیان بیش از ارقام پیش بینی شده به سازمان بورس می‌باشد که از دیگر نکات حائز اهمیت این گزارش بود. علاوه بر رشد مناسب و ترکیب بهینهٔ پرتفو، ایفای تعهدات قانونی و آئین‌نامه‌ای و همچنین شفافیت صورت‌های مالی از دیگر نکات مثبت عملکرد شرکت در سال مالی مورد اشاره بوده است .

در ادامه، گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت قرائت و پس از ارائه پاسخ‌های لازم ، صورتهای مالی عملکرد منتهی به ۹۴/۱۲/۲۹ به تصویب رسید .

مؤسسهٔ حسابرسی دش و همکاران به عنوان حسابرس و بازرس قانونی اصلی و مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران به عنوان حسابرس و بازرس علی البدل برای سال مالی ۹۵ تعیین و روزنامه‌های اطلاعات و دنیای اقتصاد نیز به عنوان روزنامه‌های کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت انتخاب شدند .

جشنواره مهر و نیایش، اهدای کتاب به کودکان بستری در بیمارستان‌ها

کتاب‌هایم را به تو هدیه می‌دهم

با شروع ماه مبارک رمضان، جشنواره‌ای با عنوان «مهر و نیایش» در مرکز آفرینش‌های هنری کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان برپا شده است. دراین جشنواره که مشتمل بر کارگاه‌های نمایش، کاردستی، کتابخوانی و بازی‌های خلاق است، کودکان ونوجوانان می‌توانند آن دسته از کتاب‌های خود را که پیش‌تر مطالعه کرده‌اند و دیگر به آنها نیازی ندارند، به کودکان بستری در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی اهدا کنند. جشنواره «مهر و نیایش» به نوعی قصد دارد صرف نظر از ترویج و اطلاع رسانی درباره کتاب و کتابخوانی، به موضوع ایثار و گذشت در میان کودکان ونوجوانان هم اشاره داشته باشد و آن را در میان این طیف، فرهنگ‌سازی کند. نهادها وسازمان‌های مردم‌نهاد متعددی از زمان شروع این جشنواره تا امروز، با آن همکاری داشته‌اند که مؤسسه‌های خیریه و بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، از آن جمله به شمار می‌روند. اخیرا بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس مجموعه‌ای از کتاب‌های این بنیاد را که مخصوص مخاطبان کودک و نوجوان است، به این جشنواره اهدا کرده است. «مسافر سپیده‌دم»، «یک دنیا پروانه» و «قهرمان کوچک» از جمله کتاب‌هایی است که تا امروز به جشنواره «مهر و نیایش» اهدا شده است تا در فرصت‌های مناسبی به دست کودکان بستری در بیمارستان‌ها برسد.

در جشنواره «مهر و نیایش» غرفه‌هایی برپا شده است که از رهگذر آن، کودکان ونوجوانان می‌توانند با دستگاه‌های برجسته‌نگار، به دید، کتاب‌های لمسی، بریل و روزنامه سپید که مخصوص نابینایان است، بیشتر آشنا شوند. هدف کانون برقراری ارتباط‌های گسترده بین کودکان ونوجوانانی است که برای بازدید ازاین نمایشگاه می‌آیند و قصد دارند از دستاوردهای معنوی آن، بهره‌مند شوند. نمایشگاه «مهر و نیایش» تا چهارم تیرماه‌امسال دایر است. در گزارش پیش‌رو با تنی چند از دست اندرکاران برپایی نمایشگاه و نویسندگان کودک ونوجوان به گفتگو نشسته‌ایم، که می‌خوانید.

فرهنگ‌سازی برای اهدای کتاب

مجتبی دانشور ـ مدیرروابط عمومی و بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان درباره نمایشگاه «مهر و نیایش» می‌گوید: کتاب‌هایی که دراین نمایشگاه ازسوی طیف کودکان ونوجوانان اهدا شده است، به مناطق محروم و کودکانی که در حال حاضر در بیمارستان‌ها بستری هستند، هدیه می‌شود. به نظر می‌رسد برپایی چنین نمایشگاه‌هایی می‌تواند فرهنگ‌سازی و حرکت مطلوبی درزمینه اهدای کتاب باشد. یعنی همین که ما احساس کنیم کتابی را مطالعه کرده‌ایم و دیگر به آن نیازی نداریم و این کتاب می‌تواند مورد استفاده وسرگرمی کودک یا نوجوان دیگری قرار گیرد، اتفاق خوشایندی تلقی می‌شود.

او اضافه می‌کند: سال گذشته هم شاهد چنین حرکتی در حاشیه برگزاری جشنواره اسباب بازی بوده‌ایم. در آن جشنواره، کودکان ونوجوانان اسباب بازی‌هایی را که دیگر به آنها نیاز نداشتند، به کودکان بیمار هدیه دادند تا به این وسیله مراتب همدردی شان را با آنها ابراز کنند و از سوی دیگر بیمارستان‌ها به اسباب بازی مجهز شوند و کودکان در مراکزدرمانی، راحت‌تر بتوانند طول درمان خود را بگذرانند. می‌توان گفت مشارکت خانواده‌ها و کودکان ونوجوانان در جشنواره اسباب بازی، بی‌نظیر بود و امیدوارم امسال هم در جریان برگزاری این جشنواره، درباره اهدای کتاب هم چنین اتفاقی بیفتد و مردم ازاین طرح استقبال کنند. هر چند تا امروز اقبال مردم وکودکان نسبت به این جشنواره مطلوب بوده است و به نظرمی‌رسد این طرح می‌تواند با تداوم یافتن دردوره‌های بعدی، جایگاه مناسب خود را در جامعه بیابد و مردم به ارزش و اهمیت اهدای وسایلی مانند اسباب‌بازی و کتاب‌های فرزندان خود و لذت تقسیم آن‌ها با دیگران، پی ببرند.

حضور نویسندگان در نمایشگاه

مدیرروابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان از مشارکت نویسندگان کودک و نوجوان دراین طرح نیزیاد می‌کند و می‌گوید: امسال شاهد اتفاق خوشایندی هستیم و آن هم حضور نویسندگان دراین طرح بوده است. آنان هم مثل کودکان ونوجوانانی که برای بازدید ازاین نمایشگاه می‌آیند، بخشی از کتاب‌های خودشان را که احساس می‌کنند به لحاظ محتوایی جذابیت دارد، به کودکان بیمارستانی اهدا کرده‌اند.

دانشور با اشاره به این که حضور نویسندگان کودک و نوجوان می‌تواند الگویی آموزنده برای بازدید کنندگان باشد، ادامه می‌دهد: می‌توان گفت حضور نویسندگان و اهدای کتاب‌هایشان به نوعی می‌تواند در دلگرمی و تشویق بازدید کنندگان نسبت به مشارکت دراین طرح، موثرباشد. اطمینان دارم طرح اهدای کتاب‌هایی که دیگربه آنها احتیاجی نداریم و می‌توانیم دیگران و به ویژه کودکان بیمار را که در حال حاضردر بیمارستان‌ها بستری هستند، در لذت خواندن این کتاب‌ها شریک کنیم، اتفاق خوشایندی محسوب می‌شود و می‌تواند راه گشای مسیر باشد و حرکت‌های مثبتی در زمینه ترویج و مطالعه و کتابخوانی به شمار برود.

> *در طرح مهر و نیایش، کودکان و نوجوانان کتاب‌هایی را که پیشتر خوانده‌اند و دیگر به آن‌ها نیاز ندارند، به بچه‌های بستری در بیمارستان‌ها و دیگر مراکز درمانی، اهداء می‌کنند
>
> *نمایشگاه «مهر و نیایش» تا چهارم تیر ماه جاری در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برپا است و کتاب‌های اهدایی علاوه بر بیمارستان‌ها، در مناطق محروم کشور هم توزیع می‌شود
>
> *مجتبی دانشور ـ مدیر روابط عمومی و بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان: طرح اهدای کتاب‌هایی که خوانده‌ایم و دیگر به آن‌ها نیاز نداریم، حرکت مثبتی در زمینه ترویج کتابخوانی محسوب می‌شود

از دانشور این سوال را مطرح می‌کنم که بیشتر چه کتاب‌هایی از سوی عامه مردم به این جشنواره ارائه شده است که در پاسخ می‌گوید: با وجود آن که هنوز تفکیک دقیقی در مورد کتاب‌های اهدایی صورت نگرفته، ولی بیشتر کتاب‌هایی که دراین زمینه اهدا شده، در حوزه ادبیات داستانی برای کودکان و نوجوانان بوده است. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در فواصل مختلف به طرح برنامه‌هایی ازاین دست در قالب نمایشگاه و جشنواره پرداخته است و ما در نظر داریم چنین برنامه‌هایی در آینده هم ادامه داشته باشد، زیرا واقعیت این است اگر بخواهیم به نتیجه مطلوب در زمینه کتاب و کتابخوانی دست یابیم، باید به تداوم چنین طرح و برنامه‌هایی بپردازیم. ازاین‌ها گذشته مسئله ایثار و فداکاری، نکته مهمی است که باید آن را از دوران کودکی به کودکان و نوجوانان این سرزمین آموزش دهیم تا در آینده بتوانیم جامعه‌ای بالنده و شکوفا داشته باشیم و کودکان بدانند که نباید با بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی از کنار یکدیگر، بگذرند. البته اهدای کتاب به طور قطع تجربه‌ای متفاوت و موفق خواهد بود، زیرا همان طور که اشاره کردم، تجربه برگزاری جشنواره اسباب بازی و اهدای اسباب بازی‌ها هم به ما نشان داد مردم به خصوص کودکان ونوجوانان علاقه زیادی به مشارکت در برنامه‌های اجتماعی و برداشتن قدم‌های خیر دارند.

تجهیز کتابخانه‌های بیمارستان‌ها

بهاره جهان‌دوست ـ مدیرغرفه «سلامت و هنر» نیز از دیگر دست اندرکاران برپایی جشنواره «مهر و نیایش» است که درباره دستاوردهای برگزاری چنین جشنواره‌هایی می‌گوید: مهم‌ترین هدف و کارکرد غرفه «سلامت و هنر» این است که در قالب کمپین نوع دوستانه، به بهبود شرایط روحی کودکان بیمار کمک کند. ما در جریان برگزاری این نمایشگاه، کمپینی با عنوان «دوباره با هم می‌خوانیم» برگزار کرده‌ایم که هدفش اهدای کتاب و تجهیز کتابخانه‌ها در مراکز درمانی است. خوشبختانه این چندمین همکاری گروه هنر و سلامت با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. دردوره‌های گذشته نیز چنین مشارکتی را با این نهاد داشته‌ایم که در نتیجه تعداد زیادی اسباب‌بازی از طرف کودکان و خانواده‌هایشان برای بچه‌های بستری در بیمارستان‌ها ارسال شد.

جهان دوست اضافه می‌کند: کودکانی که به دلایل مشکلات جسمی روی تخت خوابیده‌اند و فرصت تفریحی ندارند، قطعاً می‌توانند با خواندن آثار ارزشمند نویسندگان، اوقات فراغت خود را پر کنند. ضمن این که نفس هدیه دادن کتاب به این گروه از کودکان به خودی خود قابل تقدیر است و می‌تواند انگیزه‌های مشارکت‌های اجتماعی را در کودکان تقویت کند. به نظرم کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان با همکاری برخی از نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد توانسته است به خوبی در ادا کردن رسالت خود در برابر کودکان بیمار، موفق شود. به ویژه دراین ایام که ماه مبارک رمضان است وهمه ما سعی می‌کنیم در این ماه با اقدام‌های نیک، به پروردگارمان نزدیک‌تر شویم و کارهای بشر دوستانه‌ای انجام دهیم. همه این عوامل باعث شده است من و دیگر داوطلبانی که دراین نمایشگاه حضور دارند، تلاش کنیم با برداشتن قدم‌های مثمرثمر، در سطوح اجتماعی مفید باشیم.

اوقات خوش برای کودکان بیمار

فرهاد حسن‌زاده ـ از نویسندگان فعال در حوزه کودک و نوجوان هم درباره دستاوردهای جشنواره «مهرو نیایش» می‌گوید: بی‌تردید نفس عمل اهدا و تبادل کتاب خوب است و اصولاً هر حرکتی که با محوریت کتاب انجام شود و بتواند کودکان و نوجوانان را با کتاب مأنوس و به مطالعه نزدیک کند خوب است، به خصوص کودکانی که شرایط جسمی خوبی ندارند و در حال حاضر در بیمارستان‌ها بسر می‌برند. روی این اصل است که معتقدم حرکت‌هایی از این دست می‌تواند موجب آشتی کودکان با کتاب و کتابخوانی شود. از این‌ها گذشته تبادل کتاب هم می‌تواند جنبه ایثار داشته باشد و اوقات خوش و درعین حال مفیدی را برای این کودکان در بیمارستان‌ها رقم بزند. به یاد دارم زمانی که ۱۲ ساله بودم، مدتی در بیمارستان بستری شدم و لحظات سختی را سپری کردم، بنابراین معتقدم راه یافتن کتاب به بیمارستان‌ها می‌تواند در روند بهبود حال کودکان، نقش مهمی داشته باشد.

نویسنده رمان «هستی» اضافه می‌کند: پیشتر توجه به کودکان بستری در بیمارستان‌ها با اهدای اسباب بازی صورت گرفت، ولی به نظر می‌رسد که فرهنگ سازی بیشتری لازم است تا درباره اهدای کتاب هم شبیه چنین کاری با موفقیت انجام بگیرد، تا به آن نقطه دست یابیم کتاب‌هایی را که قبلاً مطالعه کرده‌ایم، در اختیار دیگران بگذاریم تا آنها هم از فوائد و مطالب آموزنده آن کتاب‌ها، مطلع و بهره‌مند شوند. تصور می‌کنم نقش رسانه‌هایی مثل رادیو و تلویزیون دراین زمینه پررنگ است. در فرهنگ ما ایرانیان این طور است که اگر مشکلی پیش بیاید، نذر می‌کنیم تا آن مشکل حل شود، چه خوب است که از این پس نذرهای‌مان رنگ و بوی فرهنگی به خود بگیرند، یعنی این نذرها معطوف فعالیت‌های فرهنگی هم شود تا بتوانیم با اهدای کتاب، نذرهای‌مان را ادا کنیم.

حسن‌زاده اضافه می‌کند: کانون در سال‌های اخیر حرکت‌های خوبی ازاین دست داشته است که برگزاری جشنواره اسباب‌بازی و اهدای اسباب بازی به بیمارستان‌ها، از آن جمله بوده است. به نظر می‌رسد این اتفاق می‌تواند درباره کتاب هم تکرار شود، ضمن آن که کودکان می‌توانند در بیمارستان‌ها که زمان به کُندی می‌گذرد هم با کتاب خواندن سرگرم شوند و از سوی دیگر همان طور که اشاره کردم؛ پیام‌های مورد نظر کتاب‌ها را هم دریابند.

این نویسنده تصریح می‌کند: من از جمله نویسندگانی بوده‌ام که‌امسال دراین طرح شرکت و تعدادی ازکتاب‌هایم را اهدا کرده‌ام؛ منتهی کوشیده‌ام آن کتاب‌هایی را که بیشتر جنبه طنز داشته‌اند، اهدا کنم تا کارهای جدی. چون فکرکردم بچه‌هایی که درحال حاضر در بیمارستان‌ها بستری هستند، به خندیدن و شاد شدن نیاز دارند و روی این اصل بخشی از کارهای طنزم را به آنها اهدا کرده‌ام.

بی‌توجهی به کتاب‌های غیر درسی

حسن زاده، بزرگترین دست‌اندازی را که در حال حاضر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان وجود دارد، توزیع نامناسب کتاب می‌داند و می‌گوید: قطعاً ما به نگارش کتاب می‌پردازیم تا دیده شود، ولی متأسفانه به دلیل چرخه نامناسب توزیع درحوزه نشر، شاهد این هستیم که کتاب‌های‌مان به دست بچه‌هایی که در شهرستان‌ها و اقصی نقاط کشور زندگی می‌کنند، نمی‌رسد. از این‌ها گذشته به شخصه همیشه منتقد سیاست‌های منجمد و نگاه‌های بسته آموزش و پرورش بوده‌ام و امیدوارم روزی فرا برسد که درهای مدارس بر روی نویسندگان کودک باز شود و آنها بتوانند ارتباط خوبی با بچه‌ها برقرار کنند. اگرچه دراین سال‌ها مدارسی هم بوده‌اند که مدیران آنها بی آن که به بخشنامه‌های خشک و رسمی آموزش و پرورش اعتنایی کنند، مجالی برای آشنایی کودکان و نویسندگان، کتاب های مربوط به آنان را در مدارس فراهم آورده‌اند، اما این کافی نیست و باید زمینه‌ای فراهم شود تا والدین و دست اندرکاران آموزش و پرورش به این نتیجه برسند که کتاب‌های غیردرسی می‌توانند به مراتب مفیدتر از کتاب‌های درسی باشند و در ارتقاء سطح فکر و یادگیری مهارت‌های زندگی کودکان ونوجوانان، نقش چشمگیری ایفا کنند.

> *بهاره جهان‌دوست ـ مدیر غرفه سلامت و هنر: طرح اهدای کتاب می‌تواند مشارکت‌های اجتماعی را در کودکان تقویت کند
>
> *فرهاد حسن‌زاده ـ نویسنده کودک و نوجوان: راه یافتن کتاب به بیمارستان‌ها می‌تواند در روند بهبود حال کودکان بیمار، مؤثر باشد
>
> *محسن هجری ـ نویسنده: بخشی از کتاب‌هایم را به کودکان بیمار بخشیده‌ام، تا به آنان بگویم که به یادشان هستم

عوامل روحی بهبود کودکان بیمار

محسن هجری هم از دیگر نویسندگان کودک ونوجوان است که ارزیابی خود از برگزاری نمایشگاه «مهر و نیایش» را این طور بیان می‌کند: با توجه به این که این نمایشگاه معطوف به کودکان بیمار است و آنها به دلیل شرایط‌شان نمی‌توانند به فعالیت‌های عادی درجامعه بپردازند، به عنوان یک نویسنده به اهدای بخشی از کتاب‌هایم پرداخته‌ام تا به آنان بگویم که به یادشان هستم.

او اضافه می‌کند: نباید این مسئله را دست کم بگیریم که عوامل روحی و روانی می‌تواند در بهبود کودکان بیمار، مؤثر باشد. ضمن این که کتاب و کتابخوانی اصولاً می‌تواند در اوقات کسالت و سلامت ما نقش داشته باشد، پس چه خوب است که آن را نه یک کالای لوکس و تزیینی، بلکه‌امر ضروری و کاربردی در زندگی روزمره‌مان بدانیم و به آن بها دهیم. کتاب در بیماری و کسالت و سلامت می‌تواند کالای ضروری باشد و هرجا که مورد استفاده قرار گیرد، آثار مثبت خود را به خوبی نشان دهد.

آزاده صالحی

عکس: سعید نیک نژاد

جدول ۲۲۸۶۲

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱- اتاق برگشت به حال عادی پس از عمل در بیمارستان - دارای هدفی عالی در زندگی و پشتکار قوی برای رسیدن به آن
۲- تیره پوست - نوعی ادراک حسی بدون محرک خارجی
۳- بدنیا آوردن - قله زاگرس - تردید - پسر مازنی
۴- آستانه - آخرین شاه پیشدادی ملقب به جم - سلام تلفنی
۵- مشهورتر - کشور «داکار» - صدای آرام خندیدن
۶- عقیده شمردنی - نامی پسرانه - آش - برهنه
۷- بله انگلیسی - نوشابه قدیمی - نام دختر اردشیر دوم
۸- دریایی در شمال اروپا - محروم
۹- عامل تب مالت - شاعر کتاب سایه عمر - ردیف قالیبافی
۱۰- چاشنی سالاد - عامل وراثت - آگهی - تن
۱۱- نژاد اسب کوتاه - دوره کارآموزی، کارورزی - مرکز کشور چک
۱۲- کلمه پرسشی - تشبیه شاعرانه قد یار - قادر
۱۳- ناشی - کار ناتمام! - قطع سینمایی - خدای درویش
۱۴- برنا - طبیعی دان انگلیسی مولف «بنیاد انواع»
۱۵- کنیه حضرت حوا (ع) - مبنای فاصله سیارات از یکدیگر

عمودی:
۱- سر نگهداری - کشور ماتادورها
۲- نام پدر داریوش اول - پروتئین گیاهی
۳- شخص - مخفف گاهی - الفبای عمران - بی موقع
۴- شاداب - حساسیت - سرمست
۵- سنگ ترازو - حلال رنگ و لاک ناخن - گیاهی وحشی با دانه های غلافی
۶- آزاد - ضربه ای در والیبال - سودای ناله - نصف دانش
۷- مساوی - ذات و شخصیت - نخستین سبک ادبی اروپا
۸- امیر ایرانی سلسله زیاریان - عقیده داشتن و باور
۹- به زور حمل کردن - گل و ملاط - پایه
۱۰- پارچه کهنه - پهلوان - پارکینگ و توقفگاه خودروها - اجاره و کرایه
۱۱- پسوند طی کردن - زلزله و زمین لرزه - آبله بر پوست
۱۲- تیزهوشی - شاه فرانسوی - کفش سربازی
۱۳- کمک کننده و یاور - علامت جمع - تیز و برنده - جدید
۱۴- خوشنویس معاصر خط نستعلیق - بسیار محبوب
۱۵- نوعی سنگ نمای ساختمان ها - شجاعت و سلحشوری

حل جدول ۲۲۸۶۱

در آستان قرآن

امام موسی صدر

«قُل أعُوذُ بربّ الفلق...: بگو: به پروردگار صبحگاه پناه می‌برم، از شرّ آنچه آفریده است، و از شرّ شب چون درآید، و از شرّ جادوگرانی که در گره‌ها افسون می‌دمند، و از شرّ حسود چون رشک می‌ورزد.» این سوره و سورهٔ بعد از آن، یعنی سورهٔ ناس، به «معوَّذَتین» معروفند؛ زیرا در این دو سوره، خداوند متعال به پیامبر گرامی(ص) می‌آموزد که چگونه و به چه کسی باید پناه ببرد. طبیعی است که این سوره در کنار اینکه به انسان می‌آموزد چگونه پناه بجوید، به توجیه و توضیح و یادآوری مسائلی می‌پردازد که خداوند در اثنای سوره بیان کرده است. هنگامی که در این سوره می‌خوانیم: «أعُوذُ بربّ الفلق. من شرّ ما خلق» از بدی‌ها و شُرور پناه می‌بریم، اما نه به مخلوقات و نیروهای آنها، بلکه به خداوند پناه می‌بریم و این امری طبیعی است؛ زیرا خداوند است که آفریننده است و اوست کسی که صفات و امکانات را به مخلوقات داده است و به همین سبب، بهترین کسی که می‌توان به او پناه برد، خداوند متعال است.

واژه فلق

کلمهٔ «فلق» به معنای شکافتن است. «فلق الحبّه» یعنی دانه را شکافت تا از آن هسته‌اش را بیرون بکشد. خداوند شکافندهٔ دانه است. به این معنا که خداست که دانه را می‌شکافد تا گیاه را از آن خارج کند و شب را می‌شکافد تا سپیده‌دم را از آن بیرون بکشد و مرگ یا جماد را می‌شکافد تا حیات را از آن بیرون بکشد و آنچه مسدود است، می‌شکافد تا گشوده شود و نادانی و تاریکی را می‌شکافد تا نوری بدرخشد و علم بیرون بیاید. «فلق» نامی برای همهٔ این مصادیق است.

گشایش و زندگی صادرشده از مرگ، و سپیده‌دم خارج‌شده از شب، و گشودگی بعد از فروبستگی، و دانش و معرفت بعد از نادانی و جهل، همهٔ اینها «فلق»اند و خداوند پروردگار فلق است. پس او پروردگار سپیده‌دم و پروردگار زندگی و پروردگار گشودگی و پروردگار دانش است. از این رو، پناه بردن به خداوند، پناه بردن به جایگاه درست آن است و مسیر منطقی برای رهایی از بدیها و شرور است. صرفاً نوعی پناه‌بردن نیست، با این هدف که نیرویی بگیریم و بتوانیم در برابر بدی و شرّ مقاومت کنیم، بلکه سیری است به سوی کمال، تا آنجا که به جایی برسیم که بدی و شرّ را به ما راهی نباشد.

شر

به طور اساسی و از نگاه فلسفی، شرّ یا بدی در هستی وجود ندارد؛ زیرا هستی، خیر مطلق است. پس علت شرّ چیست؟ شرّ هنگامی حاصل می‌شود که چیزی در جایگاه خودش نباشد؛ مانند وقتی که انسان کار شخص دیگری را انجام دهد یا کار خود را برای دیگران بگذارد. در این هنگام است که شرّ به بار می‌آید. به همین سبب است که در روایات و ادعیه آموخته‌اند که چگونه باید به خدا پناه برد از اینکه او دیگرانی را به جای ما بیاورد؛ زیرا اگر ما در کارهایمان کوتاهی کنیم، دیگران را به جای ما می‌گذارد، چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: «یستبدل قوماً غیرکُم ثُمّ لایکونوا أمثالکم» بنابراین شرّ یا بدی، قرار دادن چیزی در غیر جایگاه آن یا به کار بردن نابه‌اندازهٔ چیزی است؛ یعنی کمتر یا بیشتر از اندازهٔ نیاز. امروزه علم تأکید می‌کند که در جهان، هیچ سَمّ مطلقی وجود ندارد. هر چیزی که آن را سم می‌نامند، اگر به‌اندازه مصرف شود، سم نیست؛ زیرا هر چیزی را، حتی آب و نان را هم، اگر انسان بیش از اندازهٔ نیاز بخورد یا بیاشامد، برایش سم است. شرّ در هستی نسبی است و مطلق نیست. ما به پروردگاه صبحگاه پناه می‌بریم از شرّ آنچه آفریده است؛ نه از آن رو که آنچه آفریده است، شرّ است، بلکه از این رو که طبیعت انسان، که به او خیر و شرّ را می‌آموزاند، این‌گونه است که چیزها را در جایگاه اصلی آنها به کار نمی‌برد یا به‌اندازه به کار نمی‌برد و از این روست که به خودش و دیگران آسیب می‌رساند.

ما به پروردگار صبحگاه پناه می‌بریم از شرّ آنچه آفریده است؛ زیرا مخلوق در جایگاه اصلی خود که نباشد، جماد است و شب است و تاریکی است و فروبستگی است و جهل است. پس ما به پروردگار زندگی و پروردگار سپیده‌دمان و پروردگار گشودگی و پروردگار دانش پناه می‌بریم تا از شرّ نجات یابیم. این‌گونه نیست که نیرویی را قرض بگیریم، بلکه به گونه‌ای عمل می‌کنیم که از این بدیها و شُرور به وسیلهٔ پیمودن راه تکامل، به‌دور باشیم. بنابراین، این پناه بردن، اعتقاد قلبی و آرامش را در پی دارد و در عین حال، باعث تربیت انسان می‌شود.

انواع ظلمت

«من شرّ غاسق إذا وقب» معنای «غسق» تاریکی است و «وقب» یعنی داخل شد و آمد. بنابراین، «و من شرّ غاسق إذا وقب» یعنی «از شرّ شب، هنگامی که می‌آید و تاریک می‌کند». بدون شک تاریکی شب یکی از انواع ظلمت است. در زندگی ما، انواع دیگری از تاریکی نیز وجود دارد؛ نادانی نوعی ظلمت است که سراغ ما می‌آید، غفلت و مرگ نیز، نوعی ظلمت‌اند. بر این اساس، ما با این آیه بنا به دستور خداوند و راهنمایی پیامبر(ص) از شرّ تاریکی‌هایی که بر ما حاکم است، به پروردگار صبحگاه پناه می‌بریم. اما چرا تاریکی را شرّ می‌دانیم؟ زیرا فاسدان و توطئه‌گران در شب و ظلمت و غفلت، هنگامی که فرد غافل یا خواب باشد یا چیزی نبیند، فرصت توطئه می‌یابند؛ بنابراین ما از این آیه معنایی وسیعتر از آنچه مفسران گفته‌اند، درمی‌یابیم. ما از همهٔ بدیهایی که بدون آگاهی ما سراغمان می‌آید به خدا پناه می‌بریم؛ بدیهایی که عامل آن، یا شبی است که ما را احاطه کرده یا جهلی که ما را فراگرفته یا غفلتی که بر زندگی‌مان سایه افکنده یا مرگ یا چیزی شبیه مرگ. ما در برابر این بدیها، از شرّ شب، به پروردگار روز پناه می‌بریم و از شرّ جهل، به پروردگار علم و از شرّ غفلت‌هایمان به پروردگار ذکر که چیزی را فراموش نمی‌کند و ممکن نیست خواب یا غفلت بر او چیره شود. و این اقدام پناه و اطمینان و امنیت و رضامندی در پی دارد و همچنین، روشی تربیتی برای انسان است.

در ادامهٔ این سوره می‌خوانیم: «و من شرّ النّفّاثات فی العُقد» دمندگان افسون در گره‌ها به چه معناست؟ مفسران می‌گویند اینان زنانی جادوگرند که ورد و طلسم می‌خواندند و در گره‌های طناب می‌دمیدند و این‌گونه شرّ می‌پراکندند و مردم را به زحمت می‌انداختند. اما چنین برداشتی در مفاهیم دینی ما قطعی نیست؛ زیرا دین ما، دین علم است؛ هر چند ما منکر معنایی که مفسران بیان کرده‌اند، نمی‌شویم و دانستن آن را به اهلش و به تفکر بیشتر می‌سپاریم. اما واقعیت مطلب که در آن کمتر شک داریم، این است که معنای «النّفّاثات فی العُقد» را در عمل، این‌گونه می‌توان فهمید که زنانی بوده‌اند که به سبب ضعف، برای دفاع از خود یا آزار دیگران از شیوه‌های نادرست و پیچیده‌ای استفاده می‌کردند. آنان به سبب ضعفشان چنین شیوه‌هایی را در پیش می‌گرفتند. می‌توانیم نتیجه بگیریم، هر کس ضعیف باشد، چه بسا از «دمندگان افسون در گره‌ها» باشد. آن زنان چه می‌کردند؟ دمیدن در گره، یعنی فتنه‌گری در ذهنها، در اراده، در عقیده و در روابط، که از راه سخن‌چینی یا دسیسه یا از راه بازگوکردن برخی مسائل به انگیزهٔ افکندن گره‌هاست. تفاوتی ندارد که زنی چنین کند یا مردی یا سازمان‌ها و نهادی. عصر ما، عصر سازمان‌هاست و ما امروز سازمان‌هایی می‌یابیم که فتنه‌گری می‌کنند و افکار را گمراه و منحرف می‌کنند و میان نزدیکان و جامعه و هم‌میهنان فاصله می‌اندازند که این‌گونه مسائل بسیار بسیار مایهٔ رنج و ناراحتی است.

این سازمان و مؤسسات فقط به این هدف و برای دمیدن در گره‌ها تأسیس شده‌اند. قرآن به ما می‌آموزد و می‌گوید: از شرّ دمندگان در گره‌ها به پروردگار صبحگاه پناه ببرید، پروردگار سپیده‌دمان و نور، پروردگار دانش و زندگی و روشنگری؛ زیرا انسان هنگامی که بر مبنای اعتماد به نور و ایمان به جایگاه واقعی خود می‌رسد، خود را از «دمیدن در گره‌ها» مصون می‌یابد. پس دمندگان در گره‌ها، از جهل و غفلت و مانند اینها استفاده می‌کنند و این چنین است که ما این آیه را مایهٔ آرامش و اطمینان و روشی برای تربیت انسان می‌یابیم.

رشک و حسد

«من شرّ حاسد إذا حسد: از شرّ حسود چون رشک می‌ورزد.» در آخرین آیهٔ سوره فلق، ما از شرّ حسود چون حسادت می‌کند، به پروردگار صبحگاه پناه می‌بریم. به خدا پناه می‌بریم چون خالق اوست و مؤثری جز او در وجود نیست و پناه بردن و نزدیک شدن به او به مثابهٔ محفوظ ماندن از این شروری است که گفتیم. حسد از شرور است و حسود هم برای خود و هم برای دیگران شرّ است. حسد آن‌گونه که حدیث شریف نیز می‌گوید، حسنات را از بین می‌برد، همان‌طور که آتش چوب را. شاعری به نام ابوالحسن تهامی در رثای فرزندش می‌گوید: من به حاسدانم از آن روی غبطه می‌خورم/ که دل خود را از حرص آکنده‌اند+ به نعمت خداوند در من نظر کردند و از این روی/ چشمشان در بهشت است و دلشان در آتش دوزخ!

آتش حسد پیش از آنکه دیگری را بسوزاند و به دیگری ضرر رساند، دل حسود را می‌سوزاند. بنابراین شرّ حسود در درجهٔ اول برای خودش است و سپس برای دیگران. شرّی که حسد سرمنشأ آن است، از کنه ذات و غریزه می‌جوشد و همهٔ وجود آدمی را فرا می‌گیرد تا حدی که می‌تواند به دیگران ضرر برساند و از چیزی در غیر جایگاه خود و بیشتر یا کمتر از اندازهٔ خود استفاده کند. این چیزی است که دربارهٔ معنای شرّ در آغاز تفسیر این سوره گفتیم. بنابراین، حسادت به دیگران نیز صدمه می‌رساند. در حدیث شریف آمده است: «چه بسا که حسادت بر تقدیر غالب شود!» پس حسود می‌تواند به انسان‌ها آزار و اذیت برساند. ما به پروردگار صبحگاه از شرّ حسود، هنگامی که رشک می‌ورزد، پناه می‌بریم تا حسد را درمان کنیم.

ادامه دارد

گفتمان دولت‌ها

مریم متقی — بخش اول

«توسعه» از جمله مفاهیمی است که زیر تأثیر ارتباط یافتن عینی و ذهنی ایرانیان با غرب از زمان قاجار و به طور مشخصی با برنامه‌های اصلاح‌گرایانه عباس‌میرزا وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان گشته و در طول بیش از یک قرن گذشته و به‌خصوص از زمان انقلاب مشروطه و به بعد و تا به امروز تداوم یافته است. جدیت و اهمیت این موضوع به شکلی است که نه با قدرت‌یابی رضاشاه، نه با سقوط دکتر مصدق، نه با برقراری حکومت سلطانی و اقتدارگرایانهٔ پهلوی دوم، نه با وقوع انقلاب اسلامی و نه حادث شدن جنگ تحمیلی عراق به هیچ وجه نه تنها کاهش نیافته، بلکه ساخت سیاسی در هر برهه خاصی با اعضای خاص خود درصدد تلاش برای تحقق توسعه به مفهوم کلی آن بوده است. آنچه در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد، مقاطعی از دولت‌های ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی است.

دوره دولت سازندگی (دولت‌های پنجم و ششم):

در بین سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶، با خاتمه یافتن جنگ تحمیلی عراق و توجه به ضرورت‌های ناشی از آن و با ارتحال بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، گفتمان جدید آغاز به کار کرد که به «گفتمان سازندگی» مشهور شد. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ، خسارت‌های ناشی از جنگ، بازنگری قانون اساسی، انتظار مردم برای پایان یافتن مشکلات رفاهی پس از یک دهه تحمل سختی‌های بسیار، رو به سقوط بودن اقتصاد سوسیالیستی و فروپاشی شوروی و تأثیر آن بر سیاست‌های جهانی و از جمله اقتصاد ایران، کاهش سرمایه ملی، تحریم اقتصادی و برخی الزامات بین‌المللی مبنی بر اصلاح ساختار اقتصادی کشور، از جمله عوامل و دلایل طرح و تسلط «گفتمان سازندگی» و آغاز برنامه‌های معطوف به توسعه اقتصادی در قوه مجریه بود.

به همین دلیل در این دوره بازسازی اقتصادی و توسعه اجتماعی در دستور کار قرار گرفت و اولویت‌های امنیتی و تخصیص منابع به شکلی تغییر کرد تا ضمن حفظ آمادگی دفاعی، رشد اقتصادی سرعت گیرد و سطح تولیدات کشور در بخش‌های اقتصادی ارتقا یابد. تلاش شد با اتخاذ سیاست‌های معروف به «تعدیل اقتصادی»، سهم بخش خصوصی در اقتصاد کشور افزایش یابد و موانع اداری و غیر اقتصادی موجود در راه سرمایه‌گذاری محدودتر و کمتر شود.

این دوره، همان‌طور که از نامش نیز مشخص است، با عزمی جدی برای بازسازی و جبران لطمات و صدمات ناشی از جنگ تحمیلی عراق شروع شد و به دلیل آسیب‌دیدن زیربناها و ساختارهای اقتصادی مهم کشور، اولویت نخست دولت بازسازی زیربناهای مختلف اقتصادی و مالی و عمرانی کشور بود و برای تأمین منابع مالی مورد نیاز، روابط با جهان اندکی بهبود یافت و وامهایی از منابع خارجی مانند بانک جهانی دریافت شد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که دلیل اصلی و مرکزی گفتمان توسعه در این دوره را می‌توان در مفهوم «توسعه اقتصادی و سازندگی» یافت.

با پایان جنگ، تشکیل دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سرآغاز شرایطی تازه برای ایران انقلابی در دوره جمهوری اسلامی بود. از یک سو شرایط بی‌ثبات آغاز انقلاب و دوره استقرار حکومت اسلامی سپری شده بود و از سوی دیگر هم جنگ تحمیلی آثار سنگین اقتصادی و اجتماعی متعدد خود را بر دوش دولت جدید گذارده بود. خاتمه جنگ باعث شد تا توجه سیاست‌گذاران از پدیده‌ها و امور خارجی به اوضاع و پدیده‌های داخلی معطوف شود. این توجه به داخل سبب بروز تغییرات نسبتاً گسترده‌ای در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شد. در عرصه سیاست داخلی در این سال‌ها جناح‌های سیاسی در قامت چپ، راست و تکنوکرات بازسازی و تولید شدند.

> **سیاست «درهای باز»، در جهت تدوین راهبردی بلندمدت برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور موردنظر برنامه‌ریزان بود. این تلاش گرچه تأثیرات فرهنگی خود را در تغییر نسبی الگوی مصرف باقی می‌گذارد، توانست به تجهیز زیرساخت‌های اقتصادی کشور کمک کند**

در عرصه فرهنگی دیدگاه‌ها در قبال فرهنگ بومی یا داخلی و فرهنگ غیربومی یا خارجی و جدید متنوع‌تر شد. در حوزه اقتصادی نیز چرخشی به سوی بازار و تقویت صنایع حاصل شد که با فراز و نشیب‌های مختلفی همراه بود. تمامی این موارد حاصل تغییر گفتمانی در رویکرد نخبگان اجرایی حوزه اجرایی سیاسی در کشور بود که مفاهیمی چون توسعه اقتصادی، بازسازی، سازندگی و بازار از عناصر اصلی و مرکزی تشکیل دهنده آن بودند.

در رویکرد دولت سازندگی، برخلاف رویکرد دولت‌های پیشین جمهوری اسلامی، روی سخن و جهت‌گیری کنش‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای دولت، بیشتر با صاحبان سرمایه و اعضای هرم بالای اقتصادی ساخت اجتماعی بود. این رویکرد همراه با نوعی عمل‌گرایی بود که شیوه و شکل کنش‌ها و واکنش‌های دولت را معطوف به بهبود وضعیت و ساختار اقتصادی و سایر زیربناهای کشور می‌کرد و در سایه آن افزایش حجم سرمایه و در نهایت بهره‌مندی بیشتر لایه‌های اجتماعی ایران از افزایش قدرت اقتصادی کشور و کاهش فقر حکایت می‌کرد. بنابراین هدف اصلی این دولت افزایش رشد اقتصادی و سازندگی بود که برای تأمین این مهم، هاشمی رفسنجانی کابینه «سازندگی» را تشکیل داد. اعضای این کابینه را تکنوکرات‌هایی تشکیل می‌دادند که با رویکردی کمتر ایدئولوژیک و بیشتر عمل‌گرایانه سعی می‌کردند به شکلی واقع‌گرایانه‌تر، نسبت به دهه گذشته، سیاست داخلی و خارجی و اقتصاد را تعریف کنند. به همین دلیل، تعقیب منافع ملی در سیاست خارجی و رشد اقتصادی در حوزه داخلی در سرلوحه برنامه‌های دولت جدید قرار گرفته بود.

بدین ترتیب، هدف اصلی دولت سازندگی در حوزه اقتصادی این‌چنین عنوان شد که «اگر از نظر اقتصادی قوی باشیم، می‌توانیم [illegible] خود را به گونه‌ای بسازیم که نقطه ضعفی نداشته باشیم و واقعاً مستقل بوده و زنجیره‌های وابستگی را پاره کنیم». این نگرش برخلاف جریان مسلط جهانی نبود. با توجه به فروپاشی شوروی و کاهش تأثیرگذاری نظریات ساختارگرا در حوزه اقتصاد، گرایش به سمت اقتصاد بازار آزاد در سراسر دنیا تقریباً شدت گرفت.

از این‌رو دهه ۱۹۹۰ میلادی را می‌توان دوران احیای دوباره جریان‌های راست در عرصه اقتصادی دانست. بدین ترتیب، در پی اتخاذ سیاست تمرکززدایی دولت معین شده تا همه بنگاه‌های اقتصادی که از آغاز انقلاب توسط شورای انقلاب و دولت‌های متصل به آن ملی (البته عملاً دولتی) اعلام شده بودند، به بخش خصوصی واگذار شوند. از طرفی هم با تأکید بر دولت حداقل، سعی شد تا فعالیت در بسیاری از حوزه‌ها که تا پیش از این زیر نظارت کامل دولت صورت می‌گرفت، به بخش خصوصی واگذار شود. این کاهش حضور دولت در عرصه اقتصادی، که البته بیشتر در عالم نظر بود و نمود بیرونی و عینی کمتری را به خود می‌دید، نشانه‌ای نسبی در جهت تغییر نگاه دولت به رابطه بین ساخت اجتماعی (چیزی که از آن به عنوان مردم همواره یاد شده است) و ساخت سیاسی (دولت) در نظر گرفته شود.

از آغاز شکل‌گیری ساخت جمهوری اسلامی و دهه متصل به جنگ تحمیلی، با توجه به اینکه هنوز مدت زیادی از پیروزی انقلاب اسلامی سپری نشده بود، زیر تأثیر فضای انقلابی و گفتمان حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، در عالم نظر مردم به عنوان بخشی از دولت در نظر گرفته می‌شدند که در عالم عمل به شکل دولتی شدن تمامی امکانات اقتصادی و غیراقتصادی موجود در کشور و سیطرهٔ بی‌چون و چرای ساخت سیاسی و گفتمان خاص آن بر کلیت ساختار اجتماعی و تمامی کنش‌ها و واکنش‌های نیروهای گوناگون اجتماعی ـ سیاسی وانمود شد. بنابراین در این دهه فرصت و مجالی ولو اندک برای حضور و کنش برخی نخبگان و نیروهای اجتماعی ـ سیاسی مستقل از ساخت سیاسی در عرصه‌های متنوع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وجود نداشت؛ اما در دوره سازندگی وضعیت اندکی متفاوت شد و مدیران و برخی نخبگان به شکلی تخصصی‌تر [illegible] کاهش حضور دولت در عرصه اقتصادی و نیز نفوذ در عرصه‌های خصوصی و شبه خصوصی ساخت اجتماعی را برعهده گرفتند.

به همین دلیل است که مدیران و اعضای کابینه اجرایی در این دوره به تکنوکرات شهرت یافتند و بیش از آنکه تعهد انقلابی در انتصاب و به کارگیری آنها مطرح باشد، تخصص و کاردانی آنها در حوزه کاری‌شان مدنظر قرار می‌گرفت که تا پیش از این یا وجود نداشت یا رنگ و بوی بسیار ضعیفی داشت. این نگرش تخصص گرایانه و تقریباً نخبه‌گرایانه متناسب با رویکرد واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه دولت سازندگی، چه به شکل ذهنی و چه به شکل عینی، بود.

سیاست تعدیل اقتصادی و «درهای باز» یا گرایش به میانه‌روی، همان‌طور که در برنامه پنج‌ساله دولت آیت‌الله هاشمی به اجرا درآمد، در جهت تدوین راهبردی بلندمدت برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور موردنظر برنامه‌ریزان بود. این تلاش گرچه تأثیرات فرهنگی خود را در تغییر نسبی، الگوی مصرف و شاید گرایش به «مصرف‌گرایی» باقی می‌گذارد، توانست به تجهیز زیرساخت‌های اقتصادی کشور کمک کند. این کنش سیاسی و اقتصادی گفتمان دولت وقت در مسیر ایجاد زمینه برای فعالیت و ادامه حیات اقتصادی ساخت اجتماعی و تمامی نیروهای اجتماعی ـ سیاسی مستقر در آن، چه توده‌ها و چه نخبگان گوناگون، نهفته بود. بدین‌ترتیب در گفتمان دولت سازندگی اکثر اهداف نظام جمهوری اسلامی به نوعی با اهداف اقتصادی دولت و توسعه اقتصادی کشور در هم تنیده و بازتعریف می‌شدند. در این گفتمان عمل‌گرایانه مبارزه با فقر و بیکاری در سایه افزایش ثروت و رفاه و توسعه اقتصادی در ادبیات فارسی دولتمردان وقت در نظر گرفته می‌شد.

با وجود تمام تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، دولت و گفتمان اقتصادی و عمل‌گرایانه و تکنوکراتیک حاکم بر آن در کنش‌های خود دچار نقص و نارسایی شده و زمینه‌های بروز نارضایتی در ساخت اجتماعی و نیروهای حاضر در این ساخت چه نخبگان و چه توده‌ها ـ را فراهم کرد. این امر با افزایش تورم شکل حادتری به خود گرفت؛ به گونه‌ای که خطر بروز نارضایتی نیز افزایش یافت و نیروهای نظامی و انتظامی در برخی شهرهای مهم جهت جلوگیری از بروز نارضایتی‌ها و تبعات ناشی از آن به شکل آماده‌باش علنی درآمدند. این نارضایتی‌ها از یک‌سو به دلیل برخی مشکلات اقتصادی بروز کرده نظیر افزایش تورم، از طرف دیگر ناشی از نادیده انگاشتن و غفلت از دیگر ابعاد توسعه اجتماعی و سیاسی بود.

این غفلت با تأکید زیادی که بر روی توسعه اقتصادی و تعدیل اقتصادی و نیز «سیاست درهای باز» می‌شد، سبب دور شدن نخبگان و نیروهای اجتماعی ـ سیاسی مهم ساخت اجتماعی از بدنه دولت و بیگانگی هرچه بیشتر آنان، علاوه بر توده‌ها، با سیاست‌های دولت سازندگی و گفتمان غالب آن می‌شد.

یکی از منابع مناسب و درخور توجه برای بررسی و نشان دادن برخی مشکلات بروز کرده بر اثر اعمال سیاست‌های خاص گفتمان سازندگی، در متن مطبوعات آن دوره قابل تشخیص است. به همین منظور و برای تشخیص بهتر گفتمان حاکم بر دوره هشت سالهٔ سازندگی می‌توانیم برخی از مقالات و یا مصاحبه‌های طرح شده در روزنامه‌های آن دوره را بررسی و ارزیابی کنیم برای این منظور به دو سرمقاله از روزنامه ابرار در سال ۱۳۷۱ با عناوین «رسانه‌ها و رضایت افکار عمومی» و «دوری از ظاهرسازی» رجوع کرده‌ایم. در این دو متن، واژگان مهم و متمایز هر دو شامل جلب رضایت مردم و کاهش نارضایتی‌های عمومی است. هرچند وجود لایه‌های همدلی، خدمتگزاری و صمیمیت مفروض انگاشته شده و کوشش‌های صورت گرفته در مسیر ایجاد آبادانی، ترقی رفاه مورد تأکید قرار گرفته است، ولی نویسندگان این متون معتقدند که سطوح محدود نارضایتی موجود ناشی از عدم اطلاع‌رسانی صحیح و نبود عنصر گفت و شنود میان مسئولان و مردم است که در صورت دوری از ظاهرسازی و توجیه دلایل کمبودها و مشکلات اقتصادی می‌توان به تفاهم ملی و افزایش تحمل مردم در برابر دشواری‌ها رسید.

> **دولت سازندگی با عزمی جدی برای بازسازی و جبران لطمات و صدمات ناشی از جنگ تحمیلی شروع شد و اولویت نخست، بازسازی زیربناهای مختلف اقتصادی و عمرانی کشور بود. دلیل اصلی و مرکزی گفتمان توسعه در این دوره را می‌توان در مفهوم «توسعه اقتصادی و سازندگی» یافت**

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که نقد سیاسی و اجتماعی مطرح شده در سرمقاله‌های مذکور وارد چالش جدی و مبنایی در عرصه‌های همچون مشروعیت، آزادی، رقابت دمکراتیک و مشارکت سیاسی نمی‌شود. به بیان دیگر، ابعاد توسعه به سازندگی، رفاه اقتصادی و معیشت مردم محدود شده و عاملیت و فاعلیت دولت در تدارک و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی(توسعه اقتصادی دولت‌مدار) پیشاپیش پذیرفته شده است. یعنی مشکل، تنها در عدم اطلاع‌رسانی و تعامل مسئولان با مردم یا در بعضی موارد در توطئه دشمنان و در نهایت عدم صفا و صمیمیت کافی در رفتار با مردم در نظر گرفته می‌شود.

از این دیدگاه، که به نظر می‌رسد حامی گفتمان حاکم بر دولت نیز باشد، برخی واقعیت‌های اجتماعی به اندازه کافی مثبت و قابل اتکا هستند. اقدامات و فعالیت‌های توسعه‌ای دولت (نوسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی) در سطح نسبتاً مطلوب قرار دارد و شکاف و کاست عمده‌ی موجود در عدم ارائه درست و صادقانه‌ی آنها به مردم است.

ادامه دارد

چمران از نگاهی دیگر

غاده جابر (همسر شهید دکتر چمران) — بخش سوم و پایانی

مؤسسه جایی در بلندی و مشرف به شهر [illegible] کنار پنجره به دیوار تکیه داده و بیرون را تماشا می‌کند. غروب آفتاب بود، خورشید در حال فرورفتن توی دریا، آسمان قرمزی گرفته و نور آفتاب روی موج دریا بازی می‌کرد، خیلی منظره زیبایی بود. دیدم مصطفی به این منظره نگاه می‌کرد و گریه می‌کرد، خیلی گریه می‌کرد، نه فقط اشک، صدای آهسته گریه‌اش را هم می‌شنیدم. من فکر کردم او بعد از اینکه با بچه‌ها با آن حال صحبت کرد و آمد، واقعاً می‌دید ما نزدیک مرگ هستیم و دارد گریه می‌کند!

گفتم: «مصطفی چی شده؟» او انگار محو این زیبایی بود، به من گفت: «نگاه کن چه زیباست!» و شروع کرد به شرح، و جملاتی که استفاده می‌کرد به زیبایی خود این منظره بود. من خیلی عصبانی شدم، گفتم: «آن طرف شهر را نگاه کن. تو چه می‌گویی؟ مردم بدبخت شهرشان را ول کرده‌اند، عده‌ای در پناهگاه‌ها نشسته‌اند و شما همه اینها را زیبا می‌بینید؟ چرا آن طرف شهر را نگاه نمی‌کنید؟ خودتان را به چی مشغول می‌کنید؟ وقتی که مردم همه چیزشان را از دست داده‌اند و خیلی خون ریخته، شما به من می‌گوئید نگاه کنید چه زیباست!؟» حتی وقتی توپ‌ها می‌آمد و در آسمان منفجر می‌شد، می‌گفت: «ببین چه زیباست!» این همه که گفتم مصطفی خندید و با همان سکینه، همانطور که تکیه داده بود، گفت: «این طور که شما جلال می‌بینید، سعی کن در عین جلال، جمال ببینی. اینها که می‌بینید شهید داده‌اند، زندگی‌شان از بین رفته، دارید از زاویه جلال نگاه می‌کنید. این همه اتفاقات که افتاده، عین رحمت خدا برای آنهاست که قلبشان متوجه خدا بشود. بعضی از دردها کثیف است، ولی دردهایی که برای خداست خیلی زیباست.»

برای من این عجیب بود که مصطفی که در وسط بمباران خم به ابرویش نمی‌آورد، در مقابل این زیبایی که از خدا می‌دید، اشکش سرازیر می‌شد. در وسط مرگ متوجه قدرت خدا و زیبایی غروب بود. و اصلاً از مرگ ترسی نداشت. در نوشته‌هایش هست که: «من به فرشته مرگ حمله می‌کنم تا اورا در آغوش بگیرم و او از من فرار می‌کند. بالاترین لذت، لذت مرگ و قربانی شدن برای خداست.» هیچ وقت نشد با محافظ جایی برود. می‌گفتم: «خب حالا که محافظ نمی‌برید، من می‌آیم و محافظ شما می‌شوم. کلاشینکف را آماده می‌گذارم، اگر کسی خواست به تو حمله کند تیراندازی می‌کنم.» می‌گفت: «نه! محافظ من خداست. نه من، نه شما، نه هزار محافظ اگر تقدیر خدا تعلق بگیرد بر چیزی، نمی‌توانید آن را تغییر دهید.» در لبنان این طور بود و وقتی به ایران اهواز و کردستان آمدیم هم.

روح بزرگ در ایران

انقلاب که پیروز شد، همه ما خوشحال شدیم و جشن گرفتیم؛ ولی هیچ وقت فکر اینکه مصطفی برگردد ایران، نبودم. تا یک روز که مصطفی گفت: ما داریم می‌رویم ایران. با بعضی شخصیت‌های لبنانی بودند. پرسیدم: برمی‌گردید؟ گفت: نمی‌دانم! مصطفی رفت، آنها برگشتند و مصطفی برنگشت. نامه فرستاد که: «امام از من خواسته‌اند که بمانم و من می‌مانم. در ایران ممکن است بیشتر بتوانم به مردم کمک کنم تا لبنان.» تصمیم گرفتیم که مصطفی در ایران بماند و من هم تا مدرسه تعطیل بشود، در لبنان بمانم و کارهای مصطفی را ادامه بدهم. می‌گفت: نمی‌خواهم بچه‌ها فکر کنند من و شما رفته‌ایم ایران و آنها را ول کرده‌ایم. در طول این مدت، من تقریباً هر یک ماه به ایران برمی‌گشتم و ارتباط تلفنی با مصطفی داشتم...

تا اینکه جنگ کردستان شروع شد. آن موقع من لبنان بودم و وقتی توانستم در اولین فرصت خودم را به ایران برسانم، دیدم مثل همیشه مصطفی در فرودگاه منتظرم نیست. برادرش آمده بود و گفت دکتر مسافرت است. آن شب تلویزیون که تماشا می‌کردم، دیدم اسم پاوه و چمران زیاد می‌آمد. فارسی بلد نبودم. فقط چند کلمه و متوجه نمی‌شدم، دیگران هم نمی‌گفتند. احساس می‌کردم مسئله‌ای هست ولی کسانی که دورم بودند می‌گفتند: «چیزی نیست، مصطفی برمی‌گردد.» هیچ کس به حرف من گوش نمی‌کرد. مثل دیوانه‌ها بودم و دلم پر از آشوب بود. روز بعد رفتم دفتر نخست‌وزیری پیش مهندس بازرگان. آنجا فهمیدم خبری است، پیام امام داده شده بود و مردم تظاهرات کرده بودند. پاوه محاصره بود. به مهندس بازرگان گفتم: «من می‌خواهم بروم پیش مصطفی. به دیگران هر چه می‌گویم گوش نمی‌دهند. نمی‌گذارند من بروم.» فردای آن روز بازرگان او را خواست و با لبخند گفت: «مصطفی خودش کسی را فرستاده دنبالتان. گفته غاده بیاید.»

پاوه

وقتی رسیدم پاوه، آنجا از محاصره در آمده و آزاد شده بود. مصطفی هم نبود. او را روز بعد دیدم. وقتی آمد، همان لباس جنگی تنش بود و خاک آلود، یاد لبنان افتادم. من فکر می‌کردم کلاشینکف و لباس جنگی مصطفی در ایران دیگر تمام شد، ولی دیدم همان طور است، لبنانی دیگر. مصطفی به من گفت: «می‌خواهم در کردستان بمانم تا مسئله را ختم کنم و دنبالتان فرستادم؛ چون در تهران خانه نداریم و شما اینجا نزدیک من باشید، بهتر است.» از من خواست مراقب باشم و جریان را بنویسم مخصوصاً برای روزنامه‌های کشورهای عرب. مصطفی می‌گفت و من می‌نوشتم. نزدیک یک ماه در کردستان با او بودم، از پاوه به سقز، از سقز به میاندوآب، نوسود، مریوان و سردشت. مصطفی بیشتر اوقات در عملیات بود و من بیشتر اوقات، تنها. زبان که بلد نبودم. قدم می‌زدم تا بیاید. گاهی با خلبانان صحبت می‌کردم، چون انگلیسی بلد بودند.

در نوسود که بودیم، من بیشتر یاد لبنان می‌افتادم، یاد خاطراتم، طبیعت زیبایی دارد نوسود، و کوههایش بخصوص من را یاد لبنان می‌انداخت. من و مصطفی در این طبیعت قدم می‌زدیم و مصطفی برای من درباره این جریان صحبت می‌کرد که خودمختاری می‌خواهند، پرسیدم: «چرا خودمختاری نمی‌دهید؟» مصطفی عصبانی شد و گفت: «عصر ما عصر قومیت نیست. حتی اگر فارس بخواهد برای خودش کشوری درست کند، من ضد آنها خواهم بود. در اسلام فرقی بین عرب و عجم و بلوچ و کرد نیست. مهم این است، این کشور پرچم اسلام داشته باشد.» البته ما بیشتر روزهای کردستان را در مریوان بودیم. آنجا هم هیچ چیز نبود. من حتی جایی که بتوانم بخوابم، نداشتم. همه‌اش ارتش بود و پادگان نظامی و تعدادی خانه‌های نیمه‌ساز که بیشتر اتاقک بود تا خانه. در این اتاقها روی خاک می‌خوابیدیم، خیلی وقت‌ها گرسنه می‌ماندم و غذا هم اگر بود، هندوانه و پنیر. خیلی سختی کشیدم. یک روز بعداز ظهر تنها بودم، روی خاک نشسته بودم و اشک می‌ریختم.

مصطفی یکدفعه سر رسید، دوزانو نشست شروع کرد به عذرخواهی. گفت: «من می‌دانم زندگی تو نباید اینطور باشد. تو فکر نمی‌کردی به این روز بیفتی. اگر خواستی، می‌توانی برگردی تهران؛ ولی من نمی‌توانم، این راه من است، خطری برای خود انقلاب است. امام دستور داده که کردستان پاکسازی شود و من تا آخر با همه وجودم می‌ایستم... اگر خواستید بمانید، به خاطر خدا بمانید، نه به خاطر من.»

به هرحال، تصمیم گرفتم بمانم تا آخر و برنگردم. البته به سردشت که رفتیم، من به اکیپ بیمارستان ملحق شدم. نمی‌توانستم بیکار بمانم. در کردستان سختی‌ها زیاد بود. همان ایام آقای طالقانی از دنیا رفتند و برگشتیم تهران. در تهران برایم خیلی سخت بود و من برای اولین بار مصطفی را آنطور دیدم، با نگرانی شدید. منافقین خیلی حمله می‌کردند به او. عکسی از مصطفی کشیده بودند که در عینکش تانک بود و شلیک می‌کرد، خیلی عکس وحشتناکی بود. من خودم شاهد بودم این مرد چقدر با خلوص کار می‌کرد، چقدر خسته می‌شد، گرسنگی می‌کشید، اما روزنامه‌ها اینطور جنجال به پا کرده بودند. در ذهن من هیچ کس درک نمی‌کرد مصطفی چه کارهایی انجام می‌دهد. از آن روز از سیاست متنفر شدم. به مصطفی گفتم: «باید ایران را ترک کنیم. بیا برگردیم لبنان»؛ ولی مصطفی ماند. به من می‌گفت: «فکر نکن من آمده‌ام و پست گرفته‌ام، زندگی آرام خواهد بود. تا حق و باطل هست و مادام که سکوت نمی‌کنی، جنگ هم هست.»

بالاخره پاوه آزاد شد و من به لبنان برگشتم. همین قدر که گاهگاهی بروم و برگردم، راضی بودم و مصطفی دقیق کارهایی را که باید انجام می‌دادم، می‌گفت. سفارش یک یک بچه‌های مدرسه را می‌کرد و می‌خواست که از دانه دانه خانواده شهدا تفقد کنم. برایشان نامه می‌نوشت. می‌گفت: بهشان بگو به یادشان هستم و دوستشان دارم. مدام می‌گفت: اصدقائنا، دوستانم، نمی‌خواهم دوستانم فکر کنند آمده‌ام ایران، وزیر شده‌ام، آنها را فراموش کرده‌ام. یک بار که در لبنان بودم شنیدم که عراق به ایران حمله کرده خیلی ناراحت شدم. جنگ کردستان که تمام شد خیلی خوشحال شدم. امید برایم بود که کردستان الحمدلله تمام شد.

جنگ تحمیلی

فکر می‌کردم آن اشکهای من در تنهایی در کردستان نتیجه داده. من آنجا واقعا با همه وجودم دعا می‌کردم که دیگر جنگ تمام شود. دیگر خسته شده‌ام. دلم برای مصطفی هم می‌سوخت. نمی‌توانستم از او دور بشوم و با این حال حق من بود که زندگی با آرامش داشته باشم. فکر می‌کردم خدا دعایم را اجابت خواهد کرد و در لبنان و ایران جنگ تمام خواهد شد. خبر حمله عراق برایم یک ضربه بود می‌دانستم اولین کسی که خودش را برساند آنجا، مصطفی است. فرودگاه بسته شده بود و من خیلی دست و پا می‌زدم که هرچه سریعتر خودم را برسانم به ایران. بالاخره از طریق هواپیمای نظامی وارد ایران شدم. در تهران گفتند که مصطفی اهواز است و من همراه عده‌ای با یک هواپیمای ۱۳۰c راهی اهواز شدیم.

وقتی رسیدم، مصطفی نبود و نمی‌دانستم اصلاً زنده است یا نه. سخت‌ترین روزها، روزهای اول جنگ بود. بچه‌های خیلی کم بودند، شاید پانزده یا هفده نفر. در اهواز اول در دانشگاه جندی‌شاپور، که الان شده است شهیدچمران، بودیم. بعد که بمباران‌ها سخت شد به استانداری منتقل شدیم. خیلی بچه‌های پاکی بودند که بیشترشان شهید شدند. وقتی ما از دانشگاه به استانداری منتقل شدیم، مصطفی در «نورد» اهواز بود در حال جنگ. یادم است دو روز مصطفی را گم کردم. خیلی سخت بود این روزها، هیچ خبری از او نداشتم، از هم پراکنده بودیم.

تا روزی که ایشان زخمی شد. آن روز عسگری، یکی از بچه‌هایی که در محاصره سوسنگرد با مصطفی بود، آمد و گفت: اکبر شهید شد، دکتر زخمی. من دیوانه شدم، گفتم: کجا؟ گفت: بیمارستان. باورم نشد. فکر کردم دیگر تمام شد. وقتی رفتم بیمارستان، دیدم آقای خامنه‌ای آنجا هستند و مصطفی را از اتاق عمل می‌آورند، می‌خندید. خوشحال شدم. خودم را آماده کردم که منتقل می‌شویم تهران و تا مدتی راحت می‌شویم. شب به مصطفی گفتم: می‌رویم؟ خندید و گفت: نمی‌روم. من اگر بروم تهران، روحیه بچه‌ها ضعیف می‌شود.

اگر نتوانم در خط بجنگم، لااقل اینجا باشم، در سختی‌هایشان شریک باشم. من خیلی عصبانی شدم. باورم نمی‌شد. گفتم: «هر کس زخمی می‌شود، می‌رود که رسیدگی بیشتری بشود. اگر می‌خواهید مثل دیگران باشید، لااقل در این مسئله مثل دیگران باشید.» ولی مصطفی به شدت قبول نمی‌کرد. می‌گفت: هنوز کار از دستم می‌آید. نمی‌توانم بچه‌ها را ول کنم و در تهران کاری ندارم...

***متن کامل این نوشتار در سایت مؤسسه امام موسی صدر قابل پیگیری است**

سیری در دعای ابوحمزه ثمالی

بر در حق کوفتن حلقه‌ی وجود

استاد کریم زمانی — بخش چهارم

سرورا، بر توست تکیه و اعتماد و امید و توکلم، و به ریسمان مهر و رحمت تو درآویخته‌ام. هر که را خواهی به رحمتت رسانی، و هر که را دوست داری، به کرامت خویش ره بنمایی. پس ستایش توراست، زان‌رو که دلم از آلایش شرک زدوده‌ای، و ستایش توراست زان‌رو که زبانم به ستایشت گشوده‌ای. آیا با این زبان بسته سپاست گویم یا با سختکوشی در کارم خشنودت سازم؟ پروردگارا، زبانم در برابر سپاست به چه ارزد؟ و کردارم در برابر نعمت و احسانت به چه آید؟

معبودا، بخشندگی تو آرزویم گسترد و سپاسگزاری‌ات، کردارم پذیرفت. سرورا، به تو گرایم و از تو هراسم، و به درگاه تو آرزومندم؛ و آرزویم مرا به سوی تو کشانده؛ و ای یگانه‌ام، همتم معتکف درگاه تو شد و رغبتم بدانچه نزد توست، پر و بال گشوده و گوهر امید و هراسم از آن توست، و به تو انس دارد مهرم، و دست نیاز به سوی تو گشودم و ترسم را به ریسمان طاعت تو بسته‌ام سرورا.

ای نهایت آرمانم

دلم به یاد تو زید و به نیایشت درد هراسم آرامد. اینک سرورا و امیدا، و ای نهایت آرمانم، میان من و گناهی که مانع همرهی طاعت توست، جدایی فکن. همانا از تو خواهم از آنکه دیرگاهی است به تو امید بسته‌ام، و بزرگ طمعی به تو دارم که تو بر خود مهر و عطوفت واجب کرده‌ای. امر و فرمان توراست، تویی تنهای بی‌شریک، و جملهٔ آفریدگان روزی‌خوارانند و در قبضه قدرت تو؛ و هر چیز در برابر تو خوار و خاکسار است، مبارکی تو پروردگار جهانیان.

معبودا، آنگاه که حجتم گسلد و زبانم از پا سخت بازایستد و خردم به هنگام پرسشت پریشان شود، بر من رحم آور. پس ای بزرگ امیدم، آنگاه که بینوایی‌ام شدت گیرد، نومیدم مساز و مرا به نادانی‌ام از درگاهت مران و به بیتابی‌ام از زحمتت بازم مدار؛ به من بخش به خاطر فقرم و بر من رحم آور به خاطر ناتوانی‌ام.

سرورا، بر توست اعتماد و تکیه و امید و توکلم، و به ریسمان مهر و رحمت تو درآویخته‌ام و به آستان تو بار فرو نهاده‌ام، و به بخشش تو نیاز آورده‌ام؛ و به بزرگواری‌ات پروردگارا، دعایم آغاز کنم و برای فقر و فاقه‌ام به تو امید بسته‌ام، و تنگدستی‌ام به توانگری‌ات جبران کنم، و زیر سایه عفوت ایستم و به سوی بخشندگی و کرمت چشم فراز دوزم، و به احسانت پیوسته نگرم. پس مرا به آتش مسوزان که تویی جایگاه امیدم و در دوزخ جایم مده که تویی روشنی چشم من. سرورا، گمانی که به کرم و احسانت دارم ناراست مگردان که همانا تویی مایه اعتمادم، و از پاداشت محروم مساز که تویی آگاه به فقرم.

معبودا، چون مرگم دررسد و هنوز کردارم مرا به تو نزدیک نساخته اعتراف به گناهم را وسیله عذرهایم به درگاه تو گردانم.

در پیشگاه حق

معبودا، اگر درگذری کیست که از تو به گذشت سزاوارتر باشد؟ و اگر کیفر دهی، کیست که در داوری از تو دادگرتر باشد؟ رحم کن در این دنیا به غربتم، و به گاه مرگ به اندوهم، و در گور به تنهایی‌ام، و در لحد به بی‌کسی‌ام، و چون برای حسابرسی در پیشگاهت برخیزم به خواری جایگاهم. و بیامرز هر آن کرداری که از من سر زده و بر آدمیان پنهان مانده است، و ادامه ده آنچه بر من پوشاندی، و رحم آور آنگاه که در بستر بیماری افتاده‌ام و دوستانم مرا این رو و آن رو گردانند؛ و بر من بخشای چون بر سنگ غسالخانه درازم کنند و همسایگان نکوکارم مرا گردانند؛ و بر من مهر آور آنگاه که خویشانم اطراف جنازه‌ام گیرند؛ و بر من ببخش آنگاه که مرا بر دوش کشند و [سرانجام] تک و تنها در گورم به نزد تو وارد شوم؛ و رحم آور بر بیگانگی‌ام در این سرای نو تا آنکه جز به تو انس نگیرم.

سرورا، اگر مرا به خودم وانهی، هلاک شوم. سرورا، اگر از لغزشم درگذری، از که داد خواهم؟ پس اگر عنایت تو در آرامگاهم نیابم، به که نالم؟ و اگر اندوهم نزدایی، به که پناه آرم؟ سرورا، اگر تو رحمم نیاوری، که را دارم؟ و که بر من رحم آرد؟ و اگر به فضل تو به هنگام نداری‌ام دست نیابم، فضل که آرزو کنم؟ و چون مرگم دررسد، از گناه خود به که گریزم؟ سرورا، به کیفرت دچارم مکن که به تو امیدوارم.

معبودا، امیدم برآور و هراسم به آرامش بگردان؛ زیرا که فزونی گناهم امیدم بریده جز از عفو و گذشت تو.

سرورا، از درگاه تو چیزی خواهم که سزاوار آن نی‌ام؛ ولی تو خود سزاوار تقوا و آمرزشی. بر من آمرزش آر و از لطفت جامه‌ای بر من پوشان که زشتی‌هایم پوشاند؛ چنان که یکسره همه آنها آمرزی و دیگر بدانها مؤاخذه نشوم، که تویی دارندهٔ بخشش دیرین و چشمپوشی بزرگ و گذشت بزرگوارانه.

ای پروردگار جهانیان

معبودا، تویی آن که عطای خویش دهی بر آن که خواهشت نکرده و حتی آن را بر منکران مقام پروردگاری‌ات نیز فرو باری؛ چه رسد به آن کس که از تو خواهش کرده و یقین دارد که آفرینش از آن تو و فرمان به دست توست ای سرورم. مبارک و برتری، ای پروردگار جهانیان.

سرورا، نیاز سخت، بنده‌ات را به درگاهت آورده و در پیشگاهت به پا داشته است؛ با دعایش در احسانت کوبد. پس روی بزرگوارت از من مگردان و آنچه گویم از من پذیر؛ زیرا من تو را بدین دعا خوانده‌ام و امیدوارم آن سان که مهربانی و رحمتت را شناخته‌ام مرا از درگاهت مرانی.

معبودا، تویی که طلب کننده‌ات تو را تنگدست نگرداند و رسیده به نعمت‌هایت چیزی از تو نکاهد؛ چنانی که خود گویی و برتری از آنچه ما گوییم.

خداوندا، از تو صبری جمیل و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و پاداشی بزرگ خواهم. پروردگارا، از تو همهٔ خوبی‌ها را خواهانم، آنچه شناسم و آنچه نشناسم. از تو خواهم ای خدا، بهترین چیزی که بندگان شایسته‌ات خواهند. ای بهترین درخواست‌شدگان و ای بخشنده‌ترین بخشندگان، خواسته‌ام را در مورد خودم و همسر و پدر و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دینی‌ام برآور؛ و زندگی‌ام به کام گردان و جوانمردی‌ام آشکار. و همهٔ احوالم بسامان آور و مرا در شمار کسانی قرار ده که عمرشان دراز و کردارشان نکو گردانیدی، و نعمت خود بر آنان تمام کردی و از آنان خشنود گشتی و حیاتی پاک به آنان بخشیدی، در پایدارترین خوشی و فراخ‌ترین کرامت و کاملترین زندگانی. که همانا کنی هر چه خواهی و نکنی هر چه خواهد دیگری.

ذکر مخصوص

خداوندا، به ذکر مخصوصت، خاصم گردان و چنانم مگردان که هر چه در لحظات روزان و شبان، وسیلهٔ تقرب به درگاهت قرار دهم آن را به خودنمایی و شهرت‌طلبی و سرکشی و ناسپاسی آلایم، و مرا در شمار فروتنان درگاهت قرار ده.

خداوندا، عطایم کن فراوانی روزی و امنیت در وطن و روشنی چشم در خانواده و دارایی و فرزند و پایداری در نعمت‌هایی که به من دادی و تندرستی در جسم و نیرومندی در بدن و سلامت در دین. و تا زنده‌ام، مرا بر طاعت خود و رسولت محمد ـ درود خدا بر او و خاندانش باد ـ قرار ده، و مرا از برخوردارترین بندگانت گردان در هر خیری که فرو فرستادی و در ماه رمضان به شب قدر فروفرستی، و رحمتی که در هر سال فروفرستی و پراکنده کنی؛ و عافیتی که پوشانی و بلایی که گردانی و نکویی‌هایی که پذیری و بدیهایی که درگذری؛ و روزی‌ام گردان زیارت خانهٔ محترمت را در این سال و هر سال؛ و روزی‌ام کن رزقی فراوان از فضل گسترده‌ات.

سرورا، بدی و گزند از من بگردان و قرض و مظلمه‌ام ادا فرما تا از آن آزرده نشوم؛ و چشم و گوش دشمنان و حسودان و ستمکاران را بر من فرو بند و مرا بر آنان یاری ده، و چشمانم روشن و دلم شادمان گردان و اندوه و گرفتاری‌ام گشای و گریزگاهی برایم قرار ده؛ و هر یک از آفریدگانت بدِ من خواهد زیر پایم نه [خوارش گردان و مقهور من کن.] و از شرّ شیطان و شرّ سلطان و زشتی کردارم رهایی‌ام ده. و از همهٔ گناهان پاکم ساز و با عفوت از آتش پناهم ده، و با مِهرت به بهشت اَندرم ساز، و به فضلت حوریان بهشتی را به همسری‌ام درآر، و مرا برسان به دوستان شایسته‌ات، محمد و خاندان نیک او که پاک و پاکیزه و برگزیدگانند. درودهای تو بر آنان و جسم و جانشان باد و رحمت خدا و برکات او.

اگر به دوزخم بری...

معبودا و سرورا، سوگند به عزّت و شکوهت که اگر مرا به گناهانم گیری، تو را به گذشت طلبم، و اگر به خواری‌ام نکوهی، تو را به بزرگواری‌ات جویم، و اگر به دوزخم بری، دوزخیان را به محبتی که به تو دارم آگاهانم. معبودا و سرورا، اگر تنها بر دوستان و مطیعانت آمرزش آری پس گنهکاران، نزد که نالند و اگر تنها به وفادارانت بزرگواری کنی، پس بدکاران از که یاری جویند؟

معبودا، اگر به آتشم درآری، دشمنت شادمان شود و اگر به بهشتم اَندرسازی پیامبرت شادمان گردد؛ سوگند به خدا نیک دانم که شادمانی پیامبرت نزد تو محبوب‌تر از شادمانی دشمن توست.

ادامه دارد

نقشی که زنان در مشارکت اقتصادی دارند

بازار کار همچنان سهم زنان را نادیده می گیرد

آنچه در پی آمده است نگاهی دارد به روند مشارکت اقتصادی زنان در کشور و چالش های موجود در این زمینه که بخش اول آن را پریروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی را می خوانید:

***

کمبود فرصت های شغلی به دلیل زن بودن، محدودیت در انتخاب شغل، بالا بودن نرخ بیکاری، انعقاد قراردادهای موقت، داشتن حداقل دستمزد قانونی، عدم امکان ارتقای شغلی، تجربه فقیر بودن در دوران بازنشستگی به دلیل دستمزدهای کم و عدم ارتقاء، پایین بودن میزان امنیت شغلی، برخوردار نبودن از بیمه بیکاری به دلیل نوع قراردادها، ترجیح دادن زنان کارگر مجرد بر متاهل، فقدان حمایت قانونی و اجتماعی از زنان شاغل در کارگاه های کوچک، گرفتن چک و برگه تسویه سفید امضا برای تضییع حقوق زنان از سوی کارفرمایان و ناکافی بودن بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در احقاق حقوق زنان کارگر از جمله این چالش ها است.

بنابراین برای بهبود شرایط کار و زندگی زنانی که بدون قرارداد کار می کنند یا قراردادهایشان موقتی بسته می شود که بیشتر شبیه به بیکار شدن‌های مکرر و بدون حمایت‌های اجتماعی و قانونی است؛ علاوه بر اصلاح سیاست ممنوعیت عقد قراردادهای موقت برای کار های مستمر (دستورالعمل شماره ۴۰ وزارت کار) و اعلام پایان دوره معافیت بنگاه های اقتصادی کوچک به طور یقین نیازمند نظارت بیشتر و جدی تر کارشناسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حمایت از حقوق زنان کارگر است.

سیاست پیشنهادی مشخص این گزارش علاوه بر اصلاح و اجرای موارد فوق، به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی و ماده ۳ قانون ساختار نظام جامع و رفاه اجتماعی «ایجاد صندوق بیمه برای زنان غیر مزد و حقوق بگیر» است و این پیشنهاد نه تنها تناقضی با بیمه های چند لایه ندارد، بلکه می تواند به عنوان مکمل آن عمل کند.

با ایجاد این صندوق همه «زنان غیرمزد و حقوق بگیر» با نرخ های منصفانه تر شامل زنان کارگری که به هر دلیل ناموجهی تحت پوشش بیمه نیستند، زنان کارکن مستقل و زنان کارکن فامیلی و زنانی که در خانه کار می کنند می توانند بهره‌مند شوند.

با ایجاد این صندوق، سایرخدماتی که توسط نهادها، سازمان ها یا صندوق های بیمه ای مانند صندوق کشاورزان، روستائیان و عشایر، بیمه حرف و مشاغل آزاد و بیمه های خاص برای بافندگان با تدوین آیین نامه و با صرفه‌جویی ممکن در این صندق ادغام می شوند.

براساس آخرین رقم اعلام شده توسط وزیر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ازکل جمعیت شاغل کشور(۲۲ میلیون نفر) ۱۵ میلیون نفر دارای دفترچه بیمه هستند ، بدین ترتیب ۷ میلیون نفر کارگر در بازار کار غیررسمی فعالیت می کنند که تحت پوشش حمایت های قانونی نیستند.

گرچه صرف داشتن دفترچه بیمه تمامی ویژگی های کار شایسته را تامین نمی کند، اما به هرحال مشارکت ۷ میلیون نفر در بازار کار غیررسمی نشان دهنده ضرورت سیاست گذاری های مناسب است، از این گروه ۷ میلیونی بر اساس برآوردهای انجام شده ۲۵ درصد (حدود ۱/۵ میلیون نفر) را زنان تشکیل می دهند.در میان کل زنان شاغل، این سهم به معنای اشتغال ۵۰ درصد از زنان شاغل کنونی در بخش غیررسمی و بدون حمایت‌های اجتماعی و قانونی است.

مطالعات متعدد نشان می دهند که «زن بودن» احتمال مشارکت در بازار کار غیر رسمی را بیشتر می کند. این گروه از زنان در بخش های کشاورزی و صنعت عمدتا شاغل هستند و سهم بخش خدمات بر خلاف ظرفیت بالقوه آن ناچیز است.

به نظرمی رسد موانع فرهنگی و اجتماعی، علاوه بر نبود سازو کارهای نهادی، اشتغال زنان (و حتی مردان) را در زیر بخش داد وستد (دستفروشی) که در بسیاری از کشورهای آسیایی سهم عمده ای از شاغلان غیررسمی به آن می پردازند را دشوار کرده است.

گروه عمده و اصلی در میان شاغلان زن بخش غیررسمی درکشور ما، زنانی هستند که به اصطلاح به مشاغل خانگی می‌پردازند، این گروه از زنان شاغل که اغلب درآمارها خانه دار طبقه بندی می شوند را می توان به دو دسته تقسیم کرد ؛ آنهایی که داوطلبانه به دلیل شرایط‌خانوادگی یا هردلیل دیگری به کار درخانه می پردازند و آنهایی که از سر اجبار به دلیل دست نیافتن به شغل در بخش رسمی یا انعطاف ناپذیری ساعات کار در بخش رسمی به عنوان «شاغل در خانه» برای کسب درآمدی اقدام می کنند.

آنهایی که کار در خانه را داوطلبانه انتخاب کرده اند، به طور قطع نیازمند طراحی و اجرای سیاست های متناسب برای دستیابی به حمایت های قانونی و اجتماعی هستند که ایجاد «صندوق بیمه برای زنان غیر مزد و حقوق بگیر» می تواند کمک شایسته ای به امنیت خاطر و تامین حمایت های اجتماعی این گروه کند.

انعطاف پذیری بازار کاربخش خصوصی با ارایه کار پاره وقت می تواند مشکل آن دسته از زنانی را که مایل به حضور در محیط کاری خارج از خانه هستند و در این حال می خواهند تعادلی را بین مسئولیت‌هایشان در خانه و اشتغال برقرار کنند، برطرف کند.

درسال های اخیر دولت برای رفع مشکلات زنانی که درخانه کار می کنند با عنوان «مشاغل خانگی» اقدام کرده و در سال های پایانی دهه ۸۰ برای به تصویب رسانیدن قانون «ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی» اقدام کرده است.

گزارش های ارزیابی عملکرد این قانون درسال۱۳۹۴ نشان می‌دهد که از مجموع کسانی که برای دریافت مجوز و راه اندازی یک فعالیت اقتصادی در خانه اقدام کرده اند (حدود یک میلیون نفر) نیمی غیر فعال هستند که این امر نشان دهنده کاستی های قانونی، حمایتی و اجرایی است، تغییر نحوه پرداخت اعتبارات پیش‌بینی شده ارزان قیمت (از قرض الحسنه به دارای هزینه) سبب شده که متقاضیان انگیزه ای برای درخواست وام نداشته باشند. سه چهارم متقاضیان زن بوده و نوع فعالیت‌های اقتصادی از نوع مستقل و در کار خیاطی و تولید پوشاک بوده است و اکثریت متقاضیان در گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال هستند.

به طورکلی می توان نتایج ارزیابی ها را در یک جمله خلاصه کرد که این قانون به دلیل کاستی‌های جدی بویژه تعداد دست‌اندرکاران (حدود۲۰ دستگاه) نیازمند بازنگری جدی است، اما مهمتر از این بازنگری، تغییر نحوه برخورد دولت با شاغلین بخش غیررسمی است.

وظیفه دولت نه ساماندهی کار زنان در خانه بلکه بستر سازی و فراهم کردن زمینه ها است؛ با وجود دختران تحصیلکرده بیکار، نبود رشته های جدید و مدرن فعالیت اقتصادی درمیان متقاضیان نشان دهنده خلأ اطلاع رسانی و ترویج شیوه های جدید بنگاه‌داری و مدیریت توسط نهادهای دولتی به زنانی است که به هر دلیلی مایل هستند یا مجبور شده اند به کار در خانه بپردازند.

باید اشاره داشت:مراکز کارایابی به عنوان حلقه واسط میان کارفرمایان و نیروی کار زنان ، درگیر مشکلات و کاستی های بازار کار می شوند وبا توجه به زیر ساخت های بازار کار کشور ما ، اقتصاد مبتلا به رکود و کاهش تقاضا برای نیروی کار بویژه زنان جوان با تحصیلات عالی پیشنهاد سیاست‌های اجرایی مشخص برای بهبود عملکرد این مراکز کمی دشوار به نظر می رسد.

مراکز کاریابی غیردولتی، مراکزی هستند که مالکیت و مدیریت آنها متعلق به بخش خصوصی است و مانند بنگاه‌های اقتصادی از فعالیت‌های خود انتظار کسب درآمد و سود دارند. این مراکز خدمات گوناگونی را به جویندگان کار ارایه می دهند که می تواند در حد یک بنگاه مبادله اطلاعات میان متقاضیان (کارفرمایان) و عرضه کنندگان نیروی کار تا موسسه ای برای ارایه مشاوره های شغلی، کمک به آموزش و کسب مهارت‌های مورد نیاز بازار کار، انتخاب شغل مناسب برای جویندگان کار و تمهیداتی برای ایجاد شغل پیش بروند.

مراکز کاریابی کشور ما کمتر به جنبه های تخصصی کار یا یک رشته خاص کاری پرداخته اند یا گروه های خاصی را مد نظر قرار داده اند.

به عنوان مثال فقط تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی یا زنان، بلکه بیشتر به صورت چند منظوره و برای هر نوع کاری و هر جوینده‌ای در پی کاریابی بر آمده اند.

اطلاعات قابل دسترس در باره عملکرد مراکز کاریابی غیر دولتی (حدود ۸۰۰ مرکز در کل کشور) در سال های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ نشان می دهد که این مراکز سهم عمده‌ای از خدمات خود را به مردان جویای کار ارایه کرده اند، در حالی که مردان ۷۰ درصد از مراجعه کنندگان به این مراکز و به گمارده شدگان را تشکیل می دهند، زنان سهم به مراتب کمتری را به خود اختصاص داده اند.

خلاصه ای ازمهمترین شاخص‌های محاسبه شده گویای وضع زنان جوینده کار در مراجعه به این مراکز است؛ چرا که سهم زنان در مجموع جویندگان کار ثبت نام شده حدود ۳۳ درصد، فرصت‌های شغلی اعلام شده برای زنان حدود ۳۲ درصد، سهم زنان به کار گمارده شده از کل به کار گمارده شدگان حدود ۳۰ درصد، نسبت به کار گمارده‌شدگان زن به جویندگان کار حدود ۳۰ تا ۳۲ درصد، نسبت به کار گمارده شدگان زن به فرصت‌های شغلی ۳۷ تا ۴۷ درصد، نسبت به کارگمارده شدگان زن به معرفی‌شدگان ۴۲ تا ۴۳درصد است.بخش‌خصوصی بیشترین فرصت های شغلی را برای زنان فراهم کرده (۹۸ درصد) و زنان جوینده کار بیشترین شانس را در اشتغال در بخش خدمات داشته اند، اکثریت زنان به کار گمارده شده توسط این مراکز، تحصیلاتی در مقاطع متوسطه و دیپلم یا کمتر داشته اند؛ در مقایسه میزان تحصیلات زنان جوینده کارمشخص می شود که ۴۶ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی (لیسانس) بوده اند، اما حدود ۳۷ درصد موفق به دستیابی به شغل شده اند.

همچنین ۷۳ درصد جویندگان کار،زنان بدون مهارت بوده اند و فقط ۲۰ درصد از به کار گمارده‌شدگان دارای مهارت بوده‌اند.گروه‌های سنی و تمرکز زنان جوینده کار در گروه ۲۵ تا ۳۴ ساله است که نشانه جوانی جمعیت جویای کار است. به نظر میرسد مراکز کاریابی درجهت اشتغال زنان با تحصیلات کمتر و بدون مهارت بیشتر فعال بوده و موفقیت بیشتری داشته اند. به طور کلی مراجعه به مراکز کاریابی غیر دولتی برای دستیابی به شغل، سهمی کمی بیش از ۱۵ درصد و مجموع مراکز کاریابی ۲۸ درصد از روش های مختلف جستجوی کار را در میان زنان تشکیل می دهند.

با توجه به پیش بینی افزایش نیروی کار زنان و نرخ بیکاری زنان بویژه در میان تحصیلکردگان دانشگاهی، بازنگری فعالیت های مراکز کاریابی غیر دولتی و کمک به فعالتر شدن آنها ضروری است. در این زمینه با توجه به کسب مجوز فعالیت از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، هدایت این مراکز به سوی کاریابی برای سطوح و رشته‌های تحصیلی خاص و شناسایی مشاغل پاره وقت با تخصص های مورد نیاز کارفرمایان موضوعی حائز اهمیت است.

البته موفقیت سیاست های اجرایی برای بهبود و ارتقاء خدمات مراکز کاریابی در درجه اول منوط به بهبود وضع اقتصادی و بازار کار کشور است و با توجه به پیش بینی‌های مربوط به پنج سال آینده و ظرفیت های بالقوه بخش خصوصی در ایجاد اشتغال، سیاست‌های پیشنهادی این مطالعه از سویی معطوف به الزام کارفرمایان به اعلام فرصت های شغلی و استخدام نیروها ازطریق مراکز کاریابی غیردولتی است و از سوی دیگر ایجاد انگیزه و تشویق کارفرمایان با ارایه تسهیلات ارزان‌قیمت و سریع تر و شرکت در دوره های آموزشی است.

ایجاد مراکز کاریابی دولتی ویژه زنان یا تخصیص برخی از مراکز کاریابی خصوصی به ارایه خدمات به زنان با انگیزه برخورداری ازمعافیت های مالیاتی به مدت معین می تواند به گسترش مراکز کاریابی برای زنان کمک کند. علاوه بر این، تسهیل صدور مجوز برای زنان تحصیلکرده متقاضی راه‌اندازی مراکز کاریابی و مشاوره شغلی می تواند خود به ایجاد اشتغال بیانجامد. براساس آمارها ۴۰ میلیون از جمعیت حدود ۸۰ میلیون نفری کشور زنان هستند.

***با توجه به پیش بینی افزایش نیروی کار و نرخ بیکاری زنان بویژه در میان تحصیلکردگان دانشگاهی، بازنگری فعالیت های مراکز کاریابی غیر دولتی و کمک به فعالتر شدن آنها ضروری است. در این زمینه با توجه به کسب مجوز فعالیت از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، هدایت این مراکز به سوی کاریابی برای سطوح و رشته‌های تحصیلی خاص و شناسایی مشاغل پاره وقت با تخصص های مورد نیاز کارفرمایان موضوعی حائز اهمیت است**

***گروه عمده در میان شاغلان زن بخش غیررسمی، افرادی هستند که به اصطلاح به مشاغل خانگی می‌پردازند، این گروه از زنان شاغل که اغلب در آمارها خانه دار طبقه‌بندی می شوند یا آنهایی هستند که داوطلبانه به کار درخانه می پردازند یا آنهایی هستند که به دلیل دست نیافتن به شغل در بخش رسمی یا انعطاف ناپذیری ساعات کار به عنوان شاغل در خانه برای کسب درآمد اقدام می کنند**

بازار مسکن در گیرودار رکود و نقدینگی

ادامه رکود طرف عرضه می تواند در میان مدت باعث افزایش قیمت مسکن شود.

به گزارش ایسنا، با وجود مازاد عرضه ۳/۶ میلیونی و وجود ۱/۷ میلیون مسکن خالی در کشور شاید کند شدن ساخت و ساز که هم اکنون شاهد آن هستیم تاثیر چندانی بر جهش قیمت مسکن ایجاد نکند،اما قطعا ادامه رکود طرف عرضه در میان مدت می تواند باعث افزایش ملایم قیمت مسکن شود.

هم اکنون مسکن ایران با چالش هایی همچون عدم توسعه صنعت ساختمان، طولانی بودن دوره ساخت، نبود زیرساخت های نهادی و عدم اجرای صحیح طرح های جامع و تفصیلی شهرها مواجه است که به عنوان عوامل درون بخشی موثر بر تشدید نوسانات بازار مسکن عنوان می شوند.

حامد مظاهریان معاون وزیر راه و شهرسازی در خصوص تاثیر عوامل بازدارنده درون بخشی بر بازار مسکن می گوید: آنچه می تواند تعدیل کننده دامنه نوسانات در بازار مسکن باشد، وجود بخش عرضه قدرتمند و با کشش است که بتواند با بروز نشانه های افزایش قیمت، در انطباق با تقاضا قرار گرفته و نوسانات قیمتی را تعدیل کند.

همچنین نتایج مطالعات کارشناسی حاکی از آن است که تقاضای مصرفی مسکن با روند بطئی و ملایم همواره فزاینده بوده و در مقابل سیکل‌های رونق و رکود بازار تا حدود زیادی به هجمه تقاضای سوداگرانه مربوط می‌شود. بنابراین تا زمانی که عوامل کنترل کننده تقاضای سوداگرانه و افزایش جاذبه دیگر بازارها اتفاق نیفتد، بخش مسکن پتانسیل جذب سرریز نقدینگی را خواهد داشت، از این رو تقلیل در نوسانات متغیرهای اقتصاد کلان (ثبات اقتصادی)، بهبود فضای کسب و کار و رفع نوسانات قیمتی می تواند در پیشگیری از تعمیق دوره های رونق و رکود موثر واقع شود.

مظاهریان در بررسی بازار مسکن ایران در سالهای اخیر یادآور می‌شود: در ادامه دوره های رونق و رکود گذشته، افزایش قیمت در این بازار طی سالهای ۹۱ و ۹۲ به وقوع پیوسته است. پس از آن به دلیل سیطره رکود اقتصادی در کشور، کاهش قدرت خرید خانوارها، ثبات در برخی از متغیرهای اقتصادی (از جمله نرخ ارز و تورم عمومی) و افزایش نرخ سود واقعی در سالهای ۹۳ و ۹۴ بازار مسکن دوران ثبات قیمتی را تجربه کرده است.

از سوی دیگر در شرایط فعلی علی رغم نیاز به مسکن مصرفی، به دلیل کاهش قدرت خرید خانوارها، بازار مسکن با مشکل کمبود تقاضای موثر و مکفی مواجه بوده که این امر خود به عاملی در کاهش سرمایه‌گذاری در این بخش بدل شده است. از این رو یکی از راهکارهای خروج از رکود فعلی، تقویت قدرت خرید خانوارها از طریق سیاست های اعتباری عنوان می شود.

با این وجود شناسایی مشکل کمبود تقاضا، تقویت سمت عرضه را به عنوان راهکار اصلی خروج از رکود تایید نمی کند. اما این به معنای غفلت از سمت عرضه و رهاشدگی آن نیست؛ چرا که همچنان بخش هایی از جامعه شهری و روستایی باقی است که نبود مسکن مطلوب در صدرمشکلات سکونتی آنها قرار دارد. از این جمله می توان به بافت های فرسوده و سکونتگاه های غیررسمی اشاره کرد که سیاست های حمایتی طرف عرضه درخصوص آنها جاری است.

در عین حال باید به این نکته هم اشاره داشت کارشناسان می گویند: با افزایش حجم نقدینگی در کشور، به نظر می رسد شاخص قیمت مسکن هم رو به افزایش بوده است، اگرچه روند رو به رشد حجم پول طی دو سه سال اخیر تاثیر محسوسی بر بازار مسکن ایجاد نکرده است.

زمانی که حجم پول در جامعه زیاد می شود، پول در دسترس مردم افزایش خواهد یافت و افراد به خرید دارایی هایی نظیر مسکن روی خواهند آورد و تقاضایشان برای مسکن افزایش خواهد یافت. در حال حاضر هم حجم نقدینگی با روندی سرعتی مواجه شده و پس از آنکه در پایان سال ۹۴ با رشد ۲۷ درصد نسبت به سال قبل از آن به ۹۵۰ هزار میلیارد تومان رسید، هم اکنون از مرز ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است.

با این حال حجم بالای نقدینگی کشور طی دو سه سال اخیر منجر به اثر تورمی در بازار مسکن نشده است؛ چرا که این بخش در رکود تقاضا قرار دارد و با توجه به مازاد مسکن در کشور، جذابیت خود را برای طرف عرضه از دست داده است. همچنین روند ورود متقاضیان واقعی به بازار مسکن که از تسهیلات بانکی استفاده می کنند، تدریجی است. به طور مثال تعداد متقاضیان صندوق پس انداز مسکن "یکم" یا خانه اولی ها در کل کشور طی یک سال اخیر از ۵۰ هزار نفر فراتر نرفت که پیش بینی می شود ماهانه ۴ هزار نفر از این تعداد وارد بازار مسکن کشور شوند.

همکاری مرکز مالی ایران و شرکت یورومانی

نخستین کارگاه آموزشی مدیریت ریسک در بازار فلزات از سوی مرکز مالی ایران و با همکاری شرکت یورو مانی در تهران برگزار می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا) و به نقل از مرکز مالی ایران؛ نخستین کارگاه آموزشی مدیریت ریسک در بازار فلزات از سوی مرکز مالی ایران و با همکاری شرکت یورو مانی ۲۹ و ۳۰ تیردر تهران برگزار خواهد شد.

علی نقوی مدیرعامل مرکز مالی ایران با اعلام این خبر گفت: بازارهای مالی و کالا در سال‌های اخیر پر نوسان بوده است از همین رو فراگیری مهارت‌های مدیریت ریسک در بورس فلزات موجب می‌شود معامله‌گران با اطمینان بیشتری فعالیت کنند و از خطرات ناشی از نوسان قیمت‌ها در امان باشند. وی افزود: نیاز به آموزش مدیریت ریسک در بازار فلزات با توجه به دوره پسا برجام و شکل گیری زمینه ورود سرمایه‌گذاران خارجی بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است.نقوی تصریح کرد: اطلاع از قیمت‌های جهانی فلزات و چگونگی معاملات بین المللی در بازار فلزات از جمله نیازهای فعالان ایرانی در این حوزه است و شرکت در این کارگاه می‌تواند به این نیازها پاسخ دهد.وی گفت: مدیریت موثر ریسک ناشی از تغییرات قیمت کالاهایی نظیر فلزات اساسی، یکی از مهم‌ترین وجوه تاثیرگذار بر مدیریت کسب و کار شرکت های تولید کننده، بازرگانی و تقاضاکنندگان این محصولات است. از همین رو اهتمام در مدیریت ریسک ناشی از تغییرات قیمتی می تواند ایجاد کننده یک مزیت رقابتی و تامین کننده سود فعالان این بازارها باشد.به گفته مدیرعامل مرکز مالی ایران، "اما جنکینز" مدیر موسسه کمبریج ریسک و عضو انجمن متخصصین انگلستان برای تدریس این کارگاه آموزشی به ایران سفر می‌کند همچنین به شرکت‌کنندگان گواهینامه حضور در این کارگاه از طرف مرکز مالی ایران و یورومانی اعطا می‌شود.

مباحثی چون مبادلات فلزات اساسی در بورس‌های فلزی، معاملات مشتقات فلزات اساسی، ساختارهای مالی در مشتقات، مدیریت ریسک فلزات با مشتقات و... از جمله سرفصل های این کارگاه دو روزه است.

علاقمندان می توانند برای ثبت نام و حضور در این کارگاه آموزشی به آدرس www.ifc.ir مراجعه کنند یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۶۶۷۲۴۳۴۳ تماس بگیرند.از سوی دیگر معاون پذیرش و ناشران فرابورس گفت:محدودیت زمانی دلیل عرضه‌های اولیه است.به گفته وی اگر بعد از گذشت چهار ماه از پذیرش شرکت عرضه نشود، پذیرش شرکت لغو می شود این درحالی است که فرابورس، حداکثر دو ماه دیگر می تواند به مدت گفته شده اضافه کند و نهایتا شش ماه فرصت در اختیار شرکت ها قرار دهد.معاون پذیرش فرابورس اضافه گفت: محدودیت زمانی در عرضه اولیه شرکت‌ها وجود دارد و اگر طی مدت حداکثر شش ماه پس از پذیرش عرضه اولیه اتفاق نیفتد، پذیرش شرکت لغو می شود همچنین طبق دستورالعمل پذیرش شرکت ها با زیان انباشته در فرابورس مقدور است بنا به همین محدودیت زمانی چاره‌ای جز عرضه اولیه در شرایط کنونی نداریم.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا) ، مهدی علم الهدی افزود: عرضه های اولیه دو وجه دارد اولین وجه آن این است که با این عرضه چه اتفاقاتی در بازار روی می دهد و شرایط بازار را به شکلی در می آورد و دومین وجه آن این است که سهامداران این شرکت چه کارهایی انجام داده اند و چه برنامه ریزی هایی کرده اند تا شرکتشان در فرابورس پذیرفته شده و عرضه شود. بنابراین این وجه هم باید در نظر گرفته شود. وی ادامه داد: علاوه بر موارد ذکر شده محدودیت زمانی عرضه اولیه هم وجود دارد. به نحوی که اگر بعد از گذشت چهار ماه از پذیرش شرکت عرضه نشود، پذیرش شرکت لغو می شود این درحالی است که فرابورس، حداکثر دو ماه دیگر میتواند به مدت گفته شده اضافه کند و نهایتا شش ماه فرصت در اختیار شرکت ها قرار دهد.

معاون پذیرش و ناشران فرابورس اظهار کرد: بنا به همین محدودیت زمانی چاره ای جز عرضه اولیه در شرایط کنونی نداریم.

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۵/۴/۱)

مجموع حجم معاملات	۹۲۴ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۷۶۴/۱۲۰ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۶۰/۱۰۹ معامله
ارزش بازار	۳/۰۸۵/۰۰۱ میلیارد ریال

رشد ۳ ماهه بورس انرژی ایران

ارزش معاملات بورس انرژی ایران در سه ماهه اول سال ۹۵ بالغ بر چهار هزار میلیارد ریال شد.

در جلسه معاملاتی یکم تیر۹۵ در کنار معاملات مستمر قراردادهای سلف موازی استاندارد برق و نفت کوره در بازار مشتقه، کالاهای متانول پتروشیمی شیراز، متانول پتروشیمی فن آوران، پنتان پلاس پتروشیمی پارس، میعانات گازی مجتمع گاز پارس جنوبی و میعانات گازی پالایش گاز ایلام در رینگ داخلی عرضه شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، در جریان معاملات روز ۳۱ خرداد ۹۵ در بازار فیزیکی بورس انرژی ایران کالاهای نیتروژن مایع، برش سنگین و برش کربن غیرآروماتیک پتروشیمی تبریز، برش سنگین پتروشیمی جم و نیتروژن مایع پتروشیمی مبین در رینگ داخلی مورد عرضه قرار گرفتند.

کل معاملات صورت گرفته در عرضه های عادی و عرضه های مازاد بازار فیزیکی معادل ۶۰ تن و به ارزش بیش از ۲۱۶ میلیون ریال بود. شایان ذکر است ارزش معاملات بورس انرژی ایران در سه ماهه اول سال ۹۵ بالغ بر چهار هزار میلیارد ریال شد.

همچنین در تابلوی سلف موازی استاندارد برای قراردادهای با سررسید یکسال و بیشتر در بازار مشتقه بورس انرژی ایران، در تمامی نمادهای فعال، یک قرارداد با ارزشی بالغ بر ۹ میلیون ریال مورد معامله قرار گرفت.

نامه سوم بورس برای رفع ابهام های مالیاتی

سازمان امور مالیاتی در نامه پیگیری سازمان بورس درباره رفع ابهام معافیت ناشی از تجدید ارزیابی دارایی ها در حالی همچنان بر مواضع قبلی خود پافشاری کرده که پیگیری‌ها حاکی از ارسال درخواست‌های جدید دیگری به این سازمان حکایت دارد.

به گزارش فارس درادامه پیگیری سازمان بورس و اوراق بهادار درباره رفع ابهامات معافیت ناشی از تجدید ارزیابی دارایی بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی، رئیس سازمان امور مالیاتی الزامات مربوط به تبصره ۱ ماده ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی مصوب ۳۱ تیر ۱۳۹۴ را تشریح کرده است.

متن کامل این نامه بدین شرح است:

بازگشت به نامه مورخ ۲۸ اردیبهشت ۹۵ در باره استفاده از معافیت موضوع ماده ۱۷ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب یکم مرداد ۹۱ ضمن تأکید بر نامه های مورخ ۳۰ فروردین و ۲۸ اردیبهشت ۹۵ به آگاهی می رساند.

صرفاً اشخاصی که تا پایان سال ۹۴ مبالغ ناشی از تجدید ارزیابی دارایی ها را در دفاتر قانونی سال مالی انجام تجدید ارزیابی ۹۴ به حساب مازاد ناشی از تجدید ارزیابی منظور و در صورت های مالی سال مزبور ۹۴ نیز منعکس کرده باشند تجدید ارزیابی دارایی های مربوطه با رعایت مقررات قانونی و آیین نامه های فوق الذکر و همچنین موارد اصلاحی آن (از جمله تبصره سه ماده دو اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر موضوع تصویب نامه مورخ ۱۳ بهمن ۹۳ هیأت محترم وزیران مبنی بر اشخاص حقوقی که تا پایان سال تجدید ارزیابی افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی های خود را در اداره ثبت شرکت ها ثبت نکنند، موظف اند مبالغ ناشی از تجدید ارزیابی دارایی را طی سال مذکور در دفاتر قانونی به حساب مازاد ناشی از تجدید ارزیابی منظور و حداکثر تا پایان سال مالی بعد از تجدید ارزیابی دارایی ها در اداره ثبت شرکت ها ثبت و به حساب سرمایه در دفاتر قانونی خود منظور کنند) امکان برخورداری از معافیت مربوط را خواهد داشت.

به استناد بند دو ماده ۲۸۱ اصلاحی مصوب ۳۱ تیر ۹۴ قانون مالیات های مستقیم، احکام مالیاتی ماده ۱۷ قانون یاد شده از ابتدای سال ۹۵ لغو و مقررات تبصره یک ماده ۱۴۹ قانون اخیر الذکر و آیین نامه اجرایی آن مبنای تجدید ارزیابی دارایی ها قرار می گیرد.

لذا بنگاه های اقتصادی که تجدید ارزیابی دارایی های آنها (ارزیابی دارایی‌هاآنها) از ابتدای سال ۹۵ به بعد صورت می پذیرد و مبالغ ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها را طی سال ۹۵ در دفاتر قانونی به حساب مازاد ناشی از تجدید ارزیابی منظور و در صورت های مالی سال مزبور نیز منعکس کنند، مشمول مقررات تبصره یک ماده ۱۴۹ قانون مالیات های مستقیم اصلاحی مصوب ۳۱ تیر ۹۴ بوده و مشمول معافیت مندرج در آیین نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون صدرالذکر نخواهند بود.

به گزارش فارس ، سازمان امور مالیاتی در حالی درباره معافیت ناشی از تجدید ارزیابی دارایی ها اظهار نظر کرده که پیگیری های فارس حاکی از ارایه درخواست‌های جدید دیگری از سوی سازمان بورس برای معافیت مالیاتی ناشی از این قانون دارد.

بر اساس اخبار دریافتی از وزارت اقتصاد، نامه نگاری سازمان بورس با سازمان امور مالیاتی و اظهارات ارایه شده نتوانسته رضایت نهاد ناظر بر بازار سرمایه را فراهم کند و بر این اساس سازمان بورس در نامه دیگری به سازمان مالیاتی مجموعه‌ای از درخواست های جدید را ارسال کرده است. هنوز از جزییات این درخواست ها خبری در دسترس نیست.

سازمان بورس همزمان با مصوبه هیات وزیران مبنی بر حذف معافیت مالیاتی قانون تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ابتدای امسال هم در نامه‌ای خواستار اظهار نظر سازمان مالیاتی در مورد جزییات این قانون شده بود. خبر دیگر اینکه در آخرین روز خرداد صنعت خودرو با بیشترین حجم معاملات در صدر ایستاد.

در داد و ستدهای روز فوق گروه خودرو با بیشترین حجم و ارزش معاملات در صدر برترین گروه های بازار قرار گرفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، در داد و ستدهای بورس سه گروه خودرو، محصولات فلزی و بانک ها بیشترین حجم و ارزش معاملات را داشتند و به این ترتیب توانستند در صدر جدول برترین گروه های صنعت بایستند.

در این روز سهامداران بیش از ۶۵۷ میلیون برگه سهم و حق تقدم را به ارزش یک هزار و ۳۸۰ میلیارد ریال در ۴۷هزار نوبت معاملاتی دست به دست کردند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه‌گذاری‌پارس‌توشه	۳۴۶۹	۳۳۱
تراکتورسازی‌ایران	۱۸۹۲	۱۴۳
تولیدمحورخودرو	۳۹۰۳	۱۸۵
سامان‌گستراصفهان	۱۵۵۰	۷۳
افست	۵۵۶۸	۲۶۱
پشم‌شیشه‌ایران	۱۱۷۲۷	۵۵۸
الکتریک‌خودروشرق	۲۴۹۹	۱۱۹
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۳۸۸۱	۱۸۴
داروسازی‌جابرابن‌حیان	۱۲۶۵۴	۷۶۴
چینی‌ایران	۲۶۷۲	۱۲۷
سرمایه‌گذاری‌آتیه‌دماوند	۲۶۵۵	۱۲۶
کارتن‌ایران	۲۷۰۹	۱۲۹
کیمیدارو	۷۱۷۰	۳۲۴
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۲۲۶۰۹	۱۰۷۶
شیشه‌وگاز	۵۲۵۳	۲۵۰
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱۸۹۰	۵۳
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۵۵۷۰	۲۴۰
بانک‌ملت	۲۲۷۹	۱۰۸
فرآورده‌های‌نسوزپارس	۶۱۲۴	۲۹۱
تایدواترخاورمیانه	۴۵۳۳	۱۷۱
لعابیران	۲۱۳۰	۶۵
ماشین‌سازی‌اراک	۲۹۵۵	۱۱۹
پالایش نفت بندرعباس	۴۶۳۰	۲۰۷
سرمایه‌گذاری‌صنایع‌پتروشیمی	۱۹۸۷	۶۷
پست‌بانک‌ایران	۱۹۸۷	۹۴
گروه‌بهمن	۲۷۶۸	۱۳۱
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌نفت	۲۴۵۲	۱۱۶
فولادآلیاژی‌ایران	۱۷۵۲	۲۴
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۰۸۵۵	۴۴۳
فیبرایران	۶۳۰۰	۱۴۵
آبسال	۲۲۹۰	۹۲
فنرسازی‌خاور	۳۲۲۰	۱۴۳
سایپاآذین	۸۴۹	۴۰
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۳۱۹۸	۹۸
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱۳۵۴	۶۴
توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۱۴۳۰	۳۶
سایپادیزل	۱۳۷۷	۵۵
سرمایه‌گذاری‌ساختمان‌ایران	۲۹۲۹	۱۰۸
پارس‌خودرو	۱۳۹۳	۴۹
سخت‌آژند	۵۸۸۷	۲۶۵
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۲۷۰	۶۰
حمل ونقل بین‌المللی خلیج فارس	۲۸۸۰	۵۹
سرمایه‌گذاری‌شاهد	۱۳۱۱	۴۵
لیزینگ‌خودروغدیر	۲۰۸۶	۷۴
سرمایه‌گذاری‌خوارزمی	۱۰۹۰	۱۴
بانک‌صادرات‌ایران	۱۰۰۳	۳۱
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۱۳۳۷۰	۶۳۲
ایران‌تایر	۲۸۱۷	۱۳۴
داروسازی‌سینا	۲۶۹۸۳	۱۲۸۴
بانک‌سینا	۱۵۶۷	۵۱
توسعه‌معادن‌وفلزات	۱۱۸۰	۴۸
ایران‌خودرو	۳۳۲۱	۱۴۴
بانک‌پاسارگاد	۱۱۷۰	۲۷
داروسازی‌اکسیر	۶۴۸۰	-۱۳۷
زامیاد	۱۰۰۱	۳۸
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱۵۳۸	۴۰
لبنیات‌کالبر	۱۷۶۵	۴۴
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳۵۷۲	۱۲۳
بانک‌تجارت	۱۰۳۱	۳۱
تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۱۰۴۱	۳۲
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۲۴۰۶	۱۱۴
سرمایه‌گذاری‌مسکن‌شمال‌شرق	۱۴۷۳	۴۲
مس‌شهیدباهنر	۱۴۰۰	۴۵
کارت‌اعتباری‌ایران‌کیش	۳۰۶۵	۲۰
تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۱۶۹۹	۴۹
فرآورده‌های‌نسوزایران	۳۰۰۰	۱۱۷
مخابرات‌ایران	۱۰۵۰	۱۶
لیزینگ‌رایان‌سایپا	۳۲۷۱	۴۴
گروه‌مپنا(سهامی‌عام)	۸۶۵۰	۱۶۹
فولادمبارکه‌اصفهان	۱۱۸۹	۵۰
سرمایه‌گذاری‌سپه	۱۲۶۸	۴۱
رینگ‌سازی‌مشهد	۹۲۰	۱۹
بیمه‌آسیا	۱۲۵۳	۲۵
گلتاش	۱۳۸۶۰	۹۱
قطعات‌اتومبیل‌ایران	۱۶۵۰	۵۲
ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۱۶۵۴	۲۴
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲۹۷۰	۳۱
باما	۳۹۶۹	۱۳۸
بانک‌خاورمیانه	۲۸۹۵	۶۳
سرمایه‌گذاری‌مسکن	۱۰۹۱	۱۲
توریستی‌ورفاهی آبادگران‌ایران	۱۶۹۲	۶۱
پتروشیمی‌آبادان	۲۱۶۰	۱۳
صنایع‌لاستیکی‌سهند	۲۲۵۹	۹۹
سرمایه‌گذاری‌گروه‌توسعه‌ملی	۲۳۷۰	۱۱
پمپ‌سازی‌ایران	۳۰۰۰	-۳۴
حمل‌ونقل‌توکا	۲۶۸۵	۵۱
واسپاری‌ملت	۱۲۳۰	۳۱
ایران‌دارو	۴۵۱۲	۴۲
سایپا	۱۱۲۲	۲۵
گروه‌صنعتی‌بوتان	۲۸۳۱	۹۰
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌صنعتی‌ایران	۱۰۸۵	۳۰
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱۲۹۵	۳۰
جام‌دارو	۲۶۰۶۰	۷۵۳
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۹۰۰۰	۱۶۸

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه‌گذاری‌اعتبارایران	۲۱۶۴	-۵
بیمه‌ما	۱۸۵۰	۲۲
صنایع‌آذرآب	۵۱۸۹	۶۷
بانک‌انصار	۲۵۴۲	۴۸
ایرکاپارت‌صنعت	۲۸۳۰	۵۶
گروه‌پتروشیمی‌س.ایرانیان	۱۲۶۲	۱۰
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۱۰۶۸۰	۱۰۰
مارگارین	۳۹۵۵	۸۴
کالسیمین	۲۰۶۰	۱۶
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱۱۹۷	۲۶
دارویی‌لقمان	۳۲۵۰	-۲۵
کنتورسازی‌ایران	۵۹۶۵۰	۶۸۲
پارس‌دارو	۱۶۰۰۰	۱۱۹
فولادخراسان	۲۷۰۰	۲۶
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱۷۶۰	۵۵
گسترش‌نفت‌وگازپارسیان	۲۰۹۲	۸
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌صنایع‌سیمان	۱۱۳۸	۲۱
شیشه‌همدان	۸۰۰۰	۵۰
بانک‌پارسیان	۱۱۹۹	۴۵
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۲۹۸۳	-۹۶
حمل‌ونقل‌پتروشیمی(سهامی‌عام)	۳۲۰۰	۷۳
معدنی‌املاح‌ایران	۱۱۶۷۹	۲۹۶
داروسازی‌ابوریحان	۱۳۸۳۳	-۸۸
تجارت‌الکترونیک‌پارسیان	۴۶۵۰	۱۱۲
داروپخش(هلدینگ)	۱۹۹۸۳	۹۰۸
کمک‌فنرایندامین	۹۷۵	۳۳
صنعتی‌بهشهر	۷۷۳۹	۶۵
گلوکوزان	۵۱۲۱۹	۱۳۱۸
مهندسی‌نصیرماشین	۲۷۵۶	۵
سبحان‌دارو	۱۱۱۰۰	۹۵
سیمان‌کرمان	۲۴۵۰	۱۱
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۳۰۰۰	۴۹
کمباین‌سازی‌ایران	۷۸۴	۱۳
معادن‌بافق	۴۸۲۹	۳۰
سیمان‌شاهرود	۱۶۶۷	۱۵
سرمایه‌گذاری‌پردیس	۹۴۵	۲
مخابرات‌ایران	۲۰۷۷	۰
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱۱۲۰	۲۵
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۸۲۹۰	۲۵۳
پاکسان	۳۶۳۷	۴
آلومراد	۲۴۶۹	۱۸
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌بیمه	۱۳۴۰	۳۸
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌ومعدن	۱۴۰۰	۱
فروسیلیس‌ایران	۲۹۰۰	۶۳
دارویی‌رازک	۱۹۷۴۶	۹۴۰
بانک‌کارآفرین	۳۰۲۰	۲۹
س.صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۸۲۴	۱۱
نوردوقطعات‌فولادی	۴۲۰۳	۲۰۰
کاشی‌پارس	۴۶۲۳	۲۲۰
پارس‌مینو	۴۵۰۰	۴۱
کشاورزی‌ودامپروری‌مگسال	۲۸۱۵۰	۳۰
تولیدی‌مهرام	۱۲۰۶۹	۲۱۹
لابراتوارداروسازی‌دکترعبیدی	۵۸۰۶	۲۷۶
کاشی‌الوند	۱۴۲۱	۰
گروه‌صنعتی‌بارز	۳۲۰۰	۳۴
بیمه‌ملت	۱۳۵۰	-۱۸
سرمایه‌گذاری‌دارویی‌تامین	۶۵۰۰	-۸۷
کارخانجات‌تولیدی‌شهیدقندی	۲۳۱۹	۴۹
لامیران	۲۹۱۰	۳
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۱۸۱۲	۱۹
پارس‌الکتریک	۵۴۰۰	۴۱
پلاسکوکار	۱۷۶۹	۲۸
س.نفت‌وگازوپتروشیمی‌تأمین	۱۹۴۳	۲۶
رادیاتورایران	۳۵۵۱	-۴
داروسازی‌روزدارو	۵۳۳۳	۷۳
سیمان‌غرب	۲۱۵۰	-۸
شهدایران	۱۹۴۰	-۴۷
سرمایه‌گذاری‌نورکوثرایرانیان	۱۰۱۶	۱
سیمان‌صوفیان	۲۱۹۰	-۱۰۵
خدمات‌انفورماتیک	۱۷۳۰۰	-۳۹
سیمان‌بهبهان	۹۷۰۰	-۲۶۷
دشت‌مرغاب	۹۲۵۱	۳۹۷
گروه‌صنعتی‌ملی(هلدینگ)	۶۲۹۶	-۳۳۱
صنایع‌پتروشیمی‌کرمانشاه	۲۹۰۰	-۳
داروسازی‌امین	۲۶۴۹	۸
سیمان‌مازندران	۱۲۲۴۸	-۶۴۴
سیمان‌ارومیه	۲۵۳۵	-۴۱
گروه‌صنعتی‌پاکشو	۱۲۶۳۰	-۵۶
شیمی‌داروئی‌داروپخش	۴۶۰۰	-۶۰
بانک‌اقتصادنوین	۲۳۳۳	۲۷
قندنقش‌جهان	۶۱۹۴	-۳۲۶
سیمان‌هرمزگان	۴۱۱۷	۳۱
گروه‌دارویی‌سبحان	۷۵۹۲	۷۰
معدنی‌دماوند	۷۹۴۶	-۴۱۸
داروسازی‌کوثر	۱۶۴۰	-۴
قندهکمتان	۲۶۸۷	-۱۴۱
پتروشیمی‌شازند	۲۷۰۰	۷
پتروشیمی‌پردیس	۹۰۰۰	-۱۲۱
بیمه‌البرز	۱۱۶۹	۱۶
دوده‌صنعتی‌پارس	۲۲۹۷	-۸
ایران‌خودرودیزل	۱۱۵۶	۲۰
صنایع‌پتروشیمی‌خلیج‌فارس	۵۱۰۰	-۵۳
کاشی‌سعدی	۱۸۶۲	-۹۷
پالایش‌نفت‌اصفهان	۲۶۹۹	۴۴

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
پتروشیمی‌جم	۹۲۶۹	-۱۴۱
سازه‌پویش	۲۸۰۰۷	-۱۴۷۴
پارس‌سرام	۲۰۵۳	-۱۰۸
سیمان‌فارس‌وخوزستان	۱۴۱۰	-۲۳
داروسازی‌زاگرس‌فارمدپارس	۵۵۰۰	۱۳
کارخانجات‌داروپخش	۶۷۶۳	-۳۵۵
سیمان‌تهران	۱۹۰۷	-۱۰
ذغال‌سنگ‌نگین‌طبس	۱۷۰۰	۱۳
شرکت‌ارتباطات سیارایران	۲۸۹۹۰	۴۹
سیمان‌سپاهان	۱۰۹۵	۱۲
سیمان‌شرق	۱۰۴۶	۱۵
کشت‌وصنعت‌چین‌چین	۵۷۷۱	-۳۰۳
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۱۶۳۹	-۸۶
پتروشیمی‌فجر	۱۵۰۰۰	-۱۵
نیروکلر	۲۳۹۱	-۱۲۰
پتروشیمی‌خارک	۱۱۷۵۱	-۲۱۱
صنایع‌کاشی‌وسرامیک‌سینا	۲۲۸۹	۸۷
کویرتایر	۳۰۳۲	-۱۱۸
پتروشیمی‌فناوران	۱۴۲۰۶	-۷۱۳
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۲۵۸۵	۲۶
بیمه‌دانا	۲۴۴۴	۳۵
موتوژن	۵۵۵۰	-۱۲۴
سیمان‌هگمتان	۱۹۲۹	-۵۹
لیزینگ‌ایران	۱۳۳۶	-۲۵
سرمایه‌گذاری‌ملت	۸۰۰	۴
گروهمدیریت‌سرمایه‌گذاری‌امید	۱۲۸۰	-۳۶
سیمان‌کارون	۲۶۶۰	-۷۱
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱۴۷۹	۲
ایران‌ترانسفو	۱۲۰۴۵	-۳۶
بهنوش‌ایران	۷۰۵۰	۱۰۰
پتروشیمی‌مبین	۳۶۳۰	-۳۱
لامپ‌پارس‌شهاب	۵۰۰۰	-۲۳
نفت‌بهران	۹۹۷۰	۱
البرزدارو	۱۱۰۷۱	-۵۶
درخشان‌تهران	۲۰۸۴	۴۷
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱۲۹۰	-۲۷
سرماآفرین	۲۰۲۴	۴۳
البرزدارو	۱۲۰۸۰	-۳۶۰
نوردآلومینیوم	۱۱۲۳	۱۱
سیمان‌قائن	۹۶۳۸	-۵۰۷
پتروشیمی‌شیراز	۲۴۰۰	-۵۸
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۲۵۹۲	-۱۳۶
کابل‌البرز	۲۸۸۹	-۱۰
سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۱۵۲۰	-۲۶
سیمان‌شمال	۱۳۹۲	-۳۵
صنعتی‌آما	۲۹۳۶	-۱۵۴
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲۰۶۶	-۱۰۸
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۱۹۱۰	-۲۱
ایران‌ارقام	۳۳۴۰	-۶۹
بیمه‌پارسیان	۲۶۵۰	-۹۶
پارس‌سویچ	۶۸۶۷	-۳۶۱
داروسازی‌زهراوی	۲۲۲۹۱	-۱۱۶۶
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۴۲۰	-۲۵
نفت‌پارس	۵۴۰۰	-۲۰۷
چرخشگر	۹۲۵	۱۱
سیمان خوزستان	۲۲۸۴	-۱۲۰
معادن‌منگنزایران	۱۷۴۲	-۹۱
مهرکام‌پارس	۱۹۴۸	۱۲
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۵۳۲	-۱۰
تولیدمواداولیه الیاف‌مصنوعی	۳۵۴۹	۷
بین‌المللی‌محصولات‌پارس	۲۲۷۴	-۱۱۹
ایران‌یاساتایرورابر	۱۵۰۶	-۴۵
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۲۷۰۰	-۳۳
سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۴۲۰۰	-۱۴۲
صنایع‌شیمیایی‌فارس	۱۴۴۰	-۴۹
سیمان‌داراب	۱۱۴۸	-۱۱
فولادخوزستان	۲۳۵۹	-۷۴
کربن‌ایران	۲۹۱۰	۴۵
تکنوتار	۱۵۱۸	۰
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲۰۹۳	-۵۸
نیرومحرکه	۲۱۳۱	-۶۴
سیمان‌دورود	۱۰۱۳	-۱۴
محورسازان‌ایران‌خودرو	۴۲۶۰	-۷۱
شهد	۳۴۴۷	-۱۸۱
داده‌پردازی‌ایران	۲۲۵۰	-۵۰
قندشیرین‌خراسان	۱۰۵۵۹	-۷۶
قندثابت‌خراسان	۱۰۷۵	-۱۷
معدنی وصنعتی گلگهر	۱۸۵۱	-۴۲
نیروترانس	۵۴۶۰	۴
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۶۵۹	-۶۹
پالایش نفت تبریز	۳۵۱۰	-۸۹
ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۱۹۵۰	-۶۷
پارس‌خزر	۸۶۸۰	-۲۶۶
شکرشاهرود	۱۴۹۱	-۷۸
قنداصفهان	۴۵۱۰	-۲۳۷
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۵۶۱۰۰	-۸۵۳
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۵۳۰۰	-۲۱۲
قندنیشابور	۱۴۴۲	-۶۵
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۳۲۸۱	-۱۷۲
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۲۷۸۰	-۱۱۵
کارخانجات‌قندقزوین	۳۱۲۶	-۱۶۴
لنت‌ترمزایران	۲۹۵۰	-۳۷
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۴۱۸۸	-۲۲۰
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۵۴۰	-۱۹

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت ساختمانی و خدمات مهندسی به پخش (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۳۴۶۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۱۹۷۹۱

پیرو آگهی انحلال به شماره ۱۳۹۲۳۰۴۰۰۹۰۱۰۲۷۵۴۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ شرکت مذکور منتشر در روزنامه رسمی به شماره ۲۰۱۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۲/۷، در اجرای ماده ۲۲۵ قانون تجارت، بدینوسیله از کلیه بستانکاران دعوت می‌شود با در دست داشتن مدارک لازم حداکثر ظرف مدت ۶ماه بعد از اولین آگهی به آدرس: تهران ـ خیابان آزادی ـ بلوار استادمعین ـ شماره ۱۷۲ ـ طبقه‌دوم مراجعه نمایند. ضمنا پس از انقضای مهلت مقرر، هیچ ادعایی پذیرفته نخواهد شد.

با تشکر
سیدعلی بیات - مدیر تصفیه شرکت

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت تعاونی مسکن اعضاء و کارکنان تعاونی خاص ایران خودرو (در حال تصفیه) به شماره ثبت ۳۱۰۹۳۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۷۸۹۶۰ (نوبت سوم)

نظر به اینکه شرکت تعاونی مذکور در تاریخ ۹۴/۶/۳۱ منحل اعلام گردیده و از همان زمان عملیات تصفیه آن آغاز شده است، لذا در اجرای ماده ۲۱۵ قانون تجارت و ماده ۲۲۵ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت بدین‌وسیله از کلیه بستانکاران احتمالی و همچنین صاحبان سهم الشرکه یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می آید که چنانچه طلبی از این تعاونی دارند با ارائه مدارک مستدل جهت تصفیه حساب به رئیس هیئت تصفیه به آدرس: تهران کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج، بلوار جنوبی ایران‌خودرو، نرسیده به خیابان زامیاد، ساختمان‌ایرانیان مراجعه نمایند.

هیئت تصفیه

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه سازمان مدیریت صنعتی (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۳۰۹۲

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام سازمان مدیریت صنعتی (سهامی‌خاص) و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که در ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۵ در ساختمان سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران واقع در خیابان ولیعصر ـ نبش جام جم ـ سالن عقیق تشکیل می گردد، حضور یابند.

دستور جلسه:

۱ـ استماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرسی قانونی
۲ـ بررسی و تصویب صورتهای مالی سال ۱۳۹۴
۳ـ انتخاب بازرس قانونی سال ۱۳۹۵
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های سازمان
۵ـ سایر موارد مطروحه در جلسه که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

هیئت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده (نوبت‌اول) شرکت تعاونی مسکن آشیانه هزاره سوم ایرانیان (شماره ثبت ۴۶۷۶۸)

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۴/۲

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مسکن آشیانه هزاره سوم ایرانیان دعوت به عمل می‌آید تا در مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت‌اول که رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز یکشنبه مورخه ۱۳۹۵/۴/۱۳، درمحل سالن‌اجتماعات پروژه برج میلینیوم به آدرس: تهران، خیابان‌شیخ‌بهائی‌جنوبی، قبل از پل همت، پلاک ۲، برج میلینیوم برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند. مجمع فوق با حضور نصف بعلاوه یک اعضاء حاضر یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه برای کلیه اعضاء حاضر و غایب، نافذ و لازم‌الاجرا می‌باشد. ورود فقط برای اعضاء یا نمایندگان آنان مجاز می‌باشد، ضمناً همراه داشتن کارت عضویت برای اعضاء و کارت شناسایی معتبر برای نمایندگان الزامی است.

تذکر: اعضایی که قادر به شرکت در جلسه نمی‌باشند. می‌توانند یک نفر نماینده تام‌الاختیار (از میان اعضای تعاونی یا خارج از آن) برای حضور در مجمع و اعمال رأی تعیین نمایند. بدیهی است طبق ماده ۱۹ آئین‌نامه تشکیل مجامع عمومی (موضوع تبصره ۳ ماده ۳۳ قانون، بخش تعاونی) هر عضو علاوه بر رأی خود حداکثر سه رأی وکالتی و هر شخص غیرعضو تنها یک رأی با وکالت خواهد داشت. مستدعی است متقاضی اعطای نمایندگی ۴۸ ساعت قبل از تشکیل مجمع همراه با نماینده خود جهت تنظیم آن به دفتر تعاونی مراجعه نماید.

دستور جلسه:

ـ اتخاذ تصمیم در خصوص اخراج ۷ نفر از اعضاء به استناد ماده ۱۷ اساسنامه (ماده ۱۳ قانون بخش تعاونی)

هیئت‌مدیره شرکت تعاونی مسکن آشیانه هزاره سوم ایرانیان

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم شرکت کشت وصنعت طوبی بذر (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۱۰۱۹۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۳۹۲۴۸

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت میرساند نظر به اینکه در مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول که در ساعت ۱۴ روز سه شنبه ۹۵/۴/۱ در محل قانونی شرکت تشکیل گردید بعلت عدم حصول حد نصاب قانونی، جلسه رسمیت نیافت لذا بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت می‌شود تا در روز یکشنبه ۹۵/۴/۲۰ رأس‌ساعت ۱۵ در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه (نوبت دوم) که در محل قانونی شرکت واقع در تهران میدان‌دکترفاطمی بزرگراه‌شهیدگمنام – میدان گلها – ضلع جنوبی اوایل بلوار گلها پلاک ۲۲ واحد ۱/۱ تشکیل می‌گردد حضوربهم‌رسانند. **دستور جلسه:** ۱- گزارش هیئت مدیره و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹. ۲- گزارش بازرس قانونی شرکت و توجیه گزارش هیئت مدیره. ۳- انتخاب بازرس قانونی. ۴- تعیین روزنامه کثیرالانتشار. ۵- سایر موارد که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

هیئت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تامین راه (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۴۳۰۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۸۳۹۷۳

بدینوسیله از کلیه شرکاء دعوت می‌شود که در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۵ روز دوشنبه ۹۵/۴/۱۴ در محل شرکت برگزار می‌شود حضور بهم‌رسانند.

دستور جلسه: تغییر آدرس قانونی شرکت

هیات‌مدیره شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت شیمیایی و صنعتی کاوه (سهامی خاص) نوبت اول

بدین‌وسیله به اطلاع کلیه سهامداران این شرکت می‌رساند در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که مورخ ۹۵/۴/۲۰ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران، کارگر شمالی، بالاتر از جلال آل‌احمد، پلاک ۱۸۸۱ ط سوم، واحد ۶ منعقد می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه: ۱ـ تصویب صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴ و تصمیم گیری در مورد سود و زیان سالیانه؛ ۲ـ انتخاب بازرسان قانونی شرکت؛ ۳ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار؛ ۴ـ سایر موارد که درصلاحیت مجمع باشد.

هیئت‌مدیره شرکت شیمیایی و صنعتی کاوه

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت توسعه و ساختمان مهندسان مشاور ایران (سهامی خاص) ثبت‌شده به شماره ۱۱۱۰۲۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۴۷۵۱۹ نوبت دوم

پیرو آگهی مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۵/۳/۱۳ نظر به اینکه جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۵/۳/۳۰ ساعت ۱۶ به حد نصاب قانونی نرسید لذا از کلیه سهامداران شرکت مذکور دعوت میگردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم که در ساعت ۱۶ مورخ یکشنبه ۹۵/۴/۲۰ در محل واقع در سعادت‌آباد خیابان‌سروغربی خیابان صدف پلاک ۲۱ واحد ۱۱ تشکیل می گردد حضور بهم‌رسانند.

دستور جلسه: ۱ـ قرائت و استماع گزارش بازرسین و تصویب ترازنامه مالی منتهی به اسفند ۹۴. ۲ـ انتخاب بازرسین اصلی و علی‌البدل. ۳ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار. ۴ـ مطالب دیگری که در صلاحیت مجمع باشد. بدیهی است این جلسه با حضور هر تعداد از سهامداران رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد شد.

هیئت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت تعاونی مصرف کارکنان وزارت راه و شهرسازی

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی نوبت‌اول که رأس ساعت ۱۱/۳۰ روز یکشنبه مورخ ۹۵/۵/۳ در محل سالن کنفرانس الغدیر ساختمان شهید دادمان واقع در میدان آرژانتین اول بزرگراه آفریقا، بعدازپل عابرپیاده تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند.

برابر آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی تعداد آراء وکالتی هر عضو تنها ۳ رأی و هر شخص غیرعضو تنها یک رأی خواهد بود.

از تاریخ نشر آگهی به مدت ۷ روز نسبت به بررسی و کالتنامه و در محل دفتر شرکت اقدام خواهد شد.

همچنین از کاندیداهای سمت بازرسی دعوت می‌شود حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از انتشار آگهی با مراجعه به دفتر تعاونی نسبت به ارائه مدارک اقدام نمایند.

۱ـ استماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرسان
۲ـ طرح و تصویب صورتهای مالی ۱۳۹۴
۳ـ تصمیم گیری درخصوص انحلال
۴ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی شرکت
۵ـ تغییرات سرمایه
۶ـ انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل

هیئت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت شکلات مهر (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۴۴۴۶ کرج شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۴۵۳۵۶

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت شکلات مهر (سهامی خاص) دعوت‌به‌عمل‌می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که ساعت ۱۰ صبح روزپنجشنبه مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۴ درمحل تهران، خیابان خالد اسلامبولی کوچه ۱۸ پلاک ۳ تشکیل می‌شود، حضور یابند.

دستور جلسه: ۱ـ انحلال شرکت ۲ـ سایر موارد

هیئت‌مدیره شرکت شکلات مهر

آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت کمپرسور سازی تبریز (سهامی عام) به شماره ثبت ۲۳۳۹۴۲ شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۹۱۳۷۰

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت‌به‌عمل‌می‌آید جهت شرکت در مجمع عمومی عادی سالیانه که ساعت ۱۰ صبح روزسه‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۵ در محل دفتر مرکزی شرکت به آدرس تهران ـ خیابان‌کارگرشمالی نرسیده به خیابان فاطمی کوچه ستاره پلاک ۲ طبقه سوم تشکیل می‌شود حضور به هم‌رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ قرائت گزارش هیات مدیره و بازرس قانونی در خصوص صورت دارایی و حساب سود و زیان شرکت مربوط به سال مالی ۹۳
۲ـ تصویب ترازنامه و سود و زیان شرکت مربوط به سال مالی ۹۳
۳ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره
۴ـ انتخاب بازرسین
۵ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار

هیئت مدیره

آگهی تجدید مزایده عمومی

شهرداری کرج
سازمان پارک‌ها و فضای سبز

کد آگهی ۱۳-۹۵ (منفک شده از کد آگهی ۹-۹۵)

سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری کرج در نظر دارد یک‌باب عکاسی سنتی به مساحت حدود ۶۰ مترمربع در دو طبقه با قیمت پایه ماهیانه ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل یک میلیون تومان واقع در بلوار شهید چمران – میدان امام حسین (ع) – پارک شهید چمران – باغ گلها (به مدت دو سال) را از طریق برگزاری تجدید مزایده و انعقاد قرارداد به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید. از متقاضیان دعوت می‌گردد جهت کسب اطلاعات لازم و دریافت اسناد مزایده از تاریخ چاپ و انتشار این آگهی حداکثر به‌مدت ۱۰ روز کاری به نشانی کرج – عظیمیه – ضلع شمالی میدان استقلال - سازمان پارک‌ها - طبقه‌اول - دفتر امورپیمانها مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۲۵۴۰۳۰۳ (۰۲۶) تماس حاصل نمایند. بدیهی است بابت خرید هر یک از اسناد مزایده مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال معادل سی هزار تومان به‌شماره حساب ۱۰۰۱۰۰۱۰۰۲۶۱ بانک شهر شعبه عظیمیه ۴۵ متری کاج در وجه شهرداری کرج واریز و اصل فیش واریزی به امورپیمانهای سازمان تحویل گردد.

روابط عمومی سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری کرج
Park.Karaj.ir

آگهی دعوت
شرکت تعاونی تهیه و توزیع تولیدکنندگان موزائیک و سیمانکاران تهران

بدینوسیله از اعضاء محترم شرکت تعاونی دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت دوم که در ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۹۵/۴/۲۲ در محل شرکت تعاونی واقع در خیابان انقلاب ـ دروازه دولت ـ بن‌بست شهید رجبلو ـ پ ۳ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانید.

دستور جلسه:

۱ـ استماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرسان.
۲ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴ و بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۵
۳ـ گزارش تغییرات اعضاء و سرمایه
۴ـ انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل و هیئت‌مدیره
۵ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۶ـ رعایت بند ۷ و ۸ ماده ۱۰ آیین‌نامه تشکیل مجامع عمومی

هیئت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت سوم شرکت تعاونی مصرف محلی داودیه

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تعاونی دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که رأس ساعت ۵ بعدازظهر روز سه‌شنبه ۹۵/۴/۱۵ در محل فروشگاه واقع در میرداماد ـ خیابان امیر سهیل تبریزیان (خ نوایی) پلاک ۱۷ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه: ـ تصویب اساسنامه جدید

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه

شرکت کیلکا پودر تهران (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۵۵۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۱۶۰۸۹ بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت می‌نماییم تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام شرکت که در ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۲۴تیرماه۱۳۹۵ در محل کارخانه شرکت واقع در شهرک صنعتی شماره۱ ساری حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ ارائه گزارش هیات مدیره و بازرس قانونی
۲ـ بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۹۴/۱۲/۲۹
۳ـ انتخاب بازرسین
۴ـ سایر موارد

هیات مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سردخانه‌های ایران‌زم شماره ثبت ۲۷۷ شناسه ملی ۱۰۸۶۱۷۹۰۲۲۰

مجمع عمومی عادی در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۲۵ ساعت ۱۰:۳۰ در محل تهران، خ انقلاب، خ شهید نور محمدی، پ ۹۰ واحد۳ تشکیل می‌گردد.

*** دستور جلسه:**

۱ـ بررسی و تصویب سود و زیان عملکرد سال مالی ۱۳۹۴
۲ـ انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرسان
۳ـ سایر موارد

هیئت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت اتحاد گستران شمس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۴۵۳۲۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۵۹۸۸۳

به آگاهی عموم سهامداران محترم می‌رساند مجمع عمومی فوق‌العاده، رأس ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۳ در محل آموزشکده فنی شهید شمسی‌پور، نشانی تهران بعد از میدان امام حسین تشکیل می‌گردد.

دستور جلسه:

۱ـ انحلال شرکت
۲ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می‌باشد. بدینوسیله از سهامداران گرامی یا وکلای قانونی آنان دعوت می‌گردد، در جلسه مذکور حضور به هم رسانند.

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سرام نگار (سهامی خاص) به شماره ثبتی ۶۸۳۶۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۳۰۴۲

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام دعوت می‌شود که رأس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۹۵/۰۴/۱۲ در جلسه مجمع عمومی عادی که در محل قانونی شرکت، واقع در تهران ـ خیابان کریمخان زند ـ خیابان خردمند شمالی ـ کوچه بهادری ـ پلاک۱۳ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی
۲ـ تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به پایان اسفند۱۳۹۴.
۳ـ انتخاب بازرس قانونی.
۴ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۵ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۶ـ سایر موارد

هیئت مدیره شرکت سرام نگار (سهامی خاص)

مجمع عمومی عادی «نوبت‌اول» شرکت تعاونی مصرف، مسکن و اعتبار کارکنان مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت ۶۶۷۷

در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۳۰ ساعت ۱۴ در محل تعاونی مصرف کارکنان مجلس با دستورات ذیل تشکیل می‌شود:

۱ـ استماع گزارش عملکرد هیأت‌مدیره و بازرسان قانونی.
۲ـ تأیید صورت‌های مالی مربوط به سال‌های ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴
۳ـ انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت‌مدیره و بازرسان قانونی.
۴ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی.

* متقاضیان پس از نشر آگهی حداکثر تا ۵ روز قبل از برگزاری مجمع جهت نام‌نویسی و ارائه مدارک به دفتر تعاونی مهلت دارند.

هیأت‌مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی و مصرف گنجینه دوستان

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم که رأس ساعت ۱۵ روز شنبه ۱۳۹۵/۴/۱۹ در محل دفتر تعاونی واقع در میدان امام حسین(ع) خیابان خواجه‌نصیر طوسی پلاک ۲۹ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

(علت دعوت نوبت دوم نیز عدم حدنصاب جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول مورخ ۱۳۹۵/۳/۳۱ می‌باشد.)

ضمناً به اطلاع می‌رساند که به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی، تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر سه رأی و هر شخص غیرعضو تنها یک رأی خواهد بود. و اعضاء متقاضی اعطاء نمایندگی می‌بایست به همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ پانزدهم تیر ماه ۱۳۹۵ در محل دفتر تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت برگه ورود به مجمع را دریافت دارند.

دستور جلسه: طرح و تصویب اساسنامه جدید تعاونی و منطبق با قانون بخش تعاون

هیئت‌مدیره شرکت تعاونی

آگهی تصمیمات مجمع صندوق سرمایه‌گذاری ثابت حامی مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۲۹ ثبت‌شده به شماره ۱۱۲۷۷ نزد سازمان بورس اوراق بهادار و به شماره ۳۴۴۶۳ نزد مرجع ثبت شرکت‌ها

در بند «هـ» اساسنامه صندوق محدودیت مالکیت از ۵٪ به ۱۰٪ افزایش پیدا کرد. در ماده ۹ امیدنامه صندوق حداکثر تعداد واحدهای صندوق از ۵۰۰،۰۰۰ واحد به ۲،۰۰۰،۰۰۰ واحد افزایش پیدا کرد و حداکثر تعداد واحد سرمایه‌گذاری عادی نزد سرمایه‌گذاران صندوق از ۴۹۰،۰۰۰ به ۱،۹۹۰،۰۰۰ واحد افزایش پیدا کرد.

که مشروح جلسه در تارنمای صندوق به آدرس: http://hamifund.com ارائه شده است.

مدیر صندوق سرمایه‌گذاری ثابت حامی:
شرکت کارگزاری مفید

آگهی تصمیمات مجمع صندوق سرمایه‌گذاری توسعه ممتاز مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ ثبت‌شده به شماره ۱۰۷۶۲ نزد سازمان بورس اوراق بهادار و به شماره ۲۹۰۵۱ نزد مرجع ثبت شرکت‌ها

گزارش عملکرد صندوق مورد تأیید قرار گرفت؛ گزارش حسابرس در خصوص اظهارنظر در مورد صورت‌های مالی قرائت گردید و به تصویب رسید؛ حساب سود و زیان و ترازنامه صندوق برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ به تصویب رسید؛ مؤسسه حسابرسی متین خردمند به عنوان حسابرس برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۲۹ با حق‌الزحمه ۱۴۰ میلیون ریال انتخاب گردید؛ روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار برای مدت یک سال انتخاب گردید؛ از واحدهای سرمایه‌گذاری ممتاز تحت تملک شرکت سرمایه‌گذاری سایپا (سهامی عام)، دو هزار واحد به شرکت کارگزاری مفید (سهامی خاص) منتقل شد؛

که مشروح جلسه در تارنمای صندوق به آدرس: http://momtazfund.com ارائه شده‌است.

مدیر صندوق سرمایه‌گذاری توسعه ممتاز:
شرکت کارگزاری مفید

شرکت نفت ایرانول
آگهی پرداخت سود سهام سال منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹

ایرانول
شرکت نفت ایرانول «سهامی عام»

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت نفت ایرانول می‌رساند که به موجب مصوبه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۰ برگزار گردید، پرداخت سود عملکرد سال ۱۳۹۴ به سهامداران محترم براساس برنامه زمان‌بندی ذیل صورت خواهد پذیرفت.

دارندگان سهام	زمان پرداخت
اشخاص حقیقی	از تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۶ با مراجعه به کلیه شعبه بانک ملت در سراسر کشور (با ارائه کارت ملی و کدبورس)
سود صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سبدگردانها	از تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۱ با درخواست کتبی و اعلام شماره حساب و شماره شبا
اشخاص حقوقی	طبق مفاد ماده ۲۴۰ اصلاحیه قانون تجارت به شرح ذیل اقدام می گردد: ۱ـ تا تعداد ۵میلیون سهم طی سه ماهه سوم ۱۳۹۵. ۲ـ بیش از ۵میلیون سهم طی سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۵ تا پایان مهلت قانونی. (اعلام شماره حساب و شماره شبا)

توسعه شهر بدون توجه به میراث فرهنگی امکان ندارد

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: منطقه ۳ شهر اصفهان در دل خود میراث فرهنگی مهمی دارد که اجرای پروژه‌های محله محور در این منطقه، به دلیل وجود این آثار، بسیار سخت‌تر از مناطق دیگر است.

شهردار اصفهان در آیین کلنگ زنی و آغاز عملیات اجرایی پروژه‌های منطقه ۳ شهر اصفهان با بیان این مطلب افزود: اجرای پروژه‌های محله محور در محلات شهر از اولویت‌های ما است که آن را آغاز کرده‌ایم.

دکتر جمالی نژاد با تاکید بر اینکه در مناطق یک و ۳ شهرداری این مهم به دلیل وجود معابر و ساختمان‌های تاریخی و به دلیل این‌که باید به مسائل میراثی توجه شود بسیار سخت‌تر از مناطق دیگر است، یادآور شد: در کمتر از ۴ ماه سالن کشتی در این محله را به بهره‌برداری خواهیم رساند که ساخت این سالن می‌تواند در احیای این رشته ورزشی در استان موثر باشد.

او با بیان این‌که پروژه‌هایی در این منطقه کلید می‌خورد که می‌شود تا پایان سال به سرعت آن را به بهره‌برداری رساند، یادآور شد: با اجرای این پروژه‌ها، بافت فرسوده شهر اصفهان نوسازی خواهد شد و این محله‌ها جان تازه‌ای می‌گیرند.

در این آیین عملیات اجرایی پروژه‌هایی همچون ادامه خیابان فرشادی حدفاصل خیابان باغ گلدسته تا خیابان استانداری، پارکینگ زیر سطحی خیابان فرشادی به ظرفیت ۴۰۰ خودرو، ساخت سالن کشتی در خیابان کمال و مجاورت زورخانه مولا علی(ع) و خیابان کمر زرین حدفاصل خیابان کمال تا میدان امام علی(ع) آغاز شد.

کمبود ۲۲۰ کلاس درس در سبزوار

سبزوار ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر آموزش و پرورش سبزوار از کمبود ۲۲۰ کلاس درس در این شهرستان خبر داد مرتضی بینش گفت: متأسفانه۲۵درصد از مدارس شهرستان سبزوار دو نوبته هستند که در استاندارد کشوری میزان دو نوبته بودن مدارس ۱۰درصد است و برای رسدن به این استاندارد و یک نوبته شدن مدارس شهرستان، نیاز جدی به ساخت مدرسه داریم.

وی با بیان این که شرایط مدارس دو نوبته برکاهش کیفیت آموزشی تاثیر منفی می‌گذارد افزود: این موضوع خط قرمز نظام آموزشی کشور است.

ساخت کارخانه MDF در بندر امیر آباد

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: ساخت کارخانه MDF در بندر امیرآباد به زودی آغاز می‌شود.

مدیر بنادر و دریانوردی و منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد با اعلام این خبر، گفت این کارخانه در فاز اول با سرمایه‌گذاری بیش از ۲۳۰۰ میلیارد ریال و ظرفیت سالانه ۳۰۰ هزار مترمکعب MDF ، در بندر امیرآباد ساخته می‌شود.

خدمتگزار با اشاره به اینکه، با بهره برداری این کارخانه برای ۳۰۰ نفر به طور مستقیم شغل ایجاد می شود افزود: در این راستا، میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در بندرامیرآباد با افزایش چشمگیری به بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال خواهد رسید.

وی همچنین به شعار «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» در سال ۹۵، اشاره و بر تحقق این امر با تکیه بر اجرای درست اصل ۴۴ قانون اساسی برای جذب سرمایه گذاران بخش خصوصی و پویایی اقتصاد منطقه، تأکید کرد. منطقه ویژه اقتصادی بندر امیرآباد با قابلیت‌هایی از قبیل اتصال به شبکه ریلی سراسری، حمل و نقل چندوجهی، دارا بودن اراضی پشتیبانی ۱۰۶۰ هکتاری و برخورداری از مزایای منطقه ویژه اقتصادی، به طور مستمر مورد توجه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی قرار گرفته است.

یک واحد نانوایی در نایین پلمب شد

نایین ـ خبرنگار اطلاعات: مسئول واحد بهداشت محیط شهرستان نایین گفت: یک واحد نانوایی به علت استفاده مکرر از جوش‌شیرین با هماهنگی ارگان‌های مربوطه پلمب شد.

مهندس سید علیرضا پورعابدی گفت: با نانوایی‌هایی که از جوش‌شیرین در عمل‌آوری نان استفاده می‌کنند به شدت برخورد خواهد شد.وی افزود: در بازرسی مشترک انجام یافته از این واحد نانوایی و نمونه‌گیری از سوی نماینده بهداشت و بررسی موضوع، مشخص شد که این نانوایی از ماده ممنوعه جوش‌شیرین در تولیدات خود استفاده می‌کند.

پورعابدی از شهروندان خواست در صورت مشاهده هرگونه تخلف اعم از کیفیت نان، کم‌فروشی و گران‌فروشی مراتب را از طریق شماره تلفن ۱۲۴ اطلاع دهند.

اسیدپاشی بر روی برجام و اقتصاد مانع پیشرفت کشور می‌شود

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: ساختمان جدید دانشگاه فرهنگیان در آیینی با حضور استاندار سیستان و بلوچستان در زاهدان به بهره‌برداری رسید.

مهندس علی اوسط هاشمی در این آیین در جمع هیات امنای دانشگاه فرهنگیان سیستان و بلوچستان گفت: اسیدپاشی بر روی برجام و اقتصاد، سبب از بین رفتن آرامش حاصل از این دستاورد ملی شده و مانع پیشرفت کشور می‌شود.

وی گفت: دولت یازدهم در حال ترمیم شرایط قبلی است و منتقدان نیز باید واقعیت‌ها را شناخته و به عاقبت مخالفت با قرارگیری در مسیر جهانی بیاندیشند. به گفته استاندار سیستان و بلوچستان هم اینک ایران در عرصه جهانی بسیار مطرح شده است و در صورتی که مخالفان به دولت اجازه دهند، می‌تواند نقش پررنگ خود را درجهان به خوبی نشان دهد.

وی افزود: رساندن تورم ۴۰درصد به ۱۰/۵درصد و نیز برنامه ریزی برای تک رقمی کردن آن در آینده؛ کار بسیار بزرگ و قابل توجهی است که دولت تدبیر و امید آن را به خوبی انجام می‌دهد.

وی اعلام کرد: آمار استخدامی‌ها در ۱۰ سال قبل از دولت یازدهم در سطح۲۰ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر ثابت بود در حالی که دولت یازدهم توانست در مدت زمان کوتاه حضور خود آمار کل استخدامی‌ها را تا ۲۲ میلیون نفر افزایش دهد.

اوسط هاشمی تاکید کرد: دانشگاه فرهنگیان متولی اصلی آموزش معلمان در جامعه است و باید به آن توجه ویژه‌ای داشت.

به گفته وی دیگر دانشگاه های سیستان و بلوچستان باید خود را با این دانشگاه هماهنگ کنند و براساس نیازهای جامعه به دانشجویان آموزش دهند.

او با تاکید بر ضرورت هم‌افزایی دانشگاه‌های استان و دانشگاه فرهنگیان، افزود: دانشگاه‌های استان باید دانشجویان خود را به گونه‌ای آموزش دهند که خروجی آنها بتواند کمبودهای معلم را پس از گذراندن دوره در دانشگاه فرهنگیان، جبران کند.

استاندار سیستان و بلوچستان با اشاره به این که مهمترین سرمایه دانشگاه فرهنگیان نیروی انسانی است،گفت: پرداختن به لوکس سازی و ایجاد فضاهای مختلف نمی‌تواند سبب ارتقای آموزش در استان شود بلکه تربیت نیروی کارآمد می‌تواند این هدف را میسر سازد.

وی یادآور شد: استفاده مطلوب از نیروی انسانی در ۲ سال اخیر سبب جذب ۷۲ هزار کودک بازمانده از تحصیل بین سنین ۶ تا ۹ سال در سیستان و بلوچستان شده است.

استاندار سیستان و بلوچستان در ادامه افزود: با توجه به بار سنگین پرداخت حقوق کارمندان و نیز بار مضاعف پرداخت یارانه نقدی که در مجموع بسیار بیشتر از بودجه عمرانی استان است، باید از فضاهای خالی دیگر ارگان‌های دولتی به ویژه دانشگاه‌ها برای ایجاد فضای آموشی استفاده کرد.

اوسط هاشمی با تاکید بر لزوم رعایت عدالت آموزشی، گفت: عدالت آموزشی باید سرلوحه کار قرار گیرد و به مناطق محروم شهرهای استان توجه بیشتری شود.

اختصاص ۱۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای تکمیل جاده یزد ـ بافق

بافق ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای تکمیل بزرگراه یزد ـ بافق اختصاص یافت.

سیدمهدی طلایی مقدم فرماندار بافق در حاشیه بازدید از این محور با بیان این‌که ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای پایان کار این پروژه نیاز است، افزود: بیش از ۳۳درصد این مبلغ تخصیص داده شده است و امیدواریم این بزرگراه تا پایان امسال به بهره‌برداری برسد.

او گفت: پروژه دوبانده شدن محور یزد ـ بافق یکی از مهمترین پروژه‌های استان یزد است و مردم شهرستان انتظاراتی در زمینه توجه به شهرستان خود و این جاده دارند.

طلائی مقدم به اقدام‌های دو سال اخیر دولت برای اجرای ۴۲کیلومتر باقی مانده از این پروژه اشاره کرد و افزود: به‌رغم مشکلات مالی و اعتباری که برای دولت وجود داشت این پروژه آغاز و بدون وقفه شروع به فعالیت کرد.

وی اظهار داشت: خوشبختانه این بزرگراه مصوبه سفر مقام معظم رهبری است و در سفر اخیر رئیس‌جمهوری به استان یزد با حمایت استانداری مورد تصویب هیات دولت قرار گرفت که اخیراً اعتبار و ردیف اعتبار ملی آن نیز توسط دولت ابلاغ شده است.

طلایی‌مقدم با اشاره به این‌که ۱۴۳ دهنه پل و ابنیه فنی این قطعه بجز پل رودخانه شور آماده است، گفت: عملیات زیرسازی ۵ کیلومتر ابتدایی این پروژه به پایان رسیده و با اعلام آمادگی پیمانکار، عملیات آسفالت آن در هفته جاری شروع می‌شود.

وی اضافه کرد: ادامه مسیر به روش جدید (تثبیت لایه‌های خاکریز و روسازی راه) توسط دو پیمانکار در حال انجام است که روند عملیات اجرایی را تسریع می‌کند تا برای روکش آسفالت آماده شود.

فرماندار بافق در پایان به تلفات جاده‌ای این محور اشاره کرد و افزود: از ابتدای امسال شاهد تصادفات زیادی در محور بافق ـ یزد بودیم که منجر به فوت ۶ نفر از هموطنان شد.

طلایی مقدم ادامه داد: انتظار داریم با توجه به اولویت اول استان و شهرستان و پیگیری‌های انجام شده، قطعه پایانی این بزرگراه تا پایان امسال تکمیل شود.

پروژه دوبانده سازی جاده یزد ـ بافق به مسافت ۱۱۰ کیلومتر یکی از مصوبات دولت پیشین است که در سفر پر خیز و برکت مقام معظم رهبری به یزد مورد تاکید قرار گرفت و اجرایی شد.

این پروژه در دو مرحله به طول نزدیک به ۶۰ کیلومتر اجرا شده و تردد آن در جریان دارد و فاز سوم و نهایی آن نیز در دست اجرا است.

شرکت سنگ‌آهن تاکنون مبلغ ۱۵۰ میلیارد ریال در قالب میلگرد برای ساخت ابنیه فنی به پروژه این جاده کمک کرده است.

علاوه بر این، قطعه پنج کیلومتر انتهای جاده واقع در ابتدای شهر بافق توسط شرکت مذکور زیرسازی و آماده آسفالت‌شده که پیمانکار مربوطه قرار است به زودی آسفالت این قطعه را آغاز کند.

کمبود زیرساخت‌ها، مانع بزرگ صادرات کالای استان همدان به روسیه

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان همدان که از سهم ۲۶ درصدی حوزه کشاورزی در اشتغال استان خبر می‌داد، کمبود زیرساخت‌های گلخانه‌ای را یکی از مشکلات حوزه صادرات اعلام کرد که به رغم درخواست روسیه برای عرضه محصولات گلخانه‌ای همدان هنوز نتوانسته است وارد اجرایی شدن این خواسته شود.

منصور رضوانی جلال که در جمع اصحاب رسانه سخن می‌گفت، با اشاره به این‌که پارسال با کاهش ۱۹ درصدی بارش و انسداد چاه‌های غیرمجاز شاهد افزایش ۵ درصدی تولیدات بخش کشاورزی بودیم، افزود: بخش کشاورزی کشور رتبه نخست را در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به خود اختصاص داده است.

وی اظهار داشت: ۵/۵ درصد از تولیدکنندگان برتر کشور در همدان فعالیت می‌کنند و این حوزه ۲۶ درصد از اشتغال استان را به خود اختصاص داده است.

وی با تأکید بر این‌که در اقتصاد مقاومتی باید جهشی ملموس انجام پذیرد، گفت: افزایش بهره‌وری یکی از برنامه‌های این نهاد است، باید کشاورزی را اقتصادی کرد تا توان رقابت در بازارهای جهانی حاصل شود.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی همدان افزود: تولید بسیاری از محصولات پرآب در همدان به سوی مکانیزه شدن حرکت می‌کند، در همدان تولید هندوانه غرقابی نداریم، هم‌اکنون توانسته‌ایم با اجرای طرح‌های تبدیل آبیاری سنتی به بارانی ۵۰ میلیون مترمکعب صرفه‌جویی در مصرف آب در این حوزه داشته باشیم.

او با اشاره به این‌که ۳۷ واحد که دارای مشکلاتی در فعالیت بودند به ستاد تسهیل سرمایه‌گذاری استان معرفی شدند که اعتبارات به برخی پرداخت شده و به عده‌ای در حال پرداخت است، گفت: سطح زیر کشت سیب‌زمینی در همدان ۴۰۰۰ هکتار کاهش یافته است.

وی با اشاره به کاهش ۴۰۰۰ هکتاری سطح زیر کشت سیب‌زمینی در همدان، گفت: ۶۴ پروژه در هفته جهاد کشاورزی در همدان با مبلغ ۲۹۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری به بهره‌برداری می‌رسد.

مسئول امور اراضی سازمان جهاد کشاورزی همدان نیز در این نشست از قلع و قمع ۹۰ واحد ساختمانی غیرمجاز در باغات همدان در سال‌های اخیر خبر داد و از در دست بودن حکم تخریب ۲۱۰ واحد دیگر برای تخریب خبر داد که به گفته وی به رغم همه توصیه‌ها مماشاتی در زمینه اجرای آن انجام نمی‌پذیرد.

خریداری دستگاه همودیالیز توسط خیر سلامت

کاشان ـ خبرنگاراطلاعات: مسئول بخش همودیالیز بیمارستان شهید بهشتی کاشان، از خرید دستگاه CRRT توسط خیر سلامت در بیمارستان شهید بهشتی کاشان خبر داد. سیما پاک‌منش اظهار داشت: این دستگاه برای بیماران نارسایی کلیوی بستری در بخش‌های ویژه این بیمارستان با هزینه ۲ میلیارد ریال خریداری شده است.وی گفت: بیماران نیازمند همودیالیز در بخش‌های ویژه دچار اختلالات قلبی ـ عروقی، تنفسی مشکلات Sepsis (عفونت خون) و آریتمی (نوار قلب) و تغییرات همودینامیک (علائم حیاتی) می‌شوند که دیالیز آنان به طور متناوب با مخاطراتی از جمله آریتمی و هیپوتانسیون (کاهش فشار خون) روبروست و از سوی دیگر انتقال این بیماران به بخش همو دیالیز خالی از خطر نیست در چنین وضعی استفاده از درمان طولانی مدت و آهسته همودیالیز برای این بیماران موثر است.

مسئول بخش همودیالیز بیمارستان شهید بهشتی کاشان افزود: بنابراین با استفاده از دستگاه CRRT می‌توان از بسیاری از عوارض همو دیالیز متناوب پیشگیری کرد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

ادامه از صفحه۱۳

سازمان بازرسی کل کشور جلو هدر رفت منابع ارزی را بگیرد

در حال حاضر، به هر ایرانی که به خارج از کشور سفر می‌کند ۳۰۰ دلار ارز دولتی می‌دهند این به آن معنا است که هر مسافر ایرانی بابت سفر خود به خارج، از دولت یارانه دریافت می‌کند.

در هیچ کجای دنیا چنین چیزی وجود ندارد. از سازمان بازرسی کل کشور درخواست می‌کنم در این موضوع ورود کند و جلو هدر رفت منابع ارزی کشور را بگیرد .

علیرضا احمدی از تهران

افغانستانی‌ها را به کشورشان برگردانند

شغلم بنایی است وقتی با مشکلات فراوان یک کاری پیدا می‌کنم و قرارداد می‌بندم ۲ نفر افغانستانی می‌آیند با زیر قیمت شغل ما را از ما می‌گیرند.

زمانی در افغانستان جنگ بود در آن زمان حضور افغانستانی‌ها در کشور اشکالی نداشت اما اکنون که در آنجا جنگ نیست از مسئولان درخواست می‌کنم آنان را به کشورشان برگردانند تا ما در کشور خودمان شغل داشته باشیم.

تلفن به خط ارتباطی

خدمات دندانپزشکی را تحت پوشش بیمه قرار دهند

از دولت محترم درخواست می‌کنم به دلیل هزینه‌های زیاد دندانپزشکی، خدمات دندانپزشکی را تحت پوشش بیمه سلامت قرار دهد.

شهروندی از رشت

مفسدتر از فاسد

در خبرها آمده بود ۱۷ پرونده فساد گم شد به نظر من کسانی که در جریان فساد بودند و نظاره‌گر آن بودند ولی حرفی نزدند، مفسدتر از افرادی بودند که اقدام به فساد می‌کردند.

محمدتقی حاجی

تشکر از آقای احمد جلالی

از مقاله جناب آقای احمد جلالی درباره ربنای آقای شجریان تشکر می‌کنم. مقاله‌ای پرمعنا بود و نثری بسیار زیبا داشت چندین بار آن را خواندم و هربار از خواندن آن بیشتر لذت بردم.

تلفن به خط ارتباطی

تمامی مسئولان کشور دارای مدرک تحصیلی دکترا هستند

در کشورما، تقریباً تمامی مسئولان در قوای مجریه، مقننه و قضائیه، فرمانداران و ... دارای مدرک تحصیلی دکترا هستند می‌خواستم بپرسم چرا آقایان دکتر تاکنون نتوانسته‌اند مشکل اقتصاد مملکت را حل کنند؟

به نظر من بسیاری یا مدرک تحصیلی دکترا را خریداری کرده‌اند یا سواد کافی ندارند و یا کار انجام نمی‌دهند.

سیدیوسف موسوی از تبریز

شهرداری در جوی‌ها مرگ موش بریزد

شهرداری در خیابان شریعتی،صدها تابلو نقاشی از هنرمندان اروپایی بر تابلوهای تبلیغاتی نصب کرده است به نظر من دانستن نام اثر و محل نگهداری آن به درد مردم نمی‌خورد.

از شهرداری درخواست می‌کنم به جای هزینه‌کردن برای این تابلوها، مقداری مرگ موش بخرد و در جوی‌های این خیابان بریزد که مردم و کسبه از آن در عذابند.

خواننده اطلاعات

خیابانی به نام «محمدعلی کلی» نامگذاری کنند

پیشنهاد می‌کنم نام بلوار فرهنگ در منطقه سعادت‌آباد را که نام تکراری است و خیابانی در یوسف‌آباد نیز به همین نام است به نام «محمدعلی کلی» تغییر دهند به دلیل محبوبیت ایشان و اینکه مسلمان بوده و بزرگترین قهرمان قرن بیستم شناخته شده است تا لااقل از این طریق به این مرد بزرگ احترام گذاشته شود.

تلفن به خط ارتباطی

کارت ماشین سواری پراید به رنگ نقره‌ای متالیک شماره موتور ۱۹۳۱ ۴۸۴ ۴۸۴ پلاک ۷۳۶ ل ۱۱ ایران ۸۸ به نام نیلوفر تابنده ساروی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه اشتغال به مهندسی به شماره ۱۸۰-۰۰-۳۰۰-۱۳ به نام کریم احمدیلر به کدملی ۱۳۷۹۷۶۲۳۱۶ نام پدر صفرعلی شماره شناسنامه ۱۱۹۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت کامیون آیفا به شماره انتظامی ۱۵۸ ع ۵۳ ایران ۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پروانه وکالت به شماره ۱۴۷۵۹ به نام زینب بگماز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت وانت نیسان به شماره انتظامی ۳۵۶ ی ۳۲ ایران ۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز کامیون داف کمپرسی مدل ۱۳۷۵ انتظامی ۵۶ ع ۴۱۳ ایران ۴۶ موتور ۱۳۵۸۷۶ شاسی D۰۳۰۵۲۹ مفقود فاقد اعتبار است. شلمان

شناسنامه ماشین (مالکیت) سواری جک ۵J گیربکس معمولی مدل ۹۳ به رنگ سفید شماره پلاک ۱۷۷ و ۷۵ ایران ۸۸ شماره شناسایی (شاسی) NAKNG۷۲۱۰EB۱۰۸۹۲۴ شماره موتور HFC۴GB۲۳CE۳۴۳۱۲۱۷ به نام فرساد صداقتی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه) وانت پیکان ۱۶۰۰i مدل ۱۳۹۲ رنگ سفید شیری-روغنی شماره پلاک ۵۶-۸۹۴ ب ۱۲ شماره شاسی NAAA۳۶AA۶DG۶۰۱۸۸۳ شماره موتور ۱۱۴F۰۰۳۹۴۳۳ متعلق به اینجانب ایرج قربانی‌پور فاراب نام پدر عسگر کدملی ۵۶۶۹۲۴۱۱۱۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه ساختمانی شمارهٔ ۱۰۷۵۴ تاریخ صدور ۱۳۸۷/۱۰/۱ به نام اینجانب ستاره سعیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (چمستان)

پروانه ساخت به شماره ۴۹/۱۳۰۵۲ مربوط به کارخانه ماست موسیر چکیده پرچب با نام تجاری ترسکا مفقود گردیده، از درجه اعتبار ساقط است. در صورت پیدا شدن با شماره تماس حاصل نمائید. ۰۱۱۳۴۵۳۴۷۶۲ ۰۱۱۳۳۰۴۴۴۳۹ ۰۱۱۳۴۶۴۴۵۰۱

برگ سبز (سند مالکیت) خودرو وانت پیکان تیپ OHV۱۶۰۰ به شماره پلاک ۵۳-۵۴۵ ج ۸۶ به شماره موتور ۱۱۴۹۰۰۸۶۸۴۱ به شماره شاسی NAAA۴۶AA۰CG۳۲۲۴۵۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اصفهان

کارت هوشمند ماشین به شماره ۴۱۳۶۱۷۷ مربوط به خودرو کامیون باری چوبی بنز مدل ۱۳۴۸ به شماره پلاک ۱۷-۴۱۵ ع ۵۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه ـ حمید خوش‌نیت

پروانه فنی داروخانه اینجانب دکتر محمدباقر متولی‌زاده اردکانی به شماره ۲۱۹۴۸۱۹-۹۲/۲/۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) (سواری پراید) سایپا تیپ TL۱۳۱ به شماره پلاک ۶۸۹ هـ ۴۳ ایران ۴۳ بنام سکینه بهرامی‌ریزی مفقود شده اعتبار ندارد. زرین‌شهر

برگ سبز و کارت موتور آپاچی مدل ۹۲ به شماره شهربانی ۵۷۵۲۲ ایران ۱۲۳ به شماره شاسی ۹۲۱۰۶۲۰ و شماره موتور ۲۱۹۰۴۹۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک فارغ التحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب لاله اژدری فرزند شاپور به شماره شناسنامه ۲۸۸۰ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته دبیری تربیت بدنی و علوم ورزشی از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد کرج مفقود گردیده است و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به آدرس: رجائی‌شهر ـ خیابان ۱۳ رجائی‌شهر ارسال نماید.

... شماره موتور ۱E۹۳۰۷۲۳۸ و شماره شاسی ۲G۱۱۷۵S۳۷E۹۳۰۷۲۳۸ به نام فریده چاخرلو مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. هادی‌شهر

... موتور: ۳۷۷۵۲۹۵ شماره شاسی: S۵۴۳۰۰۸۹۰۳۵۴۷۹ به نام اسمعیل موسوی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

... می‌نمایم پروانه تاسیس آزمایشگاه تشخیص طبی آسیب‌شناسی و ژنتیک پزشکی بهار به شماره ۱۷۰۱/۶/۱۰/۲۵/پ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت شناسایی نیسان پاترول مدل ۱۳۷۶ به شماره پلاک ۷۲-۶۸۸ ق ۸۱ و شماره موتور P۰۲۴۳۰۶Z و شماره شاسی PNV۳۵P۵۲۲۸۲۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است. (ساری)

اصل پروانه بهره‌برداری کارخانه شالیکوبی به‌نام اسدالله دهقان به‌شماره ۲۱۷۹-۷۲/۲/۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. آمل

اصل مجوز فصلنامه‌ی علمی -پژوهشی journal of seismology and Earthquake Engineerin به شماره ۲۵۰۴/۱۲۴ صادره در مورخه ۱۳۷۴/۰۵/۲۵ متعلق به پژوهشگاه بین‌المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز، برگ کمپانی و بنچاق سواری تویوتا یاریس به‌نام فرشته آیت اللهی بشماره شاسی JTDBW۹۲۳۹۸۱۱۳۴۴۶۵ و شماره موتور ۲NZ۵۱۴۵۷۳۴ و شماره پلاک ۷۸۴ د ۹۲ ایران ۵۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

اینجانب سهراب تبریزیان مالک خودرو وانت ... ۲۷۴ و ۴۲ ایران ۲۲ شماره موتور E۹۹۲۶۶۰ ... NAGAPX۲PC۱۸D۰۳۲۸۱ مدل ... اعلام می‌دارم به علت فقدان سند مالکیت خود... سند مذکور را نموده‌ام لذا چنانچه شخصی ... در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز ... در دست داشتن مدارک کافی به سازمان ... کیلومتر ۱۳ جاده مخصوص کرج مراجعه نماید.

جذب ۴۳۱ میلیون دلار سرمایه گذاری خارجی در خراسان رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: ۴۳۱ میلیون دلار سرمایه گذاری خارجی از پارسال تاکنون برای اجرای پروژه‌های عمرانی در استان خراسان رضوی جذب شده است.

استاندار خراسان رضوی در جلسه شورای اداری استان که با حضور تولیت آستان قدس رضوی برگزار شد، افزود: همچنین پارسال برای ۴ طرح صنعتی ۲۹۳ میلیون دلار از محل اعتبارات صندوق توسعه ملی و برای پروژه‌های فولادی استان ۲۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری شد.

علی رضا رشیدیان با اشاره به افزایش تولید و ذخایر گندم در سیلوهای خراسان رضوی، گفت: تولید گندم به مرحله فوق خودکفایی دست می‌یابد.

وی همچنین رشد نرخ بیکاری در خراسان رضوی را نگران کننده دانست و تاکید کرد: در سال اقتصاد مقاومتی باید ظرفیت سازی برای حضور مردم در عرصه اقتصادی فراهم شود تا بتوان به حل مشکلات مردم و حوزه اقتصاد کشور دست یافت.

به گفته استاندار خراسان رضوی فعالیت‌ها در راستای پیاده سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باید بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی، توسعه اشتغال و صادرات و افزایش واحدهای تولیدی دانش بنیان متمرکز شود و تمامی قشرهای مردم در این زمینه باید همیار و همراه دولت باشند.

رشیدیان با اشاره به این‌که در خراسان رضوی فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه عمرانی در حال انجام است، افزود: برای تکمیل پروژه‌های نیمه تمام به ۲۰ هزار میلیارد ریال بودجه نیاز است.

وی خشکسالی، مشکل تامین آب و توسعه بهره وری در این حوزه، توسعه راه‌ها و خطوط ریلی و کمبود بیمارستان در مناطق محروم را از مهمترین مسائل استان خراسان رضوی برشمرد.

در این نشست حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی گفت: انتظار مقام معظم رهبری از مسئولان خراسان رضوی یک حرکت انقلابی برای استان و مشهدالرضا(ع) به عنوان میزبانان میهمانان عالیقدر حضرت ثامن‌الحجج(ع) است.

عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان رهبری تأکید کرد: در فرمایشات رهبر معظم انقلاب با کارگزاران نظام دو نکته راهبردی وجود داشت که یکی تلاش برای افزایش توانمندی‌های ملت بزرگ ایران، دیگری شناسایی اولویت‌ها بود؛ بر این اساس باید ببینیم برای استان خراسان رضوی چه اولویت‌هایی وجود دارد.

وی با اشاره به این که یکی از اولویت‌های انکارناپذیر، زائران و خدمت رسانی به آنان است، افزود: در نگاه برنامه‌ریزی استان، اقدام‌ها باید با نگاه به این اولویت تنظیم شود؛ یعنی معلوم شود مدیرانی که در حوزه‌های مختلف در برخورد با زائر تلاش می‌کنند، با نگاه به زائر چه وظایفی در فعل‌ها و ترک فعل‌ها دارند؛ خدمت‌رسانی به زائران از مبدأ تا مبدأ، مسئولیت همه را مضاعف می‌کند.

بنابه این گزارش شورای اداری خراسان رضوی با حضور نمایندگان مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر مشهد و نمایندگان احزاب و تشکل‌های سیاسی برگزار شد.

خسارت ۸۰۰ میلیارد ریالی سیل در آذربایجان شرقی

تبریز- خبرنگار اطلاعات: خسارات ناشی از سیل اخیر در ۵ شهرستان آذربایجان شرقی ۸۰۰ میلیارد ریال اعلام شد.

مدیر کل مدیریت بحران آذربایجان‌شرقی گفت: بارش‌های سیل آسای ۲۹ خرداد در آذربایجان‌شرقی، موجب جاری شدن سیل در مرند، مراغه، هشترود، تبریز و چهار شهر شهرستان شبستر شد.

خلیل ساعی با ابراز خوشبختی از این که سیل در شهرهای استان تلفات جانی نداشته است، گفت: برآورد اولیه خسارات این سیل به اماکن مسکونی، تجاری، محصولات کشاورزی، تاسیسات شهری و راه‌های روستایی ۸۰۰ میلیارد ریال است.

فرماندار شبستر نیز با اشاره به این‌که طی ۲ ساعت ۵۰ میلی‌متر باران در این شهرستان بارید، گفت: بارش شدید باران موجب جاری شدن سیل در چهار شهر شبستر، شندآباد، کوزه‌کنان و وایقان شد و متأسفانه خسارات سنگینی به بار آورد.سعید کاشانی افزود: در پی بارش شدید باران جاده شبستر- سلماس و ارومیه برای ساعتی مسدود شد و خسارات فراوان به باغ‌ها، احشام و کشتزارهای این شهرستان وارد آمد.

معاون مدیریت بحران استان آذربایجان‌شرقی نیز گفت: برابر گزارش‌های اولیه خسارت مالی سیل در شهرهای شندآباد، کوزه‌کنان و وایقان سنگین بوده است.

محمد هنربر از تشکیل ستاد بحران در شبستر خبر داد و گفت: نیروهای هلال‌احمر و دیگر نیروهای امدادی به کمک سیلزدگان شتافتند.

بارش شدید باران در تبریز

بارش سیل‌آسای باران همراه با تگرگ در یکشنبه گذشته تبریز را تبدیل به دریاچه کرد.با ورود ابر سیاه همراه با رعد و برق و وزش باد باران و تگرگ تبریز را فراگرفت و در عرض نیم ساعت تبریز سفیدپوش و به شبه دریاچه تبدیل شد.بارش سنگین باران و تگرگ به حدی بود که تمامی خودروها از تردد در خیابان بازماندند و زیرگذرهای تبریز پر آب شد و ترافیک سنگینی در خیابان‌های این کلانشهر حکمفرما شد.

به دنبال بارش شدید باران و تگرگ در تبریز و جاری شدن سیلاب در خیابان‌ها و زیرگذرها و معابر بسیجیان و ارتشیان در کنار دیگر نیروهای امدادرسانی به کمک مردم آمدند.

بنا به این گزارش تیم‌های امدادی جمعیت هلال احمر استان با حضور در سطح شهر در کنار دیگر نیروهای امدادی مشغول تخلیه آب از معابر و زیرگذرها شدند.

ثبت جهانی تابلو فرش سردرود

* تابلو فرش سردرود در سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) به ثبت رسید.

رئیس اداره فرش سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان‌شرقی گفت: به همت مرکز ملی فرش ایران همزمان با ۱۴ منطقه جغرافیایی کشور مراحل ثبت جهانی مالکیت فکری تابلو فرش سردرود به پایان رسید.

جعفر موذن افزود: نشانه جغرافیایی، نشانه‌ای است که مبدا کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه‌ای از کشور منتسب می‌سازد، مشروط بر این‌که کیفیت و مرغوبیت، شهرت یا دیگر ویژگی‌های کالا قابل انتساب به مبدا جغرافیایی آن باشد.

وی یادآور شد: با ثبت جهانی نشان جغرافیایی فرش دستباف مناطق ایلام، سنقر و کلیایی کرمانشاه، کردی خراسان شمالی، لرستان، تابلو فرش سردرود، ترکمن جرگلان و بجنورد، سیستان و بلوچستان، ورامین، چهارمحال و بختیاری، قشقایی فارس، گبه فارس و اردکان، قهرستان و مود بیرجند در سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)، این کالای هنری در کشورهای عضو معاهده لیسبون برای ثبت و حمایت معرفی شد.

گفتنی است؛ پیش از این نیز ۱۵ منطقه جغرافیایی دیگر فرش دستباف ایران به ثبت جهانی رسیده است.

واگذاری طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی نیمه تمام به بخش غیر دولتی

یزد ـ خبرنگار اطلاعات:۲۰۹ پروژه نیمه‌تمام استان یزد به بخش خصوصی واگذار می‌شود.

حمیدرضا نصیری‌زاده رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد با بیان مطلب بالا در جمع خبرنگاران افزود: اطلاعات لازم از این پروژه‌ها در سایت سازمان مدیریت استان یزد قرار گرفته و این پروژه‌ها از طریق مزایده آماده واگذاری به بخش خصوصی است و شرایط برای مشارکت همه فراهم شده است.

وی گفت: ۵۶ مورد از این پروژه‌ها مربوط به اداره کل ورزش و جوانان و شامل استخر و سالن ورزشی و ۵۰ پروژه مربوط به آموزش و پرورش است که شامل ساخت مدرسه جدید یا جایگزینی، تعمیر و نگهداری مدارس است.

او افزود: همه ۲۴ دستگاه استان یزد حداقل یک پروژه نیمه‌تمام با میزان پیشرفت‌های متفاوت دارند و برنامه‌ریزی ما این است تا پایان سال ۱۰۰ پروژه را به بخش خصوصی واگذار کنیم.

نصیری‌زاده در ادامه سخنانش با اشاره به پروژه‌های نیمه‌تمام استان یزد اظهار داشت: استان یزد در مجموع ۲۶۵ پروژه نیمه‌تمام با پیشرفت فیزیکی بالای ۸۰درصد دارد که اگر بخواهیم این پروژه‌ها را به ۱۰۰ درصد برسانیم به ۶۵۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز داریم و در عمل قادر به تامین اعتبار نیستیم.

او افزود: اگر واحد جدیدی وارد فاز ساخت شود، دولت به‌هیچ وجه امکان حمایت برای تکمیل ندارد و فقط در صورتی امکان ایجاد واحدهای جدید فراهم می‌شود که سرمایه‌گذار بخش خصوصی همه پروژه را با اعتبار و آورده خود تکمیل و بهره‌برداری کند.

وی همچنین از تشکیل کمیته پژوهش در این سازمان با هدف حمایت از پژوهش‌های کاربردی خبرداد و گفت: پارسال ۲۸۰عنوان طرح پژوهشی با فراخوان انجام گرفته، به این سازمان واصل و در ۲۲ جلسه کمیته پژوهش با دبیری مدیر آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان مورد بررسی قرار گرفت، این تعداد طرح توسط ۴۱ دستگاه اجرایی و ۱۴ شرکت خصوصی به سازمان ارسال شده بود.

او اظهار داشت: از این تعداد طرح پژوهشی، ۳۰ طرح اولویت‌دار شناخته شد، لذا ۱۶ طرح عقد قرارداد شده و ۶ طرح نیز در مرحله تکمیل مدارک قرار دارد.

نصیری‌زاده، مجموع ارزش ریالی قراردادهای پژوهشی را ۸۶۰ میلیون تومان اعلام کرد.

وی در ادامه سخنانش از تدوین سند توسعه در برنامه ششم کشور خبرداد و افزود: یکی از ویژگی‌های خاص تدوین سند توسعه استان در برنامه ششم توسعه که مبنای تهیه برنامه عملیاتی استان خواهد بود، ارتباط کامل با اسناد ملی توسعه بخش و فرابخش است که نقطه عطفی در فرآیند تهیه برنامه‌های توسعه استانی به شمار می‌رود.

او گفت: استان یزد با فرصت‌ها، تهدیدات، نقاط ضعف و قوت قابل ملاحظه‌ای روبروست که لازم است در تدوین سند به این موارد توجه کافی شود.

محور گردشگری سردابه ـ قوتورسویی بهسازی می‌شود

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: بهسازی محور گردشگری سردابه ـ قوتورسویی باعث می‌شود تا خطرات و آسیب‌های رانندگی در این مسیر به حداقل رسیده و امکان بهره‌مندی هموطنان از فضای گردشگری این مسیر فراهم آید.

جواد زنجانی فرماندار اردبیل در نشست بررسی مشکلات راه‌ها و حمل و نقل روستایی در اردبیل اظهار داشت: مسیر هشت کیلومتری سردابه ـ قوتورسویی که از مسیرهای صعب‌العبور و در عین حال گردشگری است باید مرمت، بهسازی و آسفالت شود تا امکان تردد راحت و سهل در این مسیر فراهم آید.

فرماندار اردبیل گفت: با توجه به آغاز فصل تابستان و حضور گردشگران در مناطق مختلف ضرورت دارد مناسب‌سازی، آسفالت و لکه‌گیری مسیرهای گردشگری شهرستان اردبیل بیش از گذشته مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد.

زنجانی استقرار عوامل پلیس را در این مسیرها با هدف به حداقل رساندن تصادفات فوتی و جرحی یادآور شد و افزود: در این زمینه ساماندهی خودروهای مسافربر و تدارک ایستگاه‌های سوار و پیاده کردن هموطنان بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

وی همچنین به پروژه‌های زیربنایی و تحول‌آفرین در شورابیل و ضرورت تکمیل و ایجاد این پروژه‌ها اشاره کرد و گفت: باید نگین گردشگری اردبیل بستر و ظرفیت مناسبی را با هدف تقویت و توانمندسازی فعالیت‌های عمرانی به نفع رفاه و آسایش مردم و گردشگران فراهم آورد.

زنجانی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: فعالیت‌های خوبی در یک سال اخیر در بخش زیربنایی عمران و آبادانی انجام شده است که انتظار می‌رود این برنامه‌ها و هدف گذاری‌ها به‌شکل صحیح و درست اتفاق بیفتد و زمینه جذب گردشگران بیشماری را شاهد باشیم.

فرماندار اردبیل تعدد مجموعه‌های گردشگری شهرستان اردبیل را از زیبایی‌های منطقه هیر گرفته تا سردابه و مجموعه شورابیل تا نئور یادآور شد و گفت: ما به راحتی می‌توانیم در این مناطق زمینه ماندگاری و اسکان مسافران و گردشگران را در مدت زمان مناسب و با سرانه ۲ تا ۳ شبانه‌روز شاهد باشیم.

مدیران وزارت کار تهدیدها را به فرصت تبدیل کنند

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیران وزارت کار باید خارج از چارچوب‌های کلیشه‌ای اندیشیده و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنند.

این مطلب را جمشید تقی‌زاده معاون امور مجلس، حقوقی و استان‌های وزیرتعاون، کار و رفاه اجتماعی در آیین تودیع و معارفه مدیران جدید و قدیم این نهاد در استان همدان اعلام کرد و افزود: ایجاد و به روزرسانی بانک اطلاعات کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که دچار رکود و مشکلات مختلف هستند باید در دستور کار قرار گیرد.معاون امور مجلس، حقوقی و استان‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تأکید بر ارتقاء جایگاه و منزلت اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی همدان در بین تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان گفت: برنامه جامع کاربردی درباره حمایت از آسیب‌دیدگان در دستور کار قرار گیرد.

سرپرست معاونت اقتصادی استانداری همدان نیز در این مراسم گفت: باید به اقتصاد مقاومتی ایمان آورد و از سوی دیگر آن را تکلیف نظام برای خود دانست تا با جان در این زمینه عمل کنیم.در پایان مراسم از خدمات اقلامی با سابقه‌ترین مدیر دستگاه‌های اجرایی استان در دهه‌های اخیر در این نهاد قدردانی به عمل آمد و توصیفیان معاون مدیر کل اجتماعی وزارت کار جایگزین وی شد.

دیدار پرچمدار مسابقات پاراالمپیک برزیل با استاندار کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: پرچمدار هیات ورزشی ایرانی مسابقات پاراالمپیک برزیل گفت: تمام افتخارم این است که می‌توانم با حضور در ورزش حجابم را به دنیا معرفی کنم.

عشرت کردستانی کاپیتان والیبال نشسته تیم ملی بانوان کشور در دیدار با رزم‌حسینی استاندار کرمان، اظهار داشت: از ۲۱سهمیه پاراالمپیک کشور، ۷ نفر بانوان کرمانی هستند.

وی با اشاره به اینکه بانوان کرمانی در عرصه ورزش خوش درخشیدند، گفت: اگر زیرساخت‌های لازم برای بانوان ورزشکار در کرمان تامین شود به‌طور قطع بانوان موفق‌تر از آقایان در ورزش هستند.

پرچمدار هیأت ورزشی ایرانی مسابقات پاراالمپیک برزیل با بیان اینکه حضور ۲ ورزشکار کرمانی از بانوان آن هم به‌عنوان پرچمدار، افتخار بزرگی برای استان کرمان است، یادآورشد: این اتفاق در طول تاریخ استان کرمان تکرار نشدنی است و باید از آن برای توسعه ورزش بانوان استفاده شود.

کردستانی با اشاره به اینکه ورزش از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه پیشگیری می‌کند، گفت: تمام افتخارم این است که می‌توانم با حضور در ورزش حجابم را به دنیا معرفی کنم.

وی گفت: به گفته وزیر ورزش و جوانان، استان کرمان در عرصه ورزش در حال پیشتازی است و توقع مسئولان کشوری را برآورده کرده است.

پرچمدار هیأت ورزشی ایرانی مسابقات پاراالمپیک برزیل با قدردانی از حمایت‌های محمودی‌نیا مدیرکل ورزش و جوانان استان کرمان از ورزش معلولان و جانبازان، اظهار داشت: ورزشکاران معلول پرتلاش و کم‌توقع بوده و اگر به آنها توجه شود در مدال‌آفرینی برای استان و کشور موفق هستند.

عشرت کردستانی ورزشکار خانم جانباز ۵۰درصد از استان کرمان است که به تازگی به‌عنوان پرچمدار مسابقات پاراالمپیک برزیل انتخاب شده است.

ورود تور گردشگری خارجی «رالی ترانس» به آذربایجان غربی

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: اولین تور گردشگری رالی ترنس با عنوان (رالی پاریس ـ ایران ـ پکن) با هدف طبیعتگردی و شرکت در مسابقات رالی سافاری در مسیر جاده ابریشم از طریق مرز بازرگان وارد استان آذربایجان غربی شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان غربی، این گروه از گردشگران که ۶۸ نفر هستند از کشورهای فرانسه، پرتغال، بلژیک، اسپانیا و آلمان با اتومبیل‌های مخصوص مسابقات برای شرکت در مسابقات اتومبیلرانی عازم کشورمان شدند.

اولین مقصد این تور گردشگری، مجموعه تاریخی قره کلیسا بود و سپس با عبور از مسیرهای تاریخی و گردشگری استان وارد آذربایجان شرقی شده و پس از ۶ روز گشت و گذار و بازدید از جاذبه‌های تاریخی و طبیعی نقاط مختلف کشورمان، از طریق مرزهای شرقی خارج خواهند شد.

مجری این تور گردشگری یکی از موسسات فعال اتومبیلرانی و گردشگری داخلی است که تاکنون تورهای زیادی را با عنوان «رالی ترانس» اجرا کرده و در صدد است تا دوره‌های بعدی این تور را در شهریور سال جاری به مرحله اجرا بگذارد.

شهید چمران، شیر بیشه نبرد و عارف شب های تار

*** خبر زخمی شدن سردار پرافتخار اسلام در نزدیکی دروازه سوسنگرد، شور و هیجانی آمیخته با خشم ، اراده و شجاعت در یاران او و سایر رزمندگان افکند که بی‌محابا به پیش تاختند و شهر قهرمان و مظلوم سوسنگرد را از چنگال صدام نجات دادند**

۳۱ خرداد ماه، یادآور شهادت مردی با ابعاد گوناگون است، اسوه‌ای که جمع اضداد بود، از آهن و اشک، از شیر بیشه نبرد و عارف شب‌های قیرگون، از پدر یتیمان و دشمن سرسخت کافران.

سخن گفتن از شهید دکتر مصطفی چمران، این مرد عمل و نه مرد سخن، این نمونه کامل هجرت، جهاد و شهادت، این شاگرد مکتب علی(ع)، این مالک اشتر جنوب لبنان و حمزه کربلای خوزستان سخت و دشوار است. چرا که حتی نمی‌توان یکی از ابعاد وجودی او را آنگونه که بوده است، توصیف کرد و نباید انتظار داشت که بتوانیم تصویر کاملی در این مختصر از او ترسیم کنیم.

دکتر مصطفی چمران در سال ۱۳۱۱ در تهران، خیابان پانزده خرداد، بازار آهنگرها، سرپولک متولد شد.

او تحصیلات خود را در مدرسه «انتصاریه»، نزدیک پامنار تهران، آغاز کرد و در «دارالفنون» و «البرز» دوران متوسطه را گذراند. در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترومکانیک فارغ‌التحصیل شد و یک سال به تدریس در دانشکده فنی پرداخت.

شهید چمران در همه دوران تحصیل شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و پس از تحقیقات علمی در جمع معروف‌ترین دانشمندان جهان در دانشگاه کالیفرنیا و معتبرترین دانشگاه آمریکا –برکلی–با ممتازترین درجه علمی موفق به اخذ دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما شد.

فعالیت‌های اجتماعی

از پانزده سالگی در درس تفسیر قرآن مرحوم آیت‌الله طالقانی، در مسجد هدایت و درس فلسفه و منطق استاد شهید مرتضی مطهری و بعضی از استادان دیگر شرکت می‌کرد و از نخستین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در مبارزات سیاسی دوران دکتر مصدق از مجلس چهاردهم تا ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت و از عناصر پرتلاش در پاسداری از نهضت ملی ایران در کشمکش‌های مرگ و حیات آن دوره بود.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و سقوط حکومت دکتر مصدق، به نهضت مقاومت ملی ایران پیوست و سخت‌ترین مبارزه‌ها و مسئولیت‌های او علیه استبداد و استعمار شروع شد و تا زمان مهاجرت از ایران، بدون خستگی و با همه قدرت خود، علیه نظام طاغوتی شاه جنگید و خطرناک‌ترین مأموریت‌ها را در سخت‌ترین شرایط با پیروزی به انجام رساند.

در آمریکا، با همکاری بعضی از دوستانش، برای نخستین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه‌ریزی کرد و از مؤسسان انجمن دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا و از فعالان انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا به شمار می‌رفت که به دلیل این فعالیت‌ها، بورس تحصیلی شاگرد ممتازی وی از سوی رژیم شاه قطع می‌شود.

پس از قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ دست به اقدامی جسورانه و سرنوشت‌ساز زند و به همراه بعضی از دوستان مؤمن و هم‌فکر، رهسپار مصر شد و مدت دو سال و در زمان عبدالناصر، سخت‌ترین دوره‌های چریکی و جنگ‌های پارتیزانی را آموخت و به عنوان بهترین شاگرد این دوره شناخته شد و فوراً مسئولیت تعلیم چریکی مبارزان ایرانی به عهده او گذاشته شد.

به علت برخورداری از بینش عمیق مذهبی، از ملی‌گرایی ورای اسلام گریزان بود و وقتی در مصر مشاهده کرد که جریان ناسیونالیسم عربی سبب تفرقه مسلمانان می‌شود، به جمال عبدالناصر اعتراض کرد و ناصر با پذیرش این اعتراض گفت که جریان ناسیونالیسم عربی آنقدر قوی است که نمی‌توان به راحتی با آن مقابله کرد و با تأسف تأکید کرد که ما هنوز نمی‌دانیم که بیشتر این تحریکات از ناحیه دشمن و برای ایجاد تفرقه در بین مسلمانان است. به دنبال آن، به چمران و یارانش اجازه داد که در مصر نظرات خود را بیان کنند.

فعالیت در لبنان

بعد از وفات عبدالناصر، ایجاد پایگاه چریکی مستقل برای تعلیم مبارزان ایرانی، ضرورت پیدا کرد ، لذا دکتر چمران رهسپار لبنان شد تا چنین پایگاهی را تأسیس کند.

او به کمک امام موسی‌صدر، رهبر شیعیان لبنان، حرکت محرومان و سپس جناح نظامی آن، سازمان «امل» را براساس اصول و مبانی اسلامی پی‌ریزی کرد و در میان توطئه‌ها و دشمنی‌های چپ و راست، با تکیه بر ایمان به خدا و با سلاح شهادت، خط راستین اسلام انقلابی را پیاده کرد و علی‌گونه در معرکه‌های مرگ و حیات به آغوش گرداب خطر فرو رفت و در طوفان‌های سهمناک سرنوشت، حسین‌وار به استقبال شهادت تاخت و پرچم خونین تشیع را در برابر جبارترین ستمگران روزگار، صهیونیزم اشغالگر و همدستان خونخوار آنها، راست‌گرایان «فالانژ»، به اهتزاز درآورد و از قلب بیروت سوخته و خراب تا قله‌های بلند کوه‌های جبل و در مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی‌ها به یادگار گذاشت؛ در قلب محرومان و مستضعفان شیعه جای گرفت که شرح این مبارزات افتخارآمیز با قلمی سرخ و به شهادت خون پاک شهدای لبنان، بر کف خیابان‌های داغ و بر دامنه کوه‌های مرزی اسرائیل برای ابد ثبت شده است.

بازگشت به ایران

دکتر چمران با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، بعد از ۲۳ سال هجرت، به وطن بازگشت و همه تجربیات انقلابی و علمی خود را در خدمت انقلاب گذاشت.

خاموش و آرام ولی فعالانه و قاطعانه به سازندگی پرداخت و همه تلاش خود را صرف تربیت گروه‌های پاسداران انقلاب در سعدآباد کرد. سپس در جایگاه معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب شب و روز خود را به خطر انداخت تا سریع‌تر و قاطعانه‌تر مساله کردستان را پایان دهد تا این که بالاخره در ماجرای فراموش ناشدنی «پاوه»، قدرت ایمان و اراده آهنین و شجاعت و فداکاری او بر همگان ثابت شد.

رهایی کردستان۵ از چنگال دشمن

در آن شب مخوف پاوه، همه امیدها قطع شده بود و فقط چند پاسدار مجروح، خسته و دل‌شکسته در میان هزاران دشمن مسلح به محاصره افتاده بودند. اکثریت پاسداران قتل عام شده بودند و همه شهر و تمام پستی و بلندی‌ها به دست دشمن افتاده بود و موج نیروهای خونخوار دشمن لحظه به لحظه نزدیک‌تر می‌شد . باران گلوله می‌بارید و می‌رفت تا آخرین نقطه مقاومت هم در خون پاسداران غرق شود ولی دکتر چمران با شهامت، شجاعت و ایثارگری فراوان توانست این شب هولناک را با پیروزی به صبح امید متصل کند و جان پاسداران باقی‌مانده را نجات دهد و شهر مصیبت‌زده را از سقوط حتمی برهاند.

آنگاه که فرمان انقلابی امام خمینی(ره) صادر شد، فرماندهی کل قوا را به دست گرفت و به ارتش فرمان داد تا در ۲۴ ساعت خود را به پاوه برساند و فرماندهی منطقه نیز به عهده دکتر چمران واگذار شد.

رزمندگان از جان گذشته انقلاب، اعم از سرباز و پاسدار به حرکت درآمدند و همه تجارب انقلابی، ایمان، فداکاری، شجاعت،قدرت رهبری و برنامه‌ریزی دکتر چمران در اختیار نیروهای انقلاب قرار گرفت و عالی‌ترین مظاهر انقلابی و شکوهمندترین قهرمانی‌ها به وقوع پیوست و در مدت ۱۵ روز شهرها و راه‌ها و مواضع استراتژیک کردستان به تصرف نیروهای انقلاب اسلامی درآمد و کردستان از خطر حتمی نجات یافت و مردم مسلمان کرد با شادی به استقبال این پیروزی رفتند.

دکتر چمران بعد از این پیروزی بی‌نظیر به تهران احضار شد و از طرف امام‌خمینی(ره)، بنیانگذار انقلاب اسلامی به عنوان مقام عالی وزارت دفاع منصوب شد.

در پست جدید، برای تغییر و تحول ارتش از یک نظام طاغوتی به یک سلسله برنامه‌های وسیع بنیادی دست زد که پیاده کردن برنامه‌های اصلاحی از این قبیل است تا ارتشی به وجود آید که پاسدار انقلاب و امنیت استقلال کشور باشد و رسالت مقدس اسلامی ما را به سرمنزل مقصود برساند.

دکتر مصطفی چمران در نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد و تصمیم داشت در تدوین قوانین و نظام جدید انقلابی، به ویژه در ارتش، حداکثر سعی و تلاش خود را بکند تا ساختار گذشته ارتش به نظامی انقلابی و شایسته ارتش اسلامی تبدیل شود.

وی سپس به نمایندگی رهبر کبیر انقلاب اسلامی در شورای عالی دفاع منصوب شد و مأموریت یافت تا به طور مرتب گزارش کار ارتش را ارائه کند.

گروهی از رزمندگان داوطلب در خوزستان به گرد او جمع شدند و آن شهید با تربیت و سازماندهی آنان، ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز تشکیل داد. این گروه کم‌کم قوت گرفت و منسجم شد و خدمات زیادی انجام داد.

تنها کسانی که از نزدیک شاهد ماجراهای تلخ و شیرین، پیروزی‌ها و شکست‌ها، شهامت‌ها و شهادت‌ها و ایثارگری‌های آنان بودند به گوشه‌ای از این خدمات که دکتر چمران شخصاً مایل به تبلیغ و بازگویی آنها نبود، آگاهی دارند.

ایجاد واحد مهندسی فعال برای ستاد جنگ‌های نامنظم یکی از این برنامه‌ها بود که به کمک آن، جاده‌های نظامی به سرعت در نقاط مختلف ساخته شد و با نصب پمپ‌های آب در کنار رود کارون و ساخت یک کانال به طول حدود ۲۰ کیلومتر و عرض یک متر در مدتی حدود یک‌ماه، آب کارون را به طرف تانک‌های دشمن روانه کرد، به طوری که آنها مجبور شدند چند کیلومتر عقب‌نشینی کنند و سدی بزرگ مقابل خود بسازند و با این عمل فکر تسخیر اهواز را برای همیشه از سر به دور کنند.

یکی از کارهای مهم و اساسی او از همان روزهای اول، ایجاد هماهنگی بین ارتش، سپاه و نیروهای داوطلب مردمی بود که در منطقه حضور داشتند. بازده این حرکت و شیوه جنگ مردمی و هماهنگی کامل بین نیروهای موجود، تاکتیک تقریباً جدید جنگی بود؛ چیزی که ابرقدرت‌ها قبلاً فکر آن را نکرده بودند. او تصمیم داشت به خرمشهر هم برود، ولی به علت نبود فرماندهی مشخص در آنجا و خطر سقوط جدی اهواز، موفق نشد، ولی چندین‌بار نیروهایی بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر را سازماندهی کرد و به خرمشهر فرستاد و آنان به کمک دیگر رزمندگان مقاوم خود توانستند در جنگی نابرابر مقابل حملات پیاپی دشمن تا مدت‌ها مقاومت کنند.

محرم، ماه شهادت و پیروزی سوسنگرد

پس از یأس دشمن از تسخیر اهواز، صدام سخت به فتح سوسنگرد دل‌بسته بود تا رویای قادسیه را تکمیل کند بنابراین برای دومین‌بار به آن شهر مظلوم حمله کرد و سه روز تانک‌های عراق شهر را محاصره کردند و روز سوم تعدادی از تانک ها توانستند به داخل شهر راه یابند.

دکتر چمران که از محاصره شماری از یاران و رزمندگان شجاع خود در آن شهر سخت برآشفته بود، با تلاش فراوان رهبر معظم انقلاب اسلامی، ارتش را آماده کرد که برای نخستین بار دست به یک حمله خطرناک و حماسه‌آفرین نابرابر بزند و خود هم نیروهای مردمی و سپاه پاسداران را در کنار ارتش سازماندهی کرد و با نظمی نو و شیوه‌ای جدید از طرف جاده اهواز– سوسنگرد به دشمن یورش برد.

چمران پیشاپیش یارانش، به شوق کمک و دیدار برادران محاصره شده در سوسنگرد، به سوی این شهر شتافت که در محاصره تانک‌های دشمن قرار گرفت. او سایر رزمندگان را به سوی دیگری فرستاد تا نجات یابند و خود را به حلقه محاصره دشمن انداخت. در این هنگام بود که نبرد سختی درگرفت؛ نیروهای کماندوی دشمن از پشت تانک‌ها به او حمله کردند و او همچون شیری در میدان، در مصاف با دشمن متجاوز از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر و از سنگری به سنگری دیگر می‌رفت. کماندوهای دشمن او را زیر رگبار گلوله خود گرفته بودند، تانک‌ها به سوی او تیراندازی می‌کردند و او شجاعانه بدون هراس از انبوه دشمن و آتش شدید آنها، سریع، چابک، برافروخته و شادان از شوق شهادت در رکاب حسین(ع) و در راه حسین(ع).

در روز قبل از تاسوعا، به آتش آنها پاسخ گفت و هر لحظه سنگر خود را تغییر می‌داد. در این میان، هم‌رزم باوفایش به شهادت رسید و او یک تنه به نبرد حسین‌گونه خود ادامه داد و به سوی دشمن حمله کرد تا این که از دو قسمت پای چپ زخمی شد.او با پای زخمی به یک کامیون عراقی حمله کرد. سربازان صدام از یورش این شیر میدان گریختند و او به کمک جوان چابک دیگری که خود را به مهلکه رسانده بود، داخل کامیون نشست و با لبانی متبسم، دیگران را نوید پیروزی داد.

خبر زخمی شدن سردار پرافتخار اسلام، در نزدیکی دروازه سوسنگرد، شور و هیجانی آمیخته با خشم و اراده و شجاعت در یاران او و سایر رزمندگان افکند که بی‌محابا به پیش تاختند و شهر قهرمان و مظلوم سوسنگرد و جان چند صد نفر رزمنده مؤمن را از چنگال صدام نجات دادند.

دکتر چمران پس از انتقال به بیمارستانی در اهواز ، بستری شد، اما بیش از یک شب در بیمارستان نماند و بعد از آن به مقر ستاد جنگ‌های نامنظم بازگشت. جالب اینجا بود که در همان شبی که در بیمارستان بستری بود، جلسه مشورتی فرماندهان نظامی (تیمسار شهیدفلاحی، شهید کلاهدوز، مسئولان سپاه و سرهنگ محمد سلیمی)، استاندار خوزستان و نماینده امام در سپاه پاسداران (شهیدمحلاتی) در کنار تخت او در بیمارستان تشکیل شد. دکتر چمران درهمان حال و همان شب، پیشنهاد حمله به «ارتفاعات الله‌اکبر» را مطرح کرد.

آغاز حرکت مجدد

دکتر چمران به رغم اصرار و پیشنهاد مسئولان و دوستانش، حاضر به ترک اهواز و ستاد جنگ‌های نامنظم و حرکت به تهران برای معالجه نشد و تمام مدت را در همان ستاد گذراند، در حالی که در کنار بسترش و در مقابلش نقشه‌های نظامی منطقه، مقدار پیشروی دشمن و حرکت نیروهای خودی نصب شده بود و او که قدرت و یارای به جبهه رفتن نداشت، دائماً به آنها می‌نگریست و مرتب طرح‌های جالب و پیشنهادات سازنده در زمینه‌های مختلف نظامی، مهندسی و حتی فرهنگی ارائه می‌داد. کم‌کم زخم‌های پای او التیام یافت و او دیگر نتوانست سکون را تحمل کند و با چوب زیربغل به پا خاست و باردیگر آماده رفتن به جبهه شد.

به دنبال نبرد بیست و هشتم صفر (پانزدهم دی‌ماه ۵۹) که منجر به شکست بخشی از نیروهای خودی شد و فاجعه هویزه به بار آمد، دیگر تاب نشستن نیاورد. شماری از رزمندگان را از جبهه «فرسیه» انتخاب کرد و با چند فروند بالگرد که خود فرماندهی آنها را بر عهده داشت، با همان چوب زیربغل دست به عملی بی‌سابقه و انتحاری زد. او آماده حمله به نیروهای پشت جبهه و تدارکاتی دشمن در جاده جفیر به طلائیه شد اما به خاطر آتش شدید دشمن، هلیکوپترها نتوانستند از سد آتش آنها از منطقه هویزه بگذرند و حمله هوایی دشمن هلیکوپترها را مجبور به بازگشت کرد.

دیدار با امام(ره)

شهید چمران سپس برای دیدار با امام امت و ارائه گزارش عازم تهران شد. او به حضور امام راحل رسید و حوادثی را که اتفاق افتاده بود و شرح مختصر عملیات و پیشنهادات خود را ارائه داد.دکتر چمران از سکون و نبود تحرکی که در جبهه‌ها وجود داشت، دائماً رنج می‌برد و تلاش می‌کرد که با ارائه پیشنهادات و برنامه‌های ابتکاری حرکتی بوجود آورد و اغلب این حرکت‌ها را توسط رزمندگان شجاع و جان برکف ستاد هم عملی کرد. او اصرار داشت که هرچه زودتر به تپه‌های الله‌اکبر و سپس به بستان حمله شود و خود را به تنگ چزابه که نزدیکی مرز است، برساند تا ارتباط شمالی و جنوبی نیروهای عراقی و مرز پیوسته آنان قطع شود. بالاخره در روز ۳۱ اردیبهشت ماه سال ۶۰، با یک حمله هماهنگ و برق‌آسا، ارتفاعات الله‌اکبر فتح شد و پس از پیروزی سوسنگرد، بزرگترین پیروزی تا آن زمان بود.

چمران به همراه رزمندگان شجاع اسلام در زمره نخستین کسانی بود که پای به ارتفاعات الله‌اکبر گذاشت؛ در حالی که دشمن هنوز در نقاطی مقاومت می‌کرد او و فرمانده شجاعش ایرج رستمی، دو روز بعد، با شماری از جان برکفان و یاران خود توانستند با فداکاری و قدرت تمام تپه‌های شحیطیه (شاهسوند) را به تصرف درآورند، درحالی که دیگران در هاله‌ای از ناباوری به این اقدام جسورانه می‌نگریستند.

پس از پیروزی در ارتفاعات الله‌اکبر، اصرار داشت نیروها هرچه زودتر و قبل از این که دشمن بتواند استحکاماتی برای خود ایجاد کند، به سوی بستان سرازیر شوند که این کار عملی نشد و شهیدچمران خود طرح تسخیر دهلاویه را به فرماندهی ایرج رستمی عملی کرد.

فتح دهلاویه، در نوع خود عملی جسورانه و غرورآفرین بود. نیروهای ستاد پلی روی رودخانه کرخه زدند. پلی ابتکاری و چریکی که خودشان طراحی کرده بودند.آنها از رودخانه عبور کردند و به قلب دشمن تاختند و دهلاویه را فتح کردند. این نخستین پیروزی پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا بود که به عنوان طلیعه پیروزی‌های دیگر به حساب آمد.

در روز ۳۱ خردادماه سال ۶۰، یعنی یک ماه پس از پیروزی در ارتفاعات الله‌اکبر، او در جلسه فوق‌العاده شورای عالی دفاع در اهواز با حضور مرحوم آیت‌الله اشراقی شرکت و از نبود تحرک و همچنین سکون نیروها انتقاد کرد و پیشنهادات نظامی خود، از جمله حمله به بستان را ارائه داد.

این آخرین جلسه شورای عالی دفاع بود که شهیدچمران در آن شرکت داشت و فردای آن روز، غم‌انگیز بود.

حرکت به سوی قربانگاه

در سحرگاه سی ویکم خردادماه سال ۶۰، ایرج رستمی فرمانده منطقه دهلاویه به شهادت رسید و شهید دکترچمران به شدت از این حادثه ناراحت شد. غمی مرموز همه رزمندگان ستاد، به ویژه رزمندگان و دوستان رستمی را فرا گرفته بود. شماری از دوستان صمیمی او می‌گریستند و گروهی دیگر مبهوت فقط به هم می‌نگریستند. از در و دیوار، از جبهه و شهر، بوی شهادت می‌وزید.

چمران، یکی دیگر از فرماندهانش را احضار کرد و خود او را به جبهه برد تا در دهلاویه به جای رستمی معرفی کند . در لحظه حرکت وی، یکی از رزمندگان با سادگی و زیبایی گفت: همانند روز عاشورا که یکایک یاران حسین(ع) به شهادت رسیدند، عباس علمدار او (رستمی) هم به شهادت رسید و اینک خود او همانند ظهر عاشورای حسین(ع) آماده حرکت به جبهه است.

به طرف سوسنگرد به راه افتاد و در بین راه مرحوم آیت‌الله اشراقی و تیمسار فلاحی را ملاقات کرد. برای آخرین بار یکدیگر را بوسیدند و بازهم به حرکت ادامه داد تا به قربانگاه رسید. همه رزمندگان را در کانالی پشت دهلاویه جمع کرد، شهادت فرمانده‌شان، ایرج رستمی را به آنها تبریک و تسلیت گفت. همچنین گفت: «خدا رستمی را دوست داشت و برد و اگر ما را هم دوست داشته باشد، می‌برد».

سخنش تمام شد، با همه رزمندگان خداحافظی و دیده‌بوسی کرد. به همه سنگرها سرکشی کرد و در خط مقدم، در نزدیک‌ترین نقطه به دشمن، پشت خاکریزی ایستاد و به رزمندگان تأکید کرد که از این نقطه که او هست، دیگر کسی جلوتر نرود، چون دشمن به خوبی با چشم غیرمسلح دیده می‌شود و مطمئناً دشمن هم آنها را دیده بود. آتش خمپاره که از نخستین ساعات بامداد شروع شده بود و علاوه بر رستمی قربانی‌های دیگری هم گرفته بود، باریدن گرفت .

دکتر چمران سپس دستور داد رزمندگان به سرعت از کنارش متفرق شوند و از هم فاصله بگیرند. یارانش از او فاصله گرفتند. خمپاره‌ای در اطراف او به زمین خورد و یکی از نمونه‌های کامل انسانی از دیار ما رخت بربست و به ملکوت اعلی پیوست.

ترکش خمپاره دشمن به پشت سر دکتر چمران اصابت کرد و ترکش‌های دیگر صورت و سینه دو یارش را که در کنارش ایستاده بودند، شکافت . فریاد و شیون رزمندگان و دوستان و برادران باوفایش به آسمان برخاست.

در بیمارستان سوسنگرد که بعداً به نام شهید دکترچمران نامیده شد، کمک‌های اولیه انجام شد و آمبولانس به طرف اهواز شتافت، ولی افسوس که فقط جسم بی‌جانش به اهواز رسید و روح او سبکبال و با کفنی خونین که لباس رزم او بود، به دیار ملکوتیان و به نزد خدای خویش پرواز کرد و ندای پروردگار را لبیک گفت که: «ارجعی الی ربک راضیه مرضیه ».

حذف نام ریاض از فهرست سیاه؛ وقتی سازمان ملل به انسانیت چوب حراج زد

«نفرین یمن» عربستان را رها نمی‌کند

بخش سوم

سردبیر روزنامه فرامنطقه‌ای «رأی الیوم» با انتقاد از اقدام عربستان در تهدید سازمان ملل و حذف نام این کشور از «لیست سیاه» ناقضان حقوق کودکان، نوشت که تبعات منفی این اقدام عربستان برای چندین دهه ادامه خواهد داشت.به گزارش خبرگزاری فارس، خبرگزاری «رویترز» به نقل از منابع دیپلماتیک از فشارهای پشت‌پرده عربستان به سازمان ملل خبر داد و نوشت ریاض تهدید کرده در صورت باقی ماندن نام این کشور در فهرست ناقضان حقوق کودکان، کمک مالی به نهادهای سازمان ملل را قطع می‌کند.روزنامه فرامنطقه‌ای «رأی الیوم»، در سرمقاله ای به قلم «عبدالباری عطوان» سردبیر این روزنامه با اشاره به این اقدام عربستان در تهدید نهاد بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و اظهار شگفتی از این ماجرا می‌نویسد:

أصلا قصد بررسی چنین موضعی را نداشتیم، ولی تأیید این خبر از طرف خبرگزاری رویترز مبنی بر اینکه عربستان سعودی، وزرای خارجه ائتلاف عربی و کشورهای اعضای سازمان همکاری اسلامی را برای تماس تلفنی با «بان کی مون» دبیرکل سازمان ملل جمع کرده تا به هر نحوی چه مستقیم و چه غیر مستقیم، او را تهدید به انتقام کنند، ما را بر آن داشت که دوباره به این مسائل بپردازیم.عطوان ادامه می‌دهد، آنچه از اهمیت بیشتری در این موضوع برخوردار است این است که عربستان تهدید کرده تمامی کمک‌های مالی خود به سازمان ملل، از جمله آژانس کار و کمک به آوارگان فلسطینی موسوم به «آنروا» را قطع خواهد کرد.

عطوان افزود: عربستان همچنین نشستی برای علمای مسلمان ترتیب داده و از آنها خواسته است فتوایی علیه سازمان ملل صادر کرده و این سازمان را ضد اسلام معرفی کنند؛ مسئله‌ای که یکی از دیپلمات های سازمان ملل آن را «زشت‌ترین نوع باج خواهی» خواند، و این درخواست عربستان از علما نشان می‌دهد که فتواهای آنها بنا بر درخواست صادر می‌شود.

این تحلیلگر جهان عرب نوشت:عملیات نظامی «توفان قاطع» عربستان در یمن با موشک‌ها و بمب‌هایش بیش از ۵۰۰ کودک یمنی، ۱۱۶۸ نوجوان زیر ۱۸ سال و ۴۰۰۰ نفر دیگر را مطابق آمار سازمان ملل متحد به خاک و خون کشیده و حذف نام عربستان و همپیمانان آن از لیست سیاه، نمی‌تواند این حقیقت را مخفی کند یا از وخامت اوضاع یمنی‌ها که عربستان باعث و بانی آن است، بکاهد.

عطوان به انتقادهایی که از سازمان ملل شده، اشاره می‌کند و می‌نویسد: ما به هیچ وجه با تمام نظراتی که سازمان ملل را به فساد، تبعیت از سیطره ایالات متحده آمریکا و موافقت آن با محاصره عراق و جنگ علیه آن متهم می‌کنند، مخالفت نمی‌کنیم؛ جنگی که آمریکا با حمایت بین‌المللی علیه این کشور شروع کرد و بیش از یک میلیون کودک عراقی را کشت و پس از آن، با حمایت از ناتو در حمله به لیبی، بیش از ۳۰ هزار شهروند لیبی را کشت و این کشور را تبدیل به یک کشور ویران شده کرد.

سردبیر رأی الیوم ادامه می‌دهد، بلکه اختلاف ما در این رابطه با عربستان، کشورهای عربی و اسلامی که برای حمایت از این کشور شتافته و برای حذف نام عربستان از لیست سیاه به بان کی مون فشار می‌آورند، در این است که عربستان، نه تنها در قضیه محاصره عراق توسط آمریکا ساکت ننشست، بلکه آمریکا را به محاصره ۱۳ ساله عراق تشویق کرد و در نهایت، با سرنگونی رژیم صدام که برای حمایت عربستان و کشورهای عربی خلیج فارس از انقلاب اسلامی ایران، جنگ ۸ ساله را به راه انداخت، به پایان رسید.

عطوان به اقدامات خارج از عرف سازمان ملل در سال‌های متمادی اشاره می‌کند و میگوید: بله، سازمان ملل با فشار آمریکا – اسرائیل، از گنجاندن نام اسرائیل اشغالگر و جنایتکار در همان لیست سال گذشته به دلیل کشتار کودکان نوار غزه خودداری کرد، ولی این اقدام سازمان ملل، عربستان و همپیمان‌های آن را محکوم و تقبیح می‌کند؛ چرا که تا زمانی که آنها این "بازوهای مالی و سیاسی" را دارند، چرا به کمک کودکان غزه و عراق نشتافتند و سازمان ملل را مجبور نکردند که خطاهای آنها را تصحیح کرده و نام اسرائیل را در لیست سیاه قرار دهد؟عربستان سعودی اگر چه موقتا موفق شده است نام خود را از لیست سیاه حذف کند ولی خسارتی که متوجه آن خواهد شد به دو صورت خواهد بود؛ چرا که همه دنیا، با این هرج و مرجی که به دنبال این اقدام سازمان ملل بر این نهاد بین‌الملل حاکم شده، به خوبی می‌دانند که أولا عربستان در حق کودکان یمنی و کشور یمن جنایت‌هایی مرتکب شده و دوم اینکه این سروصدای رسانه‌ای است که در نخستین روزهایش بزرگترین خسارت‌ها را به عربستان وارد کرده و تصویری از این کشور ارائه می‌کند که اقدام به تهدید و باج خواهی علیه نهادی بین‌الملل و دبیرکل آن می‌کند.

عطوان با انتقاد از تشکیل ائتلاف ضد یمنی عربستان تحت عنوان«توفان قاطع» و بمباران این کشور فقیر طی یک سال و اندی می‌نویسد: انتظار داشتیم دولت عربستان از امکانات نظامی و سلاح‌های خود در خدمت به مسائل عربی و در رأس آن آرمان فلسطین بهره گیرد و از برنامه‌های توسعه کشورهای فقیر عربی حمایت کند تا ده‌ها میلیون بیکار این کشورها که ۳ میلیون نفر از آن‌ها در عربستان است، به نان و نوایی برسند؛ انتظار داشتیم عربستان علمای دینی خود و علمای جهان اسلام را برای آزاد کردن مقدسات عربی و اسلامی از دست اسرائیل غاصب به صف کند نه اینکه فقط برای حذف نام خود از لیست سیاه قاتلان کودکان سخت تلاش کند. سردبیر روزنامه رأی‌الیوم در پایان می‌نویسد: در پایان و به طور خلاصه باید گفت که عواقب این «نفرین یمن» تا ده‌ها سال گریبان‌گیر عربستان سعودی خواهد بود و روزهای آینده خود گواهی بر این گفته‌های ماست.

تسلیم شرم‌آور سازمان ملل در برابر ائتلاف سعودی

دبیرکل سازمان ملل با خارج کردن نام ائتلاف سعودی از فهرست سیاه مربوط به قتل کودکان در یمن، به شیوه شرم‌آوری در برابر این ائتلاف عقب‌نشینی کرد و جانب فشارهای قدرتمندان را به ضرر خون کودکان و بی گناهان گرفت.به گزارش تسنیم، «عبدالباری عطوان» تحلیلگر مطرح جهان عربی در سرمقاله‌ای در روزنامه «رای‌الیوم» نوشت: سازمان ملل متحد و دبیرکل آن «بان کی‌مون» با عقب‌نشینی و خارج کردن ائتلاف عربی تحت رهبری عربستان سعودی از فهرست سیاه مربوط به قتل کودکان و ناقص کردن آنها، به فشارهای گسترده حکومت عربستان از طریق هم‌پیمانانش و «عبدالله المعلمی» نماینده‌اش در این سازمان تسلیم شده است و با این اقدام آسیب زیادی به اعتبار این سازمان جهانی و وجهه‌اش زد و نیز نشان داد که این سازمان در جنگ‌هایی که بی‌گناهان را هدف قرار می‌دهد، تبانی دارد و به معیارهای حقوق بشری پایبند نیست.

همچنین این اقدام به حکومت عربستان سعودی و جایگاهش در میان سازمان‌های جهانی حقوق بشر نیز ضرر وارد کرده است. از این‌رو، این جشن‌های «رسمی» به دلیل این دستاورد، که در برخی رسانه‌ها (در عربستان سعودی و کشورهای همپیمانش) دیدیم چه‌بسا هنوز زود است.

درست است که دبیرکل سازمان ملل بر این عقب‌نشینی با این گفته که «خارج کردن» از فهرست سیاه اقدامی موقت است و برخی آمار و واقعیت‌های ذکر شده در این گزارش به‌ویژه بند مربوط به برابری کشوری مانند عربستان با گروه‌های «تروریستی» مورد بررسی مشترک با این کشور و نماینده آن قرار می‌گیرد، سرپوش گذاشت ولی این مقوله نیز صحیح است که این اقدام به سازمان ملل ضرر زد. این پیام نیز به طرف ذی‌ربط یعنی حکومت سعودی رسید.

واکنش رسمی و در عین حال «آشفته» عربستان سعودی به این اتهام بی‌سابقه درباره کشتار کودکان در یمن یا کشتار بیشتر آنها (تقریبا ۵۰۰ کودک از مجموع ۱۱۶۸ کودک) و به‌کارگیری تمام بازوهای امپراتوری‌های رسانه‌ای غول‌پیکر خود برای تکذیب آن و تخریب وجهه سازمان ملل این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد که مسئولان در ریاض درک کرده‌اند که موضوع جدی شده و پیامدها خطرناک است. آنها همچنین درک کرده‌اند که از امروز به بعد نمی‌توانند موشک‌های خود را با استفاده از هواپیماهای بسیار مدرن آمریکایی سمت مدارس، بیمارستان‌ها، بازارها، تاسیسات آب، مرغداری‌ها شلیک کنند و همچنین دیگر نمی‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند کودکان، زنان و غیرنظامیان بی‌گناه، گرسنه و محاصره شده در یمن را بکشند بدون آن‌که در زمان حال یا در آینده محاکمه شوند.

خارج کردن نام عربستان سعودی از گزارش به این معنا نیست که این کشور از ریختن خون قربانیان یمنی، که آمارهای سازمان ملل تاکید کرده شمارشان بیش از ۶۰۰۰ کشته است، تبرئه شده است.

حتی اگر سازمان ملل عربستان را تحت فشار پول، نفوذ و لابی‌های آمریکایی تبرئه کند ولی ملت یمن، تاریخ و نهادهای مدافع حقوق بشر، حکومت عربستان–نمی‌گوییم ملتش را– از این جنایت‌هایی، که از زمان آغاز عملیات «توفان قاطعیت» و همتای آن یعنی عملیات «بازگرداندن امید» طی یک سال و ۳ ماه پیش بی‌وقفه ادامه دارد، تبرئه نمی‌کنند.

کشتار مستمر، که از طریق حملات هوایی، دریایی و زمینی انجام می‌شود، با تصاویر و توسط سازمان‌های حقوق بشر جهانی مستندسازی شده است و بر باد هوا نمی‌رود بلکه در مکان مناسب و امن قرار داده می‌شود تا زمانی‌که به آنها احساس نیاز شود که این امر به زودی اتفاق می‌افتد و دیگر نه سرتیپ «احمد عسیری» سخنگوی «توفان» و نه المعلمی نمی‌توانند منکر این موضوع شوند که هواپیماهای «F۱۶» سعودی بیمارستان «شهار» در استان «صعده»، که توسط یک سازمان حقوق بشر جهانی اداره می‌شود را بمباران کردند و موشک‌های آنها اجساد پزشکان، بیماران و ملاقات کنندگان را تکه تکه کردند، یک مراسم عروسی در «تعز» و یک بازار شلوغ در صنعا را به بهانه حمله به یک مسئول ارشد «انصارالله» بمباران کردند.

این فهرست طولانی است. توفان قاطعیت شکست خورد و هیچ‌کدام از اهدافش را محقق نکرد بلکه این عملیات نتایج کاملا برعکسی داد و مردم عربستان، که با آنها درباره این عملیات رایزنی نشده است، را غرق در انتقام‌هایی کرد که نمی‌توان با گذشت دهه‌ها و چه‌بسا قرن‌ها آن را فراموش کرد؛ دشمنی با یکی از باکرامت‌ترین و باعزت‌ترین ملت‌های روی کره زمین.ما با این «توفان مسموم» از همان روز نخستش، مخالفت کردیم و به این مخالفت خود ادامه خواهیم داد؛ زیرا مخالفت ما به دلیل دلسوزی برای دو ملت عربستان و یمن است و تلاش برای جلوگیری از خونریزی است و همچنین این مخالفت به این دلیل است که ما از تراژدی‌هایی، که جنگ‌ها و پیامدهای دخالت‌های نظامی خارجی «احمقانه» و بررسی نشده در امور کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای ضعیف، فقیر و آسیب‌پذیر مانند یمن ایجاد می‌کند، مطلع هستیم .

دبیرکل سازمان ملل مرتکب گناه شده است، آن هم زمانی‌که به این شیوه شرم‌آور عقب‌نشینی کرد و جانب فشارهای قدرتمندان را به ضرر خون کودکان و بی گناهان گرفت؛ این اشتباه است و به عبارتی دیگر چه‌بسا این، آخرین اشتباه وی است که پیش از آن‌که پست خود را ترک کند و به دنیای بازنشستگی و فراموشی برود، آن را مرتکب می‌شود. خون کودکان یمن و ارواح آنها همچنان وی را دنبال می‌کند و خواب وی را تا آخرین لحظه حیاتش پریشان و آشفته می‌کند.

ازطرفی،روزنامه‌انگلیسی گاردین با اشاره به خروج نام عربستان از فهرست سیاه ترور، این اقدام سازمان ملل را کارت رایگان برای کشتار غیر نظامیان خواند و سازمان ملل را کلوپی برای ثروتمندان و قدرتمندان نامید.به گزارش خبرگزاری ایسنا این روزنامه انگلیسی نوشت: سازمان ملل با برداشتن نام عربستان و ائتلاف تحت امرش از فهرست سیاه کشتار کودکان در یمن، به ضعیف‌ترین انسان‌ها در جهان خیانت کرد. این روزنامه نوشت: دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد عربستان مسئول کشتار کودکان و بمباران مدارس و بیمارستان‌ها در یمن است و بدین ترتیب عربستان و ائتلاف‌اش را در صف تشکیلات مشکوک همچون داعش، طالبان، الشباب و القاعده قرار داد.گاردین نوشت: پس از چهار روز نام عربستان از این فهرست خط خورد و سازمان ملل عملا با این کار اعتبار خود را از دست داد.

سازمان ملل با این کار به انسان‌های ناتوان در جهان خیانت کرد و بسیار دشوار است که بتوان این تغییر رویکرد غافلگیرانه را توجیه کرد. گاردین ادامه داد: گزارشگران در سازمان ملل دریافتند که ائتلاف عربی تحت امر عربستان مسئول مستقیم کشته شدن ۶۰ کودک در سال گذشته و عاملی در کشته شدن ۵۱۰ کودک یمنی بوده است.بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل اخیرا از "شارهای بیش از حدی از سوی برخی کشورها برای برداشتن نام ائتلاف تحت امر عربستان از فهرست سیا، گلایه کرده بود و این تصمیم را یکی از دشوارترین تصمیمات خود نامید.

دبیرکل سازمان ملل گفته بود: من این کار را به صورت جزئی و به خاطر جان کودکان دیگری انجام دادم که اگر عربستان و دیگر کشورهای حاضر در ائتلاف‌اش با مشارکت‌های مالی خود به آژانس‌های سازمان ملل به آنها کمک می‌کنند. کودکانی در بین آوارگان فلسطینی، سودان جنوبی و سوریه که اگر کمک‌ها لغو شود آسیب می‌بینند .

در این حال،گروه‌های حقوق بشری با ارسال نامه‌ای از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستند هر چه زودتر دوباره نام رژیم سعودی را به فهرست کشورهای ناقض حقوق کودکان بازگرداند.۲۰ گروه حقوق بشری از «بان کی‌مون» دبیرکل سازمان ملل خواستند تا به دلیل کشتار بی‌رحمانه کودکان در یمن، مجددا نام عربستان را به فهرست سیاه ناقضان حقوق بشر سازمان ملل بازگرداند. در نامه گروه‌های فعال حقوق بشری آمده است: مسئولیت ائتلاف عربستان برای نقض گسترده حقوق کودکان در بسیاری از حملاتی که در یمن به انجام رسانده بلاتردید و شواهد در خصوص نقض گسترده حقوق کودکان یمنی توسط عربستان بسیار زیاد است.

گروه‌های حقوق بشری تأکید کردند تصمیم دبیرکل سازمان ملل برای حذف نام عربستان از فهرست ناقضان حقوق کودکان، ابزار بسیار باارزش در تلاش‌ها برای جلوگیری و توقف موارد نقض حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه را به شدت تضعیف کرد.در ادامه نامه گروه‌های حقوق بشری آمده است: این فهرست بر طرفین درگیری‌های مسلحانه فشار وارد می‌کرد تا به قوانین بین‌المللی پایبند باشند.

بیش از ۲۰ کشور و گروه مسلح طرح‌های اقدام سازمان ملل را امضا کرده و گام‌هایی را در جهت پایان دادن به نقض حقوق کودکان انجام داده‌اند تا بتوانند از این فهرست خارج شوند.

در این حال،یک اندیشمند برجسته جهان اسلام، حذف نام عربستان از فهرست کشورهای ناقض حقوق کودکان را شرم‌آور خواند و تأکید کرد این رژیم، به دلیل جنایات بی‌شمارش می‌بایست مورد محاکمه قرار بگیرد.به گزارش خبرگزاری فارس، چند روز پیش، پس از ماه‌ها بمباران گسترده شهرها و زیرساخت‌های یمن، از سوی رژیم آل سعود، در نهایت سازمان ملل متحد، نام عربستان و متحدانش را در فهرست کشورهای ناقض حقوق کودکان قرار داد. اما در کمال ناباوری همه فعالان و گروه‌ها و نهادهای حقوق بشری، تنها اندکی بعد، نام عربستان، از این فهرست حذف شد. این در حالی است که تا کنون بر اثر بمباران و تجاوز ریاض‌نشینان در یمن، صدها کودک یمنی جان خود را از دست داده‌اند و صدها کودک دیگر مجروح شده‌اند.

برای بررسی بیشتر این موضوع، فارس با دکتر «ظفر بنگاش»، کارشناس مسائل خاورمیانه و آگاه به تحولات عربستان، به گفت‌وگو نشسته است. وی که ریاست اندیشکده اسلامی کانادا را بر عهده دارد، این اقدام سازمان ملل را ننگین می‌خواند و تأکید می‌کند این امر لکه‌ای سیاه هم برای اعتبار سازمان ملل و هم برای رژیم سعودی است.آقای بنگاش تصریح می‌کند عربستان به دلیل اقدامات جنایتکارانه‌اش علیه مردم یمن، باید در دادگاه بین‌المللی، محاکمه شود.این اندیشمند برجسته جهان اسلام، در نهایت اشاره می‌کند، که علیرغم «تسلیم شدن» سازمان ملل، گروه‌ها و نهادهای حقوق بشری باید به افشای جنایات بزرگ و نابخشودنی عربستان بپردازند تا مردم دنیا بیش از پیش با ذات این رژیم آشنا شوند و با آن برخورد نمایند.متن کامل مصاحبه خبرنگار بین‌الملل فارس، با این اندیشمند برجسته پیشروی شماست:

– چرا قرار گرفتن نام عربستان در میان فهرست کشورهای «ناقض حقوق کودکان» مساله‌ای مهم به شمار می‌آید؟

*گنجانده شدن نام عربستان و دیگر حامیانش در جنایت علیه مردم و کودکان یمنی، برای سازمان ملل متحد، مسئله‌ای مهم به حساب می‌آمد. چرا که بنا به یافته‌های گزارش سازمان ملل متحد، دلیل اصلی ۶۰ درصد از جراحات و مرگ کودکان طی سال گذشته در یمن، بمباران‌های سعودی‌ها و متحدانشان بوده است. بنا به این گزارش، ۵۱۰ کودک جان خود را از دست داده‌اند و ۶۶۷ کودک دیگر نیز مجروح شده‌اند.بر اساس این شواهد و قراین، رژیم سعودی و متحدانش می‌بایست به دلیل ارتکاب جنایات جنگی، در دیوان بین‌المللی کیفری، محاکمه شوند.

– چگونه پس از قرار گرفتن نام سعودی‌ها در فهرست کشورهای ناقض حقوق کودکان، نام این کشور از این فهرست حذف شد؟ برخی از فعالان حقوق بشر مانند «فیلیپ بولوپیون» ، از مقامات ارشد سازمان دفاع از حقوق بشر، این اقدام سازمان ملل متحد را «سیاست‌زدگی عریان» خوانده است. نظر شما در این خصوص چیست؟

*تردیدی‌نیست‌که‌رژیم‌سعودی و دیگر متحدان سرکوبگر عرب‌اش تهدید کرده‌اند در صورت قرار داشتن نام این کشورها در فهرست ناقضان حقوق کودکان، کمک‌های مالی‌شان به برخی از پروژه‌های سازمان ملل متحد را قطع خواهند کرد. همین تهدید باعث شده تا نام عربستان و متحدانش از فهرست حذف شود. این باج‌خواهی و حق‌السکوت، عیان و آشکار و البته اقدامی ننگین است. اقدامی شرم‌آور هم برای سازمان ملل، و هم برای عربستان سعودی و متحدانش.

– پیامدهای این اقدام سازمان ملل متحد چه خواهد بود؟ آیا این به آن معنی است که سازمان ملل متحد سیاسی شده؟ بسیاری بر این باورند که حذف نام سعودی‌ها از فهرست ناقضان حقوق کودکان، ضربه‌ای بزرگ به اعتبار و آبروی سازمان ملل به طور اعم، و به اعتبار بان‌کی‌مون، به طور اخص، است.

*با این اقدام اخیر، سازمان‌ملل‌متحد اعتبار اندکی را هم که داشت از دست داد. علاوه بر این، این مسئله بیانگر ضعف بان کی مون نیز بود. وی آخرین سال از دومین دوره دبیر کلی‌اش را سپری می‌کند. این امر نشانگر آن است اگر که فشار کافی بر سازمان ملل وارد شود، می‌توان این نهاد را تسلیم خود کرد و به آن رشوه داد و باعث شد تا از سیاست‌های اصولی‌اش عدول کند.

– آیا این اقدام اخیر سازمان ملل، به معنای در پیش گرفتن سیاست دوگانه یا به بیان بهتر، سیاست یک بام و دو هوا نیست؟ عفو بین‌الملل هشدار داده که سازمان ملل در معرض تبدیل شدن به «به بخشی از مشکل است تا راه‌حل». نظر شما در این خصوص چیست؟

*این اقدام نه تنها به معنای سیاست دوگانه است بلکه نشان و گواه روشنی است که سازمان ملل در حال تبدیل شدن به یک نهاد بین‌المللی حاشیه‌ای و صوری است. در نهایت، بنا به یافته‌های گزارش همین سازمان در سال گذشته، سعودی‌ها و متحدانش، هزاران یمنی بی گناه، و به طور خاص صدها کودک را قربانی کرده‌اند. تحت فشار سعودی‌ها، بان کی مون، کوتاه آمد. پس از این، دیگر مردم ستم‌دیده و ستم‌کشیده، چه امید و انتظاری می‌توانند از این نهاد بین‌المللی داشته باشند؟

–فعالان و نهادهای حقوق بشری، برای توقف کودک‌کشی سعودی‌ها، چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند؟

*فعالان و نهادهای حقوق‌بشری باید به کار افشاگری و برجسته‌سازی جنایات رژیم سعودی، ادامه دهند. اگرچه سازمان ملل تسلیم سعودی‌ها شده، اما این به این معنا نیست که دیگر گروه‌های حقوق بشری نیز باید این رویه سازمان ملل را ادامه دهند. با آشکارتر کردن جنایات سعودی‌ها، در نهایت فشار کافی بین‌المللی برای افشای ظلم‌ها و جنایات عربستان، ایجاد خواهد شد و مردم دنیا بیش از پیش از ذات رژیم آل سعود آگاه خواهند شد: قاتل کودکان یمنی، سرکوبگر مردم سرزمین‌اش. این ذات رژیم سعودی است. علاوه بر این، باید کمپینی شکل بگیرد تا محصولات و تولیدات رژیم سعودی به صورت بین‌المللی تحریم شود.

ادامه دارد

جهانگیری: با سیاه‌نمایی، مردم را مأیوس نکنید

سرویس خبر: معاون اول رئیس‌جمهوری با انتقاد از کسانی که به سیاه نمایی در کشور و مأیوس کردن مردم می‌پردازند گفت: پیام من به این افراد این است که آیه یأس خواندن و منفی صحبت کردن حدی دارد و باید جایی متوقف شود و نباید فضای کشور را تا این میزان سیاه نشان داد و علیه آن تبلیغ منفی کرد.

دکتر جهانگیری دیروز در نشست با مدیران واحدهای صنعتی و تولیدی شهرستان پاکدشت با بیان این که ممکن است در بهترین شرایط اقتصادی نیز برخی واحدهای تولیدی دچار مشکل باشند افزود: عده‌ای طوری صحبت می‌کنند که گویی گرد مرگ بر سر واحدهای تولیدی پاشیده شده و تولید و کار در کشور رو به موت است.

جهانگیری با بیان این که عده‌ای چنان تبلیغ می‌کنند که کارخانه‌های لوازم خانگی یکی پس از دیگری از بین رفته یا در آستانه نابودی است در حالی که امروز از واحد تولیدی لوازم خانگی دیدن کردم که نه تنها با نهایت ظرفیت مشغول کار است بلکه هیچ کالای انباشته شده در انبار نداشته و محصولاتش به کشورهای دیگر صادر می‌شود.

وی با تاکید براین که باید به صنعت و تولید کنندگان کشور اعتماد داشت افزود: تولید کنندگان ظرفیت و سرمایه کشور هستند. تولید کننده‌ای که توانسته ۸۰۰ نیرو داشته باشد سرمایه ملی است و باید تا وقتی که مدیر و مالک کارخانه‌ای فکر می‌کند می‌تواند واحد تولیدش را سرپا نگه دارد به او امید داد و مأیوسش نکرد چرا که هیچ کس بهتر از خود او نمی‌داند که می‌تواند به حیاتش ادامه دهد یا خیر؟

او با اشاره به بازدید خود از ۳ واحد تولیدی در شهرستان پاکدشت و دیدار سرزده ۲ هفته پیش خود از ۲ واحد صنعتی دیگر در غرب تهران گفت: این واحدها با رونق و نشاط فعالیت داشتند به طوری که امروز از واحدی دیدن کردم که به ۲۳ کشور نظیر کانادا، انگلیس و منطقه خاورمیانه کالا صادر می‌کند باید دست این تولید کنندگان را بوسید که افتخار کشور و ملت هستند.

معاون اول رئیس‌جمهوری در خصوص تاثیر عوامل محیطی بر فضای کسب و کار واحدهای تولیدی و نقش دولت در این باره گفت: دولت در حوزه سیاست خارجی و پس از برجام فضا را برای ایجاد داد و ستد و مبادلات بانکی فراهم کرده و از طرفی دیگر با کنترل تورم فضا را برای رقابت تولیدکنندگان با رقبای خارجی فراهم آورده است. جهانگیری تاکید کرد: تورم با شعار پایین نمی‌آید بلکه نتیجه سیاست‌های جدی دولت تدبیر و امید است که امروز برای نخستین بار تورم در کشور تک رقمی شد و به زیر ۱۰ درصد رسید که موفقیت بزرگی برای دولت است. وی از موضوع قاچاق به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل آسیب زننده به واحدهای تولید داخلی یاد کرد و گفت: چرا در حالی که همه کشور از بالا تا پایین از قاچاق می‌نالند به دلیل بی در و پیکر بودن مرزهای کشور قاچاق وجود دارد چرا باید در بوشهر یک خانم بی سواد بتواند چند دستگاه خودرو لوکس پورشه وارد کند باید دولت و ملت اراده واحد داشته باشند برای این که از قاچاق جلوگیری کنند.

وی افزود: شما با دولت در یک جهت واحد قرار دارید تا خط تولید کشور با نشاط و رونق حرکت کند.

پیش از سخنان معاون اول رئیس‌جمهوری مهندس نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت در سخنانی با اشاره به برنامه‌ریزی و تلاش وزارتخانه متبوعش در جهت تحقق منویات رهبر معظم انقلاب مبنی بر افزایش تولید داخلی و استفاده از توانمندی‌های ملی گفت: ایران باید صنعتی شود و گام اول در این مسیر را ملت باید با حمایت از کالای تولید داخلی بردارد و گام دوم همراهی صنعت و دانشگاه است تا کالای مناسب، با کیفیت و قابل رقابت تولید شود.

دادستان کل کشور: اراده استعماری و استکباری پشت گسترش روزافزون موادمخدر است

سرویس خبر: دادستان کل کشور با اشاره به این که ما طرفدار اعدام قاچاقچیان نیستیم اما این افراد مفسدند و حیات جامعه را فدای حیات خود می‌کنند، گفت: حداقل انتظار از مجامع دروغین حقوق‌بشر این است که اگر کمک نمی‌کنند و دست ایران را در مبارزه با موادمخدر نمی‌گیرند، حداقل پای ما را نگیرند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری در مراسم روز جهانی مبارزه با موادمخدر به مسأله موادمخدر و گسترش روزافزون آن اشاره کرد و گفت: این نشان می دهد که یک اراده قوی استعماری و استکباری پشت آن است و هدف استکبار یک جلب منافع مادی و درآمدهای کلان مالی و دوم از بین بردن سرمایه‌های انسانی، جوانان، اندیشه و فکر در کشورهای در حال توسعه است. دادستان کل کشور درآمد ناشی از تجارت موادمخدر را میلیاردها دلار در جهان دانست و گفت: در ایران نیز مبالغ فوق‌العاده کلان است.

وی به میزان کشت موادمخدر در افغانستان اشاره کرد و گفت: آمار و ارقام نشان می‌دهد کشت موادمخدر از زمان اشغال افغانستان افزایش داشته و اشغالگران با همه دبدبه خود نتوانستند مانع این افزایش شوند.

او تأکید کرد: سازمان ملل چه پاسخی می‌تواند در این مورد به افکار عمومی بدهد؟ آنها که مدعی بودند افغانستان را گلستان می‌کنند این کار را کردند اما با گل‌های خشخاش!

*** گزارش حقوق‌بشر**

وی به گزارش‌های حقوق‌بشری ضد ایران اشاره کرد و گفت: یکی از اخلاقی که آنها علیه ما سال‌ها است به کار می‌برند مسأله حقوق‌بشر است، از نظر اسلام حیات یک نفر حیات جامعه و مرگ یک نفر مرگ جامعه است. ما طرفدار اعدام نیستیم و از نظر ما اعدام هرگز یک امر مطلوب و پسندیده نیست اما انسانی که حق حیات دارد ولی حیات دیگران را فدای حیات خود می‌کند، باید به مجازات برسد. حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری اضافه کرد: درصد زیادی از اعدام‌های ما مربوط به عناصر فاسد موادمخدر است. ما فقط به خاطر موادمخدر و قتل و جنایت اعدام می‌کنیم. وی در موضوع دانه‌درشت‌ها در امر مواد مخدر گفت: دانه‌درشت‌ها به لحاظ این که لایه‌های مختلفی ایجاد کرده‌اند، دسترسی به آنها خیلی مشکل است مگر این که عزم ملی باشد و اگر مسئولان بخواهند کاری کنند باید عناصر اصلی را به منصه ظهور و بروز برسانند و با آنها برخورد کنند.

*** فهرست سالانه ۲۰۰ هزار معتاد**

وزیر کشور و دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر در این همایش گفت: سالانه حدود ۲۷ میلیون نفر در جهان معتاد می‌شوند که بیش از ۲۰۰ هزار نفر از این شمار جان خود را از دست می‌دهند.

عبدالرضا رحمانی فضلی افزود: ایران با وجود برخوردار نبودن از کمک‌های بین‌المللی متناسب با گستردگی مسأله اعتیاد، اما بر اساس اصل مسئولیت مشترک به تعهدات بین‌المللی پایبند است و با اعتقاد به همکاری‌های بین‌المللی و جهانی در راستای اجرای راهبردهای متوازن در سال ۹۴ موفق شده است با اجرای ۲۵۲۲ مورد عملیات، حدود ۶۱۸ تن انواع موادمخدر کشف، ۳۰۱۸ شبکه قاچاق را متلاشی و بیش از ۲۲۰ آشپزخانه تولید شیشه را هم منهدم کند.

بیشترین میزان کشفیات

رحمانی فضلی گفت: جمهوری اسلامی ایران، بیشترین میزان کشفیات موادمخدر جهان را داراست و به همین دلیل همواره از سوی نهادهای بین‌المللی و کشورهای مؤثر در عرصه بین‌المللی مورد توجه و قدردانی قرار گرفته است. وی ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران در سی‌امین نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل در تلاش بی‌وقفه دو ساله با هماهنگی کشورهای همسو توانسته است از جریان قانونی‌سازی و نرمش با قاچاقچیان و مجرمین جلوگیری کند و برگزاری کنوانسیون‌ها و میثاق‌های متضمن استراتژی متوازن و جامع کاهش تقاضا و کاهش عرضه را موجب شود.

*** جلسه ۹ ساعته**

وزیر کشور در حاشیه این همایش از برگزاری ۳ جلسه سه‌ساعته با موضوع موادمخدر از سوی مقام معظم رهبری خبر داد و گفت: ایشان در این جلسات سیاستگذاری کرده و گزارش‌ها را شنیدند.

رحمانی فضلی افزود: مقرر شده تا آبان امسال برای جلسه چهارم خدمت مقام معظم رهبری برسیم و در این جلسه دستگاه‌ها موظف هستند هر فوق‌العاده‌ای که علاوه بر اقدامات جاری خود انجام داده‌اند به ایشان گزارش دهند.

*** اعتیاد در زنان سریع‌تر رشد می‌کند**

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری هم در این همایش مسأله اعتیاد زنان را بسیار مهم دانست و گفت: آمار ۱۰ درصدی اعتیاد زنان نشان می‌دهد که اعتیاد در این افراد بسیار سریع‌تر از مردان رشد می‌کند.

شهیندخت مولاوردی ادامه داد: آمار حدود ۱۰ درصدی از جمعیت معتادان برای زنان مصرف‌کننده اتفاق ناخوشایندی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت هرچند ممکن است شمار زنان درگیر اعتیاد در مقایسه با مردان یک به ۱۰ باشد اما دو واقعیت مهم در این رابطه وجود دارد که اول رشد اعتیاد در زنان بسیار سریع‌تر از مردان است و دوم این‌که اثرگذاری اعتیاد یک زن در جامعه و پیامدهای آن ده‌ها برابر اعتیاد یک مرد است.

او بالا رفتن نرخ رشد اعتیاد در زنان، بالا بودن جرائم مرتبط با موادمخدر در زنان و کاهش سن مصرف موادمخدر را از مواردی دانست که باید نسبت به آن حساس باشیم.

معاون رئیس‌جمهوری اضافه کرد: مطالعات نشان می‌دهد ۵۰ درصد از زنان معتاد در سن ۱۵ تا ۱۹ سالگی مصرف مواد را آغاز کرده‌اند و این امر سیاستگذاری‌های مبتنی بر رویکرد پیشگیری در حیطه زنان جوان را مهم می‌داند.

***کشف ۵۰۰ تن موادمخدر**

فرمانده ناجا با بیان این‌که نیروی انتظامی در مقابله و مبارزه با وارد کنندگان و توزیع‌کنندگان موادمخدر از مرزها گرفته تا داخل شهرها اقدامات خوبی انجام داده است، درحاشیه این همایش افزود: امیدواریم با توجه به تاکید مقام معظم رهبری، امسال شاهد مبارزه جدی‌تری در حیطه موادمخدر باشیم.

سردار حسین اشتری با بیان این‌که در حیطه مبارزه با موادمخدر اولویت اصلی در نیروی انتظامی مقابله و مبارزه با واردکنندگان و توزیع‌کنندگان موادمخدر است، افزود: نیروی انتظامی از مرزها گرفته تا داخل شهرها اقدامات خوبی انجام داده و کشفیات ناجا موید تلاش‌های مضاعف انجام شده است. او درباره این‌که گفته می‌شود میزان مصرف موادمخدر در کشور ۲ تا ۳ برابر میزان کشفیات موادمخدر است، گفت: آمارها را نمی‌توان به صورت دقیق بیان کرد اما کشف بیش از ۵۰۰ تن موادمخدر در سال گذشته اقدام خوبی بوده است و امیدواریم کشفیات ما افزایش یابد.

آیین عقد کنان زندانی محکوم به قصاص نفس در زندان

سرویس حوادث: مراسم عقد زندانی محکوم به قصاص نفس همزمان با روز میلاد امام حسن مجتبی (ع) با حضور مسئولان زندان رجایی شهر و اصحاب رسانه در محوطه ندامتگاه این شهر برگزار شد.

در این مراسم هدایایی از سوی مردانی مدیر زندان رجایی شهر به این زوج جوان اهدا شد. عروس که مهریه اش ۵سکه بهار آزادی است، پس از مراسم عقد گفت: هیچگاه از این ازدواج پشیمان نخواهم شد و از خیران می‌خواهم برای نجات جان همسرم مرا یاری دهند.

اواخر فروردین امسال این دختر با مراجعه به دادسرای جنایی تهران درخواست کرد با یک قاتل محکوم به اعدام ازدواج کند.

وی افزود:برادرم در یکی از زندان‌های اطراف تهران در حال گذراندن دوره محکومیتش است. او با مرد جوانی همبند است که سال ۸۸ خواهرزاده خود را در محله اتابک به قتل رسانده است.

وی به خاطر یک جفت کفش و ناخواسته مرتکب قتل شده و حالا از کارش پشیمان است.

قاضی شهریاری سرپرست دادسرای امور جنایی با توجه به این که هیچ منع قانونی وجود نداشت،با ازدواج دختر جوان و مرد اعدامی موافقت کرد.

آب دریاچه ارومیه ۴۸ سانتی متر بالا آمده است

سرویس‌شهرستان‌ها:استاندار آذربایجان شرقی با تاکید بر این که مصمم هستیم دریاچه ارومیه را به وضع قبل از بحران برگردانیم، گفت: با وجود کاهش میزان بارندگی امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته، آب این دریاچه ۴۸ سانتی متر بالا آمده است.

اسماعیل جبارزاده در دیدار با سفیر ژاپن و هیات همراه وی در تبریز افزود: قدردان کمک‌های دولت ژاپن در سال‌های گذشته برای احیای دریاچه ارومیه هستیم و خوشحالیم از این که ژاپن این موضوع را به عنوان یک فاجعه زیست محیطی درک و برای حل آن ما را کمک می‌کند.

وی با اشاره به انتخاب شهر تبریز به عنوان شهر گردشگری جهان اسلام در سال ۲۰۱۸ میلادی، ادامه داد: طرح‌های متعددی برای آماده سازی شهر تبریز در حال اجراست.

هیرویاسو کوبایاشی سفیر ژاپن در ایران نیز در این دیدار با اشاره به گفتگوهای انجام شده در طول سال گذشته بین رئیس‌جمهوری ایران و نخست وزیر ژاپن افزود: شاهدیم که دکتر روحانی به محیط زیست و احیای دریاچه ارومیه توجه ویژه‌ای دارد.

تشییع پیکر شهید مدافع حرم در نکا

سرویس خبر:پیکرحسین مشتاقی مدافع حرم مطهر حضرت زینب(س) دیروز بر دستان مردم قدردان ؛ از مقابل سپاه نکا تا گلزار شهدای این شهر تشییع شد و در جوار دیگر شهدا آرمید.

حسین مشتاقی ۳۱ ساله در منطقه خان طومان سوریه به شهادت رسید.

ازاین شهید ۲ فرزند دو قلوی خردسال دختر و پسر به یادگار مانده است.

یک فرهنگی، اعضای بدن دختر ٤ساله اش را اهدا کرد

شیراز: سروش حاتمی فارسی از فرهنگیان اهل شهرستان خرامه و شاغل در آموزش و پرورش ناحیه چهار شیراز، اعضای بدن دختر ۴ ساله اش را که دچار مرگ مغزی شده بود، به بیماران نیازمند اهدا کرد.

ارائه ۳۳۳ هزار خدمات تلفنی به خانواده معتادان

سرویس خبر: مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر با بیان این که خدمات تلفنی به خانواده معتادان ارائه می‌شود، افزود: سال گذشته ۳۵۰ هزار نفر با مراکز مشاوره تلفنی تماس گرفته و درخواست کمک کردند که کارشناسان توانستند برای ۳۳۳هزار تماس اقدام و خدمات ارائه دهند.

عارف وهاب زاده افزود: کارشناسان حوزه اعتیاد هر روز از صبح تا شب پاسخگوی سؤالات خانواده‌ها هستند و در صورت نیاز آنان به کمک بیشتر، اقدام خواهند کرد.

وی تاکید کرد: خط ملی ۰۹۶۲۸ در همه استان‌ها و شهرها و حتی همه محله‌ها فعال است و خانواده معتادان می‌توانند از مشاوره و خدمات این مراکز و مشاوران برای کمک به فرزندان معتادشان استفاده کنند.

ویژه برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در مدارس

سرویس خبر: انشاءنویسی، مسابقه دانستنی‌های انتظامی، نمایشنامه‌نویسی و اجرای تئاتر و تولیدات رسانه‌ای برای سنین مختلف با رویکرد پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در مدارس اجرا می‌شود.

در جلسه‌ای با عنوان چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌ها در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت در جامعه با حضور معاون اجتماعی نیروی‌انتظامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و معاون پرورشی آموزش و پرورش، اجرای برنامه‌های فرهنگی در مدارس در دستور کار این سازمان‌ها قرار گرفت.

دراین جلسه، مقرر شد از تمام ظرفیت‌ها و نیروی انسانی ۳ سازمان برای رسیدن به اهداف مشترک در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت در جامعه استفاده و همچنین اجرایی‌شدن زنگ پلیس در مدارس بررسی شود.

ثبت الکترونیکی املاک از تخلفات و جعل سند پیشگیری می کند

سرویس خبر:معاون قوه قضائیه ورئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: ثبت الکترونیکی املاک سبب افزایش دقت و سرعت می‌شود و از تضییع حقوق، جرائم و تخلفات در سند نیز پیشگیری می‌کند.

احمد تویسرکانی در آیین بهره برداری از دفاتر ثبت الکترونیکی املاک در ادارات ثبت اسناد و املاک کشور افزود: به موجب قانون ثبت اسناد و املاک کشور و بر اساس ماده ۲۲ این قانون، زمانی ثبت املاک رسمیت می‌یابد که مشخصات در دفتر املاک ثبت شود.

او اظهار داشت:به یمن گرامیداشت هفته قوه قضائیه و میلاد مسعود امام حسن مجتبی (ع) کار ثبت الکترونیکی املاک در ۴۳۰ اداره ثبت در سراسر کشور به صورت نمادین انجام شد و از این به بعد نوشتن دفاتر به شیوه سنتی حذف خواهد شد.

وی درباره ایجاد تمهیدات امنیتی برای جلوگیری از هک اطلاعات سازمان ثبت اسناد گفت: بانک‌های اطلاعاتی سازمان در قالب بانک جامع اسناد جمع آوری می‌شود و امکان دسترسی از لحاظ شبکه‌ای به سرورها و بانک‌های اصلی ما وجود ندارد.

صادرات دارو به ۲برابر افزایش یافت

سرویس شهرستان‌ها:وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: صادرات دارو با افزایش بیش از دو برابری از ۷۰ میلیون دلار در دولت گذشته به ۱۶۰ میلیون دلار در سال رسیده است.

دکترسیدحسن هاشمی در بجنورد با اشاره به این که واردات دارو نسبت به ۳ سال پیش ۳۰۰میلیون دلارکاهش یافته است، گفت: در مجموع ۹۶ درصد اقلام دارویی در کشور تهیه می‌شود.

او با اشاره به این که، ۶۵ درصد از ۹۶ هزار تخت بیمارستانی در کشور، قدمت بالای ۳۰ سال دارد، افزود: برای مقاوم سازی این تعداد تخت، برای جذب سرمایه گذاران خارجی و داخلی تلاش می‌کنیم که یک تیم برای پیگیری این بخش ماموریت یافته است.

وی افزود: سرمایه گذاران خارجی حاضرند ۳۰ تا ۳۵ هزار تخت را جایگزین کنند.

او با اشاره به این که در دولت یازدهم ۲۰ هزار تخت بیمارستانی با مشارکت راه وشهرسازی به بهره برداری رسیده است، افزود: وظیفه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ساخت بیمارستان یا حتی اداره کردن آن نیست، بلکه کیفیت بخشی به خدمات در اولویت است.

دکترهاشمی گفت: ۲۵۰ مرکز وکلینیک درمانی در دست ساخت است که با بهره برداری از این واحدها، ۷۰۰۰ مطب در اختیار دانشگاه علوم پزشکی قرار می‌گیرد وعلاوه بر این، ساخت ۱۵۰ بخش زایمانی در حال انجام است.

شبکه کلاهبرداری ۳میلیارد تومانی را یک قاتل از زندان هدایت می کرد

سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از شناسایی و دستگیری اعضای یک شبکه کلاهبردار حرفه‌ای با هدایت سرکرده اصلی آن که به جرم قتل عمد در زندان است، خبر داد.

سردار محمدیان گفت: این کلاهبردار با تهیه غیرقانونی تلفن همراه در زندان از طریق تماس با مردم اعلام می‌کرد شما برنده جایزه میلیونی از فلان برنامه رادیو یا تلویزیون هستید.

وی افزود: کلاهبردار با این شیوه طعمه را به پای دستگاه خودپرداز می‌کشاند و با تخلیه اطلاعات، حساب وی را خالی می‌کرد.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: چند نفر از اعضا که در خارج از زندان با سرکرده اصلی در ارتباط بودند، مبالغ انتقالی به حساب‌های مختلفی را که با استفاده از مدارک جعلی یا هویت افراد معتاد افتتاح کرده بودند، صرف خرید سکه و ارز می‌کردند.

وی افزود:افراد این گروه در ۳ ماه گذشته از طریق افتتاح ۶۰حساب مختلف موفق به کلاهبرداری ۳ میلیارد تومانی از سوژه‌های فریب‌خورده خود شدند.

او گفت: پا پیگیری‌های ویژه پلیس آگاهی این شبکه شناسایی شد و با کسب دستور قضایی مجموع حساب‌های جعلی آنان مورد ردیابی قرار گرفت.

وی افزود: هیچ پولی در این حساب‌ها وجود ندارد بنابراین پلیس پیگیر اموال اعضای این شبکه کلاهبرداری است تا بتواند اموال مالباختگان را برگرداند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: نیازی به حضور مالباختگان در پلیس آگاهی نیست زیرا پلیس با اخذ اطلاعات کارت‌های بانکی این افراد با صاحبان این حساب‌ها تماس می‌گیرد و شکایات آنان را برای رسیدن به نتیجه نهایی دریافت می‌کند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر- سرویس ارتباطات مردمی

هویت ایرانی و اسلامی خود را حفظ کنیم

ما ایرانی هستیم که به دین اسلام مشرف شده‌ایم ولی این شعرای بزرگ ما بودند که زبان پارسی را حفظ کردند و برخلاف دیگر کشورهایی که مورد هجوم اعراب قرار گرفتند زبان خود را از دست ندادیم. نمی‌دانم چرا عده‌ای علاقه دارند که این هویت ایرانی را از دست بدهیم؟

شهروندی از تهران

آدرس مجمع خیرین سلامت کجاست؟

روزنامه اطلاعات از مجمع خیرین سلامت بسیار یاد می‌کند. اما هیچ‌گاه، آدرس و شماره تلفن آنجا را به اطلاع مردم نمی‌رساند. با ۱۱۸ تماس گرفتم متأسفانه شماره آنجا را نداشت. از روزنامه اطلاعات درخواست می‌کنم در صورت امکان آدرس و شماره تلفن آنجا را اطلاع‌رسانی کند.

تلفن به خط ارتباطی

پیشنهادی برای کاهش آلودگی هوا

پیشنهاد می‌کنم برای کاهش آلودگی هوای کلان شهرها به ویژه تهران و کاهش مصرف بی‌رویه بنزین، رانندگان خودروهای شخصی از خودرو به جای رستوران و کافه و... استفاده نکنند. متأسفانه بسیاری از افراد خودرویشان را پارک کرده و برای استفاده از کولر، موتور خودرو را ساعت‌ها روشن نگه می‌دارند و مشغول خوردن و آشامیدن و استراحت می‌شوند.

فرهنگی بازنشسته از تهران

هر سازمانی که مسئول رسیدگی است پاسخ دهد

خیابان ناهید غربی روبروی پارک ملت (در خیابان ولیعصر) به دلیل اداری شدن این منطقه و وجود مؤسسه زبان کیش که مراجعان بسیاری دارد متأسفانه از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب به شدت بی‌نظم می‌شود به این شکل که تمامی خودروها به صورت دوبله پارک می‌کنند و راه بسته شده و عبور و مرور برای ساکنان بسیار مشکل می‌شود با شماره ۱۱۰ و ۱۳۷ تماس گرفتم ولی اعلام کردند که موضوع به آنان مربوط نیست. از هر سازمانی که مسئول رسیدگی به این‌گونه موضوعات است درخواست رسیدگی دارم.

جمعی از ساکنان خیابان ناهید غربی

درخواست از شهرداری برای مهار موش‌ها

با وجود زحمات رفتگران عزیز و دیگر پرسنل محترم شهرداری،در جوی‌های سطح تهران موش‌های زیادی وجود دارد. از شهرداری درخواست می‌کنم در این زمینه از دانش کشورهای پیشرفته استفاده کرده تا بتوانند موش‌ها را مهار و تعداد آنها را کم کنند.

تلفن به خط ارتباطی

افزایش ناچیز حقوق بازنشستگان

چرا مسئولان حقوق بازنشستگان را به صورت قطره‌چکانی افزایش می‌دهند؟

پیش از این اعلام کردند برای بازنشستگان، خبر خوش دارند. افزایش ناچیز حقوق، خبر خوش بود؟ با این افزایش حقوق فقط می‌توان یک جعبه سیگار خرید.

شهروندی از شهرستان انزلی

قیمت محصولات اورگانیک کاهش یابد

در صفحهٔ اقتصادی روزنامه اطلاعات مورخه ۲۰ خرداد ماه، مقاله‌ای با عنوان «چند پیشنهاد برای مصرف محصولات کشاورزی ارگانیک» منتشر شده بود که بسیار جالب و خواندنی بود. متأسفانه بسیاری از فروشندگان و حتی تولیدکنندگان به صورت کلاهبردارانه، محصولات غیر ارگانیک را به نام ارگانیک به مردم می‌فروشند. از روزنامه اطلاعات درخواست می‌کنم در صورت امکان، اماکنی را که به درستی محصولات کشاورزی ارگانیک ارائه می‌کنند را به مردم معرفی کرده تا مردم در خرید آن دچار اشتباه نشوند. در ضمن از مسئولان درخواست می‌کنم برای ارتقای سطح سلامت افراد جامعه، قیمت این محصولات را کاهش داده تا اقشار ضعیف نیز بتوانند از آن استفاده کنند.

تلفن به خط ارتباطی

کارمندانی که ادب را رعایت نمی کنند

کارکنان ثبت‌احوال واقع در خیابان نبرد جنوبی ادب و احترام با ارباب‌رجوع را حفظ نمی‌کنند. من بازنشسته برای تحویل گرفتن کارت ملیم دو روز به آنجا مراجعه کردم و در صف ایستادم و بعد از سرگردانی بسیار و پرخاش‌های متعدد توانستم کارتم را تحویل بگیرم، در حالی که از همان ابتدا به سادگی می‌توانستند این کار را برایم انجام دهند.

تماس با خط ارتباطی

موتورسیکلت‌های سنگین مدیریت شوند

موتورسیکلت‌های سنگین ممنوع هستند ولی برخی از جوانان به شدت به آنها علاقه دارند و به صورت غیرمجاز سوار می‌شوند و نیروی انتظامی هم مجبور است که با آنها برخورد کند. در همین هفته گذشته یک جوان ورزشکار به خاطر تعقیب و گریز تصادف کرد و درگذشت، خواستم بگوییم چرا طی ضوابطی و با نظارت و مدیریت این موتورسیکلت‌ها را آزاد نمی‌کنند تا این اتفاق‌ها نیفتد؟

یک هموطن

سؤال از سازمان تأمین‌اجتماعی

چرا حقوق بازنشستگان تأمین‌اجتماعی ۱۴درصد افزایش پیدا کرده است در حالی که حقوق بازنشستگان کشوری ۱۲درصد افزایش داشته است؟ در ضمن چرا سنوات کارکنان سازمان تأمین‌اجتماعی با اضافه کار محاسبه می‌شود و برای دیگران ساعت اضافه کار در نظر گرفته نمی‌شود؟

یک بازنشسته کشوری

یارانه‌ها حق همه ایرانیان است

یارانه حق همه ایرانیان اعم از فقیر و غنی است، چرا که به خاطر همین یارانه‌ها همه چیز گران شد و پراید ۷ میلیون به ۱۷ میلیون رسید، به نظر من مراجع معظم تقلید از حقوق مردم هم باید دفاع کنند.

یک ایرانی اصیل

ساحل بندر انزلی را آزاد کنید

بارها پیام گذاشتیم که تنها ساحل بندر انزلی در ابتدای خیابان پاسداران فنس‌گذاری شده و برای عموم غیرقابل استفاده است. با تلاش فراوان از شورای تأمین استان و شهرستان برای آزادسازی این ساحل مصوبه گرفته‌ایم ولی بعد از ۳ سال هنوز این مصوبه را اجرا نکرده‌اند.

شهروندی از بندر انزلی

بیکاران دهه شصتی!

بیکاران دهه شصتی زیاد هستند و کار و اشتغال هم بسیار کم، از مجلس دهم می‌خواهیم به فکر این میان‌سالان هم باشند و برای اشتغال آنان چاره‌ای بیندیشند.

یک هموطن

مشکل یک پزشک در کرمان

آقای وزیر بهداشت که چند هزار پزشک را استخدام کرد و از پزشکان ایرانی خارج از کشور می‌خواهد که به کشور بازگردند آیا از ظلم صورت گرفته به دکتر آزمندگان و خانواده‌اش در کرمان اطلاع دارد؟ وی تاکنون نامه‌های متعددی به مقامات کشور و از جمله خود وزیر بهداشت نوشته است ولی ظاهراً کسانی اعمال نفوذ می‌کنند تا به مشکل ایشان رسیدگی نشود!

شهروندی از کرمان

۴۵هزار تومان منت ندارد

یارانه حق طبیعی همه ایرانیان است و چیزی نیست که کسی بخواهد از جیبش پرداخت کند. الان با ۴۵ هزار تومانی که می‌دهند به اندازه ۱۰ هزار تومان چند سال پیش نمی‌توان خرید کرد. این پول آنقدر ارزش ندارد که دائم منتش را سر مردم می‌گذارند.

یک هموطن

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

دستور ویژه رئیس جمهوری برای اعزام تیم فوتبال ناشنوایان به مسابقات جهانی

با دستور ویژه رئیس جمهوری، پیگیری‌های وزارت ورزش و جوانان، وزارت امور خارجه، فدراسیون ناشنوایان و سفارت ایتالیا در ایران، تیم ملی فوتبال ناشنوایان به رقابت‌های جهانی ایتالیا اعزام خواهد شد.

به گزارش فارس و به نقل از فدراسیون ورزش‌های ناشنوایان، پس از بروز مشکل در اخذ ویزای ایتالیا، با دستور ویژه رئیس جمهوری، پیگیری‌های وزارت ورزش و جوانان، وزارت امور خارجه، فدراسیون ناشنوایان و همچنین سفارت ایتالیا در ایران مقدمات اعزام تیم ملی فوتبال ناشنوایان به مسابقات جهانی ۲۰۱۶ ایتالیا فراهم شد.افشین داوری سرپرست فدراسیون ضمن تأئید این خبر، گفت: فوتبالیست‌های ناشنوای کشورمان امروز تهران را به مقصد سالرنو ایتالیا ترک و فردا در نخستین مسابقه خود به مصاف اوکراین می‌روند.

عنوان سومی بسکتبال سه نفره جهان به دانش آموزان ایران رسید

تیم بسکتبال سه نفره تهران که به عنوان نماینده بسکتبال دانش آموزی ایران در مسابقات جهانی شرکت کرده بود توانست عنوان سومی این رقابت ها را از آن خود کند.

به گزارش فدراسیون ورزش دانش‌آموزی کشور، تیم بسکتبال سه نفره دانش‌آموزی شهر تهران نماینده کشورمان در رقابت‌های جهانی دانش آموزی در کشور استونی پس از راهیابی به جمع چهار تیم نهایی این رقابت ها ، با پذیرفتن شکست از تیم اسلوونی راهی دور رده‌بندی شد که در این بازی با پیروزی ۱۸ بر ۱۲ برابر جمهوری چک موفق شد عنوان سومی جهان را از آن خود کند.

تیم ملی هندبال نوجوانان با ۱۸ بازیکن در راه تونس

تیم ملی هندبال نوجوانان امروز برای حضور در یک تورنمنت عازم تونس خواهد شد.

به گزارش ایسنا، تیم ملی هندبال نوجوانان که خود را برای رقابت های قهرمانی آسیا آماده می کند صبح دیروز در سالن فدراسیون هندبال به مصاف تیم نوجوانان قم رفت.مهدی رهبری، سرمربی تیم ملی هندبال نوجوانان در مورد اعزام این تیم به تورنمنت تونس، گفت: امروز تیم ملی نوجوانان با ۱۸ بازیکن برای شرکت در یک تورنمنت عازم تونس خواهد شد. در این تورنمنت تیم ملی ایران ۳ دیدار با باشگاه های سوپر لیگ (بهترین تیم های جوانان حاضر در لیگ برتر تونس) خواهد داشت.هفتمین دوره مسابقات هندبال نوجوانان آسیا در بخش مردان شهریور امسال در منامه بحرین برگزار می‌شود.

دومین پیروزی اسکیت هاکی ایران در مسابقات جهانی

تیم ملی اسکیت هاکی ایران توانست تیم ماکائو را پشت سر بگذارد.

تیم ملی اسکیت هاکی مردان که از ۲۸ خرداد ماه برای حضور در رقابت‌های جهانی به شهر آسیاگو ایتالیا رفته بود، در دومین دیدار مقابل تیم ملی ماکائو قرار گرفت و توانست با نتیجه ۸ بر صفر پیروز میدان باشد.پیش از این هم تیم ملی اسکیت هاکی در نخستین دیدار مقابل هند به پیروزی رسیده بود.تیم ملی اسکیت هاکی ایران امروز در مقابل تیم هلند قرار خواهد گرفت.

آغاز تمرین امیر غفور با تیم ملی «ب»

امیر غفور پشت خط زن تیم ملی والیبال ایران که در رقابت‌های انتخابی المپیک در ژاپن مصدوم شد، در تمرینات تیم ملی «ب» حاضر شد.

غفور از ناحیه زانو مصدوم شده بود و به همین دلیل تمام رقابت‌های انتخابی المپیک را از دست داد. همین آسیب‌دیدگی‌سبب غیبت این بازیکن در هفته اول و دوم لیگ جهانی والیبال شد. غفور از هفته سوم لیگ جهانی می‌تواند تیم ملی ایران را همراهی کند.

توافق مدافع خارجی با پرسپولیس؛ ماهینی هم برگشت

مدافع استرالیایی - کروات مد نظر برانکو با مسئولان باشگاه پرسپولیس به توافق رسید و قرار است بزودی در تست پزشکی این تیم حضور پیدا کند.

به گزارش مهر، «آنتونی گولچ» مدافع دو رگه استرالیایی کروات که دیروز وارد تهران شده بود، پس از برگزاری نشست با مسئولان باشگاه پرسپولیس با آنها به توافق رسید و قرار است امروز در تست پزشکی شرکت کند.این مدافع ۲۶ ساله که سابقه بازی در لیگ مولداوی و استرالیا را دارد، با قراردادی دو ساله به جمع سرخ‌پوشان تهرانی اضافه خواهد شد.

همچنین حسین ماهینی دیروز با حضور در ورزشگاه شهید کاظمی در تمرین پرسپولیس شرکت کرد. این در حالی است که عنوان شده بود ماهینی تا پایان خدمت سربازی خود حق شرکت در تمرین سرخپوشان را ندارد.

ماهینی فصل گذشته بخاطر گذراندن خدمت سربازی در تیم ملوان بندر انزلی عضویت داشت. از قرار معلوم هنوز چند هفته از خدمت سربازی این بازیکن باقی مانده است.

اوج هیجان در آخرین شب مرحله گروهی یورو ۲۰۱۶

امشب آخرین مرحله گروهی مسابقات یورو با انجام ۴ دیدار به پایان می‌رسد.

تا به امروز از بزرگان اروپا و کشورهای صاحب نام در فوتبال تیمی در زمره حذف شدگان نیست و شاید با بازی‌های امشب شاهد اتفاق و شگفتی جدیدی باشیم.

در گروه F مجارستان بر خلاف پیش‌بینی‌ها با ۴ امتیاز در صدر جدول ایستاده و امشب در دیداری حساس و دیدنی باید به مصاف پرتغال برود، تیمی که با رونالدو و سایر ستاره‌های نامدار خود نتوانسته طعم برد را در این مسابقات بچشد.

بازی این دو در حالی برگزار می‌شود که پرتغال اگر نتواند در این دیدار برنده شود چه بسا از دور مسابقات کنار رفته و یا باید به دنبال اما و اگر بوده تا با احتساب سایر نتایج به عنوان یکی از ۴ تیم سوم گروه جواز حضور در مرحله بعد را به دست آورد.

ایسلند با شانسی برابر با پرتغال اگر امشب بتواند در مقابل تیم آخر گروه یعنی اتریش برنده زمین را ترک کند این شانس را دارد که اگر پرتغال به مجارستان ببازد به عنوان تیم دوم گروه راهی مرحله حذفی شود. البته نباید از شانس احتمالی اتریش هم بی‌تفاوت گذشت چرا که این تیم هم می‌تواند با غلبه بر حریف خود ایسلند شرایط را به سود خود تمام کند. کمتر کسی فکری می‌کرد رونالدو که ۱۸۰ دقیقه است گل نزده و یک پنالتی را هم از دست داده خطر حذف را بالای سر خود ببیند.

پرتغالی‌ها امشب تحت فشار روحی شدیدی قرار دارند و این فشار و دلهره برای کاپیتان آنها بیش از دیگران است. امشب همه نگاه‌ها به هنرنمایی «کریس» است که آیا او و همبازیانش می‌توانند با برد مقابل مجارستان جبران مافات کرده و روحیه و جایگاه از دست رفته را دوباره به دست بیاورند. در دیدارهای امشب هر ۴ تیم مجارستان، ایسلند، پرتغال و اتریش به ترتیب شانس صعود دارند منتهی هر کدام با درصدی بالا و پایین که در نهایت امشب تکلیف آن معلوم می‌شود. آیا پرتغال نخستین قربانی یورو ۲۰۱۶ خواهد بود، آیا مجارستان با عبور از این تیم لقب شگفتی ساز را به خود اختصاص داده و به عنوان سرگروه صعود می‌کند.

البته همین شرایط با کمی تفاوت در گروه E مسابقات هم وجود دارد در این گروه علاوه بر ایتالیا که صعود خود را حتمی‌کرده است، بلژیک با ۳ امتیاز، سوئد و جمهوری‌ایرلند با یک امتیاز در اندیشه صعود هستند. جمهوری ایرلند در مصاف با ایتالیا کار دشواری دارد و بلژیک اگر می‌خواهد به‌عنوان تیم دوم صعود کند باید از سد سوئد عبور کند. آیا بلژیک با ستاره‌های نامدار خود می‌تواند براحتی وارد مرحله بعد مسابقات شود یا...

برنامه بازی‌های امشب:

ایسلند ـ اتریش ۲۰:۳۰

مجارستان ـ پرتغال ۲۰:۳۰

ایتالیا ـ جمهوری ایرلند ۲۳:۳۰

سوئد ـ بلژیک ۲۳:۳۰

ولز بالاتر از انگلیس

تیم ملی فوتبال ولز با پیروزی ۳ بر صفر مقابل روسیه موفق شد به عنوان تیم نخست از گروه دوم یورو ۲۰۱۶ به مرحله بعد صعود کند.

دیدار تیم های ملی فوتبال ولز و روسیه از گروه دوم مسابقات یورو ۲۰۱۶ روسیه در شهر تولوز با قضاوت «یوناس اریکسون» از سوئد برگزار شد.

تیم ملی ولز موفق شد این دیدار حساس را با نتیجه ۳ بر صفر به سود خود به پایان برساند تا به عنوان تیم نخست با ۶ امتیاز از این گروه به مرحله بعد یورو ۲۰۱۶ صعود کند.«آرون رمزی» دقیقه ۱۱، «نیل تیلور» دقیقه ۲۰ و «گرت بیل» دقیقه ۶۷ گل های تیم ولز را به ثمر رساندند.

ولز در دیدارهای قبلی ۲ بر یک اسلواکی را برد و ۲ بر یک به انگلیس باخت؛ روسیه هم در دیدار نخست خود مقابل انگلیس به تساوی یک بر یک رسید و مقابل اسلواکی ۲ بر یک بازی را واگذار کرد.سرمربی ولز «کریس کولمن» است که خودش سال ها در خط میانی تیم ملی ولز به میدان رفته است.

آرون رمزی، بهترین بازیکن میدان

تیم فوتبال ولز با درخشش بازیکنانی چون «آرون رمزی» و «گرت بیل» اکنون به عنوان صدرنشین گروه B راهی مرحله یک هشتم نهایی رقابتهای یورو ۲۰۱۶ شده است.هافبک تیم فوتبال ولز دراین باره گفت : کاری که انجام داده اند افتخارآفرین بوده با این حال حضور در این مرحله برای آنها راضی کننده نیست.

«آرون رمزی» افزود: می خواستیم به این تورنمنت بیاییم و فوتبال ولز را روی نقشه بیاوریم و نشان دهیم که از چه ظرفیتی برخورداریم. این چیزی است که ما واقعا به دنبالش بودیم و فکر می کنم موفق به انجامش شده ایم.

آرون رمزی در بازی دیشب، بهترین بازیکن زمین معرفی شد.

عذر خواهی مربی روسیه

لئونید اسلاتسکی سرمربی روسیه بعد از حذف تیمش از رقابت های یورو ۲۰۱۶ گفت: از هر جنبه افتضاح بودیم و به همین خاطر از هواداران روس عذرخواهی می کنم. شایستگی برد در این بازی را نداشتیم و حریف خیلی بهتر از ما عمل کرد. باید بررسی کنیم و دلیل بازی بد خودمان را جویا شویم. این عملکردی نبود که من از بازیکنانم انتظار داشتم. متاسفانه در همان نیمه نخست بازی را از دست دادیم و خیلی زود دروازه ما باز شد و دیگر نتوانستیم به بازی برگردیم.شایعه برکناری این مربی به طور جدی مطرح است .

در دیگر دیدار برگزار شده ، انگلیسی ها در ورزشگاه «جفری گویچارد» سنت اتین، هر چه زدند مقابل اسلواکی به در بسته خوردند. مردان «روی هاجسون» به نسبت دو بازی قبلی خود مقابل روسیه و ولز بازی به مراتب هجومی تری به نمایش گذاشتند اما موفق نشدند دروازه اسلواکی را باز کنند.

این تیم به ویژه در نیمه دوم چند بار توسط بازیکنانی مانند «ناتانیل کلین»، «دله علی»، «وین رونی» و «هری کین» در موقعیت گلزنی قرار گرفت اما این حملات برای سه شیرها بی ثمر بودوبازی با نتیجه صفر بر صفر به پایان رسید.اسلواکی که در دو بازی قبلی خود مقابل ولز و روسیه تیمی نسبتا تهاجمی نشان داده بود در این دیدار بیشتر دست به دفاع زد تا بلکه بر روی ضد حمله بتواند حریف خود را شکست دهد اما موفق به ایجاد خطرات چندانی نشد.

این تیم در انتظار می ماند تا با برگزاری بازی در دیگر گروه ها تکلیف صعودش به یک هشتم مشخص شود. شاهزاده ویلیامز هم برای تماشای این دیدار در ورزشگاه حضور داشت البته هموطنانش نتوانستند با خوشحالی وی را روانه هتل محل اقامت خود کنند.

هولیگان اخراج شده دوباره در فرانسه دستگیر شد!

سردسته هولیگان‌های روسی که از فرانسه اخراج شده بود، دوباره در تولوز دستگیر شد.

به گزارش آس، الکساندر شپریگین که سردسته هواداران آشوب‌گر روسیه در فرانسه است، شنبه توسط ماموران فرانسوی به علت درگیری با هواداران انگلیس و درست کردن اغتشاش پیش از دیدار دو تیم، با حکمی از فرانسه اخراج شد اما دوباره روز(پریروز)در تولوز، شهری که تیمش با ولز بازی داشت، دستگیر شد.

شپریگین در طول روز عکس‌هایی از خودش در شهر جنوبی فرانسه و ورزشگاه به نمایش گذاشت و خیلی زود به همراه ۱۹ نفر دیگر دستگیر شد. این هولیگان روسی پس از دستگیری و اخراج اعلام کرده بود قصد بازگشت به فرانسه را در جریان برگزاری یورو دارد.

اخبار کوتاه خارجی

کوپا آمه ریکا ۲۰۱۶ پر گل ترین تورنمنت تاریخ این رقابت‌ها

در کوپا آمه ریکا ۲۰۱۶ گل های فراوانی به ثمر رسیده که موجب شده است این رقابت‌ها به پرگل‌ترین تورنمنت تاریخ بدل شود.

به گزارش مارکا، در یکصدمین سال راه‌اندازی کوپا آمه‌ریکا، تورنمنت پرگلی در آمریکا در جریان است. این رقابت‌ها که با چهار تیم بیشتر برگزار می شود، دروازه‌ها فراتر از تصور همه باز شده است تا شاهد تورنمنت پرگلی باشیم.در مجموع دیدارهایی که تاکنون برگزارشده، ۸۴ گل به ثمر رسیده است (میانگین سه گل در هر دیدار).

لیونل مسی، مهاجم تیم ملی فوتبال آرژانتین با چهار گل، برترین گلزن تیمش است. آرژانتین موفق شد پاناما را نتیجه پنج بر صفر و ونزوئلا را چهار بر یک شکست داد. در مقابل، شیلی با پیروزی تاریخی هفت بر صفر برابر مکزیک، پرگل‌ترین بازی را در تاریخ فوتبال خود به ثبت رساند. ادواردو وارگاس، مهاجم شیلی هم با ۶ گل در دو بازی، وارد رقابت کسب جایزه برترین گلزن این بازی ها شد.

اونای امری جانشین لوران بلان در پاری سن ژرمن

مدیر برنامه های سرمربی PSG اعلام کرد طی چند روز آینده بلان این تیم را ترک می کند.

به گزارش اکیپ، لوران بلان دوران موفقی را در پاری سن ژرمن سپری و جام های زیادی با این تیم کسب کرد اما به نظر می رسد سرانجام باید بهای قهرمان نشدن در لیگ قهرمانان اروپا را بپردازد.بلان سال ۲۰۱۳ هدایت پاری سن ژرمن را پذیرفت و سه قهرمانی در لوشامپیونه و دو قهرمانی در جام حذفی کسب کرد.همانطور که پیش بینی می شود، اونای امری، سرمربی فصل پیش سویا به زودی به عنوان سرمربی جدید پاری سن ژرمن معرفی خواهد شد. او در سه فصل گذشته با سویا قهرمان لیگ اروپا شده است.

داستان دختر پناهنده سوری در جدال با مرگ وحضور در المپیک

شناگر پناهنده سوری در آلمان موفق شد سهمیه المپیک بگیرد و حالا امیدوار است در ریودوژانیرو بتواند مدال بگیرد.

به گزارش سایت ریو ۲۰۱۶، یسرا ماردینی دو سال پیش از راه دریای مدیترانه به آلمان پناهنده شده است. او اهل سوریه است و پس از شروع جنگ در این کشور از آنجا خارج شده است.

آگوست امسال او در ۱۸ سالگی در بازی‌های المپیک ریو شرکت می‌کند و عضو تیم پناهندگان خواهد بود. قایق یسرا و هم سفرانش به هنگام سفر در دریای مدیریترانه خراب می‌شود و یسرا و خواهرش از قایق خارج شد و آن را تا ساحل هل می‌دهند. به این ترتیب، آنها جان ۲۰ نفر را نجات می‌دهند.

پس از رسیدن یسرا به برلین، استعداد یسرا سریعا شناخته می‌شود و او در یکی از باشگاه‌های قدیمی برلین شروع به تمرین می‌کند. او درباره راهیابی به المپیک هم گفت: به خانواده، مربی، دوستان و همه کسانی که کمک کردند فکر می‌کنم. می‌خواهم به همه نشان دهم که بعد از تحمل درد و طوفان مشکلات، روزهای آرامی هم در راه هست.

در سال ۲۰۰۵، IOCدو میلیون دلار را صرف برنامه‌های مربوط به پناهندگان کرد. این تلاش‌ها سبب شد که تیم پناهندگان المپیک تشکیل شود. به غیر از یسرا، یک شناگر سوری دیگر، پنج دونده سودانی، دو جودوکار اهل کنگو و یک دونده ماراتن اهل اتیوپی نیز در تیم پناهندگان المپیک حضور دارند.تیم پناهندگان المپیک زیر پرچم المپیک بازی خواهد کرد. این تیم در کنار دیگر تیم‌ها در دهکده المپیک حضور خواهد داشت.

قدردانی رئیس کمیته ملی المپیک از معاون اول رئیس جمهوری

رئیس کمیته ملی المپیک از معاون اول رئیس جمهوری و سخنگوی دولت به دلیل صدور دستورات لازم برای اجرایی شدن خواسته های کاروان المپیکی ایران تقدیر و تشکر کرد.

به گزارش ایرنا، در نشستی که ۱۷ خرداد ماه با حضور مسئولان ورزش کشور و اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در هتل المپیک برگزار شد، کیومرث هاشمی رئیس این کمیته ضمن قدردانی حمایت های دولت از جامعه ورزش کشور، ۵ درخواست را مطرح کرد.

تخصیص بودجه ۹ ماه آینده تا پایان تیر ماه به کمیته ملی المپیک، حمایت ویژه از کادر فنی رشته های اعزامی به المپیک و پارالمپیک، پرداخت پاداش قهرمانان و افتخارآفرینان تا قبل از اعزام کاروان، اختصاص ۱۰ میلیارد تومان بودجه برای شارژ مالی ورزشکاران و کادر فنی رشته های مختلف و همچنین حضور و بازدید از اردوی تیم های اعزامی به المپیک و پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو، ۵ خواسته رئیس کمیته ملی المپیک بود که از طرف دولت بااجرایی شدن آن موافقت شد.

رئیس کمیته ملی المپیک ضمن قدردانی از معاونان محترم رئیس جمهوری گفت: موافقت با این درخواست جامعه ورزش کشور، خبر خوشی بود که اهالی ورزش کشور و بخصوص کاروان المپیکی اعزامی به رقابت های ریو ۲۰۱۶ را خوشحال و آنها را در انجام تمرینات و حضور قدرتمندانه در این رقابت ها، دلگرم تر از گذشته کرد.

وی خاطر نشان کرد: به نمایندگی از جامعه ورزش کشور از دولت محترم، بویژه شخص رئیس جمهور در حمایت از ورزش کشور و دستور معاون اول رئیس جمهوری و سخنگوی محترم دولت مبنی بر عملیاتی شدن این درخواست، مراتب قدردانی و حق شناسی خود را بجا می آورم.

هاشمی تصریح کرد:امید است با اجرایی شدن این درخواست در اسرع وقت، شاهد حضور مقتدرانه ورزشکاران ایرانی در بازیهای المپیک ریو باشیم.

درخواست کادر فنی تیم ملی فوتسال برای سفر به قطر

سرمربی تیم ملی فوتسال پاسخ منتقدان به تعطیلی اردوها را داد و گفت به دنبال این است تا اردویی خارجی به همراه بازی تدارکاتی با تیم‌های اروپایی تدارک ببیند.

محمد ناظم الشریعه در گفتگو با ایسنا درباره تعطیلی اردوی تیم ملی و انتقاد کارشناسان از این وضع، گفت: ما درخواست اردو کرده‌ایم اما اردویی باید برگزار شود که به بازی تدارکاتی وصل باشد.

ناظم الشریعه همچنین در پاسخ به این پرسش که با کدام کشورها برای بازی دوستانه مذاکره کرده است، گفت: هلند را خودم پیگیری می‌کنم. اما بازی با هلند کافی نیست.

سرمربی تیم قهرمان آسیا درباره برنامه تیم ملی بعد از لیگ هم افزود: تا امروز بازی با ازبکستان در هفتم و هشتم شهریور قطعی شده است. تورنمنت تایلند هم به نظر می‌رسد قطعی باشد و ما می‌توانیم در این مسابقات با تیم‌های قزاقستان، مصر و تایلند بازی کنیم. قزاقستان از تیم‌های خوب دنیاست و این بازی می‌تواند شبیه‌سازی بازی با آذربایجان باشد. بازی با مصر هم شبیه‌سازی مصر است.

ناظم الشریعه در پایان هم از حضور در جام باشگاه‌های جهان خبر داد و به ایسنا گفت: به دنبال این هستم تا به قطر بروم و سه بازی آخر جام باشگاه‌های جهان را از نزدیک ببینم چون تیم بارسلونای اسپانیا با بازیکنان ملی پوش خود می‌آید و ارزیابی این تیم می‌تواند در مرحله گروهی جام جهانی به کارمان بیاید.

جزئیات تازه از دستگیری تروریست‌های تکفیری وهابی در تهران

پیرو اطلاعیه اخیر وزارت اطلاعات مبنی بر دستگیری تعدادی از تروریست‌های تکفیری وهابی در تهران و چند استان کشور، وزیر اطلاعات در جمع خبرنگاران بخشی از اطلاعات قابل نشر اقدام اخیر سربازان گمنام امام زمان (عج) را بیان کرد.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود علوی با تبریک میلاد مسعود کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (ع) گفت: سلسله عملیات دستگیری تروریست ها از مورخ ۲۵ خرداد ۱۳۹۵ آغاز و آخرین ضربه های اطلاعاتی در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۹۵ بر این گروه وارد شده و تعداد ۱۰ تروریست تکفیری وهابی در تهران و سه استان مرزی و مرکزی کشور دستگیر شده اند و اکنون بازجویی از تروریست ها و روند پیگیری های اطلاعاتی و عملیاتی در داخل و خارج از کشور به طور همزمان و همه جانبه ادامه دارد.

وزیر اطلاعات ادامه داد: عملیاتی که تروریست ها برنامه ریزی کرده بودند، در قالب بمب گذاری و انفجار از راه دور، عملیات انتحاری، انفجار خودرو حامل مقادیر انبوه مواد انفجاری و با هدف انفجار در مراکز تجمع و پر تردد مردم بود که با هوشیاری سربازان گمنام امام زمان (عج) ناکام ماند.

وی افزود: آنها ۵۰ هدف انفجاری را شناسایی و مواد منفجره برخی از اهداف را آماده کرده بودند و برخی دیگر را در حال تهیه، تدارک و دریافت بودند . علوی با اشاره به این که تا کنون معادل ۱۰۰ کیلوگرم مواد آماده انفجار و ترکیبات پیش ساز آن کشف و ضبط شده است گفت: با سلسله اقدامات پیچیده و پنهان اطلاعاتی از تحویل دو تن از این مواد به تروریست ها پیشگیری شده است.

وی در پایان از ملت مومن روزه دار و سرافراز ایران اسلامی درخواست کرد برای موفقیت کامل این عملیات سربازان گمنام امام زمان (عج) نیازمند دعای شما بوده و لازم است عزیزان با حفظ هوشیاری همیشگی، هر گونه مورد مشکوک را به ستاد خبری وزارت اطلاعات به شماره تلفن ۱۱۳ در سراسر کشور منعکس کنند.

جهانگیری: رعایت امنیت در حفاظت از اطلاعات دولت در اینترنت الزامی است

رعایت ضوابط ایمنی و امنیت در حفاظت از پایگاه های داده و درگاه های دولت و نهادهای عمومی الزامی است

این مطلب را دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری دیشب در دهمین جلسه شورای اجرایی فناوری اطلاعات اعلام کرد و با تاکید بر تسریع در اجرایی شدن دولت الکترونیک، به انواع خدمات دولتی که قرار است توسط دستگاه های دولتی از طریق خدمات الکترونیک بین دستگاهی و اتصال به مرکز ملی تبادل اطلاعات ارایه شود، اشاره کرد و اظهار داشت: باید ارایه این خدمات به نحوی باشد که در نهایت منجر به حذف مکاتبات کاغذی و توسعه خدمات الکترونیک شود.

وی پس از ارایه گزارش دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات در خصوص وضع امنیتی پورتال های دولتی تاکیدکرد:رعایت‌ضوابط‌ایمنی و امنیت در حفاظت از پایگاه های داده ، وب سایت ها و درگاه های دولت و نهادهای عمومی و بنگاه های کشور الزامی است.

در این جلسه دستورالعمل پیاده سازی خدمات الکترونیک بین دستگاهی و اتصال به مرکز ملی تبادل اطلاعات به تصویب رسید. براساس این دستورالعمل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران، سازمان ثبت احوال کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، سازمان ثبت اسناد کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت صنعت، معدن و تجارت، نیروی انتظامی، سازمان امور مالیاتی، قوه قضاییه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی به منظور ارائه شناسنامه خدمات در درگاه خدمات دولت هوشمند و تدوین برنامه الکترونیک کردن خدمات موظف شدند شناسنامه خدمات خود را به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارسال کنند.

سپس نصراله جهانگرد دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات با ارائه گزارشی درخصوص زیرساخت های توسعه دولت الکترونیک و مزایا و اهداف آن اظهار امیدواری کرد در آینده ای نزدیک بخش هایی از خدمات از طریق پنجره واحد خدمات الکترونیک دولت به مردم و دستگاه ها ارائه شود.

وی همچنین گزارشی پیرامون طرح درگاه الکترونیک دولت هوشمند، گزارش گذرگاه ملی خدمات دولت و گزارش وضع امنیتی و ایمنی درگاه های دولتی ارائه کرد.

در این جلسه همچنین وزرای علوم، تحقیقات و فناوری، اقتصاد و دارایی، دفاع و پشتیبانی و نیروهای مسلح، ارتباطات و فناوری اطلاعات، آموزش و پرورش و معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری حضور داشتند.

استقبال ایران از گسترش روابط اقتصادی با چین

روابط تجاری و اقتصادی با کشورهایی که در زمان تحریم ایران را حمایت کرده‌اند، گسترش می‌یابد.

به گزارش مهر، ولی الله سیف رئیس کل بانک مرکزی در دیدار هیات چینی با اعلام اینکه ایران از سرمایه گذاری خارجی استقبال می کند، گفت: ایران برای توسعه اقتصادی نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارد و بر این اساس از همکاری موسسه‌های خارجی در این زمینه استقبال می‌کند.

وی در دیدار با قائم مقام موسسه سرمایه‌گذاری چین (CIC) و هیات همراه با اشاره به روابط مثبت دو کشور ایران و چین، از تمایل مقامات ایرانی برای گسترش همکاری های تجاری خبر داد و گفت: رئیس جمهوری ایران خواهان گسترش روابط و همکاری های بیشتر با کشورهایی هستند که در زمان تحریم و در شرایط سخت ایران را حمایت کرده اند و بر این اساس همکاری های تجاری و اقتصادی با چین بیش از پیش تعمیق می یابد.

سیف با بیان دستاوردهای دولت تدبیر و امید در حوزه اقتصادی و تجاری و لزوم جذب سرمایه های خارجی گفت: از آغاز دولت یازدهم برنامه‌های اقتصادی و اقدام های موثری برای مهار تورم، انضباط پولی و مالی، ثبات بازارهای مختلف از جمله بازار ارز انجام شده، ضمن آنکه سرمایه گذاری‌های خارجی در ایران روند رشد اقتصادی را تسریع می کند. بر همین مبنا از سرمایه گذاری فعالان اقتصادی و موسسه سرمایه‌گذاری چین (CIC) در ایران استقبال می کنیم.

رئیس شورای پول و اعتبار، تسویه بدهی شرکت های بیمه ای بین المللی را از اقدامات پسابرجام خواند و گفت: تاکنون در زمینه تسویه معوقات به شرکت‌های بیمه‌ای ساچه ایتالیا، اوکابه اتریش، کوفاس فرانسه و هرمس آلمان اقدام‌های مهمی انجام شده و همچنین تلاش‌ها و گشایش‌های بسیاری در راستای برقراری روابط بانکی با کشورهای آسیایی و اروپایی رخ داده است.

نگرانی وزارت بهداشت از موج جدید مهاجرت‌ها به ایران

رییس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، اقدامات بهداشتی ایران برای جمعیت مهاجر و پناهنده که اغلب آنها را اتباع افغان تشکیل می‌دهند، تشریح کرد.

دکتر محمد مهدی گویا در گفت‌وگو با ایسنا، با تاکید بر اینکه در هیچکدام از مراکز بهداشتی و درمانی تفاوتی میان ارائه خدمات میان جمعیت ایرانی و پناهندگان وجود ندارد، افزود: همه خدمات بهداشتی اولیه برای مهاجرین و پناهندگان رایگان است.

گویا ادامه داد: خدمات ارتقای سلامت و پیشگیری از بیماری‌ها، آموزش شیوه زندگی سالم، خدمات بهداشت باروری مطابق خدماتی که به مردم ارائه می‌شود و حتی کمی بیشتر از آن، از جمله اقداماتی است که توسط وزارت بهداشت برای این جمعیت انجام می‌شود.

رییس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت ضمن اشاره به اختصاص بیش از ۱۵مراکز زایمانی ویژه برای جمعیت مهاجر و پناهنده در بعضی از مناطق خاص کشور، ادامه داد: یکی دیگر از برنامه‌های وزارت بهداشت، اجرای برنامه واکسیناسیون است. ما نه تنها این خدمات را برای هر کودک مهاجر و پناهنده به صورت عادی ارائه می‌کنیم، بلکه برای این جمعیت خدمات ویژه‌ای نیز در نظر گرفته‌ایم.در مقاطعی از سال برای پیشگیری از فلج اطفال، در یک بازه کوتاه چند روزه جمعیت وسیعی را در مناطقی که احتمال می‌دهیم خطر ورود بیماری وجود داشته باشد، واکسینه می‌کنیم.

به این ترتیب حدود ۲۰۰هزار نفر طی دو تا سه نوبت، گاهی تا چهار نوبت در سال این واکسن را دریافت می‌کنند.

رییس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، همچنین از موج جدید مهاجرت‌ها به کشور ابراز نگرانی کرد و گفت: ما از سال گذشته شاهد موج جدید مهاجرت به کشور هستیم.

قبلا بیشتر کسانی که به ایران مهاجرت می‌کردند جویای کار، جوان و جزو افراد سالم جامعه بودند. اما امروز بخش قابل توجهی از جمعیت مهاجر، زنان و کودکان هستند که نیاز به خدمات و مراقبت‌های ویژه‌ای دارند و برنامه واکسیناسیون آنها باید کنترل شود.

تشریح اولویت های امسال نظام بانکی

رئیس کل بانک مرکزی دو اولویت اصلی نظام بانکی کشور در سال ۹۵ را حمایت از صنایع کوچک و متوسط و تامین سرمایه در گردش برای بنگاه های اقتصادی اعلام و تاکید کرد: تلاش می‌کنیم از استفاده غیربهینه از منابع محدود نظام بانکی جلوگیری شود.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، ولی الله سیف عصر دیروز در جلسه مشترک با وزیر کشور، مدیران عامل بانک‌ها و استانداران افزود: نظام بانکی باید کمک کند خط تولید واحدهای کوچک و متوسطی که مشکل نقدینگی دارند، رونق پیدا کند. همچنین واحدهایی که مشکل ساختاری دارند هم باید ساختار خود را اصلاح کنند.

وی ادامه داد: کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید در استان‌ها نباید به محلی تبدیل شود که همه بنگاه های کوچک و متوسط برای دریافت تسهیلات به آنجا مراجعه کنند.

رئیس کل بانک مرکزی افزود: بانک‌ها درصد زیادی از درخواست‌های تسهیلات بنگاه‌های کوچک و متوسط را با تشخیص خود بررسی و پاسخ می‌دهند.

سیف تاکید کرد: کسانی باید به کارگروه مراجعه کنند که اختلاف نظری با بانک پیدا کرده‌اند؛ همچنین واحدی که باید تسهیلات بگیرد به مرجع بالاتر ارجاع شود تا سرعت پاسخگویی و رسیدگی به درخواست‌ها بالا رود.

وزیر کشور هم در این جلسه تاکید کرد: در توزیع منابع باید نظرهای استاندار و مسئولان استانی هم لحاظ شود.

عبدالرضا رحمانی فضلی با بیان اینکه بانک ها با وجود مشکلاتی که دارند بزرگترین پیشران اقتصادی کشور هستند، افزود: انحراف در استفاده از منابع بانکی موجب اتلاف سرمایه ها می شود

وی ادامه داد: در سال «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نظام بانکی استان های نمونه (آذربایجان شرقی، لرستان و کرمان) را بوته آزمایش در استفاده از منابع خود قرار دهد.

آغاز به کار شرکت مشترک ایران خودرو و پژو فرانسه

با امضا قرارداد میان شرکت ایران خودرو و شرکت پژو سیتروئن در حضور وزیر صنعت ، معدن و تجارت، شرکت مشترک ایران خودرو و پژو فرانسه با نام ایکاپ (IKAP) بطور رسمی کار خود را آغاز کرد.

مهندس محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت دیروز در مراسم امضا قرارداد با حضور مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو و قائم مقام و عضو هیات رئیسه شرکت پژوسیتروئن گفت: بعضی ها می گویند برجام چه شد ، باید بگویم که کارهای مبنایی زیادی بویژه در بخش صنعت شروع شده که زمانبر است ، در مورد همین شرکت هم کار شروع شده و سالن را آماده کردند که ماشین الات وارد شود و نصب کنند.

وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: ما حتی قبل از برجام مذاکرات را شروع کردیم اما آغاز همکاری مشروط به برجام بود. بعد از به نتیجه رسیدن برجام و سفر رئیس جمهوری به فرانسه و امضا قرارداد اصلی، یک توافقنامه اصلی با ۱۹ توافقنامه فرعی نهایی شد.

وی ابراز امیدواری کرد این مشارکت که تمام مراحل از طراحی، مهندسی، نواوری و صادرات را شامل می شود، چند دهه ادامه یابد .نعمت زاده گفت: ما بسیار خوشبین هستیم که ماه اینده یک قرارداد دیگر با شرکت آلمانی امضا کنیم که این قرارداد میان شرکت ایران خودرو دیزل و ایدم با یک شرکت المانی امضاخواهد شد.

وی با اشاره به اینکه امسال ۵ تا ۶ قرارداد مهم در زمینه خودرو ، کشتی سازی و سایر حوزه ها خواهیم داشت، گفت : البته شاید تاکنون ۳۰ تا ۴۰ مورد نهایی شده است، اما در سطح ملی ما موارد زیادی خواهیم داشت.

وزیر صنعت ، معدن و تجارت افزود: قرار است در قراردادهایی که با طرف های خارجی منعقد می شود از حداکثر ظرفیت های داخلی حتی در تولید محصولات جدید استفاده شود و در ارتباط با این قرارداد هم ابتدا خودروهای تولیدی با سهم چهل درصد ساخت داخل شروع می شود و در ادامه به ۷۰ تا ۸۰ درصد می رسد .

نعمت زاده به سهم ۲۰۰ میلیون یورویی هر یک از طرفین شرکت مشترک ایران خودرو و پژو اشاره کرد وگفت: در این قرارداد نه تنها بر استفاده از توانمندی های داخلی بلکه بر استفاده از توان داخلی در صادرات قطعه و خودرو هم تاکید شده است.

هاشم یکه زارع مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو هم با بیان اینکه بعد از دوسال مذاکرات فشرده و امضا قرارداد با حضور رئیس جمهوری توانستیم شرکت مشترک را ایجاد کنیم ،گفت: شرکت ایکاپ رسما فعالیت خود را از امروز اغاز می کند و قرارداد ما با شرکت پژو بصورت برد- برد است و تمام منافع و مصالح شرکت ایران خودرو در آن لحاظ شده است.

یکه زارع افزود: این قرارداد با قرارداد قبلی تفاوت دارد و قرار است خودرو هایی با تکنولوژی جدید و محصولات جدید تولید کنیم. ضمن اینکه روی پلت فرم پژو ما هم محصولات خودمان را تولید می کنیم و بحث مهم دیگر در این قرارداد صادرات خودروهایی است که در این شرکت مشترک تولید می شود.

واکنش وزارت بهداشت به اخبار خرید و فروش نوزادان برای پیوند عضو

در پی انتشار برخی اخبار و تصاویری مبنی بر خریداری نوزادان جهت فروش اعضای بدن‌شان، رئیس مرکز مدیریت پیوند وزارت بهداشت ضمن تکذیب این اخبار، گفت: پیوند اعضا در اطفال وضعیت پیچیده‌تری دارد، حساس‌تر و مشکل‌تر است و در مراکز محدودتر و با استاندارد بالا صورت می‌گیرد.

دکتر محمد کاظمینی در گفت‌وگو با ایسنا، در واکنش به انتشار برخی اخبار و تصاویر مبنی بر خرید و فروش نوزادان جهت استفاده از اعضای بدن‌شان جهت پیوند گفت: خبر پیوند عضو از نوزادان و خرید و فروش آنها در ایران، بی‌اساس بوده و تکذیب می‌شود.

وی افزود: پروسه برداشت عضو و پیوند اعضا که اقدامی پیچیده و از اعمال جراحی دقیق و با استانداردهای بالا است، کاملا تحت نظر و در مراکز مشخص انجام می‌شود. بنابراین این طور نیست که در هر جایی مانند کوچه‌های خیابان ناصر خسرو صورت گیرد. به همین دلیل این خبر اساسا غلط و کذب است.

کاظمینی افزود : برداشت عضو از اطفال زنده به طور کلی ممنوع بوده و برداشتن عضو از مبتلایان مرگ مغزی که کم سن و سالند، با پیچیدگی‌های بیشتری همراه است و هنوز این اقدام از نوزادان انجام نمی‌شود. به طوریکه تا کنون کمترین سنی که برداشت عضو از آن انجام شده است، ۱,۵ سالگی بوده است.

وی تاکید کرد: همانطور که گفته شد به دلیل تکنیک و ظرافتی که در عمل پیوند وجود دارد، این اعمال از سوی متخصصین متبحر کشور و در مراکز مجهز و شناخته شده انجام می‌شود.

بنابراین بدیهی است که همه این اقدامات نیز بر مبنای کمک به هم‌نوعان بوده و در عین حال همه مشخصات این اهدا کنندگان و گیرندگان عضو برای ما روشن و اطلاعات آنها موجود است.

وضع راه‌های روستایی در ۵ استان بدتر از متوسط کشوری است

استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، خراسان شمالی و شرق هرمزگان به لحاظ وضع دسترسی روستانشینان در این مناطق به راه روستایی بدتر از متوسط کشوری بوده و ۱۰ تا ۱۵ درصد پایین‌تر است. همچنین در میان شهرستان ها هم دو شهرستان بشاگرد و سرباز دارای بدترین وضع این نوع راه هستند ،به طوری که ۶۸ درصد جمعیت روستایی در این مناطق به راه آسفالت دسترسی دارند.

به گزارش فارس، محمدحسین میرشفیع معاون راه روستایی وزیر راه و شهرسازی در یک نشست خبری ضمن اعلام این مطلب اظهار داشت: ۲۰۰ هزار کیلومتر شبکه راه روستایی در کشور داریم که ۱۰۵ هزار کیلومتر آن آسفالت و ۹۵ هزار کیلومتر آن خاکی است. البته این راه‌های خاکی در مناطقی با جمعیت روستایی بسیار پایین است که برخی از آنها راه شبکه‌ای و برخی راه روستاهای زیر ۲۰ خانوار است.

وی ادامه داد: حدود ۴ هزار پروژه هم در روستاها داریم و امروز برخورداری جمعیت روستاها از راه روستایی ۹۱/۵درصد است. در واقع از ۲۱/۵درصد جمعیت روستایی کشور از ۹۱/۵درصد از راه آسفالت برخوردار هستند و ۹۹ درصد راه دسترسی روستایی دارند.البته برنامه داریم تا سال آینده برخورداری جمعیتی روستاییان از راه آسفالت را به ۹۵ درصد افزایش دهیم . در این باره مطالعات شبکه کامل و نسبت عدم برخورداری شهرستان‌ها مشخص شده‌است.

ابراز نگرانی شورای شهر از وجود مخاطرات زیست محیطی پایتخت

سرویس سیاسی – اجتماعی: اعضای شورای شهر تهران با ابراز نگرانی نسبت به مخاطرات زیست محیطی پایتخت به ویژه در منطقه شهری ،خواستار پاسخگویی مسئولان شدند.

رحمت الله حافظی رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران نخستین عضو شورا بود که در جلسه دیروز لب به گلایه گشود و از عملکرد مسئولان شهری انتقاد کرد.

وی گفت: برخی از مسئولان، آبیاری مزارع توسط فاضلاب خام را تکذیب می کنند اما پیشنهاد می‌شود به جای تکذیب، با مداخله لازم نسبت به حل این مشکلات اقدام شود.

حافظی با اشاره به بازدیدهای دو سال گذشته کمیسیون سلامت از سازمان ها و شرکت های شهرداری و مناطق شهرداری تهران، اظهار داشت: تاکنون از مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ ، ۲۱ و ۲۲ بازدید به عمل آمده است اما منطقه ۲۰ شهرداری تهران بیشترین تهدیدات زیست محیطی و سلامت را دارد و سلامت مردم در این منطقه مورد تهدید بیشتری قرار گرفته است.

وی سپس با نمایش اسلایدهایی از وجود دکل‌های فشار قوی برق روی مناطق مسکونی واقع در برخی محلات این منطقه از جمله جوانمرد قصاب ، گفت: میدان الکترومغناطیس این دکل ها مشکلات خونی، مغزی و حتی معلولیت ها را ایجاد می کند. بر اساس استانداردها، دکل های برق دارای حریم های درجه یک و دو است که باید بین ۲۰ تا ۵۰ متر باشد ولی این استانداردها در این محلات رعایت نشده است.

رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران با اشاره به مطالعه‌ای در انگلستان درباره آسیب دکل های برق فشار قوی در محدوده سکونت به ویژه بر روی کودکان و نوجوانان، تاکید کرد: این مطالعه بر روی دو گروه در فاصله ۲۰۰ و ۶۰۰ متری از دکل برق انجام و بعد از مقایسه مشخص شد که سرطان خون در کودکان و نوجوانانی که در فاصله ۲۰۰ متری دکل ها زندگی می کنند، ۶۹ درصد بیشتر از گروه دوم بوده است.حافظی با بیان این که چه کسی باید پاسخگوی این معضل باشد، به خروجی تصفیه خانه جنوب تهران هم اشاره کرد و افزود: خروجی این تصفیه خانه در کانال عباس آباد، موجب شده است تا بوی نامطبوعی در محله عباس آباد و مجاور کانال استشمام شود. در نمونه برداری از این کانال مشخص شد که این آب برای آبیاری مزارع کشاورزی هم مناسب نیست و خارج از استانداردهای تعریف شده است .وی با بیان این که طبق قانون باید انهار در مناطق مسکونی سرپوشیده باشد، به معضلات کانال سرخه حصار از جمله رعایت نشدن رعایت حریم در این کانال با واحدهای مسکونی اشاره کرد و گفت: روی این کانال پمپی تعبیه کرده اند و به طور مستقیم از آن برای آبیاری زمین های کشاورزی استفاده می کنند.از سویی دیگر متاسفانه فاضلاب دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی که در مجاورت این کانال است هم به طور مستقیم به این کانال ریخته می شود.حافظی همچنین به وجود پمپ در کانال فاضلاب عماداَور اشاره کرد و افزود: این پمپ برای آبیاری مزارع کشت سبزی تعبیه شده است. برخی از مسئولان، آبیاری مزارع با فاضلاب خام را تکذیب می کنند اما پیشنهاد می شود که به جای تکذیب، با مداخله لازم نسبت به حل این مشکلات که تهدید کننده سلامت مردم است، اقدام کنند.حافظی همچنین درباره کارخانه متروکه سیمان ری که در طرح تفصیلی به عنوان موزه درنظر گرفته شده است، تاکید کرد: این کارخانه اکنون به محلی برای تردد افراد معتاد تبدیل شده است و باید در این زمینه تصمیم گیری لازم اتخاذ شود.

پس از نطق پیش از دستور حافظی ، محسن سرخو عضو شورای اسلامی شهر تهران، اظهار داشت: بزرگترین مشکل شهری تصفیه‌خانه و کانال‌های آب نیست بلکه گسل زلزله در ری از مشکلات اصلی است که اگر آن گسل حرکت کند، هیچ‌کدام از این تصفیه‌خانه‌ها کمکی نخواهد کرد و یکی از اقدامات اساسی، باید مقاوم‌سازی شهری مقابل زلزله باشد.

پرویز سروری رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی هم، تاکید کرد: با سلامت مردم نمی‌شود مماشات نکرد، باید تصمیم‌گیری شود و نباید فرافکنی کنیم. دکل‌هایی که از خانه مردم رد شده است، برای آنها ایجاد ضرر می‌کند، لذا باید برای آنها تصمیم‌گیری شود و این موضوع را به نتیجه برسانیم.اسماعیل دوستی دیگر عضو شورای اسلامی شهر تهران هم درباره کشت سبزی‌های آلوده در شهری اظهار داشت: آبیاری سبزیجات تهران از آب‌های آلوده ، فاجعه بزرگی است، لذا در این صورت باید یک اقدام اورژانسی انجام بگیرد.علیرضا دبیر رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورا هم با بیان این که سال‌هاست مشکلات ری به قوت خود باقی است و این مشکلات با شعار دادن حل نمی شود، افزود: مسئولان شهرداری باید به مردم پاسخگو باشند که چرا اعتبارات نقدی را در این منطقه شهرداری تخصیص نمی‌دهند.

در ادامه جلسه، صفوی شهردار منطقه ۲۰ بدون اشاره به علت جلوگیری نکردن شهرداری در ساخت و ساز زیر دکل های برق فشار قوی، گفت: ساخت و ساز زیر دکل‌های برق در شهری با مجوز شهرداری نبوده و در سنوات گذشته با توجه به توان پایین معیشتی افراد این محله با آنها با مماشات برخورد شده است.وی حل معضلات منطقه ۲۰ تهران را نیازمند یک عزم جدی ، همگانی و همکاری دستگاه‌های ذیربط دانست و در پایان خواستار تغییر نام شورای اسلامی شهر تهران به شورای تهران، ری و تجریش بر اساس خواسته اهالی شهری شد.

شفاف‌سازی هزینه‌های شهر تهران

همچنین در این جلسه غلامرضا انصاری عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورا خواستار شفاف‌سازی هزینه‌ها در شهر تهران شد و گفت: شفاف‌سازی مالی در همه عرصه‌ها از خواسته‌های مردم است، لذا از هیات رئیسه درخواست می‌شود درباره شفاف‌سازی هزینه‌های شهر تهران به ویژه هزینه ایجاد پل صدر و نیایش و همچنین میزان دیون، شهرداری گزارشی را تنظیم کند تا همه درباره میزان دارایی و نحوه هزینه‌کرد پروژه‌ها اطلاعاتی به دست آورند.

ترحیم

انا لله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تألم در گذشت پدر بزرگوار و عزیزمان **جناب آقای محمدسعید صادق وزیری** را به اطلاع اقوام، دوستان و همشهریان محترم سنندجی می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحوم روز پنجشنبه مورخ ۹۵/۴/۳ از ساعت ۱۸/۴۵ الی ۲۰/۱۵ در مسجد الرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر - خیابان عشقیار میدان نیلوفر برگزار می‌گردد. حضور اقوام، آشنایان، دوستان و همشهریان عزیز تسلی‌بخش بازماندگان خواهد بود.

فرزندان: هنگامه، شعله، شراره، آصفه، آزاده - فرهاد مؤیدی

فرزاد صادق وزیری و خانواده‌های صادق وزیری، آصفی و سایر خانواده‌های وابسته

جناب آقای دکتر اسعد اردلان

ریاست محترم

هیات مدیره جامعه کردهای مقیم مرکز

بدینوسیله مراتب عرض تسلیت و اظهار همدردی جامعه کردهای مقیم مرکز را به خاطر در گذشت عموی بزرگوارتان به حضر تعالی و عموم خاندان معزز اردلان اعلام می‌داریم و به همین مناسبت در مراسم یادبود آن زنده یاد در روز پنجشنبه مورخ ۹۵/۴/۳ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد النبی(ص) واقع در خیابان امیر آباد شمالی شرکت خواهیم نمود

جامعه کردهای مقیم مرکز

بازگشت همه بسوی خداست

گلی پژمرده شد در گلشن ما

بشد خاموش شمع محفل ما

دگرباره نبینیم روی ماهش

خدایا این تو و این هم گل ما

با نهایت تأسف و تأثر در گذشت مرحومه مغفوره **حاجیه خانم زهرا طیبی**، دردانه خلدآشیان حاج میرزا آقا طیبی و همسر فداکار شادروان حاج اصغر محمد علیزاده شبستری را به اطلاع کلیه بستگان، آشنایان و همشهریان بزرگوار می‌رسانیم.

به همین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحومه از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ روز پنجشنبه مورخ ۹۵/۴/۳ در مسجد نور شبستریها واقع در میدان فاطمی برگزار خواهد شد. حضور شما سروران و بزرگواران در این مجلس موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان می‌باشد.

خانواده‌های: طیبی - محمدعلیزاده شبستری - ردادی - اکوشیان - ثمین - دادرس - حریری - جلفایی قدیم - شبستری - مصطفوی - اکبری - مرتضویان - دیباور - فاخری - ذکائی - سیدشبستری - شیبانی - صمدیان - حسین‌زادگان - خیابانیان - شناسی - شفیع‌زادگان - رزاق‌زاده - سلماسی - فتاح‌زاده - عالمی - یوسفی - بادامچی و سایر وابستگان سببی و نسبی.

با نهایت تأسف و تأثر ضمن عرض تسلیت در گذشت **بانوی مؤمنه حاجیه خانم زهرا طیبی بزرگ خاندان (همسر مرحوم حاج اصغر محمدعلیزاده شبستری)** را به اطلاع اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحومه روز پنجشنبه ۹۵/۴/۳ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور شبستریها واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.

حضور کلیه سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلای خاطر بازماندگان خواهد بود.

علی‌اکبر دادرس و خانواده

یادبود

خدایا آیا جایی بالاتر از بهشت داری؟

برای زیر پای مادرم می‌خواهم

دومین سالروز فرو ریختن ستون محکم خانه‌مان و بازوان مادرم **زنده یاد عزت‌الملوک امیر مختاری (نوذری)** آن همیشه پناه گاهمان، انسانی والا، از خود گذشته، مظهر نیک نفسی، آیینه صدق و صفا و نمونه بردباری و ایثار فرا رسیده است

دلم برایت تنگ است کجایی مادر؟

کسی که طعم محبت چشیده می‌داند، مصیبتی به جهان همچو مرگ مادر نیست.

مادرم: بر سجده آخرین نمازت سوگند، تو نابترین معنی «مادر» بودی

مادر تو رفته‌ای شب ما بی‌ستاره است

در آشیانه‌ای که با هم انس بسته‌ایم

از طرف فرزندان: افشین (رمضانعلی) مارک آرش آرا

خداحافظ ای داغ بر دل نشسته

تو را می‌سپاریم به رویای فردا

به مناسبت دومین سالگرد هجران جانگداز و زودهنگام **نوگل عزیزمان معصومه سادات علوی** روز جمعه ۱۳۹۵/۴/۴ بر مزارش گردهم می‌آییم و با اندوه و حسرت همیشگی یاد و خاطرات شیرین و بیکرانش را گرامی می‌داریم. روحش شاد و باغ یادش پرگل و جوانه باد.

از طرف خانواده و بستگان همیشه داغدارش.

هوالباقی

مرگ چنین خواجه نه کاریست خرد

یکسال تاریک، غمبار و باورنکردنی از غروب ابدی شادروان **دکتر علی پورزند** خورشید بی‌بدیل و استاد مسلم جراحی و رادمردی بی‌نظیر گذشت.

این فاجعه در باور ما و بیماران بی‌شماری که از نعمت دستان شفابخش او محروم شدند نمی‌گنجد. یادواره آن عزیز از دست رفته در تاریخ ۹۵/۴/۴ از ساعت ۱۰/۳۰ الی ۱۲/۳۰ صبح (زنانه و مردانه) در تبریز: کوی ولیعصر - خیابان فروغی مسجد جوادالائمه برگزار خواهد شد.

حضور سروران ارجمند تسلی‌بخش خاطر ما و موجب شادی روح آن مرحوم خواهد بود.

همسر: دکتر زهرا قطره سامانی

برادران: رضا و حمید پورزند

خانواده‌های داغدار: پورزند - قطره سامانی - معین شقاقی - عمانی سامانی - چهل گردی - ایمانی خوشخو - کاظمی و سایر دوستان و وابستگان

تسلیت

خانواده‌های معزز

میرابوطالبی و دکتر علی کشاورز

خبر درگذشت **روان‌شاد سیدعلی میرابوطالبی** موجب تأثر و تألم همکاران شرکت علم فارمد گستر گردید.

ضمن عرض تسلیت حضور آن عزیزان از خداوند متعال برای آن فقیه سعید رحمت واسعه الهی و برای سایر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

مدیران - کارکنان شرکت علم فارمد گستر

همکار گرامی

جناب آقای دکتر امیررضا چمنی

با نهایت تأسف درگذشت همسر گرامیتان را از طرف همکاران و خود تسلیت گفته، برای شما و بازماندگان صبر و سلامت آرزومندم.

دکتر احمد جلیلی

رئیس انجمن علمی روان پزشکان ایران

دوست عزیز سرکار خانم الهه تفرشی

مصیبت وارده را به شما و فرزندان عزیزم تسلیت می‌گویم.

لیلا موسویان

خانواده محترم تفرشی

مصیبت وارده را به آن خاندان گرامی تسلیت می‌گوییم

دکتر حسین موسویان - بابک موسویان - بامداد موسویان

بازگشت همه بسوی خداست

سرکار خانم رازانی

در گذشت غم‌انگیز پدر گرامیتان **آقای مهدی رازانی** را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

بهرام محمدی

بازگشت همه بسوی اوست

فقدان استاد فرزانه

مرحوم دکتر عباس شفیعی

چهره ماندگار داروسازی کشور را به خانواده محترم ایشان و جامعه فرهیخته پزشکی کشور بویژه همکاران گرامی داروسازی تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران و رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندم.

دکتر علیرضا زالی

رئیس کل سازمان نظام پزشکی

خانواده‌های محترم بنان و داورپناه

فقدان مادر بزرگوارتان ما را نیز اندوهگین ساخت.

رحمت الهی برای آن عزیز از دست رفته و سلامتی و طول عمر باعزت برای شما بزرگواران از پروردگار متعال خواهانیم.

از طرف کارمندان مهندسین مشاور فردانو

جناب آقای دکتر احمد شفیعی

فوت اخوی گرامی را از صمیم قلب به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم.

دکتر جمشید رئیسی - رویا رئیسی

برادر ارجمند

جناب آقای دکتر بشیر نازپرور

درگذشت پدر بزرگوارتان اینجانب را نیز اندوهگین ساخت. رحمت الهی برای آن عزیز از دست رفته و سلامتی و طول عمر باعزت برای حضر تعالی و خانواده محترمتان از پروردگار متعال خواهانم.

روحش شاد و یادش گرامی.

سیدمحمد ویژگان

سخنرانی

بسمه تعالی

شَهرُ رَمضانَ الذّی اُنزِلَ فیه القرآن

هُدیً للناسِ وَ بَیّناتٍ منَ الهُدی و الفرقان

آیه ۱۸۵ سوره بقره

به منظور بهره گیری معنوی هرچه بیشتر از فیوضات ماه مبارک و پربرکت رمضان ماه ضیافت‌الله، و بهره‌مندی کامل از رحمت واسعه الهی و فیض بردن از تعالیم انسان‌ساز گران سنگ‌ترین کتاب آسمانی، قرآن مجید و مکتب رهائی‌بخش اهل بیت عصمت و طهارت، حضرات ائمه معصومین علیهم آلاف التحیة والثناء، و در روزگارانی که کوردلان مسلمان‌نما به کشتار وحشیانه شیعیان و محبان آن خاندان مطهر در کشورهای مختلف ادامه داده و رژیم جنایتکار و وابسته آل سعود علاوه بر کارشکنی در تشرف هموطنانمان به حج تمتع و صدّ عن سبیل‌الله هم چنان با استمرار حملات وحشیانه خود به مردم مظلوم یمن و حمایت همه جانبه از جنایتکاران کوردل در سوریه، بی‌رحمانه زنان و کودکان بی گناه را به خاک و خون می‌کشد، ملت بزرگ و انقلابی ایران عزیز با استغاثه به درگاه حضرت احدیت و توسل به خاندان پاک رسول‌الله، پیامبر رحمت(ص) و وفاداری به میثاق مقدس خود با پیشوای اعظم حضرت امام خمینی(ره) و تبعیت از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب مدظله با حضور در مساجد و تشکیل صفوف متحد خویش اتحاد و یکپارچگی را به منصه ظهور رسانیده و با دعا جهت هدایت و بصیرت و یا نابودی و ریشه‌کن شدن گمراهان و حامیان آنان، پاسخ دندان‌شکنی به استکبار و عوامل منطقه‌ای خواهند داد.

بدین‌وسیله به اطلاع می‌رساند هر روز پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، مجلس سخنرانی برگزار و وعاظ محترم به شرح زیر مستفیض خواهند نمود سپس جلسه قرائت یک جزء از قرآن کریم همراه با آموزش لازم منعقد خواهد گردید. شایسته است مومنین و مومنات با شرکت خود فرصت را مغتنم شمرده و فیض کامل برند.

دهه دوم: واعظ گرامی **حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدحمید میرباقری** دامت افاضاته

دهه سوم: واعظ گرامی **حجت‌الاسلام والمسلمین آقای مصطفی جان نثاری** دامت افاضاته

دفتر مسجد امام خمینی(ره)

بازار تهران

آگهی انتقال شرکت تولیدی تهران لایه بافت سهامی خاص به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۶۱۳۳۳

به موجب نامه شماره ۱۰۱/۹۴/۵۱۰۸ مورخ ۹۴/۱/۲۳ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان‌های استان تهران و مستند به صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۲ مرکز اصلی شرکت تولیدی تهران لایه بافت شرکت سهامی خاص به نشانی تهران بازار بزرگ بازار کفاشها کوچه زید نبش پاساژ فتاح پلاک ۴۲-۴۱-۳۶ کدپستی ۱۱۶۷۱۴۸۳۳ انتقال یافت و در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تحت شماره ۱۸۳۹۷۸ به ثبت رسیده است. با ثبت این مستند تصمیمات ثبت انتقالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۶۴۳۸۳-۹۲۶۳۹۹۸/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت توسعه بازرگانی برنا سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۹۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۲۲۱۲۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیئت‌مدیره بای مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی رنا با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۷۱۶۰ شرکت گروه سرمایه‌گذاری سایپا با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۱۹۸۲۱ شرکت توسعه گستر برنا به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۳۵۱۲۷ با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۶۴۴۰۱-۹۳۰۰۷۵۶/م‌الف

* * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت گرایش تازه پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۶۵۲۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۶۳۴۳۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۳ به تصویب رسید. آقای امیر قاصر به شماره ملی ۰۰۷۰۶۰۶۲۸۵ شرکت آفتاب خلیج فارس کیش به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۵۵۶۲۹۷ به نمایندگی خانم سمیه غفوری شماره ملی ۰۰۵۹۹۵۵۷۸۳ شرکت گرایش تازه کیش به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۵۵۰۳۲۷ به نمایندگی خانم پریسا شیخ‌الاسلامی شماره ملی ۰۰۶۷۲۹۶۷۶۹ شرکت انتشارات گرایش تازه به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۱۵۳۷۵ به نمایندگی خانم سحر جوهری شماره ملی ۰۰۸۱۹۵۶۰۰۲ به عنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. موسسه حسابرسی فاطر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۸۵۷۴ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی آرمان راهبرد به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۴۳۳۸۳ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۶۴۴۳۸ - ۹۳۴۱۹۸۶/ م الف

آگهی تغییرات

شرکت گسترش انفورماتیک ایران شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۸۱۹۸۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۶۶۳۰۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیأت مدیره به شرح زیر برای مدت ۲ سال به اتفاق آراء انتخاب شدند: شرکت بانک صادرات ایران (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۷۳۶۰۶۲ شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی رنا (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۷۱۶۰ شرکت واسپاری سپهر صادرات (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۶۹۴۷۴ شرکت سرمایه‌گذاری توسعه ساختمان سپهر تهران (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۱۵۲۱۳ شرکت کارگزاری بانک صادرات ایران (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۶۵۲۱۸ با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۶۴۴۴۰ - ۹۳۳۹۹۰۶/ م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات

شرکت خدمات مهندسی و بازرگانی کیا پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۹۷۹۹ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۲۲۱۰۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ به تصویب رسید. آقای سیدمهدی پورمیری بشماره ملی ۱۲۸۷۴۹۷۷۸۰ بعنوان بازرس اصلی و آقای برات خلفی بشماره ملی ۱۴۶۰۶۶۷۲۰ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۶۴۴۳۹-۹۲۶۰۷۸۰/ م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات

شرکت آبا دارو طب شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۳۹۵۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۴۳۱۲۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس تهران خیابان شهید مطهری، خیابان سلیمان خاطر، نبش وراوینی، پلاک ۱۱۶، طبقه ۱ کد پستی ۱۵۷۵۹۱۸۱۱۳ تغییر یافت. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۶۴۴۳۷ - ۹۳۱۹۹۹۷/ م الف

آگهی تغییرات

شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی مجتمع امام خمینی(ره) شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۸۷۳۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۰۲۴۸۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمد کلانتری به کد ملی ۰۰۴۵۱۸۵۸۲۴ به نمایندگی از شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی بازرگان به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۳۴۸۸۶ به عنوان عضو هیات مدیره و جواد قاسمی به کد ملی ۰۰۴۴۲۴۵۱۰۶ به نمایندگی شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی شهریار به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۲۰۲۰۶ به عنوان رئیس هیات مدیره و علی گودرزی به کد ملی ۵۲۷۹۸۰۶۸۴۶ به نمایندگی شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۵۱۰۷۰ به عنوان عضو هیئت مدیره و مدیرعامل و سعید عبودی به کد ملی ۵۴۶۹۶۷۸۳۳۴ به نمایندگی شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۰۹۲۸۸ به عنوان نایب رئیس هیأت‌مدیره و عبدالهادی مطلق به کدملی ۱۸۶۰۲۲۲۵۶۰ به نمایندگی شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی آستارا به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۳۷۷۱۳ به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور و نیز کلیه چکها، بروات، سفته‌ها و سایر اوراق تجاری با امضای مدیرعامل و یکی از اعضاء هیات مدیره و در غیاب ایشان با امضاء دو نفر از اعضاء هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و اوراق عادی با امضای مدیرعامل و یا افراد مجاز از طرف ایشان امضاء میگردد. هیات مدیره در اجرای ماده ۴۴ اساسنامه اختیارات ذکر شده در بندهای ۱، ۴، ۶ الی ۱۳، ۱۵ و ۲۰ ماده ۴۰ اساسنامه را به مدیرعامل تفویض نمود. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین و تفویض اختیارات نماینده قانونی، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره تعیین سمت مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۸۰۳۸۸-۰۸۹۶۱۶۵/ م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه ساختمانی اتکا سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۴۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۲۳۲۱۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۱ و تاییدیه شماره ۴۵۰۱۶/۱/۴۱۲/۷۶۰ مورخ ۱۳۹۴/۹/۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سازمان حسابرسی کشور به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت بازرس قانونی شرکت برای مدت یکسال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۸۰۳۸۳-۰۸۷۲۵۶۲/ م الف

آگهی تغییرات شرکت شیمیایی قوام کار سهامی خاص به شماره ثبت ۵۲۲۸۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۷۴۳۴۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: عزت‌اله مهدی‌زاده اقدم کد ملی ۱۵۸۲۴۹۷۶۳۱ به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و خانم سودابه مهدی‌زاده اقدم کد ملی ۰۰۱۷۵۹۳۳۶۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و احمد مهدی‌زاده اقدم کد ملی ۰۰۱۱۹۱۹۴۶۹ به سمت عضو هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و غیره با امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء منفرد مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۸۰۳۹۱-۰۹۲۰۰۱۴/ م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات

شرکت تامین روانکار دایان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۰۳۱۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۰۰۹۶۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای شمس‌اله محمدی به شماره ملی ۰۴۹۰۷۱۴۹۰۰ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای سیاوش محمدی به شماره ملی ۰۰۱۳۲۷۷۳۶۷ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره آقای آرش محمدی به شماره ملی ۰۰۶۸۴۶۱۵۴۲ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۸۰۳۹۴-۰۹۱۳۳۳۲/ م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * *

آگهی تغییرات شرکت طراحان فراز سپهر سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۹۹۸۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۰۱۹۹۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورتهای مالی شرکت مشتمل بر ترازنامه و صورتهای سود و زیان برای سال مالی منتهی به تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایا رهیافت بعنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی شراکت بازرس علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۸۰۳۸۵-۰۸۸۲۷۷۶/ م الف

آگهی تغییرات

شرکت تولیدی و صنعتی شیشه ایمنی شمال سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۲۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۹۶۱۵۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای مهدی تکیان به شماره ملی ۰۳۸۰۷۰۸۱۴۰ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای محمد جعفریان به شماره ملی ۲۰۶۱۸۰۶۵۸۹ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای فرامرز علیزاده پاسیان به نمایندگی از شرکت شیشه‌های ایمنی ایران سهامی خاص به شماره ملی ۰۰۳۱۷۴۷۵۴۱ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل آقای فریدون جعفریان به شماره ملی ۵۶۸۹۸۱۶۸۰۹ به سمت عضو هیئت مدیره آقای امیرحسین تکیان به شماره ملی ۰۳۸۱۹۱۱۹۵۰ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات و عقود اسلامی با امضاء رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل به اتفاق یک نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری و مراسلات با امضای رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل منفرداً با مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین سمت مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۸۰۴۶۷ - ۰۹۸۵۲۶۵/ م الف

* * * * * * * * * * * * * * * * *

تأسیس شرکت با مسئولیت محدود ایستاب خانه آفتاب در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۰۶ به شماره ثبت ۴۸۴۷۴۴ به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۴۹۶۴۸۸ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

- موضوع شرکت: واردات و صادرات - نمایندگی توزیع و فروش محصولات - نمایندگی ارائه خدمات پس از فروش برند مورد توافق - توزیع از طریق شبکه نمایندگی، فروش به فروشگاه‌های زنجیره‌ای و فروش محصولات از طریق فروشگاه اینترنتی (در صورت ضرورت قانونی انجام موضوعات فعالیت پس از اخذ مجوزهای لازم) مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان توانیر شماره ۲۸ ساختمان دنیای بهتر طبقه چهارم واحد ۴۳ کد پستی ۱۴۳۴۸۸۵۵۳۸ سرمایه شرکت: مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. اولین مدیران شرکت: الهام زاغزیان به سمت رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۰۰۶۱۹۵۸۴۳۳ دارنده ۲۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه - داریوش عسگری به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره به شماره ملی ۰۰۵۵۰۵۷۴۹۷ دارنده ۳۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه برای مدت نامحدود تعیین شدند. دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت به امضای داریوش عسگری با سمت مدیرعامل همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری به امضای الهام زاغزیان به سمت رئیس هیئت مدیره و داریوش عسگری به سمت مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشند. اختیارات نماینده قانونی: طبق اساسنامه ((ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد))

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۱۸۰۴۶۰ - ۱۱۲۵۳۲۳ / م الف

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال نودم

تقویم اطلاعات
چهارشنبه ۲ تیر ۱۳۹۵
۱۶ رمضان ۱۴۳۷ - ۲۲ ژوئن ۲۰۱۶

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۶ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۲۴ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۴۵ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۱۳ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۳ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۴۹ دقیقه

آماده باش ارتش ژاپن از بیم آزمایش موشکی کره شمالی

سرویس خارجی: ارتش ژاپن بار دیگر برای مقابله و رویارویی با هرگونه شلیک احتمالی موشک بالستیک کره شمالی به حال آماده باش درآمد. یک منبع آگاه دولت ژاپن تاکید کرد، ارتش در حال آماده باش قرار گرفته تا با شلیک احتمالی موشک بالستیک کره شمالی مقابله کند. وی تصریح کرد، به نیروی دریایی و مرکز مدیریت سامانه‌های ضد موشکی پاتریوت دستور داده شده است تا هر گونه موشکی را که به سوی ژاپن در حرکت باشد، سرنگون کند. این در حالیست که منابع نظامی کره جنوبی اعلام کردند، کره شمالی بار دیگر خود را برای پرتاب یک فروند موشک بالستیک آماده می کند.

واکنش گسترده جهان تشیع و غرب به سلب تابعیت رهبر معنوی انقلاب بحرین

بقیه از صفحه اول

در همین رابطه، وزارت خارجه کشورمان با صدوربیانیه‌ای تاکید کرد، این اقدامات، امید به اصلاح امور از طریق گفتگو و روش های مسالمت‌آمیز را از بین می برد. در این بیانیه همچنین آمده است، به دولت بحرین توصیه می‌شود که با پایان دادن به برخوردهای فراقانونی، از تخریب همه پل های ارتباطی با مردم و رهبران میانه رو این کشور پرهیز و با پذیرش واقعیت‌های کشور و برگزاری گفتگوهای جدی ملی به بحران جاری در بحرین خاتمه دهد.

در همین حال، ۲۵۲ نفر از نمایندگان مجلس با امضای بیانیه‌ای، اقدام رژیم بحرین را در سلب تابعیت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، روحانی شیعه بحرینی محکوم کردند.

در بخشی از این بیانیه آمده است، هیچ کشوری نمی‌تواند از شهروندان خود سلب تابعیت کند. حتی اگر مرتکب جنایت شده باشد. همچنین در این بیانیه ازسکوت مرگبار سازمان های بین المللی در مقابل چنین نقض حقوق بشر آشکاری توسط یک رژیم ارتجاعی حاکم بر سرزمین اسلامی انتقاد شده است. از سوی دیگر، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در اطلاعیه‌ای با هشدار به آل خلیفه تصریح کرد، به تمامی سران دست نشانده آل‌خلیفه و آل‌سعود هشدار می‌دهیم که پایان تحولات منطقه چیزی جز نابودی برای شما نخواهد بود. همچنین در بخش دیگری از این اطلاعیه ضمن محکومیت اقدامات آل خلیفه، از تمام مردم مسلمان وانقلابی و نهادهای مردمی خواسته شده است که همچون گذشته به حمایت از مظلومان بر خیزند و نگذارند مظلومیت مردم بحرین فراموش شود. در پایان این اطلاعیه آمده است، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ضمن محکومیت تعرض رژیم آل خلیفه به علما و انقلابیون بحرین، حمایت خود را از مجاهدت‌ها و مبارزات مردم این کشور اعلام می‌دارد. در همین حال، آیت‌الله حائری از مراجع تقلید قم با صدور فتوایی اعلام کرد، بر مومنانی که توانایی دفاع از مسلمانان بحرین را دارند واجب است به قدر استطاعت از آنها دفاع کنند. از طرف دیگر، آیت‌الله حسین نوری همدانی با صدور بیانیه‌ای سلب تابعیت آیت الله شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین را محکوم و تاکید کرد، از مجامع اسلامی می خواهیم نسبت به این ظلم سکوت را شکسته و به وظیفه انسانی و اسلامی خود عمل کنند.

از سویی، در پی این اقدام سخیف، مجمع جهانی اهل بیت(ع) ضمن انتشار بیانیه‌ای این اقدام رژیم آل‌خلیفه را محکوم کرد. در این بیانیه امده است، گذشته از دستورات دینی و اسلامی که رژیم آل خلیفه به آنها اعتقاد و پایبندی ندارد، و گذشته از حقوق طبیعی که «اصل خاک» بر آن تأکید دارد، ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تصریح می کند که هیچکس را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خویش محروم ساخت.

حزب‌الله لبنان نیز با صدور بیانیه‌ای اقدام رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت آیت الله شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین را محکوم کرد.

در این راستا، حزب الله لبنان نیز ضمن محکومیت این اقدام آل خلیفه، از مردم بحرین خواست تا مراتب خشم و اعتراض خود نسبت به سلب تابعیت روحانی برجسته شیعیان را اعلام کنند. در ادامه بیانیه حزب الله آمده است، مقامات بحرینی با حماقت و گستاخی خود ملت بحرین را به سمت گزینه‌های سختی که پیامدهای ناگواری را به همراه دارد، می کشانند. حزب‌الله لبنان همچنین اعلام کرد، جنایت جدید دولت بحرین، اوج حملات خشونت آمیز و اقدامات سرکوبگرانه رژیم آل خلیفه علیه آحاد ملت را نشان می دهد.

در چنین شرایطی و در ادامه محکومیت اقدام رژیم آل خلیفه، وزارت خارجه آمریکا به اقدام رژیم بحرین در سلب تابعیت از رهبر شیعیان این کشور واکنش نشان داد. در این رابطه، «جان کربی»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای لغو تابعیت این روحانی برجسته را محکوم و اعلام کرد، اقدام رژیم منامه موجب نگرانی واشنگتن شده است. در این بیانیه آمده است، کماکان از اقدام حکومت بحرین برای سلب خودسرانه تابعیت شهروندانش، نگرانی عمیق داریم.

از سوی دیگر، فرانسه از لغو تابعیت «شیخ عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین، ابراز نگرانی کرد. در همین رابطه وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد، پاریس نسبت به اقدامات دولت بحرین در لغو تابعیت رهبر شیعیان این کشور نگران است.

در این حال، دفتر حقوق بشر سازمان ملل با انتقاد از لغو تابعیت آیت‌الله عیسی قاسم توسط رژیم آل‌خلیفه، این اقدام را بر اساس قوانین بین المللی غیر قابل توجیه دانست. سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل در این باره گفت: اقدام بحرین در لغو تابعیت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم با قوانین بین‌المللی غیر قابل توجیه است. وی افزود: با توجه به اینکه نمی‌توان برای صدور این حکم دلیل آورد، اقدامی کاملا غیرقابل توجیه است.

از سویی، دیدبان حقوق بشر در بیانیه‌ای اعلام کرد، سلب تابعیت آیت‌الله عیسی قاسم، رهبر شیعیان بحرین این کشور را با روزهایی سخت مواجه خواهد کرد. این نهاد ادامه داد، مقامات بحرین درها را به روی اصلاحات سیاسی می‌بندند و در عین حال آتش خشم مخالفان را برمی‌افروزند. دیدبان حقوق بشر همچنین گفت: اقدامات مقامات بحرین از جمله سلب تابعیت عیسی قاسم باید با تبعات و عواقبی روبرو شود نه اینکه فقط نسبت به این اقدامات ابراز نگرانی کرد. در همین حال، مجلس وحدت مسلمین پاکستان سیاست هتاکانه مقامات بحرین علیه چهره‌ها، شخصیتهای سیاسی و علمای دینی بحرین و جمعیت شیعیان این کشور را محکوم کرد.

در این رابطه، حسین شیرازی مسئول روابط خارجی مجلس وحدت مسلمین پاکستان در بیانیه‌ای گفت: حکومت بحرین به جای اینکه به درخواست مشروع اکثریت ملت خود توجه کند و با آنها برای خروج از بحران به گفتگو بنشینند، تصمیمات سرکوبگرانه اتخاذ می کند و سیاست تروریسم دولتی را پیشه کرده است.

در چنین شرایطی، جنبش مقاومت اسلامی «نجبای» عراق با محکوم کردن سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین، این اقدام را تجاوزی آشکار به حقوق شیعیان دانست و خواهان محاکمه آل‌خلیفه و آل سعود به عنوان جنایتکاران جنگی شد. این گروه در بیانیه‌ای اعلام کرد، سلب تابعیت، تهدید با تسویه فیزیکی، تهاجم به مراکز عبادت و هتک حرمت و اعلان جنگ علیه مردم شیعه و تحت ستم بحرین مصداق تروریسم دیگری است که خاندان حاکم بر بحرین برای خاموش کردن ندای حق‌طلبی و بستن دهان مردم و ممانعت از مطالبه حقوقشان و دور کردن شخصیت‌ها و رهبران مردمی و قلع و قمع مردم با تکیه بر مزدوران اجیرشده از کشورهای دیگر براه انداخته‌اند. در ادامه این بیانیه آمده است، طوفان خشم آزادگان بحرینی ریشه آل خلیفه را قطع خواهد کرد. از سویی، «مقتدا صدر» رهبر جریان صدر در عراق از مردم این کشور خواست تا در حمایت از شیخ عیسی قاسم در سراسر این کشور تظاهرات کنند. در همین حال، دبیرکل گروه مقاومت «عصائب اهل الحق» نیز با اعلام اینکه راه‌های سیاسی به تنهایی برای حل بحران بحرین کافی نیست، بر آمادگی مقاومت عراق در حمایت از ملت بحرین برای مقابله با آل خلیفه تاکید کرد. «قیس الخزعلی» اعلام کرد، اگر آل خلیفه از خط قرمز عبور کند، این گروه آماده است تا از ملت بحرین در مبارزه با آل خلیفه حمایت کند.

در همین حال، شورای زیدی یمن خواستار توقف جنایات های رژیم آل خلیفه در حق شهروندان خود شد. در این رابطه، این شورا با صدور بیانیه ای ضمن محکومیت لغو تابعیت شیخ قاسم اعلام کرد، رژیم آل خلیفه با انجام جنایات مختلف در حق مردم بحرین اعم از قتل، شکنجه، تبعید، مصادره آزادی ها و لغو تابعیت، خواسته‌های عربستان متجاوز را اعمال می کند. در همین حال، یک نماینده شیعه کویتی گفت: مقام‌های بحرین با سلب تابعیت از شیخ عیسی قاسم و اعدام معنوی وی، امنیت کشورشان را به خطر انداخته‌اند. «عبدالحمید دشتی» تاکید کرد، مقام‌های بحرین با ایراد اتهام‌های مختلف از جمله اتهام سیاسی و اعمال مجازات‌هایی مانند سلب تابعیت از شهروندان، قصد سرکوب آزادی بیان و خلاص شدن از دست مخالفان و فعالان حقوقی را دارند.

از سویی، ائتلاف جوانان «۱۴ فوریه» بحرین در بیانیه‌ای اقدام رژیم آل‌خلیفه در سلب تابعیت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم را محکوم و اعلام کرد، این آل خلیفه است که جنگ طایفه ای و مذهبی به راه انداخته است و اقدامات طایفه‌ای سیاسی در بحرین انجام می دهند. در ادامه این بیانیه آمده است، شیخ عیسی قاسم یکی از بارزترین چهره دینی شیعیان بحرین است و به عنوان چهره بارز و شامخ و بحرینی اصیل باقی خواهند ماند.

در چنین شرایطی، انجمن حقوق بشر بحرین اعلام کرد، سلب تابعیت آیت الله عیسی قاسم ظالمانه و مخالف تمام قوانین است. در این رابطه، این انجمن تاکید کرد، اگر حمایت عربستان، امارات و انگلیس نبود مسئولان بحرین نمی توانستند چنین تصمیم ظالمانه‌ای اتخاذ کنند.

از سویی، سازمان آمریکایی دمکراسی و حقوق بشر در بحرین با صدور اطلاعیه ای تصمیم مقامات رژیم آل‌خلیفه در سلب تابعیت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم را اقدام علیه صلح داخلی در این کشور خواند.

از طرفی، موسسه دموکراسی و حقوق بشر آلمان - بحرین، سلب تابعیت آیت الله شیخ عیسی قاسم از مراجع تقلید شیعیان بحرین توسط رژیم آل خلیفه را نوعی تروریسم برنامه‌ریزی شده دانست و آن را اعلان جنگ نامحدود علیه شیعیان توصیف کرد. از سوی دیگر، گروههای مخالف بحرینی در آلمان، از حوزه علمیه قم، نجف اشرف، الازهر مصر و واتیکان خواستند تا با ورود به موضوع نقض آزادیهای دینی در بحرین، موضعی صریح و قاطع در قبال اقدامات هتاکانه رژیم آل خلیفه اتخاذ کنند. در همین حال، مرکز دموکراسی و حقوق بشر خلیج فارس در استرالیا نیز اقدام مقامات رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت آیت الله شیخ عیسی قاسم مرجع تقلید شیعیان بحرین و اخراج وی و خانواده اش از این کشور را محکوم کرد. این مرکز حقوق بشری اعلام کرد، مقامات بحرینی پیش از این نیز بزرگترین جمعیت سیاسی مخالف دولت را تعطیل کردند ضمن آنکه تابعیت بیش از ۳۰۰ شهروند بحرینی را طی دو سال گذشته سلب کرده‌اند.

در چنین شرایطی، دبیر کل اتحادیه عرب حمایت خود از اقدامات رژیم آل خلیفه علیه مخالفان بحرینی و محدود کردن فعالیت جمعیت‌های شیعه در این کشور را اعلام کرد. «نبیل العربی»، این اقدامات را «در چارچوب قوانین این کشور و در راستای حفظ امنیت، ثبات و وحدت ملی آن» دانست! از طرفی، کشور های مصر، امارات و عربستان نیز از اقدامات رژیم آل‌خلیفه علیه شیعیان این کشور حمایت کردند.

هشدار سپاه به سران آل خلیفه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با محکومیت شدید اقدام آل خلیفه در سلب تابعیت آیت الله شیخ عیسی قاسم، این اقدام را موجب شعله ورتر شدن مشعل انقلاب اسلامی بحرین و شتاب در فروپاشی رژیم دست نشانده این کشور دانست. در بخشی از این بیانیه آمده است: اقدام غیرانسانی و مغایر با حقوق شهروندی رژیم سفاک و نژاد پرست آل خلیفه در سلب تابعیت ذاتی رهبر شیعیان بحرین، آیت الله شیخ عیسی قاسم که در مغایرت با اصول و ارزش‌های دین مبین اسلام و هنجارهای شناخته شده بین المللی و در تضاد با عزت و کرامت مردم جهان عرب و ملت بحرین صورت پذیرفت محصول راهبرد و سیاست‌های اسلام ستیزانه نظام سلطه و صهیونیسم و توطئه آل سعود به شمار می رود. این بیانیه می‌افزاید، تردیدی نیست اقدام نابخردانه آل خلیفه علیه شخصیتی که نماد برجسته روحانیت معظم شیعه محسوب می شود موجب شعله ورتر شدن مشعل انقلاب اسلامی بحرین و شکل گیری قیامی ویرانگر علیه رژیم وابسته و حاکم بر این کشور خواهد شد. در ادامه این بیانیه با تاکید بر اینکه بزودی بنیانهای کاخ ظلم و ستم دست نشاندگان آمریکای جنایتکار با عزم و اراده انقلابی مردم بحرین فرو خواهد ریخت، تصریح شده است: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سران رژیم پوسیده و فاقد مشروعیت آل‌خلیفه که دچار پوکی استخوان سیاسی شده و با تکیه بر تفرعن رژیم کودک‌کش آل‌سعود شمشیر جنایت بر روی مردم مظلوم بحرین کشیده است هشدار می دهد در صورتی که دست از ادامه ماجراجویی‌های صهیونیست‌پسند برنداشته و تسلیم خواسته های برحق مردم این کشور نشوند به سرنوشت دیکتاتورهای تشییع جنازه شده سایر بلاد اسلامی گرفتار خواهد شد. از سویی، مشاور عالی نماینده ولی‌فقیه در سپاه با اشاره به اینکه بیانیه سرلشگر سلیمانی هشدار است، گفت: عربستان به نوعی بحرین را اشغال کرده و با تجهیزات نظامی، آل‌خلیفه را حفظ کرده است. سردار «یدالله جوانی» با اشاره به بیانیه هشدارآمیز حاج قاسم سلیمانی خطاب به رژیم آل‌خلیفه در پی سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم اظهار داشت، اقدام رژیم آل‌خلیفه نشان می‌دهد که این رژیم تا چه میزان ماهیت ضد مردمی، ضد دینی و ضد انسانی دارد.

بازتاب‌های بیانیه سردار سلیمانی

خبرگزاری فرانسه در گزارشی درباره هشدار سردار سلیمانی درباره هرگونه تعدی به روحانی برجسته و رهبر دینی شیعیان بحرین، آن را «بیانیه نادر ژنرال برجسته ایرانی» خواند. در این گزارش آمده است، ایران برای مدت طولانی حامی حقوق اکثریت شیعیان بحرین در برابر خاندان سنی استبدادی و خودکامه حاکم بوده است. از طرفی، یک روزنامه انگلیسی هشدار فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به رژیم بحرین درباره رهبر شیعیان این کشور را پوشش داد و آن را هشدار ایران با چهره سرسخت، تعبیر کرد. «گاردین» این گزارش نوشت، بحرین با سلب تابعیت رهبر معنوی مسلمانان شیعه این کشور پادشاهی، موجی از اعتراضات در بیرون از خانه این روحانی و تهدیدهای خشمگین ایران بر سر افزایش سرکوبگری را برانگیخته‌است.

حضور گسترده مردم بحرین مقابل منزل شیخ عیسی قاسم

هزاران بحرینی که برخی از آنها نیز کفن پوش بودند، درپی شنیدن خبر سلب تابعیت آیت الله شیخ عیسی قاسم، مقابل منزل این روحانی شیعه تجمع کردند و در حمایت از او شعار دادند . از سوی دیگرشماری از بحرینی‌ها در همبستگی با آیت الله شیخ عیسی قاسم نماز مغرب و عشا را در مقابل منزل این روحانی مبارز شیعه اقامه کردند. آنها همچنین مراسم صرف افطار را در کوچه و خیابان‌های منتهی به خانه این روحانی برگزار کردند.

یادداشت

خروج از اتحادیه اروپا خودکشی سیاسی انگلیس

دکتر حسام الدین واعظ زاده

دکتر حسام الدین واعظ زاده دبیرکل شورای روابط بین الملل در مورد برگزاری رفراندم عمومی در انگلیس باهدف خروج یا باقی ماندن در اتحادیه اروپا معتقد است که اتحادیه اروپا بعد از ۲۶ سال از تاسیس آن با بحران جدی و تحولات سرنوشت ساز روبروست.

این استاد دانشگاه تهران ضمن اشاره به اینکه انگلستان همواره به دنبال افزایش نفوذ خود در اروپا بوده است، اظهار داشت: وینستون چرچیل عضو حزب محافظه کار معتقد بود «اروپای متحد اولویت سوم انگلستان است». این کشور به دنبال نوعی همکاری اقتصادی با اروپاست، نه همگرایی اقتصادی.

بر همین اساس، بریتانیا تاکنون از عضویت در پول واحد اروپایی «یورو» خودداری کرده است. از ابتدای عضویت در اتحادیه در سال ۱۹۷۳، در بعد سیاسی نیز سیاستی محافظ کارانه در پیش گرفت و نگاهی بدبینانه به همگرایی سیاسی در اروپا داشته است. این کشور به قانون اساسی اروپایی رای نداده و در برخی از مصوبات اتحادیه اروپا ملاحظات خود را اعمال می کند. لذا دولت‌های این کشور در طول سالها به همکاری سیاسی اهمیت داده اند زیرا معتقدند که با ایجاد همگرایی سیاسی ممکن است حاکمیت ملی انگلستان تضعیف شود، بنابراین دیدگاه غالب میان سیاستمداران این کشور با دیدگاه مثبتی که در آلمان و فرانسه نسبت به همگرایی اقتصادی و سیاسی دیده می شود، تفاوتهای اساسی دارد.

دکتر واعظ زاده، خروج احتمالی انگلستان از اتحادیه اروپا را ضربه‌ای بزرگ به اعتبار و مشروعیت داخلی و بین المللی اتحادیه اروپا می داند و خاطر نشان می کند که اتحادیه اروپا نمی تواند بی اعتنا از کنار مسئله رفراندم بگذرد. اتحادیه اروپا به ویژه آلمان و فرانسه نسبت به این موضع اقدام جدی نکرده اند و عمدتا قوانین اتحادیه اروپا با نفوذ و تاثیرگذاری این دوکشور تنظیم شده است. اتحادیه اروپا با از دست دادن اعضای مهم و تاثیرگذار بدون شک زیان خواهد دید و نقش بین المللی آن را تحت الشعاع قرار خواهد داد. اتحادیه اگر نتواند تدبیری بیندیشد تا اعضای خود را بیش از گذشته جذب و تقویت کند و جایگاه آنان را با توجه به قدرت اقتصادی و بین المللی آنها مورد بازبینی قرار دهد، این مسئله آغازی برای واگرایی و خروج بیشتر برخی اعضای ناراضی و کوچکتر مانند یونان خواهد بود. بریتانیا در اروپا همیشه کشوری که در حفظ توازن قوا و ثبات نقش داشته، بوده است و معلوم نیست با خروج از این اتحادیه و اتخاذ سیاست انزوا چه مشکلاتی برای آینده این اتحادیه و وضعیت اقتصاد و امنیت اروپا اتفاق بیفتد. اگر خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا صورت گیرد، جبهه ضد اتحادیه اروپا تشکیل خواهد شد و این به نفع آینده صلح و ثبات در اروپا نیست.

دبیرکل شورای روابط بین الملل در خصوص نقش احزاب در برگزاری رفراندم گفت: در این کشور دو گروه موافق و مخالف اتحادیه اروپا هستند. به طور سنتی حزب محافظه کار و احزاب ناسیونالیست از مخالفان هستند و اتحادیه اروپا را به عنوان یک عنصر مداخله گر در امور داخلی و حاکمیت این کشور ازجمله قانونگذاری و امور اقتصادی و پولی و مهاجرت می دانند. گروه دیگر، به ویژه حزب کارگر و احزاب با پیشینه سوسیالیستی خواهان باقی ماندن و نقش آوری در این اتحادیه هستند. دکتر حسام الدین واعظ زاده استاد دانشگاه تهران که اخیرا کتاب خود را با عنوان «تحلیلی بر تحولات سرنوشت ساز در تاریخ بریتانیا و اروپا» منتشر کرده، خاطر نشان ساخت: با وجود سروصدای زیادی که رسانه‌ها و موافقان خروج از اتحادیه اروپا ایجاد کرده اند، مسئله برگزاری رفراندم بخشی از برخورد منافع سیاست‌های حزبی در این کشور است. مردم عادی جزیره بریتانیا همیشه دوست داشته اند با ساکنان اروپایی آن طرف جزیره ارتباط نزدیک داشته باشند. بنابراین، به نظر نمی‌رسد موافقان خروج در این رفراندم توفیقی به دست آورند. خروج از اتحادیه، واقعا خودکشی سیاسی و بین المللی برای این کشور است. لذا طرح مسئله خروج و برگزاری رفراندم بیش ازآنکه یک خواست مردمی باشد خواست سیاستمداران و گروه‌های منفعت طلب است. به این خاطر، انتظار اندکی باید داشت که شاهد اتفاق خروج باشیم. البته برخی رقبای بین‌المللی بریتانیا مانند روسیه از خروج بریتانیا از این اتحادیه استقبال کرده‌اند. در حالی که آمریکا به خروج این کشور هشدار جدی داده است. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بدون شک سبب کاهش نفوذ این کشور در خاورمیانه و تضعیف رابطه دوستانه اش با آمریکا خواهد شد و آمریکا جای پای سنتی خود را در اروپا از دست خواهد داد.

آی .اس. آی: طالبان در پی انتقام گیری از عاملان حمله به ملا منصور است

سرویس خارجی: سازمان اطلاعات پاکستان با ارسال پیام کتبی به نیروهای امنیتی هشدار داد ، طالبان افغانستان ممکن است برای انتقام از کشته شدن سرکرده خود ملا منصور، عملیات‌های تروریستی در سراسر کشور انجام دهند. بر اساس گزارش این سازمان ممکن است حملات تروریستی بزرگی در روز ۱۷ ماه رمضان انجام شود. بنابراین باید از هر جهت برای مواجه شدن با این موقعیت آماده بود. پلیس ایالت پنجاب بعد از دریافت پیام سازمان اطلاعات به حال آماده باش درآمد و در شهرهای مختلف این ایالت حالت فوق العاده اعلام کرد. گفتنی است، طالبان افغانستان تلاش می‌کند از شبه نظامیان دیگر نیز برای گسترش عملیات تروریستی در پاکستان که از ۱۷ رمضان مصادف با یوم بدر (روز جنگ بدر) آغاز می‌شود، کمک بگیرد. در تحولی دیگر، وزیر امور مناطق مرزی پاکستان از امور پناهندگان سازمان ملل خواست که این کشور را در بازگرداندن آوارگان افغان از پاکستان به افغانستان حمایت کند.

واشنگتن: تجربه ناموفق جنگ عراق را هرگز در سوریه تکرار نمی کنیم

سرویس خارجی: کاخ سفید با اشاره به ناکامی آمریکا در پایان دادن به بحران عراق، اعلام کرد: جنگ عراق درسی به ما داد که آن را هرگز در سوریه تکرار نمی‌کنیم و آن این بود که هیچ طرفی نمی‌تواند با تکیه بر راه حل نظامی در سوریه موفق شود.

جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید با تاکید بر اینکه هیچ راه حل نظامی برای درگیری‌ها در سوریه وجود ندارد، اظهار داشت: درس‌هایی که آمریکا از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ یاد گرفت این تجربه را به ما داد که آن را در سوریه تکرار نکنیم. ارنست گفت: سیاست فعلی ما در سوریه اجازه تکرار اشتباهات دولت قبلی آمریکا را نمی‌دهد و هیچ طرفی نمی‌تواند با تکیه بر راه حل نظامی در سوریه موفق شود. وی ادامه داد: من فکر می‌کنم این مهمترین درسی است که ما پس از ورود به عراق در دوره دولت قبلی در سال ۲۰۰۳ گرفتیم.

در این حال شبکه سی ان ان به نقل از مقامات وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) گزارش داد که چهار تن از مشاوران نظامی آمریکایی در شمال سوریه در حمله افراد مسلح که احتمال می‌رود از اعضای داعش بوده باشند، زخمی شدند. در خبری دیگر روزنامه عبری زبان معاریو مدعی شد که جنگنده‌های اسرائیلی اهدافی در سوریه را برای دومین باز از زمان تصدی پست وزارت جنگ توسط آویگدور لیبرمن بمباران کردند. این روزنامه به نقل از منابع اسرائیلی و عربی گزارش داد که جنگنده‌های ارتش اسرائیل به اهدافی در منطقه الشجره از توابع درعا حمله کردند. معاریو گزارش داد که جنگنده‌های اسرائیلی از پایگاه‌های خود در جولان اشغالی سوریه بلند شده و آتشبارهای موشکی پیشرفته وابسته به نظام را که گروه‌های مخالف آنها را پس از درگیری در منطقه الشیخ مسکین در توابع درعا تحت کنترل خود درآورده بودند، هدف قرار دادند.

در چنین شرایطی دیدبان حقوق بشر سوریه با انتشار گزارشی اعلام کرد، شمار شهروندان سوری که در جریان جنگ در داخل و خارج از این کشور آواره شده‌اند به بیش از ۱۳ میلیون تن می‌رسد. در رویدادی دیگر اعضای گروه تروریستی داعش در یک اقدام هولناک در شهر رقه، دختری چهار ساله را پیش چشم مادرش سر بریدند. مادر این دختربچه از او خواسته بود به خانه برود اما دختر با او مخالفت می‌کند بخاطر همین مادرش به شوخی گفته بود بخدا قسم اگر به خانه نروی سرت را می‌برم. گفته شده است این صحبت‌های مادر و دختر را یکی از اعضای داعش که در همان محل حضور داشته می‌شنود و از مادر دختر بچه می‌خواهد که سر دخترش را ببرد چون خدا را برای این کار قسم خورده است. وقتی اعضای داعش با مقاومت مادر روبرو می‌شوند خودشان سر این دختر چهار ساله را مقابل چشمان مادرش می برند و دستان مادر را به خون دخترش سرخ می کنند.

طالبان ۲۷ مسافر افغان را در مسیر هرات - قندهار ربودند

سرویس خارجی: طالبان بار دیگر اتوبوس های مسافربری را در شهرستان «گرشک» استان هلمنددر شاهراه قندهار- هرات متوقف کرد و دهها مسافر را با خود برد. این چهارمین بار در یک ماه گذشته است که گروه طالبان اقدام به آدم‌ربایی می کند وشماری از آنها را به قتل می رساند.

در همین حال، نیروهای پلیس سه تن از افراد داعش را در استان ننگرهار شناسایی و دستگیر کردند. «عطاالله خوگیانی» سخنگوی استاندار ننگرهارگفت: یکی از افراد بازداشت شده از اتباع کشور تاجیکستان است که همراه با یکی از ساکنان شهر هرات در شهرستان «کوت» استان ننگرهار شناسایی و بازداشت شد.

به گفته وی ، نیروهای پلیس این شهرستان همچنین فرد دیگری به نام ملا عبدالقادر یکی دیگر از عناصر گروه تروریستی داعش را دستگیر کردند.

در تحولی دیگر، دومین انفجار در منطقه «جنگلک» کابل، پایتخت افغانستان یک کشته وچهارزخمی بر جا گذاشت.

العبادی: نقش حشدالشعبی در مبارزه علیه داعش انکار نشدنی است

سرویس خارجی: نخست وزیر عراق با تقدیر از نقش نیروی مقاومت مردمی عراق در آزادسازی مناطق تحت اشغال داعش اعلام کرد، در این جنگ نمی توان از نقش «حشد الشعبی» صرفنظر کرد.

«حیدر العبادی»، در بیانیه ای با بیان این مطلب افزود، هرگز نمی توان نقش کسانی را نادیده گرفت که داوطلبانه به صف مبارزان مردمی پیوستند. وی تصریح کرد، نیروهای مسلح عراق با رقم زدن پیروزی های بزرگ اخیر خود در جنگ با گروه تروریستی داعش، چشم جهانیان را خیره کردند و در این مسیر نمی توان نقش کسانی را که به دعوت مراجع پاسخ مثبت دادند و به کمک مام میهن شتافتند، دست کم گرفت. العبادی با تقدیر از فداکاری خانواده های شهدا و زخمی های این جنگ، ادامه داد، این فداکاری ها است که پیروزی را در جبهه های مختلف جنگ علیه داعش رقم زده است. وی بار دیگر تاکیدکرد، حشدالشعبی یک تشکیلات رسمی تحت نظر دولت عراق است.

در همین راستا، «محمد الحطاب»، یک مسئول حشد الشعبی اعلام کرد، آزادی فلوجه بدون مشارکت بسیج مردمی غیرممکن بود. وی افزود با بیان اینکه نیروهای بسیج مردمی دو سوم عملیات آزادسازی فلوجه را انجام دادند، ، گفت: مناطقی همچون الکرمه، الصقلاویه و البوشجل نقاط ثقل اصلی داعش در فلوجه بود که تامین امنیت آن پس از آزادی بسیار دشوار بود و بسیج مردمی در آن موفق عمل کرد. الحطاب تصریح کرد، نیروهای بسیج مردمی پس از فلوجه عازم نبرد در شرقاط و موصل می‌شوند. خبر دیگر اینکه، در پی ادامه روند اظهارات مداخله جویانه سفیر عربستان در عراق، بغداد در صدد بررسی درخواست از عربستان برای تغییر «ثامر السبهان» است. پیشتر ابراهیم الجعفری وزیر خارجه عراق، تحرکات سفیر عربستان در بغداد را مصداق بارز دخالت در امور داخلی عراق دانسته بود.

ترکیه با عادی‌سازی روابط تل آویو - آنکارا بدون رفع حصر غزه موافقت کرد

سرویس خارجی: رسانه‌های ترکیه‌ای از موافقت دولت ترکیه با عادی‌سازی روابط با اسرائیل بدون آنکه محاصره غزه پایان یابد، خبر دادند.

رسانه‌های ترکیه‌ای به نقل از منابع آگاه گزارش کردند، دولت این کشور موافقت کرده است، بدون آنکه محاصره غزه توسط رژیم صهیونیستی پایان یابد، روابط خود با اسرائیل را به صورت عادی از سر بگیرد. بر اساس این گزارش، تیم‌های مذاکره‌کننده آنکارا و تل‌آویو احتمالا ۶ تیر در یکی از پایتخت‌های اروپایی رسما توافق عادی‌سازی روابط دوجانبه را نهایی و اعلام کنند. در تحولی دیگر رئیس پارلمان اروپا سیاست های رئیس جمهوری ترکیه را مانع لغو روادید شهروندان ترکیه دانست. «مارتین شولتز» گفت: سیاست‌های رجب طیب اردوغان در اعمال فشار به نمایندگان مجلس، نقض آزادی بیان و سرکوب روزنامه نگاران مخالف در روند اعطای ویزای شنگن به شهروندان این کشور مانع ایجاد کرده است. وی افزود، یکی از این موارد، مخالفت اردوغان با تغییر قانون مبارزه با تروریسم است.

در چنین شرایطی، در دور جدید بازداشت های دولت آنکارا، سه فعال رسانه‌ای و چند تن از فعالان گروه‌های حقوق بشری بازداشت شدند. در خبری دیگر، وزارت دفاع جمهوری آذربایجان از آغاز مانورهای نظامی مشترک میان باکو و آنکارا در ترکیه خبر داد.

درخواست اتحادیه اروپا برای ازسرگیری مذاکرات صلح خاورمیانه

سرویس خارجی: وزرای خارجه اتحادیه اروپا با تصویب قطعنامه‌ای از شروع مجدد روند صلح خاورمیانه پشتیبانی کردند و ارائه مشوق به طرفین مناقشه برای شروع مذاکرات تا پیش از شروع سال ۲۰۱۷ را خواستار شدند .

وزرای خارجه اتحادیه اروپا از طرح فرانسه برای ازسرگیری مذاکرات سازش میان صهیونیست‌ها و فلسطینیان پشتیبانی کردند. آنطور که نشریه صهیونیستی هاآرتص خبر داده، وزرای خارجه اتحادیه اروپا همچنین توافق کرده اند که برای محقق شدن طرح فرانسه، در ماه های آینده مشوق های دیپلماتیک و امنیتی ارائه دهند. در قطعنامه وزرای خارجه اتحادیه آمده است: وزرای خارجه اتحادیه اروپا مجدداً بر حمایت خود از راهکاری عادلانه، پایدار و جامع برای مناقشه فلسطین-اسرائیل و برقراری صلح و ثبات در منطقه تأکید می‌کنند. این درحالی است که اسرائیل پیش از این مخالفت خود را با طرح صلح فرانسه اعلام کرده بود.

خبر دیگر اینکه نشست وزیر دفاع آمریکا با وزیر جنگ اسرائیل در واشنگتن توافق کمک‌های نظامی آمریکا برای ۱۰ سال آینده را به دنبال داشت.

دیوان اداری مصر توافق واگذاری جزایر «تیران» و «صنافیر» به عربستان را باطل کرد

سرویس خارجی: دادگاه قضایی اداری مصر طی حکمی امضای توافق ترسیم مرزها میان قاهره و ریاض را باطل اعلام کرد.

اداره اول دادگاه قضایی اداری حکم به باطل بودن امضای توافق مرزی میان مصر و عربستان داد که براساس این توافق مصر دو جزیره تیران و صنافیر را به مالکیت عربستان درآورده بود. در این حال، منابع آگاه در دستگاه قضایی مصر اعلام کردند، دولت قاهره می تواند به حکم صادره اعتراض کند تا پس از آن دیوان عالی اداری کشور به این اعتراض رسیدگی کند.

در تحولی دیگر، سخنگوی ارتش مصر از آغاز رزمایش دریایی مشترک این کشور و فرانسه با مشارکت ناوهای هلی‌کوپتربر «جمال عبد الناصر» خبر داد. محمد سمیر افزود، رزمایش «کلوپاترا ۲۰۱۶» با هدف افزایش توان رزمی نیروی دریایی دو کشور و ارتقای آن تا عالی‌ترین سطح جهت انجام هرگونه ماموریت مشترک در شرایط مختلف برگزار می‌شود. در همین شرایط ، دولت مصر ابتکار جدیدی را با هدف آشتی با اخوان المسلمین مطرح کرد. وزیر امور قوانین و مجلس نمایندگان مصر تصریح کرد، این طرح برای اجرای آشتی شامل شرایطی از جمله دست نداشتن اعضای اخوان در ریختن خون مردم و محکوم کردن خشونت از سوی آنان است. مجدی العجاتی بر اهمیت صادق بودن جماعت اخوان المسلمین تاکید کرد وگفت: آنان باید به خطاهایشان اعتراف و حملات اخیر را که در مصر اتفاق افتاده محکوم کنند.

دیپلماسی فشرده در کویت برای رسیدن به طرح نهایی صلح در یمن

سرویس خاجی: منابع خبری از تحرکات تازه برای به سرانجام رسیدن مذاکرات صلح یمن در کویت خبر می دهند.

در همین رابطه، «نبیل العربی»، دبیرکل اتحادیه عرب در سفر به کویت با «صباح الاحمد الجابر الصباح»، امیر این کشور دیدار کرد. العربی همچنین با «اسماعیل ولد الشیخ احمد»، فرستاده سازمان ملل به یمن دیدار و با وی درباره روند مذاکرات صلح و مهم‌ترین چالش‌هایی که با آن روبروست بحث و گفتگو کرد.

از سوی دیگر، منابع سیاسی و دیپلماتیک یمنی اعلام کردند، «عبداللطیف الزیانی»، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس نیز با هدف پیشبرد مذاکرات صلح یمن به کویت وارد شد. این در حالی است که قرار است شورای امنیت نیز درباره یمن تشکیل جلسه دهد. در خبری دیگر، شماری از نمایندگان شورای سیاسی جنبش انصارالله و کنگره مردمی یمن در صنعا گرد هم آمدند. در این دیدار که همه گروه‌های همسو با توافق صلح و مشارکت ملی حضور داشتند، مسائل و تحولات مربوط به روند گفتگوهای صلح یمن بررسی شده است.

لبنان خواستار حمایت نظامی روسیه شد

سرویس خارجی: لبنان خواستار پشتیبانی روسیه از ارتش این کشور برای مقابله با تروریسم شد. وزیر دارایی لبنان از تمایل ارتش این کشور برای دریافت کمک‌های نظامی و پشتیبانی روسیه در نبرد علیه تروریسم خبر داد.

«علی حسن خلیل» در نشستی با «کنستانتین کساچف» قانونگذار شورای فدراسیون روسیه گفت، لبنان در مبارزه علیه تروریسم از روسیه انتظار دارد کمک‌ها و پشتیبانی بیشتری در اختیار ارتش این کشور قرار دهد. این وزیر لبنانی در دیدار با این قانونگذار روس که ریاست کمیته امور خارجی مجلس روسیه را بر عهده دارد گفت: شما از نیروهای امنیتی و ارتش ما در گذشته‌های دور پشتیبانی کرده‌اید و هم‌اکنون نیز ما مایلیم این تلاش‌ها افزایش یابد و حمایت بیشتر شما را از نیروهای مسلح خود داشته باشیم.

وی در ادامه تأکید کرد: لبنان در نبرد علیه تروریسم شامل گروه داعش و نیروهای جبهه النصره در شمال و شرق این کشور است. ارتش لبنان هر روز با گروههای تروریستی مبارزه می‌کند و در این زمینه نیازمند حمایت و پشتیبانی روسیه هستیم.

طرح سوء قصد به جان ترامپ در لاس وگاس ناکام ماند

عامل حمله به ترامپ بازداشت شد

سرویس خارجی: یک نوجوان انگلیسی که در گردهمایی انتخاباتی دونالد ترامپ در لاس وگاس قصد گرفتن سلاح یک افسر پلیس و کشتن این نامزد جمهوری‌خواه آمریکا را داشت، بازداشت شد.

«مایکل سندفورد» ۱۹ ساله در گردهمایی برای خلع سلاح یک افسر پلیس در سالن تئاتر در لاس وگاس تلاش می‌کرد که این تلاش ناکام ماند. این نوجوان پس از بازداشت اعتراف کرد، از کالیفرنیا به لاس وگاس آمده بود تا ترامپ را بکشد و از آنجایی که هرگز تیراندازی نکرده نبود، یک روز قبل از آن برای تمرین به سالن تیراندازی رفته بود. بر اساس گزارش ها، سندفورد اذعان کرد، احتمالا فقط می‌توانسته یک یا دو تیر شلیک کند و پذیرفته بود از سوی نیروهای امنیتی کشته شود. او همچنین به بازجویان گفت: برای گردهمایی انتخاباتی ترامپ در شهر فونیکس در ایالت آریزونا نیز بلیت خریده بود که اگر تلاشش در لاس وگاس ناکام ماند، به آنجا برود.

در خبری دیگر، «جو بایدن»، معاون رئیس جمهوری آمریکا گفت: درخواست ترامپ درباره ممنوعیت ورود مسلمانان و هدف قراردادن آمریکایی های مسلمان منعکس کننده سیاست ترس و عدم سازش است. وی از سیاست خارجه پیشنهادی کاندیدای جمهوری خواهان در انتخابات آتی ریاست جمهوری این کشور انتقاد و آن را نشان دهنده «عدم توانایی برقراری امنیت یک گردن کلفت» توصیف کرد. در این میان، رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند مدیر ستاد تبلیغاتی ترامپ کمپین انتخاباتی این نامزد جمهوریخواه را ترک می‌کند. سخنگوی ستاد ترامپ طی بیانیه‌ای اعلام کرد، لواندوفسکی اعلام کرد، دیگر نمی‌خواهد با کمپین انتخاباتی ترامپ همکاری کند.

از سویی، روزنامه گاردین با استناد به گزارش شورای روابط اسلام و آمریکا (CAIR) و دانشگاه برکلی کالیفرنیا نوشت، ۷۴ گروه با هزینه کردن ۲۰۶ میلیون دلار به «اسلام هراسی» و «ایجاد نفرت از مسلمانان» در آمریکا کمک کرده اند. گاردین افزود: این گزارش که محصول مشترک شورای روابط اسلام و آمریکا و مرکز نژاد و جنسیت دانشگاه برکلی کالیفرنیا است، از ۷۴ گروه که به نحوی به اسلام هراسی در آمریکا کمک کرده‌اند، نام می برد که هدف اصلی ۳۳ گروه از آنها «ترویج تعصب ورزی یا تنفر از اسلام و مسلمانان» است.

از سویی، چند روز پس از تیراندازی مرگبار در اورلاندو، سنای آمریکا چهار برنامه ارائه شده برای کنترل سلاح را رد کرد.

کوتاه از سراسر جهان

قدردانی رهبر شیعیان نیجریه از حمایت های مردم ایران

مهر: شیخ ابراهیم زکزاکی رهبر شیعیان نیجریه از تلاش های مردم ایران برای رساندن پیام مظلومیت جنبش اسلامی نیجریه به جهانیان قدردانی کرد. هفته گذشته برخی نزدیکان رهبر جنبش اسلامی نیجریه به ملاقات وی رفتند و از آخرین وضعیت شیخ و همسرشان مطلع شدند. بنا بر اعلام این نزدیکان، متأسفانه چشم چپ شیخ زکزاکی نابینا شده لیکن تلاشهایی برای بازیابی بینایی چشم راست وی در حال انجام است که تا حدودی موفق بوده است. در این دیدار، گزارشی از حرکت های مردمی در جهت حمایت از جنبش اسلامی نیجریه به شیخ زکزاکی ارائه شد که وی ضمن تشکر از تلاش‌های مردم کشورهای مختلف به ویژه ملت ایران و فعالان ایرانی حامی جنبش اسلامی، توصیه هایی نیز ارائه کرد.

سازمان ملل: سرکوب مسلمانان میانمار معادل جرم علیه بشریت است

ایسنا: سازمان ملل هشدار داد که نقض گسترده و ادامه دار حقوق بشر علیه اقلیت مسلمان روهینگیای میانمار از جمله با انکار شهروندی، کار اجباری و خشونت جنسی می‌تواند معادل ارتکاب جرم علیه بشریت باشد. دفتر حقوق بشر سازمان ملل در گزارشی درباره وضعیت حقوق بشر اقلیت‌ها در میانمار اعلام کرد که متوجه الگوی نقض گسترده حقوق بشر علیه اقلیت روهینگیا که حاکی از حملاتی گسترده یا سیستماتیک بوده و احتمال اثبات ارتکاب جرم علیه بشریت از سوی آنها در یک دادگاه را افزایش می‌دهد شده است.

داعش ۷۷ پایگاه نظامی ناتو و آمریکا را در فهرست سیاه خود قرار داد

ایسنا: آژانس اطلاعات کره جنوبی هشدار داد، داعش اطلاعات مربوط به ۷۷ پایگاه و تاسیسات نیروی هوایی ناتو و آمریکا در سراسر جهان را جمع آوری و منتشر کرده است. گروه تروریستی داعش امیدوار است این اقدامش به برنامه حملات پیروانش کمک کند. داعش همچنین جزئیات مربوط به اطلاعات شماری از افراد را در ۲۱ کشور جهان منتشر کرده است که یکی از این افراد کارمند یکی از سازمان‌های رفاه کره جنوبی است. گفته می‌شود داعش برای انتشار اطلاعاتش از تلگرام استفاده می‌کند. این یکی از اپلیکشن‌های مورد علاقه یکی از گروه‌های هکری حامی داعش موسوم به "خلافت متحد سایبری" است که فهرست گسترده کشتارها را منتشر کرده است.

اوباما: تا ۷ ماه دیگر باید به دنبال شغل جدید باشم!

ایسنا: رئیس جمهوری آمریکا که تا ژانویه آتی دوران فعالیتش به پایان می‌رسد، در نشستی به شوخی گفت که باید تا هفت ماه دیگر در شبکه اجتماعی «لینکد این» به دنبال شغل باشد. باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ رسما کاخ سفید را ترک می‌کند. اوباما در جریان نشستی که با هدف جذب سرمایه گذاران خارجی در آمریکا برگزار شده بود، به شوخی گفت: تا هفت ماه دیگر من هم باید دنبال شغل بگردم. من در لینکد این ثبت نام می‌کنم تا ببینم چه پیش می‌آید. لینکد این یک شبکه اجتماعی برای افراد حرفه‌ای در همه تخصص‌های متنوع دنیاست.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۲۶۹

چهارشنبه ۲ تیر ۱۳۹۵ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نودم – شماره ۲۶۴۷۰

آموزه



بزرگ‌ترین الماس جهان آفتاب است که خوشبختانه بر گردن همه می‌درخشد

چارلی چاپلین

قلم‌انداز

کریم فیضی

سکوت در برابر صدای جهان

برخلاف تمام یا بسیاری از نظریه‌ها که نظریه محضند، بدون اینکـــه وارد حوزه تحقق و واقعیت بشوند یا تحت نظریه‌اند و بعدها ممکن است تحقق بیابند یا اساساً تحقق نیابند و ابطال شوند، دیجیتالیسم چیزی اســـت عینی و محسوس و معمولی که ابعاد نظری آن بعداز حضور واقعی‌اش نمایان می‌شود.

از ســـوی دیگر دیجیتالیسم را نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که وقتی بالعیان می‌بینیم که گذرگاه جهان است و جهان هر روز و حتی هر ساعت و هر آن از مجاری آن عبور می‌کند، نمی‌توانیم در باب آن سکوت فلسفی روا داریم!

بنابراین، دیجیتالیسم واقعیت فراگیری است که حتی اگر سرشـــتی فلسفی نداشته باشد، خودش را به فلســـفه تحمیل می‌کند و به گونه ای هم هست که عاملی جز فلسفه از عهده تحلیلش بر نمی آید. کم نبوده‌اند کسانی که به عنوان استادان ارتباطات یا متخصصان رسانه یا مدرسان و تحلیل‌گران مباحث اجتماعی و حتی روانشناختی سعی کردند در این‌باره سخن بگویند و تحلیل کنند. تمام آنچه در این‌باره از اول تاریخ دیجیتالیته تا این لحظه گفته شده، به یمن خودابزارهای دیجیتال در اختیار ماست و همه آنها را می‌توانیم یک جا گرد بیاوریم و مورد ملاحظه و مطالعه قرار بدهیم.

آنچـــه از مجموع گفتارهای موجـــود درباره دیجیتالیته می‌توان برداشت کرد، این است که آنها بیش از آنکه تحلیلی باشند، توصیفی‌اند. به همین جهت، عملاً از حوزه شیوه فلسفی و تفکر فیلسوفانه بیرونند. بنابراین، غالب کسانی که تا امروز درباره دیجیتالیسم سخن گفته‌اند، به خود آن نظر داشته‌اند، نه هست و باید آن و نه ماهیت و ابعاد وجودی آن در حال و آینده و در ارتباط با قضایای مختلف انسانی و وجودی.

به همین جهت به ســـهولت می‌توان گفت: بسیاری از کســـانی که در این وادی راه می‌روند و سخن می‌گویند از دیجیتال و ابزارهایی که از پی هم می‌آیند، سخن می‌گویند نه دیجیتالیسم به عنوان یک مشرب و مکتب بالقوه و بالفعل و نه کارکردهای ذهنی و عملی آن. برای شکار و شناخت دیجیتالیسم، آنگونه که هست و آنگونه که باید .

به طور خاص برای شناخت رهاوردهای کوچک و بزرگ و مستقیم و غیرمستقیم آن، هیچ راهی جز فلسفه وجود ندارد، آنهم نه هر فلسفه‌ای، بلکه فلسفه خاص این طریقت که ما آن را فلســـفه دیجیتالیسم می‌خوانیم و می‌شناسیم.

غیر دیجیتالیسم ناممکن

دیجیتالیسم به مثابه شریان عمومی جهان جدید و دیجیتالیسم به مثابه تعیین‌کننده و تنظیم کننده روابط نو، محتاج ارائه الگوهای تحلیلی است که با آن متناسب باشد. پیش از هرچیز سخن را باید با مبانی این انقلاب یا پدیده شروع کرد: انقلاب یا پدیده‌ای با مشارکت همه‌جانبه حرف، عدد و تصویر از هم آمیزی و پیوند و اقتران آنچه حرف است و دنیای وسیله و بی‌پایان آن و نیز آنچه عدد است و عالم بی‌انتهای آن و تصویر با آنچه از کوچک یا بزرگ قابل تصور است، صدایی شکل گرفته است که صدای موجود جهان است:

دیجیتالیســـم چنین می‌نماید که این صدا تا دوردست‌ها رفته است، تا پایان نیز باقی خواهدماند و روزی قابل تصور نیست که خاموش شود.



زندگی و شعر آیت الله کاظمی اردبیلی

عالم شاعر

در فرهنگ ایران اسلامی و در فراخنای تمدنی که به دست اســـلام در سرزمین ایران پایه‌گذاری شده است، کم نبوده‌اند عالمان شاعری که در قامت حکیم، طبیب، منجم، ریاضیدان، فقیه و فیلسوف، از شعر به عنوان یک زبان رسا و فراگیر استفاده کرده‌اند تا عرصهٔ حضور و خطاب و دایرهٔ نفوذ و بیانشان وسیع‌تر گردد. در حقیقت، بهره‌مندی از زبان شعر و ادب، توفیقی افزون بر توفیق‌های دیگر بوده است تا کسانی که کسوت دانش و دانشوری بر تن داشته‌اند، از توان و امکان بالقوه و بالفعل ساحت شعر نیز استفاده کنند، تا آنچه را رسالَت خویش می‌پنداشتند و تبلیغ و ترویج و اشاعه‌اش را تکلیف و وظیفهٔ علمی و دینی و انسانی خود می‌دانستند، با براق تندسیر و چابک اندام شعر، بهتر و بیشتر به سرمنزل مقصودبرسانند.

بدین‌سان، هنر، در تاریخ فرهنگی ایران همواره حضور داشته اســـت، حضوری نه غایت‌محور ولی بسیار مؤثر و ضروری. بی‌جهت و بیراه نیست که در نظام علمی ایران نیز شعر را دارای جایگاهی والا می‌یابیم، با پیشتازان و پیشگامانی بسیار. و همچنین در سنت شعر ایران‌زمین، شاهد حضور مداوم و مستمر عالمانی هستیم که به قواعد و قوانین شعر و فنون بلاغت مسلطند و می‌کوشند پیام علم را با پیک شعر و سخن زیبا روانه دلها و جانها کنند و فانوس جان‌نواز شعر را نیز با زیتِ شیشهٔ علم و آگاهی، زیب و زینت بخشند.

اینَ سخن در کلیت خویش، تمام یا غالب بزرگان ایران بزرگ را شامل می‌شود و ما بر صفحهٔ جان و جمال هریک از دانشـــوران ایران اسلامی انگشت بگذاریم، این موضوع را صادق خواهیم یافت، از ابن‌سینا که بزرگ طبیبان بود و قافله‌سالار حکیمان و شعر نیکو می‌سرود؛ تا خیام نیشابوری که شـــیخ ریاضیدانان روزگار قبل و بعد از خودش بود، و سروده‌هایش، هرچند از معدودی رباعی فراتر نمی‌رود، به اعتراف اصحاب اطلاع و احاطه و اشراف، طوفانی سهمگین و بی‌پایان در قافلهٔ فکر و فرهنگ و خرد و جهان‌شناسی و حتی انسان‌شناسی روزگار کهن درانداخته است. جای حیرت دارد که جهان جدید، با شور و نواهایی چون انقلاب علمی و صنعتی شدن و سیطرهٔ تکنولوژی و پشت سر نهادن مراحل و مراتبی چون: مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، هنوز که هنوز است، نتوانسته خود را از دایره و نایرهٔ پرسش‌ها و ابهام‌ها و سلب‌ها و ایجابها و شبهه‌ها و تردیدها و آتش‌افروزیها و آرام‌پاشی‌های خیامی برکنار کند.

اهمیت این موضوع زمانی نمود بیشتری می‌یابد که توجه داشته باشیم، خیام تمام فرهنگ ایران اسلامی نیست و کلیت این فرهنگ شـــگرف و اعجاب‌آور را نمایندگی نمی‌کند بلکه صرفاً به عنـــوان یکی از چهره‌های علمی ـ شعری ایران‌زمین است و به تعبیر قدمایی: **کم له من نظیر**.

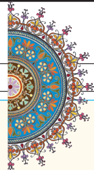
ما در اینسو و آنسوی فرهنگ درخشان این دیار کهن، پیوسته و مستمر، به چهره‌هایی بر می‌خوریم که توانسته‌اند میان دو ســـاحت عمدهٔ علم و هنر یا دو سنخ و دو تیپ از قواعد را جمع کنند: قواعد علم؛ اعم از علوم عقلی و نقلی و قواعد ادب و عمدتاً شـــعر. در منظومهٔ بزرگمردی چون مولانا نیز اگر به‌ندرت شاهد تسامح‌هایی در ساحت قواعد شعر هستیم، موضوع به ناآشنایی و قاعده‌ندانی برنمی‌گردد، چه او در قامت یک عارف تام تمام و یک حکیم بسیاردان و انسان‌شناسی حیرت‌ساز و افسانه‌ای ـ به معنای مثبت کلمه ـ نه در یک مقام و میقـــات که در هزارها عرصه و مجال، از مثنوی معنوی بگیرید تا غزلیات سراسر شور و اندیشه شمس تبریزی، نشان داده است که: مرد این میدان است و فحل‌الفحول عرصهٔ قاعده و قافیه و وزن و قول و قصیده و غزل و مثنوی.

دوستداران امروزین و جهانی مولانای بلخ و خداوندگارِ ساحت عرفان اسلامی ـ ایرانی را باید نسبت به این واقعیّتَ مستبصر کرد که: جلال‌الدین محمد مولوی نیز، تنها یکی از یلان «علم ـ شعر» ایران‌زمین است. صفحه صفحه و دفتر دفتر این کارخانه پرجنب و جوش فرهنگ‌ساز، سرشار از نوابغی است که زبانشان زبان قواعد است و احاطه بر قواعد و اجرای قواعد. با مروری کوتاه و گذرا بر کتب تراجم و رجال و با تورق مفید و مختصر در کار و کارنامه دانشوران می‌توان این نتیجه را نزدیک به واقع ارزیابی کرد که برخورد عالمانه با شعر و برخورد شاعرانه با علم ـ و به تبع آن زندگی و حیات و هستی ـ امری است مسبوق به سابقه که از دیرباز تا امروز طرفداران و راهروانی جدی داشته است.

از این رو، سخن به میان آوردن از طبقه‌ای با عنوان «عالِم ـ شاعر» بی‌منطق نبوده، بلکه دارای دلایل و شواهدی رساست که در نوعیت و ساختار و ترکیب فرهنگ گذشته ما ریشه دارد. یکی از واضح‌ترین مصداق‌های این سخن، در روزگار ما، عالم پرهیزکار و شاعر خوش‌طبع، حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ علی کاظمی اردبیلی است؛ فاضل مردی وارسته و دل‌آگاه که عمر خویش را صرف پاسبانی از حرم دل کرده و به گونه‌ای جدی و اصیل در مرزهای حریّت و فضیلت و پاک‌زیستی گام برداشته است. از آن رو که در دیباچهٔ کتاب دیوان همین عالِم شاعر وارستهٔ روزگار، شرح‌حال این عالِم ربانی به قلم اســـتاد فقید آقای دکتر حسن احمدی گیوی، یکی از برجسته‌ترین استادان زبان و ادب فارسی در نیم قرن گذشته، نوشته شده،ضرورتی برای ورود به زندگی آیت‌الله کاظمی و بیان جزئیات آن مشاهده نمی‌شود، با این حال، از باب «ما لایدرک کلّه لایترک کلّه» برای ادای حقی بر زمین مانده و جبران و تدارک کوتاهی و قصوری که در شناخت و معرفی این قبیل بزرگانِ عالِم و شاعر متوجه فرهنگ معاصر است، می‌کوشیم تا بخشَ‌هایی دیگر از حقیقت وجودی آن جناب را به قلم بیاوریم؛ با این امید که دوستداران طریقت معرفت و حکمت را به کار آید و شیفتگان راست‌قامتان تاریخ را با چهره‌ای دیگر از چهره‌های نورانی علم و شعر و ادب ایران‌زمین آشنا کند.

از آیت‌الله کاظمی می‌توان با عنوان عالِم شاعری از بطن و متن سنت یاد کرد. در حقیقت، این عالم بَزرگوار، شعله‌ای است روشن و روشنگر که از دل سنّت اصیل دینی اسلام و شیعه برآمده است. برای اطمینان از وثاقت این موضوع، تنها به میزان اشعار و سروده‌های ولایی این چهره ارزشمند استناد نمی‌کنیم و به عشق گرم و آتشین او نسبت به خاندان پیامبر و اهل‌بیت عصمت و طهارت تمسک نمی‌جوییم و به شیفتگی‌اش نسبت به مرام و منطق خاندان نبوی اشارت نمی‌کنیم، بلکه ساختار ذهنی این بزرگوار و نحوهٔ زندگی و رتبهٔ وجودی‌اش را درنظر می‌گیریم که نشان‌دهندهٔ سیر و سلوک بی‌نوسان و وفاداری کامل و عینی و عملی به موازین انسانی و اخلاقی و عرفانی اسلام و بزرگان اسلام است.

ادامه در صفحات ۴و۵



سخن

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

زیبایی و هنر



زیبایی به خودی خود مجاب کننده بوده. نمی‌بایست حرف بالای حرفش زد. به نحو ناآگاه پنداشته می‌شده که از طریق آن می‌توان به سرچشمهٔ آفرینش دست یافت. سعدی می‌گوید:

من نه آن صورت پرستم کز تمنای تو مستم
هوش می‌دانی که برده است؟ آنکه صورت می‌نگارد

اما بی‌درنگ باز می‌گردد به زیبائی جسمانی:

عمر گویندم که ضایع می‌کنی با خوبرویان
آنکه منظوری ندارد، عمر ضایع می‌گذارد

طرفه‌تر از همه اعتقاد فرقه‌ای اســـت که به «حلمانیه» معروف بودند و زیبائی انسانی را پرستش می‌کردند، یعنی هر جا آن را می‌دیدند، در برابرش به سجده می‌افتادند، زیرا آن را مظهر کمال انسانیّت و انوار حق می‌شناختند.

زیبایی و هنر

ارتباط زیبایی با هنر جا دارد که از آن جداگانه حرف به میان آید. هنر، کلّ زندگی را در خود بازتاب می‌دهد. برگردانی از زندگی اســـت. مدّعایش آن است که ناپایدار را تبدیل به پایدار می‌سازد. یک گل یا یک صورت انسان که در معرض دگرگونی است، هنر نقّاشی یا شعر آن را در همان تازگی و جوانی خود متوقّف می‌کند. رنگ، خط، انحنا، صوت، آهنگ، کلمه... اینها ابزار کار اویند که معنا، فکر، بارقه، الهام جرقّه از خود ساطع می‌کنند.

روان انسان در برابر هنر برافروخته می‌شود، به گسترش و حرکت می‌آید، تداعی معانی به کار می‌افتد، یادی به یادی برمی‌خورد و بر اثر آن بهجت درونی ایجاد می‌شود. هنر می‌تواند غم‌آور یا شادی‌آور باشد. ولی مهم نیست. منظور حرکت است. این است که شما در تماشای تراژدی نیز احساس انبساط دارید. رنج خود را سبک شده می‌یابید، زیرا می‌بینید که دیگران هم رنج کشیده‌اند، و این، تسلّای خاطر است.

***

هنر زاییده خلاقیت است که از طریق آن بتوان به مغز زندگی راه جست. آنچه را که علم و عقل نمی‌تواند کمک به دریافتش کند، هنر به جستجویش می‌رود. جستن واقعیت در ماوراء واقعیات است. یک قطعه شعر یا یک پردهٔ نقاشی می‌توانند بیشتر از یک آزمایشگاه علمی پرده از نهاد زندگی برگیرند، زیرا علم سر به محدود دارد و هنر سر به نامحدود. آنچه را که علم امروز می‌گوید چه بسا که هنر، قرن‌ها پیش گفته است.

بنابراین هنر، چیزی بر زندگـــی می‌افزاید و از این رو می‌توان گفت که سودی در آن است. سود دوگونه است: مادی و معنوی، مستقیم و غیرمستقیم، آشکار و پنهان. آدمی، دست به سیاه و سفید نمی‌زند، مگر آنکه «چشمداشت» بهره‌ای از آن داشته باشد. وقتی پای «چشمداشت» به میان آید، نام دیگرش می‌شود سود.

رابطهٔ هنر با چشمداشـــت و سود، رابطهٔ باریک و پیچ درپیچی است. نقاشـــی، موسیقی و شعر هیچ‌یک کمک به معاش آدمی نکرده‌اند و بی‌آنها، زندگی سیر اقتصادی خود را می‌پیموده است. پس چرا هنر هست، و حتی پیش از آنکه علم و صنعت پدید آیند، بوده است؟ زیرا چنین احساس شده است که کمک به گشـــایش و کشف زندگی می‌کند و در نهایت، اقتصاد و معاش هم از آن بهره می‌گیرند.

هنر در زیبایی

هنر، تبلور و تجسم زیبایی است، حتی زمانی که زشتی را به نمود می‌آورد، زیرا می‌خواهد حقیقت را پی‌گیری کند، حقیقت که با زیبایی هدف مشترک دارد، گاه در زشتی جسته می‌شود. بشر موجود منتهی است که در طلب نامنتهاست، و به دنبال آن تا هر جا جلو می‌رود.

اینکه گفته شده است که برخورداری از زیبایی، محتاج تحقق شرایطی است، از جمله رفاه و فراغت و مقداری تربیت ذهنی، تا اندازه‌ای درست است. ولی معنایش آن نیست که بشر به ذات خود زیبایی دوست نباشد، آنچه فرق می‌کند درجه و نوع آن اســـت. انسان باید نخست نیازهای اولیهٔ خود را اقناع کرده باشد ـ یعنی نیازهای زیستی ـ تا بتواند به نیازهای دوم برسد که نام معنوی به خود گرفته‌اند. ولی آنها نیز واقعیت دارند. فی‌المثل شما که در وسط ترافیک وحشتناک تهران در بزرگراه مدرس حرکت می‌کنید، هرگز مجال و دماغ آن را ندارید که چمن و درخت دو سوی راه را تماشا کنید. هدف شما هر چه زودتر رسیدن است. ولی زیبایی این چمن و درخت به جای خود هست.

تربیت ذهنی و عادت، تأثیر بسیار در برخورداری هنری دارد. یک تابلو پیکاسو، اگر آن را به یک کاسب ایرانی بدهند، در ازایش یک بســـته تنباکو نمی‌دهد، ولی یک شمایل را با خوشوقتی در خانه‌اش آویزان می‌کند، هرچند تفاوت بهای این دو در بازار بسیار گزاف باشد.

این تفاوت از کجاست؟ آیا نوعی ارزش خاص در تابلو پیکاسو هست که از چشم تماشاگر عادی پنهان می‌ماند و تنها چشم‌های خبره آن را در می‌یابند؟ لابد چنین است، ولی سئوال دیگر آن اســـت که اگر همین تابلو دویست سال پیش پا به عرصهٔ وجود گذارده بود، آیا همین تأثیر را می‌بخشید که مثلاً یک سوداگر ژاپونی آن را به چندین میلین دلار بخرد؟ یقیناً، نه. وضع زمانه چگونه ارزیابی‌ها را تغییر داده و نوعی ارزش‌گذاری قراردادی را وارد کار کرده است. هنر، در عین آنکه همسو با طبیعت حرکت می‌کند، می‌تواند در خلاف آن هم راه بجوید و هنر شناخته شود، به شرط آنکه ذات انسان را از یاد نبرد. حافظ هم به این موضوع توجه داشت که می‌گفت:

از خلاف آمد عادت به طلب کام که من
کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

گاه پریشانی از نظم، کارســـازتر می‌شود. در هرحال «مطلوبیت» هنری، به هر صورتی که باشد، باید مبنا داشته باشد، یعنی به یکی از نیازهای عمقی انسان جوابگو بشود.

آیا هنر می‌تواند آموزنده باشد؟ بلی می‌تواند. امروز از شعر حافظ می‌آموزیم که در زمان او ریاورزی بازار بسیار گرمی داشته است، ولی این نکته خاص حافظ نیست، از جاهای دیگر هم می‌توان همان را آموخت. آنچه مهم است بیان خاصی است که در گفتن به کار رفته. حضور هنر در طرز عرضه کردن به نمود می‌آید. در هیچ زمینه‌ای هیچ چیز تازه نیست. تازگی آن است که بشود به مخاطب چنین وانمود کرد که این اثر خاص ارزش آن را دارد کـــه خاطر او را به خود جلب کند. تازگی همین است؛ و این زمانی حاصل می‌شود که هنگام برخورد با آن شکنج‌هایی بر برکهٔ ذهن او بیفتد و آن را به اهتزاز آورد.

به‌طور کلی زندگی بر ما به منزلهٔ یک قفس اســـت، زیرا عرصهٔ آن به فراخی تخیل و آرزوی ما نیست. هرچه بتواند دیوارهٔ این قفس را دورتر ببرد، از آن استقبال داریم. یکی از آنها تصور آفریدن است، ساختن و پدید آوردن چیزی، که بهترین تجلی آن در هنر نمود می‌کند. هنر از کار سودآور (مثلاً ساختن یک خانه یا کاشتن یک درخت) اثربخش‌تر است زیرا از عمقی‌ترین نهاد انسان سر بر می‌آورد. انسان را با عالم بالا و دنیای آرمانی پیوند می‌دهد. زیبایی آن است که در تعریف محسوسی نگنجد و هنر نیز که جستجوی هنجار و بیرون‌شد از تنگناست، همین خاصیت را دارد. منتها سود در لایهٔ زیرین آنها نهفته است.

هنر در زمانی که هنوز علم وجود نداشته، اگر مطلوب بشر واقع شده و پدیدآمده، برای آن است که درهم‌شکنندهٔ محدودیت است. عقل و علم در محدودیت و ممکن راهیابی می‌کنند، هنر به نامحدود روی دارد، و ناممکن را هدف قرار می‌دهد.

مذهب و هنر

نیاز مذهبی توأم اســـت با نیاز هنـــری، هر دو از یک خانواده‌اند و یک مقصد را دنبال می‌کنند و آن به دست آوردن آن چیزی است که در اختیار نیست. هنر به مذهب خیالی کمک کرده است، برای آنکه جلای آرایشی به آن بخشیده. نمونه‌اش تزییناتی است که در معابد به‌کار می‌رود و تخیل مؤمن را به عالم برتر سوق می‌دهد. در مقابل، بخشی از هنر نیز از اندیشهٔ مذهبی الهام گرفته است. نمونه‌اش شمایل مریم عذراست، نمودار زن آرمانی، که در آن زیبایی (که سهم هنر است) با هالهٔ تقدس (که سهم دین است) قرین می‌گردند.

گفتگوی مرحوم زاون با استاد خسرو سینایی/۶

دوره فیلم‌سازی



گفتیم ما اصـــلاً اهل فعالیت‌های سیاسی نیستیم. ما قولی دادیم می‌خواهیم این برنامه اجرا بشه. گفت: به هر حال شما می‌دونید که ما نمی‌یاییم منافع و ارتباطمون را با ایران به هم بزنیم می‌دونید ما سالی چندتا لکوموتیو به ایران می‌فروشیم؟ گفتم: بله همه اینها درست ولی ما قول دادیم و این کار را می‌کنیم. اون سال ما در وین و در گراس و در... مثل قهرمانهای المپیک، من و شیدا و همون پرویز شفیعی را دانشجوها با گل می‌بردند و برنامه اجرا می‌کردیم. ما شـــدیم قهرمان اون جا. این هم ماجرای انجمن دانشجویان.

به هر حال تموم شد کنســـرت‌های آکوردون هم بود که آخرینش توی سالن موتزارت کنسرت‌هاووس وین نوامبر ۱۹۶۵ من توانستم سلو اجرا بکنم فکر نمی‌کنم توی ایرونی‌ها کسی در اون سطح با آکوردون برنامه اجرا کرده باشد، ولی بعدش گذاشتم کنار.

دوره فیلم‌سازی ما شروع می‌شد با یک فتورمان، بعد یک مستند کوتاه سه دقیقه‌ای بدون صدا، بعد یه مستند بلندتر با صدا، بعد یک دونه فیلم کوتاه توی دکور، بعد یه فیلم مستقل که هر چی بخوای بسازی. البته در این فاصله یه اتفاق جالبی هم افتاد که مونتاژ توی دکور فیلم و تکثیر را دانشکده می‌داد به بچه‌ها که تدوین کنند. یکی از این برنامه‌ها به این شکل بود که کسی می‌یاد در می‌زنه من در را باز می‌کنم اون می‌گه شما آقای سینایی هستید؟ می‌گم: بله. می‌گه من مامورم که شما را بکشم، یه همچین صحنه‌ای.

این باعث شد که ۱۳ سال بعد وقتی که من رفتم تو آکادمی که دوستان قبلی‌ام را که معلم شده بودند ببینم یه دفعه دیدم دانشجوهای جوون سلام می‌کنند و اسمم را هم می‌گویند. اِ اینا من را از کجا می‌شناسند نمی‌دونستم، بعد معلوم شد که اون کاری را که برای تدوین اون زمان گرفته بودیم اینا هنوز دارند تکثیر می‌کنند می‌دهند بچه‌ها برای تمرین مونتاژ که روش تمرین مونتاژ بکنند و این «شما آقای سینایی هستید؟» آن قدر تکرار می‌شد که اینا دیگه ما را می‌شناختند.

فرخ‌نژاد: او سال‌ها چه تفاوت فرهنگی بین ایران و اون جا بود؟ اون جا با ایران چه فرق‌هایی داشت و چه قدر تأثیر گرفتید از فرهنگ اون جا؟

اولاً من سال ۱۹۸۵ رفتم به وینی که ۱۳ سال بعد از جنگ جهانی دوم بود. هنوز خیلی فقیر بود یعنی همه اروپا این حال را داشت، فراموش نکنید اون زمان یک تومن ما سه شیلینگ اتریش بود. بار آخری که من رفتم اتریش ۵ـ۶ سال پیش بود که ۱ شیلینگ اتریش ۶۰ تومن ما بود یعنی ۱۸۰ درجه اینور و اونور شده بود. خونه‌ای که ما کرایه کرده بودیم خونه خوبی بود که پیانوی رویال هم توش بود خونه خیلی مرتبی بود. این خونه را ماهی ۱۵۰ شیلینگ می‌دادند یعنی می‌شد ماهی ۵۰ تومن و پولی که برای من می‌آمد اولش ۶۰۰ تومن (یعنی ۶۰۰ تا یک تومنی‌ها) بعد شد ۸۰۰ تومن.

اما یک نکته بود، دوخت خیابون لاله‌زار اون جا می‌پوشیدیم جزو شیک‌ها بودیم ولی به مرور سال‌های آخر دیگه این خبرها نبود یعنی دیگر جزو شیک‌ها نبودیم که هیچ، دیگه اتریشـــی‌ها شیک بودند من هنوز با دوستان اتریشی که صحبت می‌کنم یعنی با دوستانی که تو اتریش تحصیل کرده‌اند اتریش یک کشور قرن نوزدهمی بود. حالا این به چه معنی؟ به این معنی که اون حال طلبگی هنوز توش بود. بچه‌هایی که اتریش درس خوندند. تقریباً همه اون‌هایی که درسشون را تموم کردند آدم‌هایی هستند که کارشون را عمیق بلدند منتهی به سبک آمریکایی نبود یعنی آمریکایی بلد بود کارش را بفروشه.

فرخ‌نژاد: واقعاً شما چی یاد گرفتید به‌صورت عمیق و انسانی؟

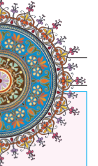
... چی یاد گرفتیم؟ یه پیسی هست مال آرتور شنیتسلر اسمش «آناتول» است که تو ایران هم خیلی بد اجرا شد. دختر هوربیگر بازیگر مرد سوم که اسمش پاولا وسلی است. یه صحنه‌ای هست که دلدارش سوار کالسکه رد می‌شد یه دقعه نگاه می‌کنه می‌گه آه. از تئاترهای مختلفی که در اتریش دیدم این یدونه آه بیشتر از همه روی من تأثیر گذاشت. این معنی داره. موسیقی که اجرا می‌کردم مثل رقص شمشیر، زنبور عسل و... شلوغ می کردیم، وقتی رفتم اون‌جا استادم به من گفتش که باید از نت اول شروع کنم، مهم اینست که یک نت درست اجرا بشه اجرا باید مثل اون یه آه، باشه عمق و ظرافت را من از اتریش یاد گرفتم که متأسفانه هرگز هم نتونستم ازش استفاده کنم چون هیچ‌وقت این‌جا مشتری نداشت یعنی به اون شکل خواهان نداشت. اتریش حتماً کشوری بود که عمق و ظرافت و سادگی و کمال، طلبی داشت.

فرخ‌نژاد: یه مثال سینمایی بزنید.

زاون: مثل اون آهی که الان گفتید.

طوری تربیت شده بودم که به یه جای دیگه برم برای این که سینمای اتریش در اون سال‌ها خیلی چیزی نداشت...

ادامه دارد



ایران

خاطرات شاهدان قتل ناصرالدین شاه

تیر رضا، تدبیر اتابک

دکتر شیخ محمدخان احیاءالملک در حادثه قتل ناصرالدین شاه قاجار که به سال ۱۳۱۳ هجری قمری اتفاق افتاد، حضور داشـــت و از آن واقعه داســـتانی نقل می‌کرد که جزئیات آن اتفاق را از این اشخاص نیز شخصا شنیده‌ام: اول از مرحومه تاج‌الدوله ـ جده آقای معیرالممالک ـ که بانوی طرف علاقه ناصرالدین شـــاه بود. دوم از عبدالله میرزای دارایی (سردار حشمت) کالسکه‌چی‌باشی شاه. سوم از صاحب اختیار و مجدالدوله و سردار امجد و ســـایر رجال عصر ناصری و مخصوصا افرادی که در آن روز در موکب شاه بوده‌اند از قبیل میرزا عبدال‌خان امین‌السلطان پسر بزرگ اتابک اعظم و سایرین و چون صحیح‌ترین و معتبرترین روایات است نقل می‌کنیم:

دکتراحیاءالملک

روز پنجشـــنبه دوازدهم ذیقعده سال ۱۳۱۳ هجری قمری ناصرالدین شاه در باغ ساعدالدوله پدر مرحوم محمدولی‌خان سپهسالار اعظم تنکابنی واقع در جوار پل تجریش میهمان بود. من هم جزء ملتزمین رکاب اتابک شرفیاب بودم. عصر شاه به شهر مراجعت کرد و در جلو باغ عشرت‌آباد که فعلا محل قشون است پیاده شد و امر قلیان فرمود، و معمول این بود که چند عسلی (صندلی بی‌پشتی) می‌گذاردند، روی یکی شاه جلوس می‌فرمود و از همه قسم خوراکی‌ها که هر وقت همراه شاه موجود بود مجموعه‌ها روی سایر عسلی‌ها آماده می‌کردند تا شاه ضمن کشیدن قلیان تناول کند. شاه در حال کشیدن قلیان به صحرا نگاه کرد و درختان پر از گل ارغوان را نظر نمود و این شعر را خواند:

نیش خاری نیست کز خون شکاری رنگ نیست
آفتی بود آن شکارافکن کزین صحرا گذشت

البته اطرافیان یا نفهمیدند یا جرئت حرف زدن نداشتند. همه را متاثر یافتم. بعد به غلامحسین‌خان غفاری (صاحب اختیار) فرمودند تو برگرد برو «چیزر» (باغ ییلاقی صاحب اختیار در شمیران که منزل ایشان بود) کاغذهای خود را فردای جمعه مرتب کن، صبح شنبه در خانه بیا و به عرض برسان تا جواب داده شود که شب یکشنبه اول جشن هیچ کار باقی نباشد. (شب یکشنبه آخر سال پنجاهم سلطنت شاه بود که جشن قرن یا پایان نیم قرن سلطنت شاه را دولت و دربار خیلی مجلل تدارک دیده بودند).

صاحب اختیار تعظیم کرد و مرخص شد. شاه به شهر آمد و تا در اندرون شاه در خیابان ناصریه همراه بودیم و مرخص شدیم. من در رکاب اتابک به پارک او (که فعلا محل ســـفارت شوروی در تهران است) آمدم. اتابک اول شب میان یکی از تالارهای بزرگ پارک با یکی، دو نفر بازی «بیلیارد» می‌کرد تا در ضمن بازی ورزشی هم نموده باشد. اتابک مشغول بازی و من و امثال من هم در گوشه تالار حساب بازی‌های ایشـــان را مراقب بودیم و گاهی هم احسنت و آفرین البته به نفع اتابک می‌گفتیم.

در همین وقت علی‌خان امین حضور وارد تالار شد و به اتابک عرض کرد که: شاه می‌فرماید «ما فردای جمعه شاهزاده عبدالعظیم به زیارت می‌رویم. ناهار را در باغ مادر شاه چلوکباب خبر کنید.» اتابک گفـــت: «عرض کنم فردا هزار کار داریم. خوب است زیارت را بگذارند بعد از خاتمه جشن.» امین حضور مرخص شد و به فاصله کمی برگشـــت و عرض کرد: شاه می‌فرمایند فردا از زیارت منصرف نمی‌شویم، باید برویم.

اتابک کیف جیبی خود را بیرون آورد و میان دو دست امین حضور پولهای زردش را ریخت و دستی به شانه او زد و گفت: «جانکم، برو و شاه را منصرف کن.» رفت و بازگشت که شاه می‌فرمایند: «حتما می‌رویم و صحن و حرم شاهزاده عبدالعظیم هم نباید قرق باشد و ناهار را هم در باغ مادر شاه چلوکباب بایستی حاضر باشد.»

اتابک با کمال اوقات تلخی گفت: «من که پا درد دارم، خود می‌دانند.» امین حضور از ترس فوری از تالار بیرون رفت. اتابک چوب بیلیارد را روی میـــز پرتاب نمود و قدم می‌زد و با خود این مصراع از شعر مولوی را می‌خواند: دشمن طاووس آمد پرّ اوی. و مصرع دوم را نمی‌خواند که این بود: ای بسا شه را که کشته فرّ اوی.

ناگاه به ما نگاهی کرد و با تغیر فرمود بروید: «من فردا پادرد دارم و در خانه می‌خوابم.» غرض از فرمایش اتابک به من این بود که مطابق معمول هر وقت به سبب و جهتی، اتابک از رفتن در خانه یعنی حضور تمارض می‌کرد، به اسم پا درد بود، و شخص من که طبیب مخصوص او بودم بایستی در منزل او یا منزل خودم باشم!

از حضور اتابک مرخص شدیم و شب جمعه را در بازار سرچشمه خانه شیخ مرتضی خزانه میهمان بودیم. به آنجا رفته شب آنجا خوابیدیم.

صبح جمعه نوکر شیخ مرتضی را به اول سرچشمه که معبر شاه بود فرستادیم تا اگر اتابک در رکاب شاه باشد معلوم است که شب یا صبح شـــاه از او استمالت نموده است، در آن صورت که نهایت آرزوی من هم بود زود به شـــاهزاده عبدالعظیم برویم و روزی را به خوشی بگذرانیم و الا بایستی در همان جا یا خانه خود پنهان باشیم. در این وقت نوکر شـــیخ مرتضی مژده آورد که اتابک در رکاب شـــاه بود. فوری از راه میان‌بر به شاهزاده عبدالعظیم رفتیم و زودتر از شاه رسیدیم چه که شاه در جاده بین راه پیاده می‌شد و صرف قلیان می‌کرد.

وارد صحن شـــاهزاده عبدالعظیم شدیم. جمعیت مرد و زن موج می‌زد و راه عبور نبود. به زحمت وارد صحن شدیم و به حجره آخر صحن دست راست رسیدیم. برای تماشای آمدن شاه، به داخل آن حجره وارد شدیم که پردهٔ تور جلو درهای آن آویخته بودند، جماعتی سید و آخوند یزدی میان آن حجره نشسته و مشغول لعن بودند! متوحش شده سبب را سوال کردیم. گفتند: «هشت ماه است که از ظلم شاهزاده جلال‌الدوله ـ حاکم یزد ـ اینجا آمده، متحصن هستیم و هرچه تظلم می‌کنیم، این شاه به داد ما نمی‌رسد. امروز مصمم شدیم به جدّه خودمان لعن کنیم تا اگر ارواح آنها کاری می‌توانند، نزد حق بکنند و اگر نمی‌توانند، ما را راحت کنند و دیگر به آنها توجه نکنیم!» ما از خوف اینکه مبادا صدای این اشخاص را مردم خارج بشنوند و برای کشتن اینها بریزند و ما را هم جزو آنها بکشند، خواستیم از اطاق خارج شویم، که ناگهان دیدیم شاه میان موج جمعیت به طرف حرم می‌رود.

همین که شاه وارد ایوان شد، از اطاق خارج شدیم و خود را میان دالان بین صحن که به طرف مقبره فعلی ناصرالدین شاه است، داخل کردیم و با حرکت جمعیت رفتیم وسط دالان. صدایی مثل اینکه صندوق آهنی خالی را از بالای بلندی میان پله‌ها پرتـــاب کنند، که به هر پله خورد صدایی می‌دهد، شنیدیم.



به باغ جیران وارد شدم، مجدالدوله را میان ایوان جلو قبر جیران دیدم (حالیه همان ایوان محل مقبره ناصرالدین شاه می‌باشد) که مرا به نام صدا می‌زد و سخت دشنامم می‌داد.

خیال کردم یزدی‌های داخل اطاق را گرفته‌اند و ما هم متهم شده‌ایم، به طرف ایوان رفتم، دستم را مجدالدوله گرفت. از نرده چوبی به داخل ایوان رفتم. چنان سیلی به صورتم نواخت که چشمم سیاه شد، به داخل اطاق هدایتم کرد. وارد اطاق شدم. فریاد اتابک را شنیدم که می‌گفت: «بارک‌الله دکتر! وقت بروز هنر و لیاقت اســـت. شاه را به حال بیار.»

چند لحظه چشم خود را بستم و مالیدم و بعد چشم باز کرده، دیدم جلوی دری که از مقبره جیران به راهرو بین حرم شاهزاده عبدالعظیم و امامزاده حمزه است، شاه روی زمین دراز کشیده است. بلافاصله با اشاره اتابک کنار شاه نشستم، نظرم به جوراب نخی سفید ساق کوتاه کار جلفای اصفهان ـ معروف به امیری که معمولا شاه همیشه به پا می‌کـــرد ـ افتاد و دیدم خون روی جوراب پای چپ شاه است، به ناچار از زیر دو شلوار شاه به ساق پای شاه دست بردم، تا جایی که مقدور بود و دست من بالا می‌رفت، جریان خون را از قسمت بالای پا احساس کردم، به واسطه تنگی شلوار ناچار بند شلوار را گشودم تا جریان خون را بتوانم تعقیب کنم. سیلی محکم دیگری صورتم را نوازش داد و مجدالدوله دشنام می‌داد که: «کارت به جایی رسیده که بند شلوار شاه را باز می‌کنی!»

اتابک از طرف دیگر با عصایی که در دست داشت، به مجدالدوله به سختی کوفت و فوری اطاق را به کلی خلوت و خالی کرد و باز به من فرمود: «دکتر جـــان! امروز روز ترقی تو و بروز لیاقت است. کاری کن شاه به حال بیایند.»

من با نهایت اطمینان خاطر، بندها را گشودم و از کنار پهلوی چپ شاه خون را تعقیب و بین دنده‌های چپ ،همان جایی که در کلاس مدرسه طب قسمت تشریح میان حقیقی قلب را نشان داده بودند انگشتم فرو رفت. با کمال تامل انگشت خود را چندین بار داخل و خارج و میان قلب را هم امتحان کردم و مطمئن شدم که قلب به کلی از کار افتاده و شاه مدتی است مردا! از جیب شاه دو دستمال سفید بیرون آوردم. یکی را داخل قلب نموده بیرون کشیدم، و دومی را وارد کرده، آنجا برای بیرون نیامدن خونابه گذاردم (همان دستمال را دکتر احیاءالملک چندین سال قبل با حضور من و جماعتی از رجـــال به موزه معارف داد تا محفوظ بماند.)

در این وقت اتابک میان راهرو بین حرمین قدم می‌زد. با اشاره ایشان را به طرف خود آوردم، به طوری که خم شدند. در گوش ایشان با اینکه اطاق خلوت بود آهسته گفتم: «قربان، قلب به کلی از کار افتاده و شاه قطعا و حتما مرده است و از نظر اینکه چاکر نمک‌خوار شما بوده و هستم، در عالم دولت‌خواهی عرض می‌کنم مثل حاجی میرزا آغاسی ـ وزیر محمدشاه ـ از میان این حرم بیرون نروید تا از اینجا مانند او به کربلا بروید.» اتابک هم یک سیلی محکم به گوشم نواخت و بدون تغیر گفت: «معراج نرو» و فریاد کرد: «دکتر جان! روز ابراز لیاقت و هنر است، تمام ترقیات تو امروز است، شاه را حال بیار، تیر پای شاه خورده. زود کاری کن که شاه حال بیاید!»

پس از خوردن سیلی از اتابک، در حقیقت بیدار و هشـــیار شدم و وظیفه خود را دانستم و مشغول مالش پهلوی و پای شاه گشتم و لباس‌های او را مرتب نمودم و فریاد زدم: «قربان! الحمدالله حال قبله عالم به جا آمـــد!» اتابک فریاد کرد: «ناصرالملک قلیان بیار، حال شاه به جا آمد!»

فـــوری ناصرالملک قراگزلـــو که بعدها نایب‌السلطنه ایران شد، قلیانی برای اتابک در همان راهرو بین حرمین آورد و اتابک ایستاده در حالی که قلیان دست ناصرالملک بود، کشید و دائم تشکر می‌کرد. سپس ناصرالملک و قلیان را مرخص کرد و بعد از چند دقیقه، پسرهای کرم‌خان که فداییان اتابک بودند، وارد اطاق شده یک صندلی آوردند و یک چوب بلند پهن از زیر صندلی عبور دادند. پدر عزیزالسلطان منیژه [ملیجک] که مردی کوتاه و باریک بود، آمد و روی صندلی نشست. با گارد لباس‌های شاه را از پشت سر از یقه تا دامن پاره کردند و شاه را جلو آن صندلی نشانیدند. دو دست پدر منیژه را از زیر پیراهن داخل کرده، وارد آستین شاه نمودند و به او تعلیم دادند که دست شاه را حرکت دهد و گاهی به سبیل شاه کشیده شود، و آن تخته زیر صندلی را چهار نفر هر سر تخته را دو نفر بلند کردند، دو نفر هم پشت سر صندلی را گرفته به ایوان مقابل مقبره آوردند.

کالسکه شاه بدون اسب جلو ایوان حاضر بود. اول پدر منیژه را وارد کالسکه کرده، بعد شاه را به همان ترتیب جلو او نشانیدند و دستهای شاه را به همان کیفیت به او گفتند گاهی حرکت بدهد و سبیل‌ها را دستمالی کند. عینک یاقوت کبود شاه را از جیبش بیرون آوردند و به چشمش گذاردند.

اتابک به من گفت: «در راه مراقب باش به کسی حرفی نزنی، جز اینکه خدا را شکر کنی که شاه به دست تو حالش به جا آمده و تیر به پایش خورده است و دست‌های خود را هم خوب از خون پاک کنی.»

بعد اتابک هم میان کالسکه مقابل شاه رفت و نشست و با دست کالسکه را از باغ جیران که فعلا باغ مقبره شاه است از در جنوب غربی به خارج آوردند. اسب‌های آن را بستند و به طرف شهر حرکت کردیم.

ادامه دارد

ادامه از صفحه اول

برخاســـتن از تباری دیندار و دین‌یاور و پیوستن به جرگهٔ طلاب علوم دینی و تحصیل جدّی در حوزه علمیه (آغاز در حوزهٔ علمیـــه اردبیل پیش از دههٔ ۳۰ و تداوم در حوزهٔ علمیه قم از دههٔ ۳۰ به بعد) و آنگاه حشـــر و نشر با اســـتوانه‌های علم و فضیلت نیم قرن گذشته و مهمتر از آن، اصرار بر مشـــی طلبگی و اصراری بیشتر از آن برای تبلیـــغ بی‌اجر و مزد دین خدا در جمع بندگان خدا و اکتفا به معیشتِ مســـتقل و امرار معاش با تلاش و زحمتکشی شخصی وَ نپذیرفتنِ درهم و دیناری از طریق منبر و تبلیغ وَ تعلیم، و آنگاه قدم زَدن در واحه و وادی سنت‌های فکری و نظری اسلام، از فقه و اصول بگیرید تا شعر و شعور دینی و اسلامی، همه و همه، نمونه‌ها و نشانه‌هایی است از زندگی متعالی دانشوری دل‌آگاه و جان‌سوخته که سلامت نفسش راه او را از موقف‌های پرطمطراق و مقام‌های چشمگیر به شهر درون و خانه دل و دلِ خانه کشانده است و عشقش به پاک‌زیستی و وارسته‌مردیَ، او را به جای شهرت‌طلبی و مقام‌گستری و بلندآوازگی، به آرام و سنگین و هشیار نشستن در کلبه و خانه و گوشهٔ انزوای خودخواسته‌ای رهنمون شده است که انصاف را نمونه دوّم و سومش را در این روزگار کمترمی‌یابیم.

آیت‌الله شیخ علی کاظمی، از روزی که با خواست و اصرار پدر وارد عرصهٔ طلبگی شده، تا امروز که شمع عمر خویش را در نورانیت این مسیر به کار بسته است، چونان سربازی مخلص و واقعی به نگهبانی از میراث تاریخ تشیع و فرهنگ و معنویت اصیل اســـلام نشسته است. هیچ‌یک از زمینه‌های شـــهرت‌آفرین و اشتهارساز، او را به ساحت خودخواهی و خودگویی نکشانده‌است، همچنان که هیچ‌یک از حضورهایش در جایگاههای ارتقاءبخش، موجب نشده است که زیّ و مشی خودش را به کناری نهد و در منصب و مقام و عنوان و جایگاه و پایگاهی دیگر حضور به هم رساند و از خود فاصله بگیرد. در اینجا سخن بر سر تنقید از دیگران و صاحبان مقام و عنوان و شهرت نیست. همچنانکه سخن بر سر نفی و انکار صاحبان نام و اعتبار و آوازه نیز نیست.

سخن، پیرامون روایت شیوه و سلوک شاعری بزرگ و به عبارت بهتر: عالِم شـــاعری عزیز و شریف است که کسی به مخالفت با اوَ نخاسته و احدی انتقاد از او را فریضه خویش نشمرده است. در مقابل، شاهد ستایشگرانی هستیم که شیوه زندگی و سبکِ روحانیت و نوعیتِ کار و تبلیغ و پاک‌زیستی‌اش را بسی اَرجمند و ارزشمند وَ قابل تحسین ذکر می‌کنند. همین او را بس که اگر چیزی از عدم و حضور در متن و میانه‌های زندگی ظاهری به دست نیاورده، باطن پرفضیلت خود را از دست نداده است و این روشن‌ترین گواه و شاهد ماست بر حقیقتِ برخاستنش از بطن و متن سنّت. این سنّت، سنّت خلوصَ است و سلامت نفس. سنّت ایمان است و عملِ صالح. سنّت انسانمردی است و درون‌مداری و درنهایت سنّت مراقبت از خود و پرورش جان خود.

شاید، این اولین بار و اولین جایی باشد که به صورت رســـمی از تحصیلات فقهی، اصولی، کلامی و تا حدودی فلسفی یکی از دانشـــوران حوزهٔ علمیه قم سخن به میان می‌آید، در حالی که او به قاعده و به رسم و احوال روزگار، پیش از این، اگـــر نه هزار بار که صد بار و اگر نه صد بار، بارها می‌توانست بگوید: در محضر بزرگانی چون آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی ـ آن پاکباختهٔ روزگار در تهذیب نفس و تکمیل اخـــلاق ـ، آیت‌الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، آیت‌الله شـــیخ ابوالفضل قمی و امثال آنان درس آموخته و بهره‌ها اندوخته است.

بی‌گمـــان بهره‌مندی از درس فقه و اصول بی‌نظیر و بی‌مانند آیت‌الله العظمی سیدحسین بروجردی طباطبایی و حضور ده ساله در دروس ارزشمند حضرت امام خمینی، دارای آن حد عظیم از افتخار و استناد هست که هر حاضر شـــده‌ای در آن دروس به خود ببالـــد و حضورش در آن درس‌ها و بحث‌ها و مجلس‌ها و محفل‌ها را بر زبان بیاورد و بیان کند؛ ولی آیت‌الله کاظمی چنین دأبی نداشته و با وجود حضور در کانونهای مذهبی، از نوع مسجد و حسینیه و با وجود امامت جماعت و ارشاد مؤمنین، هرگز دربارهٔ خود لب به سخن نگشوده و کلامی بر قلم جاری نساخته است.

همین موضوع، سرّعشق و علاقهٔ خالصانه مردان بزرگی چون مرحوم دکتر حسن احمدی گیوی به این بزرگوار بوده و هســـت. و اگر نبود که نقل آنچه از دکتر گیوی درباره حضرتش شنیده‌ایم، موجب اطاله کلام و مفصل‌تر شدن این مقدمه می‌گردد، در نقل آن مطالب کوتاهی نمی‌کردیم، تا دوستداران طریق صحیح علم و دین و دیانت و روحانیت بدانند که یک دانشور وارسته، تا چه حدّ می‌تواند در جامعه حضور داشته باشد، بی‌آنکه شأن و شئونی برای خود قائل باشد؛ و یک سخنگوی دانا و خطیب توانا، تا چه حدّ می‌تواند خوب سخن بگوید، اما همواره از دیگران بگوید، بی‌آنکه سخنی از خود بر زبان بیاورد.کوتاه سخن اینکه: استاد ادب و آداب و شاعر خوش‌قریحه، آیت‌الله کاظمی، مردی است از این لون و تبار، و آیتی است از این جنس و سنخ.

انتشـــارات اطلاعات این افتخار را یافته اســـت که مجموعهٔ اشعار و سروده‌های عالمی عامل و شاعری وارسته و حقیقت‌باور را در قالب دیوان شعر به انتشار برساند. با این امید که خداوند متعال وجود نافع این مرد مخلص را سالیان سال در جامعهٔ اهل علم و ادب و هنر و تلاش و وارستگی و استغنا و خوداتّکایی به عنوان نمونه و اُسوه‌ای شایستهٔ اقتدا حفظ کند.

خانوادهٔ استاد از همکاری و همراهی دریغ ننمودند و این مجموعهٔ فاخر را به خوانندگان فارسی‌زبان و دوستداران زبان و ادب فارســـی تقدیم کردند که شکل تحقق‌یافتهٔ آرزویی اســـت که سالها پیشتر باید عملی می‌شد و چشم و دل دوستداران فضیلت و آگاهی را روشن می‌کرد؛ ولی خوشحالیم که این اتفاق در این برهه از زمان روی می‌دهد. برای شادمانی و آرامش روح زنده‌یاد دکتر احمدی گیوی هم از درگاه خداوند متعال طلب اجر و مغفرت و رحمت می‌کنیم که با نگارش مقدمه‌ای عالمانه گام اول این مسیر را برداشت، هرچند اندوهگینانه باید اقرار کنیم که عمر استاد کفاف نداد تا پس از ۱۰ سال که از آیت‌الله کاظمی با عنوان «شاعری دردآشنا» سخن به میان می‌آورد، این دیوان را ببیند و شادمانی خویش را از چاپ شدن این مجموعه ابراز بدارد.

کریم فیضی

نگاهی به زندگی و شعر آیت‌الله کاظمی‌اردبیلی

عالِم شاعر



شاعر دردآشنا

به قلم: دکتر حسن احمدی گیوی

سی و نُه سال پیش (ســـال ۱۳۳۹) که در تابستان به زادگاه عزیزم، گیوی و خلخال رفتم، شنیدم روحانی و واعظی جوان و گرانمایه در ماه مبارک رمضان در خلخال (هروآباد) به منبر رفته‌اند و منبرشان سخت مورد استقبال و استفاضهٔ همشهریان گرامی‌ام قرار گرفته است. در پایان کار، مبلغ ده هزار تومان (به پول آن روز) در پاکتی تقدیم کَرده‌اند، ولی ایشان از پذیرش آن خودداری ورزیده‌اند. آقایان گفته‌اند: اگر کم است، اضافه کنیم. ایشان گفته‌اند: سخن در اندک و بسیار نیست! من هرگز برای تبلیغ دینی پول نمی‌گیرم و تاکنون از این کسوت، دیناری بهرهٔ مادی نبرده‌ام!

موضوع مانند بمب درِ خلخال صدا کرده بود. چون برخی از آقایان در میزان «وعظ‌مزد» چانه می‌زدند!

سالها گذشـــت و نام آن واعظ محترم و حتّی خود موضوع هم به قسمت تاریک ذهن رفت و غبار فراموشی بر آن نشست. پس از سی سال در سال ۱۳۶۹ مادر پاکدامن دوستان و برادران عزیزم آقایان الیاسی‌ها (دکتر سیدجواد، دکتر سیدهدایت، آقا سیدقوام، آقا سید مصطفی الیاسی) به جوار رحمت حق شتافت. ـ انسانهای نیک، زندگی و مرگشان مایهٔ خیر و برکت است ـ در مجلس ترحیم خانگی آن سیّدهٔ گرامی، روحانیی را دیدم. پس از صحبت و آشنایی معلوم شد نام گرامی‌شان حاجی شیخ علی کاظمی است و خودشان همان واعظ و روحانی عزیز که دل از همشهریان بنده ربوده بودند و از کسوت مقدّس خویش نه سوءاستفاده، که استفاده هم نکرده‌اند و نمی‌کنند. افزون بر آن، شاعر هم هستند و شعر خوب می‌گویند. از دیدارشان خوشوقت شدم و از همان روز، پیوند روحی و دوســـتی میان ما برگزار شد و رفت و آمد خانوادگی برقرار. در خلال این چند سال بنده بارها و بارها در خدمت ایشان بوده‌ام و جز نیکی و عاطفه و فروتنی و بزرگواری و کمک به نیازمندان و درماندگان و نیز سرودن شعر از ایشان ندیده‌ام.

جناب کاظمی در سال ۱۳۱۴ در شهر اردبیل چشم به جهان گشوده و از شش سالگی تا ۱۴ سالگی در اردبیل اقامت داشته‌اند و قرآن و قسمتی از صرف و نحو و ادبیّات عربی را در زادگاه خویش فرا گرفته‌اند. علاقه و ذوق شایان و فراوان به تحصیلات جدید داشته‌اند؛ ولی پدر گرامی‌شان که در کسوت روحانیت نبوده‌اند رضایت نداده به تحصیل حوزوی تشویق و وادارشان کرده‌اند.

در سال ۱۳۳۰ به قم عزیمت کرده و ده سال (تا سال ۱۳۴۰) در آن شهر به تکمیل علوم حوزه اشتغال جسته‌اند و بنا به اظهارات آشنایان و هم‌تحصیلان‌شان تحصیلات بسیار موفّقی داشته و خوش درخشیده‌اند. در سال ۱۳۴۰ به اردبیل مراجعت نموده ضمن انجام وظیفهٔ روحانیت (از قبیل اقامهٔ نماز جماعت، تشکیل مجالس مذهبی، بحث و تدریس علوم حوزوی، نظارت بر ادارهٔ دبستان و دبیرستان جعفری اسلامی و...) جهت تأمین معاش به احداث کارگاه قالی‌بافی و نیز دامداری همّت گماشـــته‌اند و با کدّ یمین و عرق جبین بر حدیث شریف نبوی (اَطْیَبُ ما اَکَلَ الرَّجُلُ مِنْ کَدِّ یَدِه) عمل کرده و برای کار و فعالیت و تبلیغ دینی دیناری از کَسی یا جایی‌نگرفته‌اند.

جناب آقای کاظمی به اقتضای مسائل خانوادگی در شهریور ســـال ۱۳۴۵ به تهران کوچ فرموده و با اقامهٔ نماز جماعت در یکی از مسجدهای حسّاس شهر و انجام همهٔ وظایف و خدمات یک روحانی مسئول، کوشا، فعّال و دردمند باز طبقِ وصیّت پدر و سیرهٔ خویش دیناری نه از دولت و نه از ملت نگرفته‌اند و نمی‌گیرند و حتی برابر اظهارات یکی از بستگان نگارنده ـ که از مأمومان مسجد ایشان هستند ـ در مسجد، بیشتر از نمازگزاران متموّل و سرمایه‌دار به مستحقان و نیازمندان کمک می‌کنند.ایشان در بازار کفّاشان تهران به فروش لوازم ریز خانگی اشتغال دارند و بدین ترتیب همچون گذشته از دسترنج خود تأمین معاش می‌نمایند.

در جامعهٔ ما یکی از نمودارهای ابعاد شخصیت هر فرد موفّق و خوب، تربیت اولاد صالح است؛ که سپاس خدای را ایشان ده فرزند صالح و شایسته (اعم از دختر و پسر) تربیت و تحویل جامعه کرده‌اند که همگی پاک و منزّه و باشخصیّت و باایمان و درس‌خوانده و خدمتگزار جامعه هستند.

و امّا دربارهٔ ایـــن کتاب:جناب کاظمی طبعی چون آب روان دارند؛ افســـوس که اجبار و بار زندگی و تلاش معاش، ایشان را از رستهٔ ســـخنوران به راستهٔ بازاریان و بازرگانان کشانده است. بنده معتقدم اگر درد اعاشه آزادشان می‌گذاشت، ایشـــان امروز، یکی از بهترین و نامدارترین سخن‌سرایان روزگار ما بودند.

آقای کاظمی هم شـــعر فارسی می‌گویند و هم شعر آذری. به حیدربابای استاد شهریار بند به بند پاسخ داده‌اند و چه پاسخ‌های شیرین و خواندنی و دلاویزی! شعرهای دیگر ترکی ایشان نیز از روانی و سادگی ویژه‌ای برخوردار است.

جناب کاظمی مانند بســـیاری از ما ایرانیان، عاشق لسان‌الغیب‌اند و این عشق، باعث آمده که ایشان ضمن اینکه بسیاری از غزلهای خواجهٔ شیراز را از بر کرده‌اند به‌تدریج به تضمین برخی از آنها دست بیازند.

اندکی پس از افتخار آشنایی در منزلِ آقایان الیاسی‌ها، مطلب را با بنده در میان گذاشتند. بنده قلباً با تضمین غزلهای حافظ موافق نیســـتم؛ زیرا عقیده دارم که غزلهای حافظ برخلاف غزلهای ساده و روان سعدی و دیگران، از چنان ویژگیهایی برخوردارند که تضمین آنها و افزودن سه یا چند مصراع جدید بر سر هر بیتی به صورتی که جوش بخورد



و پیوند بیابد، بسیار بسیار دشـــوار است و وقتی خواننده تضمین را می‌خواند ناخودآگاه یا خودآگاه در ذهن خویش به مقایسه می‌پردازد و درمی‌یابد که: این سخن تا آن سخن فرقیست‌ژرف.

امّا مگر می‌شود عاشق را از عشق و معشوق باز داشت! ایشـــان همچنان به تضمین غزلها ادامه داده‌اند و هم‌اکنون شمار آنها از ۲۵۰ گذشته است.

شـــاعر بزرگوار روی لطفی که به بنـــده دارند و با شکسته‌نفسی خاص خودشـــان از من خواستند سروده‌ها را بخوانم و در صـــورت امکان نظر بدهم. بنده هم امتثال امر کردم. همهٔ آنها را در مطالعه گرفتم و نظر استحسانی و استصوابی خود به عرض‌شان رساندم که پاره‌ای از آنها مورد عنایت و توجّه‌شان قرار گرفته است.

جناب کاظمی افزون بر خواجهٔ آسمانی، مانند بسیاری از هم‌میهنان خویش عشق و ارادت خاصی به مولای متّقیان دارند و معتقدند که خواجه، پاره‌ای از غزلهای خود را در شأن آن‌حضرت سروده است. برخی از آن غزلها را که تضمین نموده‌اند با افزایش سه مصراع که ستایش روشن و شفّافی از مولا فرموده‌اند، بسیاری از خوانندگان را نیز بسوی اعتقاد خویش کشـــانده‌اند! در مورد امام دوازدهم(عج) نیز چنین نظری دارند و به یکی دو تضمین دست زده‌اند.

اشعار جناب آقای کاظمی اعم از تضمین و قطعات مستقل، از سادگی و روانی خاصی برخوردار است. و افزون بر اصطلاحات و سخنان عاشقانه و عارفانه، از کلام خدا و احادیث و اخبار آرایه گرفته و اغلب بار اخلاقی و ارشادی دارنـــد که از روح پاک، دل صافی، علم و عمل، و خلوص نیّت ایشان نشأت گرفته‌اند.بنده با روحانیان فراوانی آشنایی و دوستی داشته‌ام؛ ولی بسیار کم دیده یا شنیده‌ام که یک نفر هم روحانی باشد، هم سواد کافی داشته باشد، هم وظایف روحانیّت را به خاطر خدا و بندگان خدا به وجه احسن انجام بدهد، هم شاعر و اهل ذوق باشد، و هم کاسب! که از دسترنج خویش نان‌بخورند. ایشان روحانی و شاعر دردآشنایی هستند که صمیمانه به یاری دردمندان و دل‌خستگان می‌شتابند.

در پایان عرایض برای این روحانی ربّانی، عالِم باعمل، شاعر ارجمند و توانا، انسان انساندوست و دردآشنا، در همهٔ شئون زندگی، نشاط و عزّت و تندرستی، در پهنهٔ ایمان و اجتماع، توفیق خدمت به دین خدا و خلق خدا، و در عرصهٔ شعر و ادب، درخشش و پیروزی روزافزون آرزو دارم.

مهر ماه ۱۳۷۸

داستان



نوشتن‌درباره کودکی

کتاب‌زندگی

آرش تبریزی

در کلاسی که معلمش آقای یزدانی بود، من درسی جز پدرم نداشتم و کتابی جز کتاب زندگی او در برابرم گشوده‌نبود.

در آن کلاس، از روزی که پدرم دیگر سرحال و روی پا نبود تا بالای سرم باشد و با کتک‌های هر چند وقت یکبارش کامم را لبریز کند، فکر و ذکری جز او نداشتم و تا آخرین روزی که پدرم در بستر بود و من شاگرد کلاس چهارم بودم، هرگز به درس و کتابی جز او نتوانستم توجه بیابم باید به موضوعی فکر می‌کردم که با زندگی من ارتباط مستقیم داشت. باید به چیزی می‌پرداختم که بر درس و کتاب و نمره مقدم بود، گیرم که آقای یزدانی نمی‌توانست این موضوع را بپذیر و گیرم تا آخرین روز مدرسه نیز پی نبرد که شاگرد ریزنقش و رنجور و ساکتی که درست روبرویش می‌نشیند، به چه فکر می‌کند و چرا نمی‌خندد.

فصل کتک‌خوری!

رقیه خانم! ناصر بالاخره قبول شد یا نشد؟

ـ راستش را بخواهید خودم هم نمی‌دانم.

وا مگر می‌شود؟ قبول شدن که دانستن و ندانستن ندارد. یعنی نمی‌دانی که پسرت باید برود کلاس پنجم یا کلاس چهارم را دوباره باید بخواند؟

ـ چرا می‌دانم. اینطور می‌دانم که قبول نشـــد. ولی چهارم هم نمی‌خواند، می‌رود کلاس پنجم!

زن همسایه که افتخار نداده بود سؤالش را از خودم بپرســـد و فکر کرده بود اگر از مادرم بپرسد بهتر است، ناچار می‌شود سؤالش را از خودم بپرسد. منصوره خانم، همسایه تی‌تیش‌مامانی و پر از فیس و افادهٔ مان رو کرد به خودم و گفت: ذلیل مرده، چرا هیچ یک از کارهای تو مثل همه مردم نیست؟

فهمیدم که از بابت شیشه‌ای که ۶ ماه قبل چند نفری شکسته بودیم، هنوز کینه در دل دارد ولی چون همه آن جمله یا از اساس قبول شده بودند یا مردود شده بودند و وضعشان را می‌دانست. فعلاً زورش به من می‌رسید و فقط می‌توانست مرا ذلیل مرده بداند. گفتم: ما که ذلیل مردهٔ خدایی هستیم. حالا مشکل شما کجای رد و قبولی من است! از نوع حرف زدنم خوشش نیامد. ابروهایش را بالا پایین کرد و گفت: نمی‌خواد ادای حرف زدن آدمای چیز فهم‌رو دربیاری. بهت نمی‌یاد. رک و پوست کنده بگو که قبول شدی یا رد شدی به سلامتی؛ با اینکه هم توان این را داشتم که بگویم به توچه و هم جرأت این حرف را داشتم، ترجیح دادم جواب سربالا ندهم. به همین جهت حرف مادرم را برایش تکرار کردم:

راستش قبول نشدم ولی چهارم هم نمی‌خونم و با اجازه‌تون می‌رم کلاس پنجم!

این حرف را به گونه‌ای ادا کردم که بهش برخورد. آنقدر مکدر شد که کم مانده بود فحش بدهد و فحاشی کند ولی خودش را نگه داشت. فقط در حالی که چادرش را روی سرش جابجا می‌کرد، گفت: زهر مار! فکر می‌کنم این تبریک گفتنش بود.

مادرم پرید وسط ناراحتی مهین خانم: ای بابا! مهین خانم! منم که همین‌رو گفتم... چی میگن!؟ یک چیزی میگن. با اون قبول شده، خیرسرش!

مهین خانم ـ زن همســـایه ـ گیج شد. صدایش رفت هوا: من که نمی‌فهمم شما مادر و فرزند چی دارین می‌گین!

مادرم کـــه در کارنامه‌اش مبهم حرف زدن و دروغ گفتن نداشت، گفت: وا، چرا! مگه ما چه‌جوری حرف می‌زنیم؟

زن همسایه گفت: بابا! توی این محل اقلاً ۲۰ تا توله سگ درس می‌خونن. اقلاً ۱۵ نفرشون هم رد شدن و باید دوباره کلاس سوم ـ چهارم بخونن! این عاره؟

شانه‌هایم را انداختم بالا و گفتم: نه! کی گفته؟

مهین خانم گفت: کره خر! اگه عار نیســـت، چرا می‌میری تا بگی که رد شدی؟

یک بار دیگر بی‌تربیت شد و مادرم گفت: ای بابا! مهین خانم شـــما چرا امروز همه‌اش از رد شدن حرف می‌زنین! خب بچه‌ام رد نشـــده! آدمی که رد نشده، باید بگه رد شدم؟

مهین خانم داشت کلافه می‌شد و جوش می‌آورد که پسرش بهرام به دادش رسید: مامان جون! از من بپرس تا بهت بگم.

مادرش نگاهی عاقل اندر ســـفیه به بچه لوسش انداخت تا ببیند چه می‌گوید. او هم در یک کلمه مطلب را خلاصه کرد: تبصره! مهین خانم، مانند کسی که اتم ترکانده باشد، جیغ زد: آها! شازده با تبصره قبول شده! خاک بر سرت کنم با این قبول شدنت. این که قبول شدن نیست. سالِ دیگه می‌خوای چی کار کنی؟



مادرم که عادت نداشت سر کوچه بیش از ۵دقیقه بایستد و با زنهایی مثل مهین خانم دهان به دهان بگذارد، دســـتم را گرفت و گفت: برویم. الانه که پدرت پیداش میشه! اینم تبریک گفتن خانومه.

*

تا قبل از اینکه با «تبصره» قبول شوم، از وجود چیزی به نام تبصره خبر نداشتم. نمی‌دانستم چه هست و چه نیست ولی خدا خیرش دهد که دیر درخشید اما خوش درخشید و مرا به کلاس پنجم رساند که آرزویم بود.

از قدیم آرزو داشـــتم به کلاس پنجم برسم. این موضوع علت داشت. علتش این بود که پیش خودم فکر می‌کردم هرکس به کلاس پنجم برسد، در واقع به آخر علم و ســـواد و دانایی رسیده است. از نظر من سال پنجم تحصیلی پایان تحصیلات بود و دیگر بعد از آن لازم نبود درسی خوانده شود. به همین جهت هم از چند سال قبل قصد داشتم به محض اینکه کار را به کلاس پنجم رساندم، درس را آرام ببوسم و بگذارم کنار اما چه بگویم که ناگفتنم بهتر است، چون نه خواندن پنجم راحت بود، نه پس از خواندنش قسمت شد که با درس الوداع کنم. در حقیقت وارد شدن به کلاس پنجم، مصیبتی بود کـــه باید از قبل آرزو می‌کردم گرفتارش نشوم. بلایی که کلاس پنجم بر سر من آورد، غیر قابل توصیف است. هیچ گرگی چنان بلایی را بر سر هیچ گاو و گوسفندی نیاورده که این کلاس بر سر من!

ورودم به پنجم با شادی و مسرّت همراه بود. بگی نگی احساس پز دادن و حس بزرگ شدن و اکابر شدن هم داشتم. روزی که درهای مدرسه باز شد و ریختیم توی حیاط مدرســـه و بعد مثل بچه‌های آدم ریختیم توی کلاس، کسی نمی‌دانست که من با لطف و عنایت تبصره به آن رتبه و مقام رسیده‌ام. البته زیاد طول نکشید که فهمیدم خیلی‌های دیگر مثل من به کمک تبصره بالا آمده‌اند.

ادامه دارد

گفتگو

گفتگو با زنده یاد ابوالحسن نجفی/۶

مجلهٔ «کتاب امروز»

کتاب‌هایی را به دانشـــگاه آزاد به افراد متخصص ســـفارش داده بود و قید کرده بود که حتماً باید بر اساس شـــیوه‌ای خاص تدریس در دانشگاه است نگاشته شوند، اما واقعیت این بود که بسیاری از آنها می‌بایست از نو نوشته شوند.

یادم هســـت یکی از همین کتاب‌ها را برای ویرایش به آقای احمد سمیعی دادند، و ایشان هم به شیوه خودش کتاب را از ابتدا تا انتها بازنویسی کرد. بعد مؤلف که استاد سرشناسی بود و اجازه می‌خواهم اسم او نیاورم، کتاب را دید و فریادش درآمد که این نوشته من نیست. پس از آن کتاب را به من سپردند و من دیدم آقای ســـمیعی حق داشته و چاره‌ای جز بازنویسی کتاب نیست، اما این بار با توجه به تجربه آقای سمیعی کوشیدم سبک و لحن نویسنده را حفظ کنم تا کمتر باعث رنجش و اعتراض او بشود.

در هر حال، ما در ســـازمان ویرایش مشغول همین‌گونه فعالیت‌ها بودیم که انقلاب شد و پس از انقلاب دانشگاه آزاد منحل شد و قراردادهای ما هم خود به خود به هم خورد!

*** اشـــاره کردید که قبل از انقـــلاب مدتی هم در دانشگاه تهران تدریس می‌کردید. کتـــاب مبانی زبان‌شناسی را همان سال‌ها نوشتید؟**

بله. چند ســـالی قبل از انقـــلاب، زمانی که دکتر هرمز میلانیان رئیس گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران بـــود، به دعـــوت او برای تدریس «شـــعر از دیدگاه زبان‌شناســـی» به دانشگاه تهران رفتم. همان سال‌ها هم کتاب مبانی زبان‌شناسی را طبق قراردادی برای دانشگاه آزاد نوشتم.

*** ارتبـــاط بین ســـازمان کتاب‌های جیبی و مؤسسهٔ فرانکلین چگونه بود؟ آن زمان‌ها شایع بود که تمام چپی‌ها با حقوق‌های بالا در فرانکلین کار می‌کنند: کریم کشاورز، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، غفور آلبا و خیلی‌های دیگر.**

خوب، عده‌ای را، یا به قول شـــما چپی‌ها را به علت ســـابقهٔ فعالیت‌های سیاسی‌شان از کار بیکار کرده بودند. طبیعی بود که این افراد پس از انفصال از خدمت دیگر نمی‌توانستند در دستگاه‌های دولتی شاغل شوند. شاید تنها جایی که این افراد در زمان شاه می‌توانستند در آنجا استخدام شوند و کار کنند همان مؤسســـهٔ فرانکلین بود. فرانکلین نه کاری به سابقهٔ سیاسی افراد داشت و نه مدرکی از آنها می‌خواست. در آنجا فقط سوادو تخصص و البته علاقه و انگیزه شرط کار بود.

جالب است که وقتی من وارد فرانکلین شدم، دیدم که اکثر افرادی که در آنجا جمع شـــده‌اند از اعضای سابق حزب توده بوده‌اند! خیلی از آنها حتی پس از انقلاب دوباره گرایش خود را نمایان کردند و به حزب توده یا احزاب چپی دیگر پیوستند. مثلاً من شاهد بودم که یکی از دوستانمان که قبل از انقلاب از مظالم شوروی و سخت‌گیرها و استبداد آن کشور سخن می‌گفت، بعد از انقلاب و با ظاهر شدن مجدد سر و کلهٔ حزب توده، باز به سوی آن حزب رفت و در دفاع از حزب امضا جمع کرد! خاطرم هست یک بار آقای حسین معصومی، که او هم مثل من در کمال تعجب شاهد رفتارهای این دوستمان بود، در جمعی گفت: «فلانی مارکسیسمش عود کرده!» و واقعاً هم عود کرده بود، چون قبلش درمان شده بود.

اما اجازه بدهید به سئوال شما دربارهٔ کتاب‌های جیبی هم پاســـخ بدهم. مؤسسهٔ فرانکلین محلی را تأسیس کرد به اســـم «انتشارات کتاب‌های جیبی». سازمان کتاب‌های جیبی برای خودش فروشگاه‌ها و دفاتری داشت که به نظر مستقل از فرانکلین می‌آمد و هدف آن انتشـــار کتاب‌های ارزان‌قیمت با کاغذ کاهی بود. ایدهٔ این کار متعلق به رئیس نخســـتین فرانکلین، یعنی همایـــون صنعتی‌زاده بود که اصولاً انسان خوش‌فکر و مبتکری است.

صنعتی‌زاده در آن زمـــان آمار گرفته بودکه در ایران حدود ۴۸۰۰۰ روستا با بیش از بیست خانوار وجود دارد. او استدلال می‌کرد که اگر در هر روستا به دنبال تبلیغات ما، فقط یک نسخه از هر کتاب به فروش برسد، می‌توان تیراژ کتاب را به ۵۰۰۰۰ رساند. البته این محاسبه در عمل درست از آب در نیامد، اما او توانست بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ کتاب‌های جیبی را با قیمت کم و تیراژ نسبتاً بالا چاپ کند. مسئله اینجاست که کتاب‌ها فروش می‌رفت و چرخ انتشـــارات جیبی عملاً می‌گشت.

*** شـــما در انتشـــار مجلهٔ کتاب امروز هم نقش عمده‌ای داشتید. ممکن است در این باره هم توضیحاتی بدهید؟**

بله. در سال ۱۳۵۰ یک روز نجـــف دریابندری به من پیشنهاد کرد که با کمک دوستان دیگری چون کریم امامـــی و جهانگیر افکاری مجله‌ای منتشـــر کنیم که هر شمارهٔ آن به مصاحبه با یک اهل قلم اختصاص داشـــته باشد. ایدهٔ این کار متعلق به دریابندری بود و هیئت تحریریهٔ مجله نیز عبارت بودند از خود دریابندری و من و جهانگیر افکاری و احمد ســـمیعی و کریم امامی. از آنجا که من پروندهٔ سیاسی در ساواک نداشتم و دارای مدرک دانشگاهی هم بودم، قرار شد امتیاز مجله به نام من گرفته شود. ولی به هر حال این کار به دلایلی عملی نشد. این مجله در هشت شماره منتشر شد و ما در آن با افرادی چون محمد قاضی و حمید عنایت و مجتبی مینوی و دکتر بهزاد و پروین گنابادی و دیگران مصاحبه کردیم. من در شمارهٔ اول این مجله مطلب مفصلی دربارهٔ خشم و هیاهوی فاکنر نوشتم و ترجمهٔ بهمن شعله‌ور از این کتاب را هم نقد کردم. همچنین مقالهٔ معروف سارتر دربارهٔ خشم و هیاهو را نیز ترجمه کردم که در همان شماره چاپ شد. یادم هست در شمارهٔ ششم یا هفتم مجله دریابندری به من گفت که این مجموعه یادگاری خواهد بود از ایامی که ما با هم همکاری می‌کردیم. من از این حرف هم خوشحال شدم و هم ناراحت. ناراحت شدم چون بوی تعطیلی می‌داد، و اتفاقاً یک شـــماره بعد مجله تعطیل شد!

*** اگر اشـــتباه نکنم، دکتر حداد عادل هم در یکی از مصاحبه‌ها شرکت داشت.**

بله، در مصاحبه با دکتر بهزاد. آن زمان هنوز دکتر حداد وارد رشـــتهٔ فلسفه نشده بود و ما ایشان را به عنوان کارشناس ارشد فیزیک می‌شناختیم. البته این را هم می‌دانســـتیم که علاقهٔ زیادی به واژه‌گزینی و معادل‌یابی برای اصطلاحات تخصصی دارد.

ادامه دارد

نگاهی به زندگی و شعر آیت‌الله کاظمی‌اردبیلی

عالِم شاعر

ادامه از صفحه اول

برخاستن از تباری دیندار و دین‌باور و پیوستن به جرگهٔ طلاب علوم دینی و تحصیل جدّی در حوزه علمیه (آغاز در حوزهٔ علمیه اردبیل پیش از دههٔ ۳۰ و تداوم در حوزهٔ علمیه قم از دههٔ ۳۰ به بعد) و آنگاه حشر و نشر با استوانه‌های علم و فضیلت نیم قرن گذشته و مهمتر از آن، اصرار بر مشی طلبگی و اصراری بیشتر از آن برای تبلیغ بی‌اجر و مزد دین خدا در جمع بندگان خدا و اکتفا به معیشتِ مستقل و امرار معاش با تلاش و زحمتکشی شخصی و نپذیرفتن درهم و دیناری از طریق منبر و تبلیغ و تعلیم، و آنگاه قدم زَدن در واحه و وادی سنت‌های فکری و نظری اسلام، از فقه و اصول بگیرید تا شعر و شعور دینی و اسلامی، همه و همه، نمونه‌ها و نشانه‌هایی است از زندگی متعالی دانشوری دل‌آگاه و جان‌سوخته که سلامت نفسش راه او را از موقف‌های پرطمطراق و مقام‌های چشمگیر به شهر درون و خانه دل و دلِ خانه کشانده است و عشقش به پاک‌زیستی و وارسته‌مردی، او را به جای شهرت‌طلبی و مقام‌گستری و بلندآوازگی، به آرام و سنگین و هشیار نشستن در کلبه و خانه و گوشهٔ انزوای خودخواسته‌ای رهنمون شده است که انصاف را نمونه دوّم و سومش را در این روزگار کمتر می‌یابیم.

آیت‌الله شیخ علی کاظمی، از روزی که با خواست و اصرار پدر وارد عرصهٔ طلبگی شده، تا امروز که شمع عمر خویش را در نورانیت این مسیر به کار بسته است، چونان سربازی مخلص و واقعی به نگهبانی از میراث تاریخ تشیع و فرهنگ و معنویت اصیل اسلام نشسته است. هیچ‌یک از زمینه‌های شهرت‌آفرین و اشتهارساز، او را به ساحت خودخواهی و خودگویی نکشانده است، همچنان که هیچ‌یک از حضورهایش در جایگاههای ارتقاءبخش، موجب نشده است که زیّ و مشی خودش را به کناری نهد و در منصب و مقام و عنوان و جایگاه و پایگاهی دیگر حضور به هم رساند و از خود فاصله بگیرد. در اینجا سخن بر سر تنقید از دیگران و صاحبان مقام و عنوان و شهرت نیست. همچنانکه سخن بر سر نفی و انکار صاحبان نام و اعتبار و آوازه نیز نیست.

سخن، پیرامون روایت شیوه و سلوک شاعری بزرگ و به عبارت بهتر: عالِم شاعری عزیز و شریف است که کسی به مخالفت با اوَ نخاسته و احدی انتقاد از او را فریضه خویش نشمرده است. در مقابل، شاهد ستایشگرانی هستیم که شیوه زندگی و سبکِ روحانیت و نوعیتِ کار و تبلیغ و پاک‌زیستی‌اش را بسی ارجمند و ارزشمند و قابل تحسین ذکر می‌کنند. همین او را بس که اگر چیزی از عدم و حضور در متن و میانه‌های زندگی ظاهری به دست نیاورده، باطن پرفضیلت خود را از دست نداده است و این روشن‌ترین گواه و شاهد ماست بر حقیقتِ برخاستنش از بطن و متن سنّت. این سنّت، سنّت خلوصِ است و سلامت نفس. سنّت ایمان است و عملِ صالح. سنّت انسانمردی است و درون‌مداری و درنهایت سنّت مراقبت از خود و پرورش جان خود.

شاید، این اولین بار و اولین جایی باشد که به صورت رسمی از تحصیلات فقهی، اصولی، کلامی و تا حدودی فلسفی یکی از دانشوران حوزهٔ علمیه قم سخن به میان می‌آید، در حالی که او به قاعده و به رسم و احوال روزگار، پیش از این، اگر نه هزار بار که صد بار و اگر نه صد بار، بارها می‌توانست بگوید: در محضر بزرگانی چون آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی ـ آن پاکباختهٔ روزگار در تهذیب نفس و تکمیل اخلاق ـ، آیت‌الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، آیت‌الله شیخ ابوالفضل قمی و امثال آنان درس آموخته و بهره‌ها اندوخته است.

بی‌گمان بهره‌مندی از درس فقه و اصول بی‌نظیر و بی‌مانند آیت‌الله العظمی سیدحسین بروجردی طباطبایی و حضور ده ساله در دروس ارزشمند حضرت امام خمینی، دارای آن حد عظیم از افتخار و استناد هست که هر حاضر شده‌ای در آن دروس به خود ببالد و حضورش در آن درس‌ها و بحث‌ها و مجلس‌ها و محفل‌ها را بر زبان بیاورد و بیان کند؛ ولی آیت‌الله کاظمی چنین دأبی نداشته و با وجود حضور در کانونهای مذهبی، از نوع مسجد و حسینیه و با وجود امامت جماعت و ارشاد مؤمنین، هرگز دربارهٔ خود لب به سخن نگشوده و کلامی بر قلم جاری نساخته است.

همین موضوع، سرّ عشق و علاقهٔ خالصانه مردان بزرگی چون مرحوم دکتر حسن احمدی گیوی به این بزرگوار بوده و هست. و اگر نبود که نقل آنچه از دکتر گیوی درباره حضرتش شنیده‌ایم، موجب اطاله کلام و مفصل‌تر شدن این مقدمه می‌گردد، در نقل آن مطالب کوتاهی نمی‌کردیم، تا دوستداران طریق صحیح علم و دین و دیانت و روحانیت بدانند که یک دانشور وارسته، تا چه حدّ می‌تواند در جامعه حضور داشته باشد، بی‌آنکه شأن و شئونی برای خود قائل باشد؛ و یک سخنگوی دانا و خطیب توانا، تا چه حدّ می‌تواند خوب سخن بگوید، اما همواره از دیگران بگوید، بی‌آنکه سخنی از خود بر زبان بیاورد. کوتاه سخن اینکه: استاد ادب و آداب و شاعر خوش‌قریحه، آیت‌الله کاظمی، مردی است از این لون و تبار، و آیتی است از این جنس و سنخ.

انتشارات اطلاعات این افتخار را یافته است که مجموعهٔ اشعار و سروده‌های عالمی عامل و شاعری وارسته و حقیقت‌باور را در قالب دیوان شعر به انتشار برساند. با این امید که خداوند متعال وجود نافع این مرد مخلص را سالیان سال در جامعهٔ اهل علم و ادب و هنر و تلاش و وارستگی و استغنا و خوداتّکایی به عنوان نمونه و اُسوه‌ای شایستهٔ اقتدا حفظ کند.

خانوادهٔ استاد از همکاری و همراهی دریغ ننمودند و این مجموعهٔ فاخر را به خوانندگان فارسی‌زبان و دوستداران زبان و ادب فارسی تقدیم کردند که شکل تحقق‌یافتهٔ آرزویی است که سالها پیشتر باید عملی می‌شد و چشم و دل دوستداران فضیلت و آگاهی را روشن می‌کرد؛ ولی خوشحالیم که این اتفاق در این برهه از زمان روی می‌دهد. برای شادمانی و آرامش روح زنده‌یاد دکتر احمدی گیوی هم از درگاه خداوند متعال طلب اجر و مغفرت و رحمت می‌کنیم که با نگارش مقدمه‌ای عالمانه گام اول این مسیر را برداشت، هرچند اندوهگینانه باید اقرار کنیم که عمر استاد کفاف نداد تا پس از ۱۰ سال که از آیت‌الله کاظمی با عنوان «شاعری دردآشنا» سخن به میان می‌آورد، این دیوان را ببیند و شادمانی خویش را از چاپ شدن این مجموعه ابراز بدارد.

کریم فیضی



شاعر دردآشنا

به قلم: دکتر حسن احمدی گیوی

سی و نُه سال پیش (سال ۱۳۳۹) که در تابستان به زادگاه عزیزم، گیوی و خلخال رفتم، شنیدم روحانی و واعظی جوان و گرانمایه در ماه مبارک رمضان در خلخال (هروآباد) به منبر رفته‌اند و منبرشان سخت مورد استقبال و استفاضهٔ همشهریان گرامی‌ام قرار گرفته است. در پایانِ کار، مبلغ ده هزار تومان (به پول آن روز) در پاکتی تقدیم کرده‌اند، ولی ایشان از پذیرش آن خودداری ورزیده‌اند. آقایان گفته‌اند: اگر کم است، اضافه کنیم. ایشان گفته‌اند: سخن در اندک و بسیار نیست! من هرگز برای تبلیغ دینی پول نمی‌گیرم و تاکنون از این کسوت، دیناری بهرهٔ مادی نبرده‌ام!

موضوع مانند بمب در خلخال صدا کرده بود. چون برخی از آقایان در میزان «وعظ‌مزد» چانه می‌زدند!

سالها گذشت و نام آن واعظ محترم و حتّی خود موضوع هم به قسمت تاریک ذهن رفت و غبار فراموشی بر آن نشست. پس از سی سال در سال ۱۳۶۹ مادر پاکدامن دوستان و برادران عزیزم آقایان الیاسی‌ها (دکتر سیدجواد، دکتر سیدهدایت، آقا سیدقوام، آقا سید مصطفی الیاسی) به جوار رحمت حق شتافت. ـ انسانهای نیک، زندگی و مرگشان مایهٔ خیر و برکت است ـ در مجلس ترحیم خانگی آن سیّدهٔ گرامی، روحانیی را دیدم. پس از صحبت و آشنایی معلوم شد نام گرامی‌شان حاجی شیخ علی کاظمی است و خودشان همان واعظ و روحانی عزیز که دل از همشهریان بنده ربوده بودند و از کسوت مقدّس خویش نه سوءاستفاده، که استفاده هم نکرده‌اند و نمی‌کنند. افزون بر آن، شاعر هم هستند و شعر خوب می‌گویند. از دیدارشان خوشوقت شدم و از همان روز، پیوند روحی و دوستی میان ما برگزار شد و رفت و آمد خانوادگی برقرار. در خلال این چند سال بنده بارها و بارها در خدمت ایشان بوده‌ام و جز نیکی و عاطفه و فروتنی و بزرگواری و کمک به نیازمندان و درماندگان و نیز سرودن شعر از ایشان ندیده‌ام.

جناب کاظمی در سال ۱۳۱۴ در شهر اردبیل چشم به جهان گشوده و از شش سالگی تا ۱۴ سالگی در اردبیل اقامت داشته‌اند و قرآن و قسمتی از صرف و نحو و ادبیّات عربی را در زادگاه خویش فرا گرفته‌اند. علاقه و ذوق شایان و فراوان به تحصیلات جدید داشته‌اند؛ ولی پدر گرامی‌شان که در کسوت روحانیت نبوده‌اند رضایت نداده به تحصیل حوزوی تشویق و وادارشان کرده‌اند.

در سال ۱۳۳۰ به قم عزیمت کرده و ده سال (تا سال ۱۳۴۰) در آن شهر به تکمیل علوم حوزه اشتغال جسته‌اند و بنا به اظهارات آشنایان و هم‌تحصیلان‌شان تحصیلات بسیار موفّقی داشته و خوش درخشیده‌اند. در سال ۱۳۴۰ به اردبیل مراجعت نموده ضمن انجام وظیفهٔ روحانیت (از قبیل اقامهٔ نماز جماعت، تشکیل مجالس مذهبی، بحث و تدریس علوم حوزوی، نظارت بر ادارهٔ دبستان و دبیرستان جعفری اسلامی و...) جهت تأمین معاش به احداث کارگاه قالی‌بافی و نیز دامداری همّت گماشته‌اند و با کدّ یمین و عرق جبین بر حدیث شریف نبوی (اَطْیَبُ ما اَکَلَ الرَّجُلُ مِنْ کَدِّ یَدِه) عمل کرده و برای کار و فعالیت و تبلیغ دینی دیناری از کَسی یا جایی نگرفته‌اند.

جناب آقای کاظمی به اقتضای مسائل خانوادگی در شهریور سال ۱۳۴۵ به تهران کوچ فرموده و با اقامهٔ نماز جماعت در یکی از مسجدهای حسّاس شهر و انجام همهٔ وظایف و خدمات یک روحانی مسئول، کوشا، فعّال و دردمند باز طبق وصیّت پدر و سیرهٔ خویش دیناری نه از دولت و نه از ملّت نگرفته‌اند و نمی‌گیرند و حتی برابر اظهارات یکی از بستگان نگارنده ـ که از مأمومان مسجد ایشان هستند ـ در مسجد، بیشتر از نمازگزاران متموّل و سرمایه‌دار به مستحقان و نیازمندان کمک می‌کنند. ایشان در بازار کفّاشان تهران به فروش لوازم ریز خانگی اشتغال دارند و بدین ترتیب همچون گذشته از دسترنج خود تأمین معاش می‌نمایند.

در جامعهٔ ما یکی از نمودارهای ابعاد شخصیت هر فرد موفّق و خوب، تربیت اولاد صالح است؛ که سپاس خدای را ایشان ده فرزند صالح و شایسته (اعم از دختر و پسر) تربیت و تحویل جامعه کرده‌اند که همگی پاک و منزّه و باشخصیّت و باایمان و درس‌خوانده و خدمتگزار جامعه هستند.

و امّا دربارهٔ این کتاب: جناب کاظمی طبعی چون آب روان دارند؛ افسوس که اجبار و بار زندگی و تلاش معاش، ایشان را از رستهٔ سخنوران به راستهٔ بازاریان و بازرگانان کشانده است. بنده معتقدم اگر درد اعاشه آزادشان می‌گذاشت، ایشان امروز، یکی از بهترین و نامدارترین سخن‌سرایان روزگار ما بودند.

آقای کاظمی هم شعر فارسی می‌گویند و هم شعر آذری. به حیدربابای استاد شهریار بند به بند پاسخ داده‌اند و چه پاسخ‌های شیرین و خواندنی و دلاویزی! شعرهای دیگر ترکی ایشان نیز از روانی و سادگی ویژه‌ای برخوردار است.

جناب کاظمی مانند بسیاری از ما ایرانیان، عاشق لسان‌الغیب‌اند و این عشق، باعث آمده که ایشان ضمن اینکه بسیاری از غزلهای خواجهٔ شیراز را از بر کرده‌اند به‌تدریج به تضمین برخی از آنها دست بیازند.

اندکی پس از افتخار آشنایی در منزلِ آقایان الیاسی‌ها، مطلب را با بنده در میان گذاشتند. بنده قلباً با تضمین غزلهای حافظ موافق نیستم؛ زیرا عقیده دارم که غزلهای حافظ برخلاف غزلهای ساده و روان سعدی و دیگران، از چنان ویژگیهایی برخوردارند که تضمین آنها و افزودن سه یا چند مصراع جدید بر سر هر بیتی به صورتی که جوش بخورد



و پیوند بیابد، بسیار بسیار دشوار است و وقتی خواننده تضمین را می‌خواند ناخودآگاه یا خودآگاه در ذهن خویش به مقایسه می‌پردازد و درمی‌یابد که: این سخن تا آن سخن فرقیست ژرف.

امّا مگر می‌شود عاشق را از عشق و معشوق باز داشت! ایشان همچنان به تضمین غزلها ادامه داده‌اند و هم‌اکنون شمار آنها از ۲۵۰ گذشته است.

شاعر بزرگوار روی لطفی که به بنده دارند و با شکسته‌نفسی خاص خودشان از من خواستند سروده‌ها را بخوانم و در صورت امکان نظر بدهم. بنده هم امتثال امر کردم. همهٔ آنها را در مطالعه گرفتم و نظر استحسانی و استصوابی خود به عرض‌شان رساندم که پاره‌ای از آنها مورد عنایت و توجّه‌شان قرار گرفته است.

جناب کاظمی افزون بر خواجهٔ آسمانی، مانند بسیاری از هم‌میهنان خویش عشق و ارادت خاصی به مولای متّقیان دارند و معتقدند که خواجه، پاره‌ای از غزلهای خود را در شأن آن‌حضرت سروده است. برخی از آن غزلها را که تضمین نموده‌اند با افزایش سه مصراع که ستایش روشن و شفّافی از مولا فرموده‌اند، بسیاری از خوانندگان را نیز بسوی اعتقاد خویش کشانده‌اند! در مورد امام دوازدهم (عج) نیز چنین نظری دارند و به یکی دو تضمین دست زده‌اند.

اشعار جناب آقای کاظمی اعم از تضمین و قطعات مستقل، از سادگی و روانی خاصی برخوردار است. و افزون بر اصطلاحات و سخنان عاشقانه و عارفانه، از کلام خدا و احادیث و اخبار آرایه گرفته و اغلب بار اخلاقی و ارشادی دارند که از روح پاک، دل صافی، علم و عمل، و خلوص نیّت ایشان نشأت گرفته‌اند. بنده با روحانیان فراوانی آشنایی و دوستی داشته‌ام؛ ولی بسیار کم دیده یا شنیده‌ام که یک نفر هم روحانی باشد، هم سواد کافی داشته باشد، هم وظایف روحانیّت را به خاطر خدا و بندگان خدا به وجه احسن انجام بدهد، هم شاعر و اهل ذوق باشد، و هم کاسب! که از دسترنج خویش نان بخورند. ایشان روحانی و شاعر دردآشنایی هستند که صمیمانه به یاری دردمندان و دل‌خستگان می‌شتابند.

در پایان عرایض برای این روحانی ربّانی، عالم باعمل، شاعر ارجمند و توانا، انسان انساندوست و دردآشنا، در همهٔ شئون زندگی، نشاط و عزّت و تندرستی، در پهنهٔ ایمان و اجتماع، توفیق خدمت به دین خدا و خلق خدا، و در عرصهٔ شعر و ادب، درخشش و پیروزی روزافزون آرزو دارم.

مهر ماه ۱۳۷۸

گفتگو

گفتگو با زنده یاد ابوالحسن نجفی/۶

مجلهٔ «کتاب امروز»

کتاب‌هایی را دانشگاه آزاد به افراد متخصص سفارش داده بود و قید کرده بود که حتماً باید بر اساس شیوه‌ای خاص تدریس در دانشگاه است نگاشته شوند، اما واقعیت این بود که بسیاری از آنها می‌بایست از نو نوشته شوند.

یادم هست یکی از همین کتاب‌ها را برای ویرایش به آقای احمد سمیعی دادند، و ایشان هم به شیوه خودش کتاب را از ابتدا تا انتها بازنویسی کرد. بعد مؤلف که استاد سرشناسی بود و اجازه می‌خواهم اسم او نیاروم، کتاب را دید و فریادش درآمد که این نوشته من نیست. پس از آن کتاب را به من سپردند و من دیدم آقای سمیعی حق داشته و چاره‌ای جز بازنویسی کتاب نیست، اما این بار با توجه به تجربه آقای سمیعی کوشیدم سبک و لحن نویسنده را حفظ کنم تا کمتر باعث رنجش و اعتراض او بشود.

در هر حال، ما در سازمان ویرایش مشغول همین‌گونه فعالیت‌ها بودیم که انقلاب شد و پس از انقلاب دانشگاه آزاد منحل شد و قراردادهای ما هم خود به خود به هم خورد!

*** اشاره کردید که قبل از انقلاب مدتی هم در دانشگاه تهران تدریس می‌کردید. کتاب مبانی زبان‌شناسی را همان سال‌ها نوشتید؟**

بله. چند سالی قبل از انقلاب، زمانی که دکتر هرمز میلانیان رئیس گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران بود، به دعوت او برای تدریس «شعر از دیدگاه زبان‌شناسی» به دانشگاه تهران رفتم. همان سال‌ها هم کتاب مبانی زبان‌شناسی را طبق قراردادی برای دانشگاه آزاد نوشتم.

*** ارتباط بین سازمان کتاب‌های جیبی و مؤسسهٔ فرانکلین چگونه بود؟ آن زمان‌ها شایع بود که تمام چپی‌ها با حقوق‌های بالا در فرانکلین کار می‌کنند: کریم کشاورز، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، غفور آلبا و خیلی‌های دیگر.**

خوب، عده‌ای را، یا به قول شما چپی‌ها را به علت سابقهٔ فعالیت‌های سیاسی‌شان از کار بیکار کرده بودند. طبیعی بود که این افراد پس از انفصال از خدمت دیگر نمی‌توانستند در دستگاه‌های دولتی شاغل شوند. شاید تنها جایی که این افراد در زمان شاه می‌توانستند در آنجا استخدام شوند و کار کنند همان مؤسسهٔ فرانکلین بود. فرانکلین نه کاری به سابقهٔ سیاسی افراد داشت و نه مدرکی از آنها می‌خواست. در آنجا فقط سوادو تخصص و البته علاقه و انگیزه شرط کار بود.

جالب است که وقتی من وارد فرانکلین شدم، دیدم که اکثر افرادی که در آنجا جمع شده‌اند از اعضای سابق حزب توده بوده‌اند! خیلی از آنها حتی پس از انقلاب دوباره گرایش خود را نمایان کردند و به حزب توده یا احزاب چپی دیگر پیوستند. مثلاً من شاهد بودم که یکی از دوستانمان که قبل از انقلاب از مظالم شوروی و سخت‌گیرها و استبداد آن کشور سخن می‌گفت، بعد از انقلاب و با ظاهر شدن مجدد سر و کلهٔ حزب توده، باز به سوی آن حزب رفت و در دفاع از حزب امضا جمع کرد! خاطرم هست یک بار آقای حسین معصومی، که او هم مثل من در کمال تعجب شاهد رفتارهای این دوستمان بود، در جمعی گفت: «فلانی مارکسیسمش عود کرده!» و واقعاً هم عود کرده بود، چون قبلش درمان شده بود.

اما اجازه بدهید به سئوال شما دربارهٔ کتاب‌های جیبی هم پاسخ بدهم. مؤسسهٔ فرانکلین محلی را تأسیس کرد به اسم «انتشارات کتاب‌های جیبی». سازمان کتاب‌های جیبی برای خودش فروشگاه‌ها و دفاتری داشت که به نظر مستقل از فرانکلین می‌آمد و هدف آن انتشار کتاب‌های ارزان‌قیمت با کاغذ کاهی بود. ایدهٔ این کار متعلق به رئیس نخستینِ فرانکلین، یعنی همایون صنعتی‌زاده بود که اصولاً انسان خوش‌فکر و مبتکری است.

صنعتی‌زاده در آن زمان آمار گرفته بودکه در ایران حدود ۴۸۰۰۰ روستا با بیش از بیست خانوار وجود دارد. او استدلال می‌کرد که اگر در هر روستا به دنبال تبلیغات ما، فقط یک نسخه از هر کتاب به فروش برسد، می‌توان تیراژ کتاب را به ۵۰۰۰۰ رساند. البته این محاسبه در عمل درست از آب در نیامد، اما او توانست بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ کتاب‌های جیبی را با قیمت کم و تیراژ نسبتاً بالا چاپ کند. مسئله اینجاست که کتاب‌ها فروش می‌رفت و چرخِ انتشارات جیبی عملاً می‌گشت.

*** شما در انتشار مجلهٔ کتاب امروز هم نقش عمده‌ای داشتید. ممکن است در این باره هم توضیحاتی بدهید؟**

بله. در سال ۱۳۵۰ یک روز نجف دریابندری به من پیشنهاد کرد که با کمک دوستان دیگری چون کریم امامی و جهانگیر افکاری مجله‌ای منتشر کنیم که هر شمارهٔ آن به مصاحبه با یک اهل قلم اختصاص داشته باشد. ایدهٔ این کار متعلق به دریابندری بود و هیئت تحریریهٔ مجله نیز عبارت بودند از خود دریابندری و من و جهانگیر افکاری و احمد سمیعی و کریم امامی. از آنجا که من پروندهٔ سیاسی در ساواک نداشتم و دارای مدرک دانشگاهی هم بودم، قرار شد امتیاز مجله به نام من گرفته شود. ولی به هر حال این کار به دلایلی عملی نشد. این مجله در هشت شماره منتشر شد و ما در آن با افرادی چون محمد قاضی و حمید عنایت و مجتبی مینوی و دکتر بهزاد و پروین گنابادی و دیگران مصاحبه کردیم. من در شمارهٔ اول این مجله مطلب مفصلی دربارهٔ خشم و هیاهوی فاکنر نوشتم و ترجمهٔ بهمن شعله‌ور از این کتاب را هم نقد کردم. همچنین مقالهٔ معروف سارتر دربارهٔ خشم و هیاهو را نیز ترجمه کردم که در همان شماره چاپ شد. یادم هست در شمارهٔ ششم یا هفتم مجله دریابندری به من گفت که این مجموعه یادگاری خواهد بود از ایامی که ما با هم همکاری می‌کردیم. من از این حرف هم خوشحال شدم و هم ناراحت. ناراحت شدم چون بوی تعطیلی می‌داد، و اتفاقاً یک شماره بعد مجله تعطیل شد!

*** اگر اشتباه نکنم، دکتر حداد عادل هم در یکی از مصاحبه‌ها شرکت داشت.**

بله، در مصاحبه با دکتر بهزاد. آن زمان هنوز دکتر حداد وارد رشتهٔ فلسفه نشده بود و ما ایشان را به عنوان کارشناس ارشد فیزیک می‌شناختیم. البته این را هم می‌دانستیم که علاقهٔ زیادی به واژه‌گزینی و معادل‌یابی برای اصطلاحات تخصصی دارد.

ادامه دارد

داستان



نوشتن درباره کودکی

کتاب زندگی

آرش تبریزی

در کلاسی که معلمش آقای یزدانی بود، من درسی جز پدرم نداشتم و کتابی جز کتاب زندگی او در برابرم گشوده نبود.

در آن کلاس، از روزی که پدرم دیگر سرحال و روی پا نبود تا بالای سرم باشد و با کتک‌های هر چند وقت یکبارش کامم را لبریز کند، فکر و ذکری جز او نداشتم و تا آخرین روزی که پدرم در بستر بود و من شاگرد کلاس چهارم بودم، هرگز به درس و کتابی جز او نتوانستم توجه بیابم. باید به موضوعی فکر می‌کردم که با زندگی من ارتباط مستقیم داشت. باید به چیزی می‌پرداختم که بر درس و کتاب و نمره مقدم بود، گیرم که آقای یزدانی نمی‌توانست این موضوع را بپذیر و گیرم تا آخرین روز مدرسه نیز پی نبرد که شاگرد ریزنقش و رنجور و ساکتی که درست روبرویش می‌نشیند، به چه فکر می‌کند و چرا نمی‌خندد.

فصل کتک‌خوری!

رقیه خانم! ناصر بالاخره قبول شد یا نشد؟

ـ راستش را بخواهید خودم هم نمی‌دانم.

وا مگر می‌شود؟ قبول شدن که دانستن و ندانستن ندارد. یعنی نمی‌دانی که پسرت باید برود کلاس پنجم یا کلاس چهارم را دوباره باید بخواند؟

ـ چرا می‌دانم. اینطور می‌دانم که قبول نشد. ولی چهارم هم نمی‌خواند، می‌رود کلاس پنجم!

زن همسایه که افتخار نداده بود سؤالش را از خودم بپرسد و فکر کرده بود اگر از مادرم بپرسد بهتر است، ناچار می‌شود سؤالش را از خودم بپرسد. منصوره خانم، همسایه تی‌تیش‌مانانی و پر از فیس و افادهٔ مان رو کرد به خودم و گفت: ذلیل مرده، چرا هیچ یک از کارهای تو مثل همه مردم نیست؟

فهمیدم که از بابت شیشه‌ای که ۶ ماه قبل چند نفری شکسته بودیم، هنوز کینه در دل دارد ولی چون همه آن جمله یا از اساس قبول شده بودند یا مردود شده بودند و وضعشان را می‌دانست. فعلاً زورش به من می‌رسید و فقط می‌توانست مرا ذلیل مرده بداند. گفتم: ما که ذلیل مردهٔ خدایی هستیم. حالا مشکل شما کجای رد و قبولی من است! از نوع حرف زدنم خوشش نیامد. ابروهایش را بالا پایین کرد و گفت: نمی‌خواد ادای حرف زدن آدمای چیز فهم‌رو دربیاری. بهت نمی‌یاد. رک و پوست کنده بگو که قبول شدی یا رد شدی به سلامتی؛ با اینکه هم توان این را داشتم که بگویم به توچه و هم جرأت این حرف را داشتم، ترجیح دادم جواب سربالا ندهم. به همین جهت حرف مادرم را برایش تکرار کردم:

راستش قبول نشدم ولی چهارم هم نمی‌خونم و با اجازه‌تون می‌رم کلاس پنجم!

این حرف را به گونه‌ای ادا کردم که بهش برخورد. آنقدر مکدر شد که کم مانده بود فحش بدهد و فحاشی کند ولی خودش را نگه داشت. فقط در حالی که چادرش را روی سرش جابجا می‌کرد، گفت: زهر مار! فکر می‌کنم این تبریک گفتنش بود.

مادرم پرید وسط ناراحتی مهین خانم: ای بابا! مهین خانم! منم که همین‌رو گفتم... چی میگن!؟ یک چیزی میگن. با اون قبول شده، خیرسرش!

مهین خانم ـ زن همسایه ـ گیج شد. صدایش رفت هوا: من که نمی‌فهمم شما مادر و فرزند چی دارین می‌گین!

مادرم که در کارنامه‌اش مبهم حرف زدن و دروغ گفتن نداشت، گفت: وا، چرا! مگه ما چه‌جوری حرف می‌زنیم؟

زن همسایه گفت: بابا! توی این محل اقلاً ۲۰ تا توله سگ درس می‌خونن. اقلاً ۱۵ نفرشون هم رد شدن و باید دوباره کلاس سوم ـ چهارم بخونن! این عاره؟

شانه‌هایم را انداختم بالا و گفتم: نه! کی گفته؟

مهین خانم گفت: کره خر! اگه عار نیست، چرا می‌میری تا بگی که رد شدی؟

یک بار دیگر بی‌تربیت شد و مادرم گفت: ای بابا! مهین خانم شما چرا امروز همه‌اش از رد شدن حرف می‌زنین! خب بچه‌ام رد نشده! آدمی که رد نشده، باید بگه رد شدم؟

مهین خانم داشت کلافه می‌شد و جوش می‌آورد که پسرش بهرام به دادش رسید: مامان جون! از من بپرس تا بهت بگم.

مادرش نگاهی عاقل اندر سفیه به بچه لوسش انداخت تا ببیند چه می‌گوید. او هم در یک کلمه مطلب را خلاصه کرد: تبصره! مهین خانم، مانند کسی که اتم ترکانده باشد، جیغ زد: آها! شازده با تبصره قبول شده! خاک بر



سرت کنم با این قبول شدنت. این که قبول شدن نیست. سالِ دیگه می‌خوای چی کار کنی؟

مادرم که عادت نداشت سر کوچه بیش از ۵دقیقه بایستد و با زنهایی مثل مهین خانم دهان به دهان بگذارد، دستم را گرفت و گفت: برویم. الانه که پدرت پیداش میشه! اینم تبریک گفتن خانومه.

*

تا قبل از اینکه با «تبصره» قبول شوم، از وجود چیزی به نام تبصره خبر نداشتم. نمی‌دانستم چه هست و چه نیست ولی خدا خیرش دهد که دیر درخشید اما خوش درخشید و مرا به کلاس پنجم رساند که آرزویم بود.

از قدیم آرزو داشتم به کلاس پنجم برسم. این موضوع علت داشت. علتش این بود که پیش خودم فکر می‌کردم هرکس به کلاس پنجم برسد، در واقع به آخر علم و سواد و دانایی رسیده است. از نظر من سال پنجم تحصیلی پایان تحصیلات بود و دیگر بعد از آن لازم نبود درسی خوانده شود. به همین جهت هم از چند سال قبل قصد داشتم به محض اینکه کار را به کلاس پنجم رساندم، درس را آرام ببوسم و بگذارم کنار اما چه بگویم که ناگفتنم بهتر است، چون نه خواندن پنجم راحت بود، نه پس از خواندنش قسمت شد که با درس الوداع کنم. در حقیقت وارد شدن به کلاس پنجم، مصیبتی بود که باید از قبل آرزو می‌کردم گرفتارش نشوم. بلایی که کلاس پنجم بر سر من آورد، غیر قابل توصیف است. هیچ گرگی چنان بلایی را بر سر هیچ گاو و گوسفندی نیاورده که این کلاس بر سر من!

ورودم به پنجم با شادی و مسرّت همراه بود. بگی نگی احساس پز دادن و حس بزرگ شدن و اکابر شدن هم داشتم. روزی که درهای مدرسه باز شد و ریختیم توی حیاط مدرسه و بعد مثل بچه‌های آدم ریختیم توی کلاس، کسی نمی‌دانست که من با لطف و عنایت تبصره به آن رتبه و مقام رسیده‌ام. البته زیاد طول نکشید که فهمیدم خیلی‌های دیگر مثل من به کمک تبصره بالا آمده‌اند.

ادامه دارد

پژوهش

درنگی در جهان فکری شمس تبریز/ ۳

زبان مقالات شمس

مجدالدین کیوانی

شمس در جایی به صراحت می‌گوید: «در هیچ حدیث پیغامبر نپیچیدم، الا در این حدیث که الدنیا سجن المومن، چون من هیچ سجن نمی‌بینم. می گویم: سجن کو؟» (شمس‌الدین محمد تبریزی، دفتر۲، ص۱۲ـ۱۳). این ماییم که «دلی را کز آسمان و دایره افلاک بزرگ‌تر است و فراخ‌تر و لطیف‌تر و روشن‌تر چرا باید تنگ داشتن و عالم خوش را بر خود چو زنـــدان تنگ کردن؟... ما آنیم که زندان را بر خود بوستان گردانیم» (همان، دفتر۲، ص۱۲). در انتقـــاد از حدیث یا روایت «السلطان ظل‌الله» می‌گوید: «عالم‌الله نور در نور، لذت در لذت، فر در فر، کرم در کرم است. این سایه که می‌بینیم همه دنیاست، همه عالم زشتی وقیح است، فنا و بی‌ذوقی است، چگونه سایه آن باشد؟» (همان، دفتر ۲، ص ۱۱۱ـ۱۱۲). موضوع پاره‌ای از تأویلات شـــمس روایات و احادیثی است که در تاریخ تصوف بسیار به آنها استناد شده است و کمتر کتاب و رساله‌ای در این حوزه یافت می‌شود که دست‌کم به برخی از آنها اشاره نشده باشد، مانند: «لی مع‌الله وقت»؛ «اولیایی تحت قبایی»؛ «ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات»؛ «الفخر فخری»؛ «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا»؛ «من عرف نفسه فقد عرف ربه»؛ «ما وسعنی سمائی و لا ارضی بل وسعنی قلب عبدی المومن»، و بسیاری دیگر.

گفته‌های شمس درباره کتاب الله برخاسته از گرایش‌های تند عرفانـــی و دیدگاه خاص معرفت‌شناختی اوست. او، مثلاً، قرآن را ولی خدا و انسان کامل می‌داند و معتقد است که مقصود از این کتاب آسمانی، تنها الفاظ ظاهر آن نیست، بلکه قرآن حقیقتی کامل است که در هر عصری روح آن در وجود انسان کاملی متجلی می‌شود.

چنان انسان کاملی خود قرآن ناطق است. از این رو، شـــمس تصریح می‌کند که «آنچه تو را برهاند بنده خداســـت، نه آن نبشته مجرد» (همان، دفتر ۱، ص ۳۱۶). شمس از قرآن و پیامبر اکرم(ص) بسیار سخن می‌راند، و این بی‌گمان در مولانا نیز تأثیری ژرف داشته است. مولانا هم در غزلیات و هم در مثنوی خود بارها از «پیغمبر» و «مصطفی» نام برده و به اقوال و اعمال او استناد کرده اســـت. او هم بخش یا کل تعداد کثیری از آیات قرآن را نقل، و غالب آنها را تفسیر فرموده است.

شمس معتقد است: «بالای قرآن هیچ نیست، اما این قرآن که از بهر عوام گفته اســـت، جهت امر و نهی و راه نمودن ذوقی دگر دارد، و آن که برای خواص می‌گوید، ذوق دگر» (همان، دفتر ۱، ص۱۸۴). او به ناسخ و منسوخ قرآن اعتقادی ندارد، زیرا به نظر او کلامی که قدیم است چگونه ممکن است «متلون» باشد. «ناسخ همان منسوخ است. وعد همان وعید است. آن فهم نشد، بدین لفظ دیگر فرمود» (همان، دفتر ۲، ص ۱۰۵). برای درک معنی قرآن، چه ظاهر چه باطن، باید «نور ایمان» داشت؛ و چون «ائمه» شرع را این نور ایمان نبود «معنی ظاهر قرآن را هم راست» نمی‌گفتند. «ایشان را اگر نور ایمان بودی، کی چندین هزار دادندی [و] قضا و منصب بستندی؟»؛ همچون کســـی که «دامن زر دهد، از مارگیر ماری بخرد» (همان، دفتر ۱، ص ۱۴۶ـ۱۴۷).

شـــمس همه کس را قادر به تفسیر قرآن نمی‌داند، ولی توانایی بسیار در خود برای این کار مهم می‌بیند؛ لیکن معتقد است که تفاسیر بی‌بدیلش برای همه کس قابل فهم نیست؛ بعض سخنانش را حتی «من» او هم فهم نمی‌کند و منکر می‌شود. سخن بغرنج و در عین حال جذاب شمس در این باب در صدر بهترین سخنان قصار او جای دارد؛ می‌گوید: «این که نفس من است سخن من فهم نمی‌کند، چنان که آن خطاط سه گون خط نبشتی. یکی او خواندی لاغیر؛ یکی هم او خواندی هم غیـــر؛ یکی نه او خواندی و نه غیر او. آن منم که سخن می‌گویم، نه من دانم و نه غیر من» (همان، دفتر ۱، ص ۲۷۲).

شمس از چهار شیوه تأویل استفاده کرده است که از میان آن‌ها عمدتاً به شیوه اول، یعنی تأویل واژه‌ای به یک مفهـــوم یا به واژه‌ای دیگر، عمل می‌کند. مثلاً، به خلاف دیگر مفســـران که واژه «صدر» را مرادف «قلب» شمرده‌اند، شمس این دو را متمایز از هم می‌داند و «حرم امن» (در ســـوره عنکبوت آیه ۶۷، و در سوره آل‌عمران آیه ۹) را دل آدمی تفسیر می‌کند که جای خداوند است، در حالی که «صدر»، در سوره ناس، را به معنی جایگاه وسوسه‌ها و خوف و خطر می‌گیرد (همان، دفتر۱، ص ۲۱۰)؛ دل آدمی که در میان صدر جای دارد حرم امن الهی و پیرامون آن جایگاهی هراسناک است. شمس در تفســـیر درخواست موسی از خداوند که: «رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی» (اعراف، ۱۴۳) می‌گوید انکار خداوند از شدت تعجب است که ای موسی تو که: «در دیدن غرقی، چون می گویی بنمای تا ببینم؟» حقیقت رؤیت رو به موسی آورده و او را در این رؤیت مستغرق کرده بود. بنابراین، به موسایی که «محبوب‌الله و کلیم‌الله» است و «بیشتر قرآن ذکر اوست» (شمس‌الدین محمد تبریزی، دفتر ۱، ص ۱۷۴)، «چون گمان بریم» که خدا را ندیده است؟

البته شمس را اغلب به سبب همین تفاسیر و تأویل‌هـــای بدیع و «بدعت‌نما» مواخذه و گاه متهم به کفر و الحاد می‌کردند (همان، دفتر ۱، ص ۲۵۸)، «زیرا چون بر معنی ما وقوف نیابند، همین ظاهر ما ببینند» (همان، دفتر ۲، ص ۱۴۱). سبب اختلاف او با بسیاری از مفسران سنتی و استدلالی تا حدی این بود که او نه به تأویلات عقلی، بلکه به «تأویلات کشفی و باطنی» معتقد بوده است. پاره‌ای از تأویلات قرآنی شمس شباهت‌هایی با تأویلات ابن‌عربی و، تا حد کمتری، با تأویلات بعضی از مفسران عارف مشرب، مانند رشیدالدین ابوالفضل میبدی، دارد.

پرسشی که شاید به نظر بسیاری قابل طرح نباشد این اســـت که آیا زبانی که مقالات در آن بیان شده زبان مادری شمس بوده است؟ در عصر حاضر، که «تبریزی» عموماً با زبان ترکی ملازمه تنگاتنگ پیدا کرده است، نا محتمل نیست که به غلط تصور شود که زبان اول شمس ترکی بوده است. حقیقت این است که در زمان حیات شمس هنوز هجوم تاتارهای ترک زبان به نواحی آسیای صغیر آغاز نشده و زبانشان در آن سرزمین همه جاگیر نشده‌بود. به نظر می‌رسد که ترکان سلجوقی نیز حضور چندان موثری نداشـــتند که بتوانند زبانشان را بر جوامع آن روزگار ترکیه تحمیل کنند، به ویژه که خود سخت تحت تاثیر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی بودند. با این همه، باید بدانیم که زبانی که از جهاتی یادآور زبان گویندگان فرارودی قرون چهارم و پنجم ق است، چگونه سر از تبریز در آورده است؟ موحد معتقد است که آذربایجان نخستین بخشی از ایران بود که شاعرانش از الگوی شعرای ماوراءالنهر و خراسان پیروی کردند و به زبان دری شعر سرودند؛ این زبان رفته رفته در آن سامان پرورده شد، به قسمی که وقتی که شمس مقالاتش را تقریر یا تحریر می‌کرد، فارســـی در آذربایجان به مراحل کمال خود رسیده بود. مقالات شمس از نمونه‌های درخشان چنان زبانی است (موحد، شمس تبریزی، ص۸).

باز جای این پرسش است که: آیا شمس در زبان دری «زاده شد» و هیچ سابقه و زمینه زبانی دیگری نداشت؟

به علاوه، بعضی «زمختی‌ها» و ناهمواری‌ها در زبان و بیان این تردید را پیش می‌آورد که دری آذربایجانی به پرداختگی دری ماوراءالنهری نبوده است. شاید هم شمس سلطه‌ای در حد مولانا بر نحو و واژگان فارسی دری نداشته است

با توجه به اینکه تحقیقات نشان می‌دهد که زبان ماوراءالنهری (یا فرارودی) دارای گونه‌های متفاوتی بوده است شاید بتوان «دری آذربایجانی» را یکی از آن گونه‌ها دانست.

با این همه، مقالات شمس را باید یکی از غنی‌ترین منابع برای مطالعه مختصات نحوی و لغوی فارسی در یکی از مراحل تطور این زبان دانست. هنوز جایِ این پژوهش خالی است که معلوم کند که مثلاً ترتیب ارکان و اجزاء جمله به شیوه‌ای که در مقالات به وفور دیده می‌شود(مانند تقدم فعل بر فاعل «دی آمد فلانی»، یا بردن حرف اضافه و مکمل آن، یا جزوی دیگر، به پایان جمله، «جماعتی صوفیان همراه شدند با من»؛ یا «کسی از مرده دارد طمع نماز؟») روال معمول جمله‌سازی در تبریز عصر شمس بوده یا نتیجه بی مبالاتی و شـــتابزدگی او به وقت سخن گفتن، یا صرف گفتاری و غیررسمی بودن سخنان؟ نثر مقالات یقیناً همه جا یکسان نیست. در کنار بخشهای کوتاه و بلند که در عین کهنگی، بسیار دلنشینِ و روان و گویاست، جملات نارسا، مبهم، و بعضاً متکلف نیز اینجا و آنجا به چشم می‌خورد. معلوم نیست که این ناهمسانی نتیجه حالات روحیِ متفاوت شمس در مواقع متفاوت بوده، یا احتمالاً ناشی از کم‌دقتی یا اعمال نظر و سلیقه تقریر نویسان او.

ادامه دارد



از «مقالات شمس»

امیر قبادی

اندر طلب دوست همی بشتابم
عمرم بکران رسید و من در خوابم
گیرم که وصال دوست درخواهم یافت
آن عمر گذشته را کجا دریابم/۱۶۲



انصاف بده تا انصاف ترا به جایی برساند. حفظ الصحهٔ اسهل من طلب الصحهٔ، و حفظ الذنب اسهل من طلب التوبهٔ. چون بدان رنج مبتلا شوی بعد از ترک پرهیز صبر کردن گیری و گفتن گیری که آن قدر صبر چرا نکردم آن وقت؟ آن قدر صبر خود چه بود؟/۱۶۳

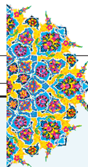
دنیا صاحب جمالی اســـت کافر، چون بنده خدا را دید عاشق شد و مسلمان شد، و آخرت شد، و اسلم شیطانی نشد، و نعم المال الصالح للرجال الصالح شد. آنچه گوید نفس که بتدریج مسلمان شوم، نیک شوم، عین مکرست، و عین طلب فراق است.ضعیف شده و چاره دگرش نیست، مداهنه آغاز کرده است/۱۶۹

تحصیل علم جهت لقمه دنیاوی چه می کنی؟ این رس از بهر آن اســـت که از چه برآیند. نـــه از بهر آن که از این چه به چاههای دگر فروروند. در بند آن باش که بدانی من کی‌ام و چه جوهرم؟ و بچه آمدم و کجا می‌روم؟ و اصل من از کجاست؟ و این ساعت در چه‌ام؟ و روی به چه دارم؟/۱۷۸

تواصل را بگیر، و آنچه جهت جامه می گریی و نان و دشمنکامی، که مرا چگونه خوار نگرند، یا فلان از من بیگانه شود، و فروع دگر، جهت اصل گری، و جهت اصل دلتنگ‌نشین، و ناله کن، و شکایت کن، تا آن فروع را بینی می آید و در پای تو می‌افتد. و همه تصورها و امیریها و رئیسها، و همهٔ سرآمدگان در هر فنی می آیند، و پیش تو روی بر زمین می‌نهند، و ترا بدیشان هیچ التفاتی نی، و هر چند برانی نروند.اما این فرع را می گیری، اصل می‌رود و فرع حاصل نمی‌شود.

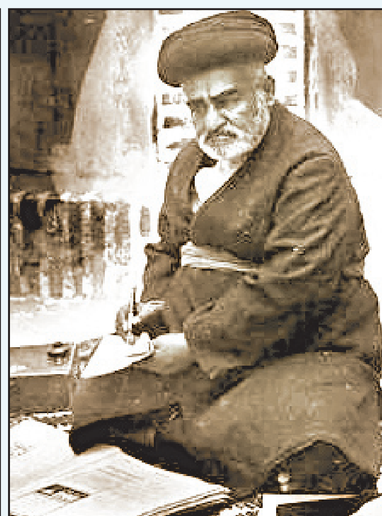
من خود بنهم قاعده‌ای در ره عشق / تا بی‌خبران قدم در این ره ننهند

صحبت بی‌خبران سخت مضر است، حرام است. صحبت نالان حرام است، طعامشان حرام است. طعام حرام که ازان نادانی است آن به گلوی من فرو نمی‌رود. چو طعام او بخورم، چنان باشد که سنگ منجنیق بیاید در خانهٔ آبگینه‌گر، که پُر باشد آبگینه تا به سقف، از آلتهای آبگینه‌گین و کاسه‌ای آبگینه‌گین. اصل خود را رها کرده و خوار کرده از بهر اعزاز فرعی، که هرگز عزیز نخواهد شدن، گوسفند سر خود می‌بیند که دولکیس می‌ارزد، و دنبهٔ خویش نمی‌بیند، پسش انداخته است، اصل آن ست. شادی را رها کرده غم را می‌پرستند. این وجود که بدو مغروری همه غم است. تو این ساعت غمگینی؟



نسیم شمال به روایت دکتر یوسفی

شاعر مردم







■ دکتر یوسفی

شرح

سید اشرف صفات حسنه و اخلاق مذهبی داشت و به حب وطن مفرط و تنفر شدید از اولیای دولت مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه و به اصطلاح آن وقت مستبدین آن دوره مشهور بود.»

همه اینها حکایت می‌کند از اخلاص و صدق عقیده سیداشـــدف‌الدین در دفاع ازوطن و مردم بی پشـــت و پناه و رفتار و کـــردار مطابق گفتار او و حمایت به‌تمـــام معنی از طبقات زحمتکش در هر زمینـــه. در همه اشـــعار وی این روحیه منعکس اســـت: در فکاهیات، در آنچه با عنوان « دری‌وری»، در شماره‌های مختلف نسیم شمال بطبع رسیده، در حکایات و گفتگوها، در اشعار جدی و زیبا مانند مستزاد « درد ایران بی‌دواست»، مرثیه و مستزاد «ای وای وطن، وای» و حتی در لالاییها و تصنیف‌ها.بعلاوه اعتقاد استوار او به دین مبین اسلام ـ که بصور گوناگون در نسیم شمال منعکس است ـ و تکیه بر ایمان راسخ و صادقانه به وی شهامتی بارزبخشیده است که در ترجیع یک شعر معروف « نه از کشتن، نه از بستن، نه از زنجیرمی‌ترسم»، بدان تصریح کرده است.

علاوه بر جوهر و درون‌مایه اجتماعی و انتقادی شعر سید اشرف‌الدین و سخن از دل برآمده وی، نکات ظریف دیگری نیز شعر او را دلنشین کرده و بدان رواج و اشـــتهار بخشیده است که در خور توجه است.

نخست طرح مسائل جدی بصورت فکاهی همراه با طعن و طنـــز و کنایه بنوعی که هر کس از تـــوده مردم در عین حال که با لذت خاطر آن را می‌خواند یا می‌شنید می‌دید سراینده درد دل او و امثال او را بیان کرده و از زبان او سخن گفته است. دیگر، پروراندن این معانی به زبان ساده گفتار مردم کوچه و بازار، فارغ از هر نوع محافظه کاری ادبی. سید اشرف‌الدین هرگونه لفظ و ترکیب و اشاره و تعبیر و مثل و نیز هر جا زبان شکسته را برای بیان مقصود خود لازم دیده بی‌پروا در شعر آورده زیرا منظور او انتقال افکار و معانی به مردم هم به زبان مردم بود بطوری که هر چه زودتر و آسان‌تر و بهتر به منظور پی‌برند.

بسیاری از شـــعرهای او در قالب مستزاد، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و تخمیس و امثال آن طوری است که غالباً یک مصراع بصورت بند و برگردان تکرار می‌شـــود و این کیفیت از یک طرف بر اثر تکرار، جان کلام را مرکوز ذهن خوانندگان می‌کرده است و از طرف دیگر بخاطر سپردن اشعار را آسان می‌نموده است. بخصوص وقتی این برگردان مثلی عامیانه و مشهور بود این قوت تأثیر و سرعت رواج به اوج می‌رسید، از موفق‌ترین و مشهورترین آنها شعر «تهدید» است با بند معروف: «آهسته بیا، آهسته برو که گربه شاخت نزنه» در موضوع دست به‌عصا راه رفتن مطبوعات که به قول ابوالقاسم حالت «این قطعه بقدری شهرت یافت که بعدها جمله آهسته بیا، آهســـته برو که گربه شاخت نزنه، مخصوصاً درروزنامه‌نگاری اصطلاحی شد که برای برحذر داشتن از تندروی بکار می‌رفت.»

نکته دیگر ابتکاراتی است که سیداشرف‌الدین در چگونگی طرح مطالب اندیشیده است. شادروان یحیـــی آرین‌پور با نقل قســـمتی از نامه منظوم ملک‌الشعراء بهار خطاب به صادق سرمد مبنی بر این که احمدای سید اشرف به سبکی تازه و بی‌بدل اما مقتبس از هوپ هوپ نامه بود و نیز با مقایسه چندین شعر از آثار میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر شروانی (پ۱۲۷۹ ـ ۱۳۲۹هـ‌ق.)، شاعر آزادیخواه روزنامه ملانصرالدین چاپ قفقاز و سراینده هوپ هوپ نامه به ترکی، به این نتیجه رسیده که برخی اشعار سید اشرف‌الدین «اقتباس یا ترجمه آزادی است» از اشعار صابر شروانی و اشرف‌الدین «در این قســـمت از اشعارش در واقع مترجم و ناقل افکار صابر برای فارسی‌زبانان بود». اشرف‌الدین به هوپ هوپ نامه و روزنامه ملانصرالدین توجه داشـــته چنان که شعری دارد با عنوان «عتاب و خطاب به ملانصرالدین تفلیسی» و دیگری با عنوان «جواب آخوند ملانصرالدین» که برخی مصراعهای آنها نیز به ترکی است. اما در دیوان او شعرهای زیادی نیز هست که در هوپ هوپ‌نامه نظیر آنها وجود ندارد و ابداع طبع اشرف‌الدین است، از جمله مستزادهای زیبای «ای وای وطن، وای»، «درد ایران بی‌دواست» و بسیاری دیگر. در این‌گونه مواردست که حسن ابتکار شاعر بصورتهای رنگارنگ و دلپذیر جلوه‌گر می‌شود، نظیر: «گدایی قدغن شد»، «سؤال دختر از مادرش که سمنو را چه‌طور می‌پزند»، «شکایت تازه عروس بی‌علم از شوهر خود»، «جنگ میوه‌جات»، «خطاب به فرنگیان»، «زغال زرورق‌زده سال ۱۳۲۵ هـ‌ق»، «قیمه با غین نیســـت»، «خروس و کلاغ»، «عالم صلح، یک مکاشفه راجع به جنگ بین‌المللی» و امثال آنها.

گاه ســـید اشـــرف‌الدین غزلهایی از حافظ به‌صورت مخمس یا مسدس تضمین ـ کرده است که غالباً جدی و گاه توأم با شـــوخی است و نیز بمناسبت ۱۹ محرم‌الحرام ۱۳۳۵ قسمتی از دوازده بند معروف محتشم کاشانی را به همین منوال تضمین نموده اســـت. ترجمه منظوم او از برخی فابلهای لافونتن و فلوریان ـ ماننـــد «گرگ و بره»، «کلاغ و روباه»، «بلبل و مورچـــه» ـ در مجموعه گلزار ادبی از نمونه‌های خوب شعرهای ساده و کودکانه است. مطالعه کلیات نسیم شمال (کتاب باغ‌بهشت) خوانندگان را با انواع گوناگون اشعار سیداشرف‌الدین آشنا خواهد کرد. اما آنچه در این‌جا مورد نظرست بحث درباره یکی از فکاهیات اوست که این نوع شـــعر مظهر بارز هنر وی بشمار می‌آید و موجب اصلی اشتهارش.

لقمه‌لقمه

بچه‌جون داد مکـــن الولو میاد
داد و فریـــاد مکـــن الولو میاد
۱ خفه‌شـــو الولو میاد می‌بردت
در لـــب آب روان مـــی دردت
لقمه‌لقمه سرپا می‌خوردت
از وطـــن یادمکن الولـــو میاد
بچه جون داد مکـــن الولو میاد

۲ به تو چه مـــرده یکی زاغ پیر؟
دخترانش همه مفلوک و صغیر
همه عریان و پریشان و فقیر
فکـــر اولاد مکن الولـــو میاد
بچه جون داد مکـــن الولو میاد
تو کجا صحبـــت صلحیّه کجا
قدرت نطـــق بـــه عدلیّه کجا
قصه آن زن علویه کجا
جعل اســـناد مکـــن الولو میاد
بچه جون داد مکـــن الولو میاد
بس که خوردی نفست به گلو میاد

شـــعر مایه‌ای از فرهنگ عامّه است. «الولو» موجودی است خیالی که اطفال را بدان می‌ترسانند و کم‌کم صورت مخفف آن، «لولو»، بیشتر رایج شده است. شاعر از این سابقه ذهنی و موضوع رایج و زنده و عوامانه استفاده کرده تا هم حرفهای خود را بکنایه بزند و هم بطعن بگوید همه حرفی را نمی‌توان زد و سر و کار گوینده با «اُلولو» خواهد بود. شعر وزنی تند و زنده دارد در بحر رمل، متناسب با شور و اضطراب، آغاز آن بسیار ساده و بچگانه است، با مطلع و زبانی همه‌کس فهم. «داد کردن» و «دادن و فریاد کردن» از سویی تناسب با کودکی ناآرام دارد و از سویی دیگر بایهام با بانگ برآوردن و آنچه ناگزیر تهدید و تحذیر را پیش می‌آورد یعنی درون مایه اصلی شعر.

این شعر را توده مردم کوچه و بازار و پیشه‌وران و کودکان و همگان می‌فهمیدند بخصوص که شاعر هر نوع کلمه را از زبان آنان در شـــعر بکار می‌برد. بعلاوه آهنگ شعر طوری اســـت که بآسانی در خاطر جاگزین می‌شود و نیز مثل بسیاری از آثار و مستزادهای سیداشرف‌الدین بند مکرر دارد که کمک می‌کند به ترویج شعر. اندیشه حاکم بر ذهن شاعر آن است که «از وطن یاد مکن» و یا بهتر از وطن یاد نمی‌توان کرد زیرا موجب خطرست.

بند دوم حاوی وصف فقر و پریشـــانی زارع پیرست و افراد خانواده‌اش، با انتقادی غیرمستقیم بصورت «به تو چه؟» که بندهای ۳ و ۴ را نیز در بر می‌گیرد با تکرار همان تهدید.

بند سوم نمودار تابلویی است دیگر: فقیران و دشمنان ایشان که بصورت گرگان در کمین تصویر شده‌اند، فکری که در بسیاری از اشعار نسیم شمال از تقابل و تضاد این دو گروه مطرح است و به‌همین سبب سراینده در زندگانی عملی از هر نوع ارتباط باگروه دوم پرهیز داشت. باز هم آگاهاندن است که نقل فرهاد به زبان شیرین برای ملت گفتن عاقبتی ناگوار دارد.

شیوه بیان بند ۴ نظیر بند ۲ است منتهی این بار در عین ایجاز از سه گروه و احوال آنان یاد می‌شود: رنجبران، اهل بازار و فقیران، همچنان که شاعر در دیگر آثار خـــود نیز به همه موضوعات و طبقات مختلف می‌پردازد. بند ۵ مربوط اســـت به انتقاد سراینده از عقاید خرافی مردم و غم و گرفتاری آنان. چنان که سخن از مرشد و رمال در بند ۶ نیز به همین منظورست. گفتم شعر مردمی نسیم شمال ناظر بر انواع گرفتاری‌های مردم است از جمله گرانی ارزاق، رفتار کاسبان و امثال آن. از این رو در این جا نیز از بقال و قصاب و قناد سخن می‌رود. تکرار و تأکید که از ویژگی‌های شعر سید اشرف‌الدین است سبب می‌شود که در بند ۷ همان لحن تجدید شود اما اینک در موضوعات دیگر: افسوس بر حال وطن، سخن از احوال زنان، ... اما جان کلام آن است که «صحبت آزادمکن».

بند ۸ بر حذر داشتن از انتقاد بزرگان است که موجب عمده پرهیز و خویشتن‌داری منظور در این شعرست. یاد از تاریخ گذشته و بزرگان پیشین و عظمت آنان به کنایه تحقیر وضع زمان است و قیاس گذشته و حال. در بند نهم شاعر بر اساس اعتقادات راســـخ دینی خود بر بی‌توجهی جامعه نسبت به فضائل دینی و اخلاقی انگشـــت نهاده و اینک به جنبه‌ای دیگر از معایت اجتماع پرداخته است.

بندهای ۱۰ و ۱۱ انتقاد از فکلیها و فرنگی‌مآبهای ظاهربین و رفتار خلاف اخلاق و باده‌نوشـــی و سورچرانی آنهاست و بند ۱۲ زشت شمردن عادات بد برخی از مردم و رواج شـــیره و تریاک و نیز دل خوش کردن و راضی شدن به آنچه موجودست که از اضطرارست و ناامیدی.

سپس از آشفتگی و بی‌نظامی اوضاع در تمثیل ســـاده چغندر شلغم شدن سخن می‌رود (ب ۱۳) و این که انتقـــاد و فضولی در کار عدلیه موقوف! (ب۱۴).

اندیشه اصلی مبنی بر آن که مجال انتقاد نیست در همه بندها مکررست و نیز تمثیل دشمن آزادی به «اُلولو».

در اشعار سیداشرف‌الدین هم ناله دل شکسته و نومید به گوش جان می‌رســـد و هم دعوت به حرکت و بذل همت و نوای شـــورانگیز و گرم آرزوهای خوش و امید به آینده، زیرا وی شاعری بود دوستار و حامی ملت مظلوم ایران، از این رو هم از گرفتاریهاشان در رنج بود و هم بهروزیشان را آرزو می‌کرد و به این امید به زبان شیرین فارسی عوامانه ـ که همه از زن و مرد و خرد و بزرگ و باســـواد و بی‌ســـواد درک می‌کردند ـ شعر می‌سرود و قلم ـ می‌زد. و در هر حال به قول جمال‌زاده «خدمات بســـیار گرانبهای این مرد شریف در راه بیداری ما ایرانیان ... و نیز خدمتی که ... او به زبان فارسی نموده است در تاریخ انقلاب ایران و در تاریخ ادبیات ما ثبت شده است.»

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۲ تیرماه ۱۳۵۵ (برابر با ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۹۶، ۲۱ ژوئن ۱۹۷۶) نقل شده است.

برنامه خاموشی برق تغییر میکند

مهندس مجید رحمانی مدیر عامل شرکت توانیر و مسئول تولید و انتقال برق اعلام کرد که در برنامه خاموشی‌های موضعی برق تغییراتی داده شد و برای جلوگیری از خاموشی‌های ممتد، ساعت کار واحدهای کوچک صنعتی تغییر خواهد کرد و به‌علاوه به‌جای قطع برق یک محله دستور داده شده چراغ برق خیابانها را یک در میان خاموش کنند.

مهندس رحمانی که در کلوپ روتاری شمال تهران تحت عنوان «آینده برق کشور» سخنرانی می‌کرد این فرض را که قسمتی از تأمین برق را بخش خصوصی به عهده گیرد رد کرد و گفت توزیع و فروش این نیرو برای بخش خصوصی مقرون به‌صرفه نیست و هیچکس حاضر نمی‌شود در این رشته سرمایه‌گذاری کند.

قرارداد اتوبان تهران خوزستان به‌زودی امضاء میشود

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: در پی تسریع در احداث اتوبان تهران ـ خوزستان به زودی قرارداد ایجاد این اتوبان ۶ باندی به امضاء میرسد و ساختمانش بلافاصله آغاز می‌شود.

جواد شهرستانی وزیر راه و ترابری که به خوزستان سفر کرده بود پس از بازدید از راه‌های اصلی خوزستان و شاهراه تهران ـ خوزستان ضمن اعلام این مطلب در گفتگویی با خبرنگار ما اظهار داشت: با بودجه‌ای که در اختیار استان خوزستان قرار میگیرد ظرف ۳ ماه آینده جاده‌های اهواز ـ بندر شاهپور و آبادان ـ بندر شاهپور مرمت میشود. همزمان با شروع ساختمان اتوبان ۶ باندی تهران ـ خوزستان که پس از ۴ سال مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد ساختمان راه‌آهن برقی دو خطه اهواز ـ بندر شاهپور و اهواز ـ خرمشهر شروع میشود.

اراضی کوچک زراعی به واحدهای بزرگ تبدیل میشود

بانک تعاون کشاورزی، با جمع‌آوری کشاورزان کوچک در واحدهای بزرگ زراعی، بهره‌گیری از اراضی کشاورزی را سودآور خواهد کرد.

این مطلب را آقای مهندس رضا صدقیانی وزیر تعاون و امور روستاها در جریان گشایش مجتمع فوق‌العاده بانک تعاون کشاورزی اعلام کرد و بدین ترتیب او نیز به خیل طرفداران بهره‌گیری از واحدهای بزرگ زراعی پیوست. وزیر تعاون اضافه کرد: توسعه مکانیزاسیون در سطح مزارع، از برنامه‌هایی است که طرف توجه بانک تعاون قرار گرفته است و تبدیل سطوح کوچک زراعی به محدوده‌های وسیع زراعی و به کار گرفتن تکنولوژی در کار کشت محصولات، از برنامه‌های آتی این بانک خواهد بود.

۲ تروریست در تهران کشته شدند

برابر گزارش خبرنگاران شهری ما، صبح و بعدازظهر پریروز به دنبال یک درگیری مسلحانه بین مأمورین انتظامی و عناصر تروریست دو نفر از خرابکاران در خیابان‌های عباس‌آباد و تهران‌نو کشته شدند.

ساعت ۱۰/۵ صبح، در حالی که مأمورین قصد داشتند یک نفر تروریست (علی رحیمی) را در خیابان عباس‌آباد نزدیک سینما شهر فرنگ دستگیر نمایند، تروریست مذکور اقدام به تیراندازی به سوی مأمورین کرد و چند لحظه بعد بر اثر تیراندازی متقابل از پای درآمد. بعدازظهر پریروز نیز مأمورین محل اختفای تروریست دیگری را که در یکی از خانه‌های منطقه وحیدیه قرار داشت شناسایی و پس از خروج وی از منزل موقعی که درصدد دستگیری او بودند تروریست مزبور برای فرار از دست مأمورین اقدام به تیراندازی نمود و بر اثر این تیراندازی جوان عابری کشته شد و یکی از مأمورین نیز از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

مأمورین دیگر بلافاصله با تیراندازی متقابل به آتش خرابکار جواب دادند و در جریان این برخورد سرانجام تروریست مورد بحث کشته شد.

هویت این خرابکار بعداً اعلام خواهد شد.

واگذاری ۱۰ هزار شماره تلفن کامپیوتری

مرکز تلفن کامپیوتری حافظ به زودی شروع به کار خواهد کرد و برای اولین بار واگذاری ده هزار شماره تلفن کامپیوتری به متقاضیان تلفن این مرکز آغاز خواهد شد.

ظرفیت نهایی مرکز تلفن حافظ که محل نصب آن در خیابان حافظ است ۲۰ هزار شماره تلفن است که ده هزار شماره آن از نوع تلفن‌های معمولی و ده هزار شماره آن تلفن کامپیوتری است.

قاب امروز



نسرین علیزاده هنرمند خود ساخته مازندرانی – امیرعلی رزاقی – مهر

سرایه

گر ملک تو شام و گر یمن خواهد بود
وز سر حد چین تا به ختن خواهد بود
روزی که ازین سرا کنی عزم سفر
همراه تو هفت گز کفن خواهد بود

ابوسعیدابوالخیر

پند بزرگان

–نیک‌بخت‌ترین مردم کسی است که کردار را به سخاوت بیاراید و گفتار را به راستی.

ابن سینا

–دهان خردمند در قلب اوست.

بنجامین فرانکلین

امروز در تاریخ

تاجگذاری اردشیر پاپکان در معبد آناهید

۲۳ ژوئن سال ۲۲۶ میلادی (دوم تیرماه) اردشیر پاپکان در معبد آناهید (آناهیتا) تاجگذاری کرد و شاه ایران شد و ناسیونالیسم ایرانی را بر محور ملت‌گرایی و آموزشهای زرتشت احیاء کرد. با پیروی از روش اردشیر بود که قرنها بعد دیلمیان، صفویان و ... ناسیونالیسم ایرانی را بر محور ایران‌دوستی و شیعه اثنی عشری زنده کردند.

اردشیر که قبلاً حکمران پارس (عمدتاً فارس، کرمان و سیستان) و نگهبان آتشکده آن منطقه بود پیش از تاجگذاری، حکومت اشکانیان را که بر اثر فساد داخلی رو به ضعف گذارده بود و در برابر رومیان کوتاه می‌آمد برانداخت. اردشیر که بعداً رومیان را هم از مشرق زمین عقب براند در مراسم تاجگذاری خود، همانند داریوش بزرگ گفت که به خواست اهورامزدا شاه ایرانیان (تلفظ آن زمان: اریان) می‌شود که مردمی نجیب و بزرگوار هستند و دروغ نمی‌گویند.

سالمرگ جمشید کاشانی ریاضی‌دان ایرانی

۲۲ ژوئن سال ۱۴۲۹ میلادی جمشید کاشانی (غیاث‌الدین) ریاضیدان و فضاشناس ایرانی در سمرقند درگذشت. وی به دعوت الغ بیگ حکمران تیموری وقت و پسر شاهرخ میرزا به سمرقند رفته بود تا در مدرسه عالی علوم این شهر تدریس و در رصدخانه آنجا به اکتشافات فضایی تازه دست بزند. جمشید کاشانی به خاطر کشف قضایای کسینوس در مثلثات، تهیه جدول ستارگان، تکمیل علم حساب و رصد یک خورشیدگرفتگی از نامداران تاریخ علوم است. در فرانسه هنوز یک قضیه کسینوس را «تئورم کاشی» می‌خوانند. جمشید کاشانی که در سال ۱۳۸۰ میلادی در کاشان به دنیا آمده بود، در زمان خود همچنین بُعد (فاصله) بسیاری از ستارگان از زمین و از خورشید و نیز حجم آنها را اندازه‌گیری کرده بود.

ایجاد پلیس نوین ایران

ماموران پلیس نوین ایران (سَبک فرنگ) با لباس ویژه (یونیفورم اروپایی) از دوم تیرماه ۱۲۹۲ در خیابانهای تهران به پاسبانی سرگرم شدند. پلیس نوین ایران توسط چند افسر سوئدی به ریاست سرهنگ وستداهل سازمان یافته بود. طبق مندرجات دفتر اسلحه‌خانه نظمیه، پلیس تهران و شهرری در دوم تیرماه سال ۱۲۹۲ هجری خورشیدی تنها یک هزار تفنگ عمدتاً ساخت روسیه در اختیار داشت.

www.iranianshistoryonthisday.com

سودوکو ۱۶۵۶

		۴		۶	۳		۲	۸
			۷				۶	
۱					۸			
	۷	۵		۸		۶		۲
۳		۲		۹		۴	۷	
			۶					۹
	۹				۷			
۸	۳		۲	۱		۵		

۸	۲	۶	۵	۱	۳	۴	۷	۹
۴	۷	۹	۸	۲	۶	۵	۱	۳
۵	۱	۳	۴	۷	۹	۸	۲	۶
۶	۸	۲	۳	۹	۵	۱	۴	۷
۱	۵	۴	۶	۸	۷	۳	۹	۲
۳	۹	۷	۲	۴	۱	۶	۸	۵
۷	۶	۸	۱	۳	۲	۹	۵	۴
۲	۴	۵	۹	۶	۸	۷	۳	۱
۹	۳	۱	۷	۵	۴	۲	۶	۸

حل ۱۶۵۵

۴۱۶۹ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

حل ۴۱۶۸

				نازیبا	عقاید / فیبر سفید	ا	صحرای بی آب و علف	پایتخت مشروطیت
				ز	ی	ر	ب	ت
				ش	و	ا	ی	س
				ت	ن	یادداشت / رفوزگی	ا	پسر کیکاووس / سایبان چشم
				منسوب به هنر	و	ر	ب	ا
کمک فرنگی	لقب ارسطو	خ	هزینه	ه	ل	د	ا	جمع دلیل
ه	م	ر	گله گوسفندان	ن	ی	ی	ن	از جنس نی / زمان استراحت
ل	ع	ج	سند سازی / دست سودن	ر	ت	نوعی شیرینی / مقابل اخروی	ب	ش
پ	ل	گونه / پرده در	ل	ی	پهلوان / دایره	د	ر	س
اهلی	م	ه	م	با اهمیت / مقیم	گ	ن	ه	مقابل گرم / واحد نظامی
ر	ا	ت	س	آ	ر	ی	و	ادیتور، مصحح
ا	و	ا	صدا	ه	د	و	ت	س
م	ل	ک	سبزی پیچیده	ل	ی	ی	سال آذری	ستایش شده

				همبازی لورل	کار و فعل / ۱۸۰:۲		جویای حال کسی شدن	پایین کوه
								د
								خوراکی نذری
						محل ورود / دارای رنگ غلیظ یا تند		
				د	نگاه کرد			الفت / UP
هافبک بارسلون	بلدیه امروزی	ق	کاریز					شیوه زندگی اشراف / منقضی
			قلمه درخت / واگیردار	زیستمند نیازمند اکسیژن				س
								پ
					فیلم‌های غرب وحشی / کلمه‌ای برای تأکید			آبزی هوایی! / حیوان وفادار
		ویتامین زمستانی!				دفعه / پرنده شکاری		
		سنگ آسیاب / شایعه					مسابقه / وحشی	قیمت بازاری
			خواب کوتاه					خ
				خواب شیرین				الهی / سارق